تاریخ جراید و مجلات ایران

جلد سوم

تألیف محمد صدر هاشمی

قیمت یک دوره ۴ جلدی ۱۷۵۰ ریال

جلد سوم

تاریخ

جرایدومجلات ایران

تألیف

آقای

محمد-صدر هاشمی

اصفهان

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنوز چند ماهی از انتشار جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران نگذشته است که وسایل طبع جلد سوم آماده میگردد و بیاری خداوند وتشویق دوستان و اهل فضل بچاپ این مجلد مبادرت مینمائیم • از نامه هائیکه از اطراف پس از نشر جلد دوم بما رسیده چنین استنباط میشود که پس از نشر جلد اول کسانی تصور میکرده اند کار ودوره فعالیت ما با انتشار همان مجلد خاتمه یافته و دیگر مجلدات کتاب برای همیشه یا لا اقل برای مدت مدیدی در وته اجمال و فراموشی گذاشته خواهد شد •

اما وقتی دیدند هنوز چند ماه از انتشار جلداول نگذشته بود که جلد دوم کتاب در دسترس علاقه مندان گذاشته شد بیش از پیش پشت کار و علاقمندی ما را باین کار بزرگ ستودند و مقالات و نامه هائی مبنی بر تشویق اینجانب مرقوم داشته که ما بدین وسیله ازیك‌یك صاحبان آن مقالات و نامه ها سپاسگذاری مینمائیم و همانطور که در مقدمه جلد دوم یاد آور شدیم اگر بخواهیم تمام این نامه ها و مقالات را بطبع برسانیم رساله علیحده میگردد لذا بچاپ چند تای آنها میپردازیم •

نامه هفتگی صبا در شماره ٤٠ دوره هشتم خود مورخ چهار شنبه ٢٦ بهمن ١٣٢٨ مینویسد : « جلد دوم تاریخ جراید و مجلات ایران بتازگی منتشر شده است کسانی که جلد اول این کتاب را دیده اند ارزش زحمات طاقت فرسای آقای صدر هاشمی مولف آنرا میدانند • کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در حقیقت یك دایرة المعارف مطبوعات ایران است که در طی مقدمه مفصلی در باره تاریخ عمومی مطبوعات اظهار نظر میکند و سپس در باره هریك از مطبوعات ایران بترتیب‌الفبائی و شرح حال مدیران آنها سخن میراند • آقای صدر هاشمی مولف دانشمند و زحمت کش این مجموعه در طی تتبعات فراوان خود گوشه های تاریك تاریخ مطبوعات ایران را روشن کرده و از روزنامه های کمیاب که شما احیاناً اسم آنرا نشنیده اید بتفصیل و با ذکر نام و نشان و نقل مندرجات و تفصیل حال مدیر و موسس گفتگومی کند • بهمین جهت این کتاب عادی نیست و یك نوع ابداع در تاریخ مطبوعات‌ایران است که افتخار آنرا دوست عزیز ما ربوده است • این کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران با جلد دوم تمام نمیشود و مجلدات دیگر آن در دست تألیف و چاپ است وامید واریم مولف بزرگوار با کمال خدمت بزرگ خود توفیق یافته دفتر تاریخ مطبوعات ایران را کامل سازند •»

دانشمند محترم آقای عبدالحسین سپنتا در شماره ١٨١ روز نامه سپنتا در ذیل عکس این جانب نامه استاد بزرگوار آقای جمال زاده را تحت عنوان (تقدیر از آقای صدر هاشمی) بدینقسم چاپ کرده اند • « حضرت آقای محمد صدر هاشمی زید افضاله دو جلد کتاب مستطاب تاریخ جراید و مجلات ایران که از راه لطف و تفقد برای‌حقیر ارسال فرموده بودید موجب نهایت امتنان گردید دلم میخواست فرصت و مجال مو سعی بود تا بیشتر در تقدیر زحمات بی پایانیکه درتدوین این کتاب متحمل شده اید تصدیع

میدادم ولی چنانکه شاید خاطر محترمتان مسبوق است این ایام خیلی گرفتار م و ساعات وحتی دقایقم تعلق بخودم نیست مختصر ومفید تبریك بگویم • خدمت عمده به مطبوعات و تاریخ ادبی و مطبوعاتی مملکت ما نموده اید که در آینده نزدیك و دور عده زیادی از علاقه مندان بسیر ادبی و فکری ملت ایران چه از داخله وچه درخارجه ممنون سرکار عالی خواهند بود • ایکاش در جلد سوم که عالمی چشم براه آن هستند نتیجه تتبعات و تحقیقات خودتان را در باره مراحلی که مطبوعات ایران در زمینه ا نشاء و املاء و فکر ومعنی و طرز اسلوب طی نموده در ضمن فصل یا باب جدا گا نه ملحق میساختند و در واقع دنباله مطالب و تحقیقات بسیار فاضلانه و سود مند ی که در مقدمه آورده اید تحولات ظاهری و باطنی جراید و مجلات ایران را از لحاظ چند روشن می ساختید و بار این زحمت را از دوش علاقمندان برمیداشتید و د ر حقیقت نتیجه ز حما ت خودرابا استنباطاتی که در ضمن مطالعات حاصل گردیده مزیداً للفایده هدیه دیگری برای خوانندگان میآوردید هر چند با طبع نقادی که دارید خیلی احتما ل میر و د که خودتان این فکر را داشته باشید و در اینصورت جداً از فضولی و جسارتی که ر فته معذرت میطلبم • یقین داشته باشید که ولو مجلدات بسیاری از این کتا ب د ر داخله بفروش نرود ، در خارجه مورد نهایت توجه و اعتنا قرار خواهد گرفت وسالیا ن دراز بر طبع وهمت و ذوق مولف محترم آن آفرین خواهند خواند • چون کتاب رابطور بسیار مختصر و مجمل در این مدت از دیشب بامروز تنها تصفح کرده ام بهیچ وجه من الوجوه اجازه انتقاد بخود نمیدهیم و فعلا همینطور ازطالع خود ممنونم که توا نستم در خود اصفهان نتیجه پشت کار و تحقیقات عمیقه یکنفر از همشهریان عز یز و با همت خو د را که بلا شك ازمفاخر این سر زمین بشمار خواهد رفت از نزدیك زیارت نمایم خداوند یار و یاور سرکار عالی و تمام اشخاص فضل دوست و دانشمند و با همت باشد وباهالی این شهر که از موهبات الهی حصه عظیمی دارد سعادتی نصیب نما ید که ما نند مو لف تاریخ جراید و مجلات ایران همشهریهای زیاد داشته باشند و از نعمت قدر شناسی و تشویق هم محروم نمانند• ارادتمند • سیدمحمد علی جمالزاده ـ اصفهان ١٤ بهمن ١٣١٨»

آقای سپنتا در شماره ١٧٩ روز نامه خود در باره جلد دوم کتاب تحت عنوان « باز هم یك کتاب بی نظیر » اینطور اظهار عقیده مینمایند : « بسیار خوشو قتم که عمری باقی بود و بآرزوی یکسال ونیم قبل خود نائل شده جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران را دیدم • فاضل محترم آقای محمد صدر هاشمی کمر بخدمتی بسته اند که نه فقط هر روزنامه نگار و مرد مطبوعاتی باید سپاسگذار زحمات طاقت فر سا ی ایشان باشد بلکه تاریخ آزادیخواهی ایران که از قلم و روزنامه شروع میشو د قطعاً برای این اقدام بی سابقه آقای صدر هاشمی احترام و ارزش فراوان قائل است بکوری چشم دشمنان آزادی قلم باید گفت کشوری که بآثار ارباب مطبوعات خود اهمیت ندهد از مزایای تمدن واقعی و لیاقت آنچه را جهان کنونی مفهوم انسانیت میداند محروم است • اگر ایرانی اززحمات وفداکاریهای ملکم خان در روزنامه قانون ومویدالاسلام

در جریده حبل‌المتین و جهانگیرخان در نامه صور اسرافیل و امثال آن پیشروان مطبوعات آزادیخواه اطلاع نداشته باشد و درقلب خود نسبت بآن رادمردان از جان گذشته احترام نگذارد نمیتواند حس کند که قلم و فضل و شهامت وقتی با هم توام شد ضامن استقلال و بقای کشور است • آقای صدر هاشمی با نشردوجلد کتاب‌نامبرده در بالا وسیله مطالعه در این باب را در اختیار فرزندان این آب وخاك هنر پرور قرار داده اند و امیدواریم با انتشار سایر مجلدات آن مجموعه گرانبها و بی نظیری از اسامی و تاریخ و چگونگی جراید و مجلات ایران تقدیم دنیای علم وفرهنك نمایند • ما یقین داریم این کتاب همانطور که برای فرزندان ایران یاد آور زحمات و خدمات مطبوعاتی پدران نویسنده و با شهامت آنهاست همانطور نیز برای دانشمندان خارجی‌و محققین علاقه مند بمطبوعات وسیله خوبی جهت مطالعه و تحقیق میباشد که‌بوسیله‌آن می توانندبارزش مطبوعات ایران و تاثیر آن در سیاست و آزادیخواهی پی ببرند وبعقیده نگارنده این خود بزرگترین پاداش و بهترین تقدیریست که در نگارش این کتاب نصیب نویسنده فاضل آن میتواند بشود •»

دانشمند محترم و نماینده مجلس شورایملی آقای عبدالرحمن فرامرزی درشماره ۲۰۴۱ سال هشتم روزنامه کیهان منطبعه طهران در باره کتاب اینطور مینویسند: « امروز کتاب بسیار زیبا و مفید و نادرالوجودی بدست من افتاد • این کتاب جلد دوم (تاریخ جراید و مجلات ایران) بود که اگر خوانندگان محترم بخاطر داشته باشندسال گذشته چند سطری در تقریظ جلد اول آن نوشتیم و اظهار امید کردیم که آقای‌محمد صدر هاشمی نویسنده مبتکر ومتتبع آن بتواند این اثر مفید خودرا تمام کند •

انسان در میان اینهمه بیهوده گوئیها و ژاژخوائیها وقتی بیك اثر مفید و زیبائی میرسد حالت آن گم گشته ئی را پیدا میکند که در یك بیابان سوزانی سر گشته و حیران باشد و یکدفعه بواحه سبز و خرمی برسد • راستی چطور میشود که گاهی‌یك نویسنده در میان این همهمه های بیهوده که مثل هیاهوی آسیای خالی میماند بکر می افتد که ازخود یك اثر جاویدانی بگذارد که همیشه مورد احتیاج اهل فضل و ارباب بحث و تحقیق گردد و چه چیز آقای صدر هاشمی را وادار بتألیف این کتاب ساخته و اینهمه اطلاع را از کجا آورده است •

من وقتی این آثار گرانبهارا را می بینم درعقیده خود بآزادی قلم راسخ ترمیشوم کتاب خوب ، شعر خوب ، مقالات خوب ، رسائل خوب مثل یك گل بیش رس خود بخود بوجود نمی آید باید قلم آزاد باشد ، نویسندگان بنویسند سرایندگان بسرایند محققین بحث و تحقیق کنند تا روزگار از میان آنها بحکم بقای انسب آنچه بهتر است انتخاب کند و جاوید بگذارد •

شما خیال میکنید نقاد روزگار از میان چند هزار شاعر یك فردوسی و یك نظامی و یك سعدی و یك حافظ را انتخاب کرده و بدست هر کسی داده است که‌اندکی ذوق شعر و ادب دارد و اگر صدها قلم در این زمان بکار نمیافتاد ممکن بود بعضی از از میان آنها پیدا شود که بدون تردید باید این کتاب « تاریخ جراید و مجلات ایران »

را از برگزیده های آن بشمار آورد •

ما آنروزی که از خداوند تمنی کردیم که بآقای صدر هاشمی توفیق اتمام‌کار خود بخشد تصور میکردیم که شاهکار ایشان در جلد دوم تمام خواهد شد ووقتی کتاب را بدست من دادند با ولعی آنرا باز کردم که به بینم راجع بکیها ن چه نو شته است ولی کتاب را تا آخر ورق زدم و معلوم شد که هنوز آقا در حرف (ر) است ، پس معلوم میشود که ایران در مطبوعات از حیث عدد اسماء غنی ترین کشورهای دنیاست و بدین مناسبت یادم آمد که یك کسی آمار برداشته که تلفونهای طهران از حیث عدد کلمات در روز بیش از شهر لندن حرف میزنند که دوازده ملیون ونیم جمعیت دارد •

متاسفانه آقای صدر هاشمی هنوز بروزنامه کیهان نرسیده و با این روشی که پیش گرفته و امیدوارم تغییر ندهد تا زنده هستیم بکیهان نخواهد رسید که به بینیم راجع بما چه دسته گلی بآب میدهد ؛ در آینده ایران لطف عمیمی نکرده بود ولی در (تقدم) فرامرزی را از دست نوازشی محروم نداشته بود و یك جمله آن که از آقای احمد و عبدالرحمن فرامرزی شرح حال خواسته و هیچکدام پاسخی نداده اندمعلوم میشود که تنبلی در خانواده فرامرزی خانگی است • زیرا این تقاضا را یك موسسه انگلیسی و دو پاکستانی نیز از عبدالرحمن فرامرزی کردند و بایشان همان‌پاسخی داد که بآقای صدر هاشمی داده است • ولی آقای احمد فرامرزی مرد مرتب آداب دانی است و نمیدانم ایشان چرا غفلت فرموده اند •

بهرحال جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران با مقدمه دارای ۳٤٤صفحه و از (باختر)شروع و به (ریاضیات عالی و مقدمات) خاتمه یافته و ترتیب آن‌بترتیب کتب لغت است و از این جهت است میتوان آنرا فرهنك مطبوعات ایران‌نام نهاد•••»

روزنامه عرفان چاپ اصفهان در شماره ۳۰۰۵ سال بیست و ششم خود پس از تدوین مقدمه مینویسد : « آقای صدر هاشمی سال گذشته جلد اول تاریخ جرایدومجلات را چاپ و در دسترس علاقه مندان بدانش و فرهنك قرار دادند و با ابتکاری که درتالیف آن بخرج دادند دست بکاری زدند که قبل از ایشان شاید کسی فکر آنرا نمیکرد • اثر ایشان مورد توجه علاقمندان قرار گرفت و همانطوریکه در جلد اول وعده داده بودند جلد دوم آن نیز چند روز است منتشر و در دسترس عموم گذارده شده است • تاریخ جراید و مجلات در ۳۳۹ صفحه و در آن از ۳۲۷ روزنامه ومجله بحث شده‌است باید انصاف داد که مولف محترم آن باصرف وقت‌فراوان وزحمت زیاد موفق شده‌است که اطلاعاتی در باره اینهمه جراید و مجلاتیکه اغلب آنها پس از نشر یك یا چند شماره دوچار تعطیل شده است بدست آورد •

آقای صدر هاشمی ازفرط علاقه و حسن ظنی که بجراید و مجلات دارند فقط بذکر محاسن ارباب جراید و مجلات اکتفا نموده و شاید در بعضی موارد غلوهم کرده باشند و اگر گاهی بنقاط ضعف برخورد کرده غمض عین نموده اند و باید گفت : « آفرین برنظر پاك خطا پوشش باد » تاریخ جراید ومجلات یگانه وسیله اطلاع از

جراید و مجلاتی است که از صدر مشروطیت بلکه مدتی قبل از مشروطیت در ایران انتشار یافته است و میتوان گفت این کتاب درنوع خود همال ونظیری ندارد ومطالعه آن برای همه کس مخصوصاً ارباب فضل وکسانیکه بمطبوعات علاقه دارند سودمند میباشد ما توفیق دانشمند گرامی آقای صدر هاشمی را در اتمام تاریخ جراید و مجلات از خداوند خواهانیم . »

ادیب دانشمند آقای حبیب یغمائی مدیر محترم مجله یغما علاوه بر آنچه طی نامه خصوصی باین عبارات : « انصافاً خدمت بزرگی بادبیات ومطبوعات کردید از کارهائی که ما میکنیم ارجمند تر است . » نوشته در شماره ۱۱ سال دوم مجله یغما در باره جلد دوم کتاب اینطور اظهار نظر مینمایند :

« تاریخ جراید و مجلات ایران - در صفحه ۲۲۱ (شماره خرداد ۲۸) که جلد اول این کتاب ازکار در آمد اظهار عقیده و علاقه کردیم - اکنون مژده میدهیم که جلد دوم این کتاب نیز در ۳۳۹ صفحه انتشار یافت . بی شائبه اغراق (تاریخ جراید و مجلات ایران) از کتابهای ارجمندی است که در این عصر انتشار یافته و تنظیم و تالیف چنین کتابی خدمتی چندان بزرك و مهم است که جای هیچگونه خرده گیری و مشکل پسندی نیست . این نکته دقیق را باید آشکارا گفت که مراتب فضایل وحسن نیت ارباب جراید هیچگاه یکسان نبوده است چنانکه امروزهم یکسان نیست . بسیاری روزنامه و مجله را صرفاً وسیله احراز مقام یا ادخار ثروت قرار میدهند وچون کمال مطلوب این بود بناگزیر مصلحت و تربیت ملی را بنسبت کلی رعایت نمیتوانند کرد درکتاب تاریخ جراید و مجلات ایران مولف محترم ازصاحبان مطبوعات علی‌الاطلاق تمجید فرموده و پایه و مایه همه را بیکسان ستوده است در صورتیکه سزاوارتر این بود یا بی هیچ ملاحظه خوب و بد هردو را بازمینمود یا موضوع را مسکوت میگذاشت که آیندگان داوری کنند .

بهرصورت چنانکه اشارت کردیم ، نظیر این مسامحات هیچ ازارج و اهمیت کتاب نمی‌کاهد و از خداوند تعالی مسئلت داریم که دوست دانشمند ما با تمام این‌خدمت عظیم توفیق یابد . »

روزنامه (اصفهان) در شماره ۶۲۸ تحت عنوان (تاریخ جراید و مجلات‌ایران جلد دوم) نظریات مدیر خودرا در باره کتاب اینطور شرح میدهد : « درست یکسال قبل بود که ما بوسیله صفحات همین روزنامه بشارت انتشار کتاب بسیار سودمندی را بنام بالا دادیم کتاب مزبور تاریخچه تمامی جرایدی بود که حرف اول آنها الف بود وتنها همین حرف اول الف ۲۶۶ روزنامه فارسی‌زبان را از آغاز پیدایش جراید ایران و جلد اول این کتاب نفیس را تشکیل میداد . اینك نیز جلد دوم آن بوسیله مولف دانشمندش آقای محمد صدر هاشمی بدفتر روزنامه ما رسیده که از حرف (ب) شروع و بحرف (ر) خاتمه میابد و تاریخچه ۳۳۹ روزنامه را بیان میکند و جلد دوم این اثر نفیس و بسیار سودمند را ترتیب میدهد همانطور که راجع بجلد اول این

آقای ربیع انصاری مولف محترم کتاب (جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم) در شماره ۲۹۷ سال دهم روزنامه خود کیوان اینطور اظهار نظر مینما یند : « هفته گذشته جلد دوم تاریخ جراید و مجلات ایران تالیف دانشمند محترم آقای محمد صدر هاشمی که از حرف ب شروع و بحرف را خاتمه یافته بقطع وزیری در ۳۳۹ صفحه و یك مقدمه شامل چند تقریظ که مدیر آن جراید بجلد اول این اثر نفیس نو شته اند بدفتر کیوان رسید • رنجی را که آقای صدر هاشمی در تالیف و تدوین این کتاب بر خود هموار ساخته اند اهمیت و ارزش آن برای کسانی که با قلم و کاغذ وروزنامه و چاپخانه سر و کار ندارند مجهول است ولی مدیران مجلات وجراید ایران از دو نقطه نظر بحاصل کار و زحمت آقای صدر هاشمی با نظر تحسین و تقدیر می نگرند • نخست اینکه میدانند در کشوری که تقریباً نود در صد افراد آن بیسواد هستند تالیف و ترجمه کتب و یا روزنامه نویسی مخصوصا با وضع خراب چاپخانه های ایران بویژه آنکه حتی با سواد ها نیز رغبت و علاقه اصولا بمطبوعات از خود نشان نمیدهند چقدر کار پر زحمت و بی سود و پر درد سر است و بنا براین تالیف یك چنین کتابی خاصه آنکه خوانندگان آن خیلی محدود هستند چیزی جز عشق و علاقه سرشار مولف آن بانجام یك خدمت مهم فرهنگی نیست • دوم اینکه تا امروز ما در کشورخود هیچگونه آمار و فهرستی از مجلات و جرائدی که در ایران منتشر شده بود در دست نداشتیم و زحمتی را که فاضل ارجمند در تالیف این کتاب تقبل کرده اند این نقیصه را مرتفع و خدمتی بزرك بفرهنك کشور نموده اند • موضوع مهمی که واقعاً برارزش این خدمت فرهنگی میافزاید زحمت فوق‌العاده ای است که آقای صدر هاشمی در بدست آوردن نسخه های جراید و مجلات کمیاب متحمل شده و بافعالیت و پشتکار بی نظیری این مهم را انجام و کتابی که دردست تالیف دارند بصورت یك مجموعه کاملی دردست اهل تحقیق قرار میدهند در هر صورت اهمیت این خدمت بزرك از نظر ارباب قلم پوشیده نیست وماضمن تقدیم تبریك خالصانه خود بمناسبت انتشار دومین جلد این کتاب موفقیت دانشمندمحترم اقای صدر هاشمی را در چاپ سایر مجلدات ان از خداوند مسئلت میکنیم • »

دانشمند محترم اقای وزیر زاده اخگر رئیس دادگستری خراسان در طی یکنامه مشروح و مفصلی در باره طبع جلد دوم کتاب اینطور مرقوم داشته اند : « جلد اول را تمام خواندم ولی همراه نیست از قراریکه در روزنامه کیهان خواندم جلد دوم تاحرف راء زیاد تر نشده و جلد سوم و چهارمی هم البته خواهد داشت • بسیار خوب اقدامی بود و مطبوعاتی که داشت در دریای فراموشی غرقه و محو میگردید بکرانه این کتاب نفیس پناهنده و از دست عزرائیل نسیان رهائی یافتند •»

اقای وزیر زاده در ضمن همین نامه پیشنهادی بدین شرح فرموده که امیدواریم انرا در مجلدات اینده بموقع عمل بگذاریم • ایشان مینو یسند : « نکته ای که تذکار انرا بیموقع نمیدانم این است که بیمناسبت نیست هرگاه امکان داشته باشد جرایدی که

کتاب نگاشتیم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران یکی از بهترین کتب فارسی زبان است که در عصر اخیر تالیف و قدم در عرصه مطبوعات گذاشته ومولف محترمش درراه تالیف آن رنج و زحمت بسیار کشیده است مولف این اثر مفید بیشتر ازاین جهت شایسته تمجید و ستایش است که نام بسیاری از جراید و مجلات و جریده نگاران قرن اخیر را زنده کرده و نگذارده است در بین یك مات حق ناشناس و فراموشکار در گور فراموشی مدفون شود . جلد دوم این کتاب نیز بهمان خوبی جلد اول و بلکه بهتر چاپ شده و دارای ۳۴۸ صفحه بقطع وزیری است امیدواریم فرهنك پژوهان همت فرموده هرچه زود تر جلد دوم را بمانند جلد اول خریداری کنند تا دوست فاضل ما آقای صدر هاشمی بتوانند جلدهای آینده آنرا نیز بزودی چاپ و در دسترس ارباب دانش بگذارند .»

روزنامه راه نجات در شماره ۸۲ دوره سوم پس از یك مقدمه مفصل و طولانی و چاپ عکس مولف اینطور اظهار نظرمینماید : « ... کم کم داشت زحمات وفداکاری های مدیران جراید با طول زمان ازخاطره ها محو میشد تا اینکه مرد دانشمندی با پشتکار و فعالیت خستگی ناپذیری متجاوز از بیست سال تمام وقت شبانه روز خود را صرف جمع آوری نمونه های جراید و مجلات و تاریخ مطبوعات ایران نمود و بالاخره اینهمه زحمت و مرارت و رنج را بصورت کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران درآورد که جلد اول آن در آذر ماه سال گذشته بطبع رسید وجلد دوم آن نیز چند روزی است از طبع خارج گردیده و در دسترس علاقمندان و اهل فضل و ادب گذاشته شده است . تا کسی کتاب تاریخ جراید ومجلات ایران را نگیرد ونخواند پی بمشکلات کار و اهمیت کتاب نمیبرد . راستی کار بزرگی است که کسی آنچه روزنامه و مجله از هفتاد سال قبل تا کنون چاپ شده ولو یك شماره باشد جمع آوری نمایدوتاریخچه آنرا مدون سازد . شاید برای اغلب خودمدیران جراید و مجلات هم تنظیم تاریخچه روزنامه خودشان کار مشکلی باشد تا چه رسد باینکه دیگری بخواهد اینکاررا انجام دهد

آقای صدر هاشمی با موشکافی عجیبی تاریخ تأسیس و انتشار یك یك جراید و مجلات را در این کتاب ضبط کرده و در ضمن اشاره بسرام ومسلك آن تاریخچه از تحولات و تغییراتی که در روزنامه حاصل شده ثبت نموده اند ، و چون کتاب بصورت الفبائیك تنظیم شده اطلاع بر تاریخچه هر روزنامه بسهولت انجام میگیرد . در مقدمه جلد دوم قسمتی از تقاریظی که مدیران جراید و مجلات حاضرودانشمندان برجلداول کتاب نگاشته نقل نموده اند واین خود برعظمت واهمیت کتاب می افزاید . سالها و بلکه قرنها باید بگذرد تا دانشمندانی مانند آقای صدر هاشمی دست بکار چنین عمل بزرگی بزند و فرهاد وار با تیشه اندیشه و خرد کوههای موانع را از جلوی راه خویش بر دارد تا شاهد موفقیت را در آغوش گیرد . بهرصورت ما این موفقیت بزرك را بدوست دانشمند خود آقای صدر هاشمی تبریك میگوئیم و عموم خوانندگان خودرا باستفاده از کتاب مذکور دعوت مینمائیم . »

در جلد دوم کتاب ، در ذیل روزنامه تربیت ، در نظر داشتیم عکس مرحوم میرزا محمد حسین ادیب‌ملقب بذکاء الملك، مدیرروزنامه تربیت‌راطبع نمائیم ولی‌بواسطه نرسیدن کلیشه عکس آنمرحوم موفق بانجام این عمل نشدیم و اکنون در این مجلد بچاپ آن مبادرت مینمائیم در این عکس مرحوم ذکاءالملك و فرزندش محمد علی فروغی مشاهده میشود .

در زمان انتشار غالباً دوچار توقیف شده اند مقاله و شماره ای که علت توقیف بوده است در این تاریخ درج شود که طرز قضاوت حکومتهای وقت و روش افکار نویسندگان مشخص گردد .»

در شماره ۸ سال چهارم مجله پیام نو نشریه انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در باره کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران تحت همین عنوان اینطور مینویسد :
« این کتاب فهرست الفبائی نامهای روزنامه ها ومجلاتیست که تا کنون بزبان فارسی انتشار یافته و این مجلد بپایان حرف الف میرسد و از اینجا پیداست که شاید این کتاب چهار برابر این قسمت از چاپ در آید . آقای صدر هاشمی که از مولفان دانشمند و پر کار اصفهانست در تدوین این کتاب کوشش بسیار کرده و حق مطلب را از هر حیث گذارده است و در ضمن شرح حال های مفیدی از برخی نویسندگان روزنامه ها ومجلات مهم دراین کتاب هست که فایده آنرا بیشتر میکند و درحقیقت این کتاب فصلی ازتاریخ ادبیات و زندگی سیاسی ایران‌دراین زمانهای اخیر ست .»

مدیر مجله دانش چاپ طهران در شماره چهار مجله اینقسم اظهار عقیده میکند :
« متجاوز از یك قرن است وطن پرستانی فداکار قلم دردست گرفته حقایق را برای اطلاع مردم در روزنامه ها و مجلات‌نوشتند و سیاستهای خشن و تبعید های اتابك‌اعظم ساختند ، رنج دوری از یار و دیار را بخاطر آزادی ملت ایران تحمل نمودند ، خود را بسیاه چال محبس محمد علیشاه افکندند،جلادیهای لیاخوف را قبول کردند و تا لحظات آخر زندگی ازحقوق حقه ملت ایران دفاع نمودند . اما تاریخ زندگی و فداکاری‌آنها ثبت نگردید و از آنجائیکه نمی بایست نام آنان از صفحه تاریخ محو گردد ونسل‌حاضر و آیندگان از خدمات و فداکاریهای ایشان و مشکلاتی که برسر راه مربیان قوم بود بی خبر مانند آقای صدر هاشمی پس از پانزده سال صرف وقت کتابی بنام تاریخ جراید و مجلات ایران در شرح آنچه‌روزنامه ومجله درایران منتشر شده تالیف وتدوین کرده و نقصی‌بزرگی که از این حیث در مطبوعات جدید بود برطرف ساخته اند . تا کسی این کتاب را نخواند و یالااقل ورق نزند نمیتواند باندازه زحمات مولف دانشمند پی ببرد . این کتاب در محافل اهل فضل و دانش بطور شایسته و بایسته مورد حسن قبول واقع شده واثری مفید و جدید درمطبوعات کشور قلمداد گردیده است . کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران فرهنگی نفیس و گرانبها از مطبوعات کشور میباشد و بظن قوی دیر یا زود بزبانهای خارجی ترجمه خواهد شد .»

این بود قسمتی از تقاریظ ارباب جراید و مجلات و فضلا و دانشمندان کشور که درج نمودیم وبرای‌خوف از اطناب ازدرج بقیه آنها درضمن معذرت خودداری‌مینمائیم

دراین مجلد تاآنجاکه امکان‌داشته پیشنهادات این دانشمندان بموردعمل گذاشته‌شده امیداست مقبول طبع ارباب فضل وادب واقع گردد وانتظارمیرود که اگربازهم‌نظریات وانتقاداتی دارند مرقوم فرمایند تادر طبعهای دیگر کتاب ملحوظ افتد . ازخداوندتوفیق اتمام کاررا مسئلت مینمائیم . جلد دوم کتاب بحرف ر بعده الیاء وبمجله(ریاضیات عالی ومقدماتی) خاتمه یافت وجلد سوم بحرف ز شروع میگردد. **اردیبهشت ماه ۱۳۲۹**

حرف ز

(۶۰۶) زاراریت باهرا

زاراریت باهرا که مرحوم تربیت آنرا به (شعاع روشنائی) ترجمه نموده در شهر رضائیه (ارومیه سابق) بزبان کلدانی ازطرف مبشرین امریکائی تاسیس و منتشر شده است • شماره اول این روز نامه در تاریخ چهارشنبه اول ژانویه ۱۸۵۱ میلادی مطابق ۲۷ صفر ۱۲۶۷ قمری انتشار یافته و بنابراین با اولین روزنامه فارسی هم سال و بلکه قدیمتر از آن هم میشود • (ص ۴۱۰ کتاب دانشمندان آذربایجان)

همانطور که یاد آور شدیم این روزنامه را مبلغین امریکائی برای کلدانیها و ارامنه آذربایجان ماهیانه یك شماره با چاپ سربی وشامل مطالب دینی ومذهبی منتشر نموده و با محاسبه دقیق شماره اول آن دوماه قبل از روزنامه و قایع اتفاقیه انتشار یافته و بنابراین درردیف قدیمترین روزنامه های ایران است • بی مناسبت نیست دراین جا مختصری از آغاز آمدن مبشرین امریکائی بایران وابتدای کار آنها گفتگو نمائیم:

اول دفعه که مبشرین امریکائی بایران آمدند دو نفر کشیش امریکائی بنام (اسمیت) و (دوایت) برای مطالعه در احوال عیسویان آذربایجان در زمان محمد شاه در سال ۱۲۴۴ قمری بود • این دو نفر پس ازمدتی توقف در ایران ، با مریکا مراجعت نموده ونتیجه مطالعات خودرا بجمعیت مبشرین امریکائی تقدیم داشته و در نتیجه این جمعیت کشیشی را بنام (پرکنیز) برای تبلیغ روانه آذربایجان نمود • بعدا چند نفر کشیش دیگر بپرکینز ملحق شده واین مبلغین عیسویان آذربایجان را بمذهب پروتستان دعوت نمودند • مرکز اقامت این مبلغین شهر ارومیه بود و پرکینز علاوه بر کلیسا و کتابخانه و مطبعه ، مدرسه نیز در ارومیه دایر کرد •

(۶۰۷) زارع

در سال ۱۳۰۰ شمسی روزنامه زارع در شهر یزد تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است •

(۶۰۸) زانك

روزنامه هفتگی زانك بزبان ارمنی درسال ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۹۱۰ میلادی درشهر تبریز تاسیس شده و ارگان فرقه ارامنه (هانچاکیست) بوده است • (تاریخ مطبوعات برون ص ۱۰۰)

(۶۰۹) زاینده‌رود

روزنامه زاینده رود بمدیری (معین‌الاسلام خونساری) در اصفهان تاسیس و شماره اول آن درمحرم ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است • این روزنامه هفتگی بوده ودر سالهای اول با چاپ سنگی در مطبعه (فرهنك) چاپ و در هشت صفحه بقطع وزیری

بزرك (٥ر٦×١٢ سانتیمتر) منتشر شده • و از ابتدای سال چهارم با همان وضع و روش بمدیر مسئولی (ادیب خراسانی) انتشار یافته است •

زاینده رود در سه سال اول که بمدیری معین الاسلام خونساری منتشر شده مرتبا همه هفته روزهای چهار شنبه طبع و روزهای پنجشنبه منتشر میشده و مشتمل بر مقالات اساسی و اخبار کشور واصفهان بوده ودرهرشماره یك یا دو صفحه از آن کاریکاتوری راجع بحوادث داخلی ایران رسم شده است • زاینده رود از روزنامه های مفید و بسیار خوب ابتدای مشروطیت ایران است که درولایات منتشر میشده و مدیر آن با ایمان و عقیده مخصوصی ازمشروطیت دفاع مینموده و علاوه ازحیث اشتمال آن بروقایع مشروطیت ر اصفهان حایز اهمیت میباشد •

درضمن یك سطر درزیر عنوان درهرشماره، روزنامه اینطور معرفی شده است « آنچه که مفید بحال عموم ومنافی با آئین اسلامیت نباشد درج ومحاکمات عدلیه نیز نگاشته میشود •» وجه اشتراك روزنامه :اصفهان ١٦ قران ، سایر بلاد ایران ٢٠قران ممالك خارجه ١٠ فرانك • قیمت یك نسخه ٤ شاهی • سایر بلاد ٦ شاهی • اعلانات سطری دو قران • عنوان مراسلات : اداره زاینده رود • اسم روزنامه (زاینده رود) بخط نسخ درشت در وسط دایره نوشته شده ودر زیر آن سال تأسیس (١٣٢٧) درج است • در بالای عنوان روزنامه عبارت (وکلاذمه دار آبونه میباشند) چاپ شده است شماره اول سال دوم روزنامه بهمان قطع سال اول و با همان خصوصیات در تاریخ ٢ شنبه ١٩ شهر محرم‌الحرام ١٣٢٨ قمری منتشر گردیده است • برای این که خوانندگان بسبك مقالات روزنامه آشنائی حاصل کنند بی مناسبت نیست قسمتی از مقاله افتتاحی این شماره را نقل نمائیم :

« جالب دقت وکلاء دارالشورا • الحمدلله که دراین وقت موفق بوعده ای که بمشترکین عظام داده آمدیم ودو باره تاییدات حق مارا بشرافت خدمت ملت مساعدت نمود که اینك بمبارکی و میمنت شروع بسال دوم جریده مینمائیم معلوم است قبل ازشروع بنگارش لازم است نخست معرفی مسلك خودرا نموده خوانندگان را ازطرز روش خود دراین سال مستحضر داریم چرا که مسلك ما در آتیه بسی فرق دارد وبگذشته شباهتی نخواهد داشت • مسلك جریده ما درسال اول برحسب اقتضای وقت ومصلحت زمان مسلك حماسی بود واغلب هم خود را مصروف نوشتن مقالات مهیجه و عباراتی که خون را آورده و تهییج غیرت و عصبیت مینمود میکردیم و نیز اگر مجالی بدست می آمد و از برای درج مکانی باقی بود بدرج اخبارات وتلگرافاتی که کاشف ازفتوحات ملیه و از خواندن آنها روح غیرت وطنی در ملت احداث میشد ، درآن موقع ملت بمطالبه حق خود قیام نموده بود و با قوای استبدادی درمقاومت بودبهتر ازاین ما مسلکی نمیتوانستیم اتخاذ نمائیم ولی امسال آن مقتضیات موجود نیست ومقتضیات دیگری فراهم است دراین صورت ازتغییر مسلك جریده ناگزیریم ملاحظه نمائید اوضاع کنونی با سال گذشته چه اندازه مغایرت دارد و تاچه درجه تفاوت حاصل شده ، پارسال این موقع که ما بنشر این جریده پرداختیم همه روزه اخبار وحشت آثار ازدربار محمد علی میرزا میر سید گاهی

مقتول نمودن یك مشروطه خواه و گاهی مصلوب کردن یك حقوق طلب را میشنیدیم گاهی خبر سوق عساکر بآذربایجان و گیلان واصفهان میرسید مع ذلك بواسطه مشاهده استقامت و پای فشاری مجاهدین دراستیفاء حقوق ملیت ابداوحشتی درما پیدا نمیشد واضطرابی رخ نمیداد و با کمال جرئت و جسارت بانجام وظیفه خود اشتغال داشتیم و میدانستیم سوء افعال محمد علی میرزا بخود عائد شده کار ملت پیشرفت کامل پیدا میکند و اسباب امیدواری درآتیه حاصل میشود ولی امسال ملاحظه میکنیم اثری از آذربایجان سابق باقی نمانده و محمد علی میرزا که غاصب حقوق ملت بود مخلوع و بجای او یك سلطان جوان بخت معصوم نصیب ما شده که هنوز لذت استبداد و فرعونیت نچشیده و سلطنتی بجز سلطنت مقیده ندیده • در تمام نواحی فتنه نیست بجز اردبیل که آنهم بهمت اولیاء امور بر طرف خواهد شد مع ذلك وحشتی که امسال بر وطن خود داریم در سال گذشته نداشتیم چرا پارسال گمان میکردیم که پس از رفع مانع دیگر ابواب ترقی و تمدن برما ایرانیان گشوده میشود •••• لهذا برحسب اقتضاء این وقت لازمست که تغییر مسلك داده و بهترین مسلکی که بنظر میرسد مطالبه اجراء قانون ومواظبت در عدم تخلف از آن است و بهمین مسلك جریده خودرا معرفی نموده با کمال حقیقت پیروهمین مسلك خواهیم برد ...»

پس ازسرمقاله مذکور مقاله تحت عنوان (ظل السلطان) نوشته و درآن ازاین شاهزاده دفاع کرده است • مقاله دیگر این شماره بعنوان (نقض قانون اساسی) و بعد (اقدامات انجمن در باره ظل السلطان) میباشد • اخبار این شماره عبارت از طرز تشکیل عدلیه در اصفهان و صورت اسامی و اعضاء آن وصورت محاکمات عدلیه وحوادث اطراف شهر و راپورت اداره نظمیه و در صفحه هشتم حکم رئیس عدلیه اصفهان و تلگراف ازطهران درج شده است •

شماره ٤٢ سال سوم روزنامه در تاریخ پنجشنبه ٧ جمادی الاولی ١٣٣٠ قمری منتشر گردیده و در این سال بقیمت اشتراك روزنامه بدین نحو افزوده شده است اصفهان ١٨ ریال ، سایر بلاد : ٢٢ ریال ، در ممالك خارجه ٢٦ قران ؛ درسال چهارم که مدیر مسئول روزنامه عوض شده قیمت اشتراك باز هم افزوده گردیده و بترتیب به ٢٤، ٣٠ و ٣٥ قران ترقی کرده است• شماره ٣٧ سال چهارم در تاریخ ٥ شنبه ٢٢ شعبان ١٣٣٢ قمری منتشر شده و درعنوان آن روزنامه بدینقسم معرفی گردیده : « جریده ایست مصور ، سیاسی، اخباری ازمطالب نافعه بآزادی سخن میراند ومذاکرات بلدیه نگاشته میشود

عنوان بعضی ازسرمقاله های روزنامه از این قرار است : « اهمیت جریده یا حرف نا شنیده » و « آزادی » و « تربیت نسوان » و « ترك عادات قدیمه » و « خلاصه مذاکرات انجمن ولایتی پنجشنبه ١٦ »

میرزا سید عبدالحسین ملقب بمعین الاسلام خونساری ـ معین الاسلام معروف بزاینده رود مدتی دراصفهان روزنامه زاینده رود راتاسیس ومنتشر نموده ودروقایع جنك بین الملل اول مجبور بمهاجرت ازاصفهان بطرف بختیاری گردیده است• مرحوم وحید درجلداول کتابره آورد (ص١٠٩) در جائیکه از وقایع محرم ١٣٣٤ قمری گفتگو میکند مینویسد ، بخلاصه اینکه بمناسبت

انتشار خبر ورود قشون روس باصفهان مصمم شدم از اصفهان بطرف بختیاری فرار کنم تا میرسد باینجا که : « مدیر جریده زاینده رود سید عبدالحسین خونساری که آنوقت سمت مدعی‌العمومی عدلیه اصفهان را نیز دارا بود و گراور او در(ص ۱۱۱) دیده میشود . (در این گراور میرزا عبدالحسین با لباس عمامه و مردی چهل وچندساله است) نیز تصمیم فرار و مهاجرت داشت و لوازم سفر خودرا بدستگرد آورده بود در خانه من تا بموقع با یکدیگر فرار کنیم .» مرحوم زاینده رود مدتی در ولایات‌یزد و نیشابور و بعضی نقاط دیگر سمت ریاست عدلیه را داشته ودر جمادی الاول ۱۳۳۹ قمری بریاست پارکه بدایت عدلیه اصفهان منصوب شده است . از مرحوم زاینده رود فرزندان و بنی اعمامی در اصفهان و سایر شهرها باقی مانده، که اغلب بخدمات‌دولتی مشغولند و من‌جمله یکی از فرزندان آنمرحوم آقای محمد زاینده رود مدتی رئیس فرهنگ گرگان بودودرحین تحریر رئیس فرهنگ زنجان است . از بنی اعمام آنمرحوم کمال وجمال‌رضوان که اولی درشرکت اسفالت ودومی رئیس دبیرستان سعدی‌اصفهانست.

و اما ادیب خراسانی که مدتی اداره روزنامه بعهده او بوده بعدا روزنامه صبح امید را در اصفهان تاسیس نمود و ما در ذیل این روزنامه شرح احوال او را ذکر خواهیم کرد .

(۶۱۰) زبان آزاد

روزنامه زبان آزاد بصاحب امتیازی (معاون‌السلطنه) دو مرتبه در طهران تاسیس و منتشر شده است دفعه اول در شوال۱۳۳۵ قمری بوده که پس‌از توقیف روزنامه نوبهار بمدیری آقای ملك‌الشعرای بهار ، زبان آزاد بجای آن برای مشترکین فرستاده شده است . و این مطلب را بطور اجمال در سرمقاله شماره اول دوره دوم روزنامه بدین نحو ذکر کرده است : « نامه زبان آزاد که نخستین دوره سیر و مرحله زندگانی خویش را بامداد برادرانه هم مسلك ارجمند خود (نوبهار) بسر برد و با نگارش آقای ملك‌الشعرای بهار بودجه ایشان بخدمت عالم مطبوعات وطن شتافت پس از رفع تعطیل و انتشار آن گرامی روزنامه چندی بانتظار تکمیل لوازم در محاق تعطیل ....»

و اما شماره اول سال اول که در حقیقت شماره اول دوره دوم روز نامه میباشد بصاحب امتیازی (معاون السلطنه) و مدیری (میرزا قوام‌الدین) درطهران تاسیس و در تاریخ جمعه ششم ربیع الاول ۱۳۳۶ قمری مطابق ۳۰ قوس ۱۲۹۶ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرك ، در مطبعه سربی برادران (باقر زاده) طبع و توزیع شده است طرز انتشار آن هفته سه نمره روزهای دوشنبه ، چهارشنبه ، جمعه بوده است . قیمت اشتراك آن یکساله داخله ۷۰ قران ، شش ماهه ۳۵ قران . خارجه ۸۰ قران ۴۰ قران . تك نمره طهران ۱۰ شاهی ولایات ۱۱ شاهی محل اداره : طهران خیابان لاله زار :

در شماره اول پس از مقدمه که قسمتی ازآنرا نقل کردیم مقاله افتتاحی روزنامه

تحت عنوان (یاس یاخستگی) و بعد اخبار داخله و خارجه چاپ شده و در پاورقی صفحات دوم وسوم (جاسوس خرد سال) درج گردیده است • شعار روز نامه که در زیر اسم روزنامه چاپ شده جمله (ایران از آن ایرانیان است) میباشد • مندرجات روزنامه عبارت از سرمقاله و اخبار داخله و خارجه است و پاورقی و گاهی اشعاری نیز در آن دیده میشود من جمله در شماره ٥ سال اول مورخ ١٦ ربیع‌الاول ١٣٣٦ قمری اشعاری از رشید کرمانشاهی عضو دانشکده (آقای رشید یاسمی استاددانشگاه) تحت عنوان (ادبیات ترجمه ازلافنتن فرانسوی) درج است :

شنیدم که بر خوان گرگان دشت یکی گرگ از ره پذیرفته گشت
چو بنشست ازحرص خورد آنچنان که بگرفت درحلق وی استخوان
ببی چارگی رو بصحرا نهاد نه یارای فریاد بودش نه داد
قضا را یکی لك‌لك پر غرور بنزدیك او آمد از راه دور
اشارت بدو کرد با دست و سر که پیش آی وبرهانم از این‌خطر
چواین دیدلك‌لك سویش شددوان بزحمت بکندش ز حلق استخوان
سپس مزد خود کرد از وی‌طلب بپاسخ چنین گرگ بگشود لب
بگردن دو صد منت است از منت که شد از گلویم رها گردنت
اگر در دلم مهربانی نبود ترا گردن وزندگانی نبود
زمن دور شو ای نمك‌ناشناس که بس بوده ای سفله و ناسپاس
بسختی ستمگر بخواند ترا چو کام از تو گیرد براند ترا

از روزنامه زبان آزاد تا شماره ٢٦ سال اول مورخ چهارشنبه ٩ جمادی الاول ١٣٢٨ دردست است •

(٦١١) زبان ایران

روزنامه زبان ایران در طهران بمدیری و نگارندگی (میرزا ابو الحسنخان معدنچی) تاسیس و شماره اول آن در برج دلو ١٢٩٩ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در سال سوم انتشار مدتی دوچار تعطیل شده و علت‌این تعطیل را در روزنامه ایران مورخ ١٦ اسد ١٣٠٣ شمسی اینطور اعلان کرده است :
« جریده زبان ایران که چندی برای پاره محذورات اداری انتشار آن بتأخیر افتاده اینك بیاری خدا با همان سبك سابق منتشر خواهد شد • » در روزنامه ایران مورخ ٥ شنبه ١٣٠٣ شمسی ، در جزو اخبار داخله ، خبر انتشار مجدد زبان ایران را بدینقسم نوشته : « نامه شریفه زبان ایران دیروز بامقالات مفیده انتشار یافت • » انتشارمجدد روزنامه مصادف با شماره اول سال چهارم روزنامه بوده وشماره اول سال چهارم در تاریخ چهارشنبه ٢٥ شهرمحرم‌الحرام ١٣٤٣ قمری مطابق ٤ سنبله ١٣٠٣ شمسی‌منتشر شده است • این شماره در دو صفحه بقطع بزرك و با چاپ سربی در مطبعه (تمدن) طبع گردیده • سر مقاله آن تحت عنوان (پس از نه ماه تعطیل) است و باینقسم

شروع میگردد : « در مدت نه ماه تعطیل اجباری یا اختیاری هرگاه قلم ما مسئول خدمت گذاری نبوده ولی فکر ما آنی از تفتیش حقایق وکنه وقایع وعلت العلل بدبختی» مندرجات این شماره وبطور کلی مندرجات زبان ایران پس از درج مقاله اساسی اخبار داخله و خارجه و مقالات متنوعه است .

زبان ایران روزنامه ادبی ـ سیاسی ـ اجتماعی وفکاهی معرفی شده ولی چون آقای ابوالحسنخان معدنچی عضو فرقه دموکرات طهران و زمانی هم (ناظم کمیون کنفرانس دموکرات طهران بوده) ، قهراً مسلك روزنامه اش نیز موافق فرقه دمکرات است و رویهمرفته زبان ایران یك روزنامه سیاسی ، اجتماعی و اخباری است . محل اداره آن : طهران . خیابان ناصریه ، مقابل شمس العماره . وجه اشتراك آن : طهران سالیانه ٥ تومان ، شش ماهه ۳۰ قران . داخله بترتیب شش تومان ، ٤۰ قران ، تك شماره پنج شاهی . از روزنامه زبان ایران فعلا تا شماره ٤ سال چهارم مورخ سوم میزان ۱۳۰۳ شمسی دردست است.

از اقدامات آقای معدنچی ماموریتی است که ازطرف دولت برای رفع اختلافات انتخابات شهریار در سال ۱۳۰۲ شمسی بایشان داده شد و بقول روزنامه های آن وقت اسباب رضایت هر دو طرف را فراهم آوردند .

(٦۱۲) زبان زنان

روزنامه زبان زنان در اصفهان بمدیری (بانو صدیقه دولت آبادی) تاسیس و شماره ٥ سال اول آن در تاریخ شنبه ٢٤ ذیحجه ۱۳۳۷ قمری مطابق ۲۸ سنبله ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده است . این روزنامه ماهی دومرتبه چاپ و پخش میشده . محل اداره آن : اصفهان قصر شمس آباد . درزیر عنوان آن این عبارت درج است : « فقط اعلانات و مقالات ولوایح خانمها و دختران مدارس پذیرفته میشود ودرطبع و جرح آن اداره آزاد است .» ازشماره ششم سال اول بجای بعضی کلمات و لغات ، فارسی سره گذاشته شده بدینقسم : « پرهونگاه . (محل اداره) شمس آباد اسپهان . پرهونور وسردبیر (مدیر و صاحب اداره) صدیقه دولت آبادی ، نخستین سال پایست (تاسیس) اشکار نامه (اعلان) . »

مندرجات روزنامه زبان زنان پس ازدرج مقاله اساسی که غالبا راجع بنسوان است از قبیل (زنان و علوم) (وزن بیچاره نیست) عبارت از مقالات مختلف میباشد که بیشتر آن مقالات نیز مربوط بزنان است . ازهمان شماره های اول داستانی بعنوان (داستان رقت انگیز) در پاورقی روزنامه چاپ شده . زبان زنان درچهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی (مطبعه حبل المتین) چاپ شده وپس از نشر چند شماره مندرجات آن ازمطالب مربوط بزنان خارج شده ومقالات مختلف و اخبار داخله وخارجه نیز در آن دیده میشود . قیمت اشتراك روزنامه در سال اول ۱۲ قران ودرسال دوم ۳۰قران و برای دختران دبستانها ٢٤ قران ودر « کشوردرونی وخاك بیگانه » تمبر پست افزوده میشود . تك نمره دهشاهی . شماره اول سال دوم روزنامه که «نمره پی دربی آن» ۱۸

میباشد در چهارصفحه بهمان قطع سابق درهفتم پروردین ۵۱۳۸ باستانی مطابق ٦رجب ۱۳۳۸ هجری منتشر گردیده • مقاله افتتاحی این شماره تحت عنوان « نوروز » وباین جملات شروع میگردد : « خورشید از گریبان بروردین سر بدر کرده و بمیهن جمشید خجسته باد میفرسد ...» در سال دوم مرتباً روزنامه هفته یکبار روز های شنبه چاپ و پخش شده و تا شماره ٤۱ سال دوم که « نمره پیابی » آن ۵۷ است منتشر گردیده این شماره که ظاهراً آخرین شماره زبان زنان منتشره در اصفهان میباشد در تاریخ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ قمری مطابق ۱۱ جدی ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته و با این شماره روزنامه زبان زنان برای همیشه تعطیل وبجای آن مجله زبان زنان بشرحیکه ذیلا خواهیم نوشت در طهران منتشر شده است •

زبان زنان گرچه اول روزنامه ای نیست که بمدیری یك بانو در ایران منتشرشده باشد و بلکه قبل از آن یعنی در آغاز مشروطیت روزنامه « شکوفه » بمدیریت مرحوم خانم مزین السلطان در طهران تاسیس و منتشر گردیده ولی همانطور که خود بانو دولت آبادی در شماره ٤ سال دوازدهم مجله عالم نسوان درضمن یك مقاله نوشته : « زبان زنان اول نامه بوده که توانست اسم زن بخود بگیرد وبافکر زن وقلم زنان نوشته شود و اهمیت موقعی داشته باشد چونکه در آن تاریخ دراصفهان فنا تیك بطبع میرسید •» درحقیقت هماقسم که بانو دولت آبادی متذکر گردیده انتشار روزنامه بنام زن در اصفهان که یك شهرمذهبی و روحانیون وملانماها بخصوص درآن کمال‌نفوذ و اهمیت را داشته اند ، کاربسیار مشکلی بوده و بهمین جهت هم بشرحیکه ذیلاباد آور میشویم عاقبت مدیر روزنامه نتوانست دراصفهان مقاومت ودرمقابل کارشکنیها وسنك‌سار کردن خانه ومحل اداره او ناچار بترك این شهر ومهاجرت بطهران گردید • اجمالی از این حادثه بقسمیکه در شماره ۳۱ سال دوم مورخ سوم صفر ۱۳۳۹ قمری نوشته‌بدین قرار است : تفصیل حادثه سرمقاله شماره مذکور را تشکیل میدهد •« دشمنان تفنك میکشند • چنانچه سابقاً گفتیم یکی از راههائی که اسباب بیداری ملت پاکدامن ایران را فراهم میسازد نطق ونگارش وطن پرستان واقعی مملکت است • بیداری قوم نیز افزار محافظه استقلال وطن میباشد •

سه گروه یعنی مستبدین ودزدان و دشمنان ایران یك روش هستند البته مستبدین برضد آزادیخواهان ودزدان برعلیه پاکان ودشمنان بنابودی وطن پرستان کوشش‌دارند یقیناً این سه جمعیت ازحیث زور ؛ پول و میادین کار قوی وتوانا میباشند • بزرگترین کوشش اینان عوام فریبی است وهمیشه سعی دارندکه عوام چشم‌وگوش‌بسته بمانندوافکار سران ملت ؛ آزادیخواهان ووطن پرستان نه ازراه نگارش ونه ازطریق نطق میدان پیدا نکنند وهمیشه دررعب وفشار خفه وخواموش افتاده باشند ، تا خودشان توانسته باشند که ناحق را حق جلوه بدهند •

ازروز طلوع زبان زنان‌ما حس کردیم که انتریك اشخاص سه گروه‌فوق‌الذکر برضد ما آغاز شده و هرچه ازعمر زبان زنان گذشت ، همان اندازه اعمال دشمنان آنان برضد روزنامه زیادتر گردید • آغازحملات• درماه‌شعبان گذشته‌چند دفعه خانه مسکن

مدیر ما و کارکنان زبان زنان مورد حملات وتهدید دزدان واقع گردید که در همان اوقات بموجب مراسله رسمی از اداره شریفه نظمیه استمداد خواستیم و شهدالله از نتیجه اقدامات مامورین اداره مذکوره ـ دنباله حملات آنان پس از پانزده شب پیاپی بریده شد • اینك دست بتفنك شدند • دراین ایام از نقطه نظر صرفه جوئی خانه مسکونی کارکنان و اداره روزنامه را تغییر داده ودریك خیاط یکدستگاه خانه منزل کرده و دستگاه دیگر را باداره انحصار دادیم •

شب جمعه ۲٤ محرم ازساعت چهار ازشب وقتیکه همه اهل خانه برای صرف‌شام باطاق سفره حاضر شده ناگاه صدای پا درایوان بالا بگوش رسید وفورا با امداد نوکرها بتجسس پرداخته سیاهی دونفر دیده شد که دوان دوان ازبالای سردرب ادار ه میگریزند ، شب را درحالت دفاع بسربرده و باداره نظمیه اطلاع دادیم ، شب دوم‌حمله شدید ترشد ؛ درحالتیکه آژانها ازطرف نظمیه درکمین بودند وساعت سه و نیم از شب گذشته بود درطرف ایوان پائین اطاق اداره دونفر دیده شدند که پاسبانان ما دو تیر انداختند و آن دو نفر دیوار مقابل را سنگر خود کردند وسپس آژانها رسیدند آنان را تعقیب میکنند که یك تیر ازطرف آنها بسوی آژانها خالی وفرار میکنند درهنگام فرار ازکوچه دیده شده اند که سه نفر بودند و یکی کمربند ومچ دست بسته‌بوده‌است

درشب یکشنبه که عده آژانها دراطراف خانه بیشتر بوده درساعت هشتا زشب گذشته سه نفر که یکی بهمان شکل اولی مچ بسته لباس پوشیده بوده ودیگریراشنیدیم ژاندارم است وسومی مانند دهقانی در همان کوچه منزل ما بدست آژانها گرفتارمی شوند • شنیدیم صبح آنروز آنان رها شدند • ما نیز بموجب یك مراسله رسمی تاریخ ۲۵ محرم از نظمیه دستگیری حمله وران وامنیت خودرا خواستیم • ازجدیت مامورین نظمیه وطرز اجرای قواعد آنان تشکر میکنیم • درشبهای دوشنبه و سه شنبه نیز از ساعتهای پنج الی نزدیکی های صبح گاه‌گاهی صدا ها شنیده میشود وبطوریکه بتمام عده آژانها آشکار گردید ولی هنوز منبع ومرکز این حمله وران ویا دزدان بطور مسندورسماً علنا بدست نیامده وگرفتار نگردیده‌اند . این حوادث را که نوشتیم وقایع تاروز سه شنبه ۲۸ محرم‌است که این مقاله رادرعصر سه شنبه مذکور مشغول نگارش هستیم که بمطبعه بفرستیم و از امشب چهارشنبه به بعد را بخواست خداوند در نمره آتیه درج خواهیم نمود • اینك باید گفت ، آری باید فریاد کشید و نوشت ؟ ایوطن پرستان واقعی ؟ ای نویسندگان‌پاکدامن؟ وای آزادیخواهان درست بشنوید وببینید که چگونه خادمین ملك وملت واقلام فداکار را تهدید میکنند ما اینك باصدای بلند خطاب بهمه مستبدین و دزدان ودشمنان کرده ومیگوئیم :

مارا عشق وطن ، مارا آرزوی پرورش مشروطیت ایران ومارا افتخار خدمت درنگاهداری استقلال با معنی ایران ـ بمیدان معارف دواند • مابرای رستگاری ملت از روزگار تاریك وبرای نجات خواهران بی نوای خود وبرای یاری وطن قلم بدست گرفتیم ••••••• ما ازکشته شدن‌باك‌نداریم وبلکه‌فدا شدن‌درراه‌وطن‌وملت آزاد خود

افتخار میکنیم • زنده باد ایران • نیست باد استبداد • نابود باد دشمنان ایران • »

در شماره بعد که شماره ۳۲ سال دوم است تحت عنوان (از شب چهار شنبه) مینویسد : « چنانچه در شماره پیش‌حمله وری مستبدین ، دزدان ودشمنان را درسرمقاله تحت عنوان : دشمنان تفنك میکشند • تاعصر سه شنبه هرچه روی داده بود نو شتیم و اینك ازشب چهار شنبه تاعصر سه شنبه بیست وهفتم میزان را (سال ۱۲۹۹) یعنی تا این ساعت که همین مقاله را مینویسم درج میکنیم •

شب چهار شنبه ساعت یك سیاهی آدم پشت یك اطاق دیده شد که پاسبانا ن ما تعقیب کرده و بانداختن یك تیر گریخت و از اثر صدا آقای نصرت الله خا ن رئیس کمیسری مرکز با عده آژانهای مامور آنجا رسیدند و تا صبح با کشیکها ی مرتب محفوظ ماندیم • از جدیت آقای نصرت‌الله خان تشکر میکنم • ازنقطه نظر اینکه خانه ما درپسکوچه هم واقع شده که خود محل ممکن است برجسارت د زدا ن تاریك منش بیافزاید عازم تغییر منزل شدیم ، بنابراین صبح چهارشنبه ۲۹ محرم‌خانه درخیابان دروازه دولت ، پشت چهلستون و ارك دولتی ، نزدیك به‌تلگرافخانه‌را کرایه کرده و در همانروز باینجا نقل مکان کردیم •

سنك ریزی ـ شب پنجشنبه گاهی صدای پرتاب شدن سنگهای ریزه از هوای بیرون خیابان بخانه شنیده شد • شب جمعه ریزش سنگها برشدت خود افزوده وصدای پا ازطرف دکان خرابه های طرف کوچه بگوش میرسید که ناچار باطلاع نظمیه‌شدیم و پس از آن امداد آژانها آسایش را سبب شده وعجب آنجاست که دزدان‌ودشمنان و مستبدین و یا عمال آنها خوب مواظبت‌هم‌دارند ،همینکه آژانها را اند کی دو ر دیده وموقعی بدست آورده خواه به پراندن چند دانه سنگها هم باشد کوتاهی نمی کنند و ما برای اینکه نظمیه را نیز بانجام وظایف خود آزاد گذاشته باشیم بیش ا ز این شرح نمیدهیم و همین قدر میگوئیم که دشمنان ما ناچار قوی پنجه هستند !! اگر آنها میخواهند که ما ازبیداری عوام دست بکشیم ، اگر آنها خیال میکنند ما ترسو هستیم ، اگر آنها آرزو دارند ما ازنوشتن و کشف حقایق امور وآشکار گوئی ازقضایای ملی صرف نظر کنیم ؟ اگر گمان میکنند میتوانند مارا مجبو ر کنند که از طریقه خوشبختی ایران چشم بپوشیم و دروغها بنویسیم ویا راستها را نگو ئیم و تعریفها ی بیجا بکنیم و امثالهم ـ اینها همه خیالات خام است • ما ایرا ن را می پرستیم ••• » درهمین شماره اعلانی تحت عنوان (تغییر مکان) بدینقسم چاپ شده‌است: « چنانچه از حوادث وارده که نگاشتیم اداره زبان زنان ازکوچه عباس آبا د به خیابان دروازه دولت نزدیك تلگرافخانه نقل مکان نموده است •»

مدیر روزنامه زبان زنان پس ازمطالبی که در شماره های ۴۷ و ۴۸ نوشته در شماره ۴۹ مینویسد برای اینکه نظمیه را آزاد گذاشته باشیم خواموش میما نیم ودیگر در روزنامه چیزی نمینویسیم وپس ازآن بجای نگارش درروزنامه با پیغام و نگار ش نامه با نظمیه اکتفا مینماید و در شماره۵۲مینویسد : «ما دراین خانه هنوز باپاسبانی پاسبانان زندگی میکنیم • میدانیم دامن کاردانش بکمرزدن ؛ را ستگو ئی ، آزاد ی

پژوهی و ایران پرستی ، دشواری بسیار دارد و باید در برابر دروغ گویان ، تاریك منشان ، آزادی شکنان ایستادگی کرد . » هنوز مدیر زبان زنان ازمشاجره و منازعه با مستبدین فراغت پیدا نکرده که با رئیس معارف اصفهان ؛ آقای صادق ا نصار ی ، مناقشات قلمی را در روزنامه آغاز مینماید • این اوضاع و احوال وحوادثی که شرح آنها را مختصراً نگاشتیم بضمیمه پیش آمد کودتای حوت ۱۲۹۹ باعث گردید ند که بانو صدیقه دولت آبادی بدوره روزنامه نگاری خود دراصفهان خاتمه داده و از آن پس ، در سال ۱۳۰۰ شمسی ، با تغییر روزنامه‌بمجله ؛ مجله زبان زنان را درتهران منتشر سازد •

(۶۱۳) زبان زنان

مجله زبان زنان بمدیری بانو صدیقه (دولت آبادی) در طهرا ن تا سیس و شماره اول آن در جوزای ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده وچون انتشار مجله دنباله روزنامه زبان زنان بوده لذا سال تاسیس مجله همان سال تاسیس روزنامه محسوب گردیده است • بنا براین شماره دوم سال چهارم درثور ۱۳۰۱ شمسی و شماره سوم درجوزای سال مذکور منتشر شده است • شماره دوم وسوم با چاپ سنگی بخط (ملك‌الخطاطین شریفی) و در (مطبعه •روی) بطبع رسیده؛ طرز انتشار مجله ماهانه بوده وهرنوبت در ۳۲ صفحه بقطع ربعی انتشار یافته . شعار مجله : الجنة تحت اقدام الامهات ووجه اشتراك آن بدینقرار است : تکشماره سی شاهی • بهای سالیانه بیست قران • به دختران دبستان ۱۸ قران . کشور درونی وخاك بیگانه تمبر پست افزوده میشود • محل اداره : موقتاً فخرآباد • جای پخش : کوچه حاج باقر اداره توزیع جراید • خیابان چراغ برق دواخانه غربی • فهرست مندرجات درپشت جلد مجله طبع گردیده و فهرست مندرجات شماره دوم بدینقرار است : ۱ ـ مرغ سحر (حضرت آقای حاج میرزا یحیی دولت آبادی) ۲ ـ درفرایض مربیان حقیقی مردان یعنی نسوان . (ع) ۳ ـ زن خوشبخت (صدیقه) ٤ ـ اصفهان ـ ٥ مادام کوری ٦ ـ محفل دوشیزگان• ۷ ـ مدرسه شبانه روزی ، ۸ ـ مکتوب شهری . ۹ ـ تشکر ازجراید . ۱۰ ـ جراید و دوای درد ها ۱۱ ـ منظومه • ار قسمت سوم بانطرف بقلم مدیر مجله بانو صدیقه دولت آبادی است . همانقسم که ازفهرست نقل کردیم مقاله اول شماره دوم اشعار یست ازمرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی بعنوان (مرغ سحر) قبل ازچاپ اشعار این چند سطر نوشته شده است : «مجله دوم را شروع میکنیم بمنظومه حضرت آ قـا ی حاجی میرزا یحیی که با اوضاع کنونی ایران وحالت روحیه هموطنان مضا مین ادبی آن قابل توجه و ملاحظه میباشد امیدواریم قارئین محترم بدقت تمام مطالعه‌فرمایند. زبان زنان »

مرغ سحر

کی کند بوم شب شوم از این بوم سفر تا شو د بدرقه ا ش زمزمه مرغ سحر

بامداد آید و روشن شود از نو ایران فلکی تازه به بینیم براز شمس وقمر. شماره سوم سال چهارم در برج جوزای ۱۳۰۱ منتشر شده . مقاله افتتاحی آن تحت عنوان (افکار پریشان) است . در روزنامه ایران مورخ ۱۳ دلو ۱۳۰۱ شمسی بعنوان (معذرت از مشترکین) مینویسد : « بواسطه کسالت سخت مدیره طبع شماره ۷ مجله زبان زنان عجالتاً چند روزی در عهده تعویق میباشد . » نگارنده از وضع مجله پس از تاریخ مذکور اطلاع صحیحی در دست ندارم .

بانوصدیقه دولت آبادی از زنان دانشمند و از خانواده مشهور دولت آبادی است . وی در آغاز کار در اصفهان و پس از رفتن بطهران و تاسیس مجله زبان زنان درپایتخت متوقف و تا این تاریخ در خدمت فرهنگ مشغول کار میباشد . ازخدمات بزرگ مشارالیها تاسیس کانون بانوان است که در بالا بردن سطح معلومات زنان و دوشیزگان خدمت بزرگی را عهده دار است . کانون بانوان دارای کلاسهای متعدد و همه ساله بمناسبت ۱۷ دی و آزادی نسوان جشن مجللی برپا مینماید . شرح احوال ایشان خواسته شده و تاکنون نرسیده است .

(۶۱۴) زبان ملت

روزنامه زبان ملت در طهران ؛ یك روز درمیان ، در سال ۱۳۲۵ قمری تاسیس و منتشر شده است . برون در کتاب تاریخ مطبوعات (ص ۱۰۰) مینویسد : « من نمره سوم این روزنامه را که در تاریخ ۲۸ رمضان ۱۳۲۵ قمری منتشر شده در دست دارم . این شماره در چهار صفحه بقطع ۱۱/۵×۶ سه چهارم اینچ طبع شده . قیمت اشتراك سالیانه آن درطهران ۱۵ قران، درسایر شهرها ۱۸ قران ؛ درممالك خارجه ۱۲ فرانك

(۶۱۵) زشت وزیبا

روزنامه مصور و هفتگی زشت و زیبا بمدیری وتحت نظر (فتح الممالك) در طهران تاسیس و درسال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . ظاهراً شماره اول این روزنامه درتاریخ دوم جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر گردیده . برون در کتاب مطبوعات (ص ۱۰۱) مینویسد : « من نمرات یك ودو و سه روزنامه را دردست دارم . هر شماره آن هشت صفحه بقطع ۷ ویکچهارم×۱۲ اینچ است . وجه اشتراك روزنامه در طهران ۳۰ قران و در سایر شهرها باضافه اجرت پست . »

(۶۱۶) زمان وصال

روزنامه زمان وصال بطور هفتگی بمدیری (میرزا علی اصغر شیرازی ملقب بناصر الشعرا) درشهر رشت تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات (ص ۱۰۱) بنقل از رابینو مینویسد از این روزنامه بیش از هشت شماره منتشر نشده وشماره اول آن در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۹ وشماره آخر آن در ۲۲ رجب سال مذکور انتشار یافته است . برون اضافه میکند که من نمرات یك ،

دو ، سه . پنج ، هفت وهشت آنرا در دست دارم . هر شماره آن درچهار صفحه بقطع ۵ر۶در۵ر۱۲ اینچ و قیمت اشتراك سالیانه آن ده قران است .

(۶۱۷) زنان ایران

روزنامه زنان ایران درسال ۱۲۹۹ شمسی بطور هفتگی درطهران تاسیس ومنتشرشده‌است

(۶۱۸) زنبور

روزنامه زنبور درطهران بصاحب امتیازی (ش ـ ا فشا ر) و مو سسی (ح ـ کسرائی) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . شماره او ل سا ل دوم روزنامه در چهار صفحه با چاپ سربی (در مطبعه شرکت برادران باقر زاده)بطبع رسیده و دو صفحه نیز کاریکاتور با چاپ سنگی (مطبعه مروی) دارد ، در تاریخ شنبه ۱۱ رمضان مطابق ۷ ثور ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . زنبور درعنوان آن ، روزنامه (سیاسی ، اجتماعی ، اخلاقی ،) معرفی شده ودر ضمن یك سطر نوشته است : « صفحه اول این روزنامه جدی و دارای تصاویر گراوری بزرگان ایرا ن میبا شد . » گرچه در شماره‌اول تصویرنداردولی در شماره دوم تصویر مشیرالدوله بمناسبت‌انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی چاپ شده است . محل اداره : طهرا ن . نا صر یه . آبونمان سالیانه ۶۰ قران . شش ماهه ۳۵ قران ، ولایات ۷۰ قران‌تك شماره۶شاهی .

مندرجات زنبور پس ازیك سرمقاله ، عبارت ازمقالات واخبار مختلف ویك‌ستون ملخص جراید میباشد . دراین ستون قسمتی‌ازجراید مختلف نقل شده ؛ برای نمونه‌قسمتی ازشماره اول‌این‌ستون‌سال‌دوم را نقل‌مینمائیم : «**انعکاس**ـراجع بانتخابات . زنبورـخبر با واگون عقبی است . **مردآزاد** پریشان وبی باعث ول میچرد ؛ **زنبور** ـ بعقیده‌بعضی ها بیخود زنده است . **دستوراخوت** طبع مجانی‌روزنامه . **زنبور** ـ مارا هم از این نمد کلاهی . **کار** انتقام حق بدست کارگر شمشیر شد ؛ **زنبور** ـ بله ازتیغه چوبی‌نباشد. **آستانه رضوی** ـ انتخاب زنبور . بسته برضایت شماست ..» شماره ۱۸ سال دوم‌زنبور با داشتن دوصفحه کاریکاتور در تاریخ شنبه ۲۰ ع ۱ مطابق ۱۹ عقر ب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده . دراین شماره تصویر (قوام‌الملك شیرازی) درصفحه اول طبع شده و در صفحه چهار اشعاری تحت عنوان (میومیو) درج گردیده ودر آنها شرح حال فرخی‌مدیر روزنامه طوفان ذکر شده است ؛ قسمت اول این اشعار این است :

میو میو

پیشتم مکن که گر به لوسم میومیو — آتش بیار مطبخ ر و سم میو میو
بودم به یزد گربه دکان نا نو ا — هر روز میرساند خدا رزقم ا ز هو ا
از مو مو م شکست د ل موش بینوا — حا کم لبم بدوخت بسوز ن خدا کو ا
از در د آ ن هنو ز عبو سم میو میو
پیشم مکن که گر به لوسم میو میو
حاکم مرا بسفره خود برد بعد از آن — گشتم ز شوق‌سفره او دست‌ولب‌گزان

بوی پلو ز مطبخ ا و روز و شب روان گفتی بود عروسی و هر شب پلو پزان
من اندران میانه عروسم میو میو
پیشتم مکن که گربه وسم میومیو

(۶۱۹) زنبیل

مجله زنبیل در سال ۱۳۰۹ شمسی بطور ماهیانه تاسیس و منتشر است •

(۶۲۰) زنبیل دهقان

مجله زنبیل دهقان بمدیری (میرزا احمد خان دهقان) در دهم تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورایعالی معارف گذشته و لی ظاهراً منتشر نشده است . میرزا احمد خان دهقان همان آقای بهمنیار استاد دانشگاه میباشد که شرح احوال ایشان ر جلد دوم کتاب ، در ذیل روزنامه دهقان بتفصیل ذکر شده است •

(۶۲۱) زندگانی

در رجب ۱۳۳۶ قمری آقای نوبخت شیرازی وآقای آزادی مجله بنام زندگانی نوشته و بمدیریت آقای حیات منتشر نموده اند •

(۶۲۲) زندگانی

در در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز مجله زندگانی در طهران بمدیری آقای (میرزا حسینخان عدالت) از تصویب شورایعالی معارف گذشته و طرز انتشار آن ماهی سه بار بوده است •

حرف ژ

۶۲۳ ژورنال دوطهران

روزنامه ژورنال دو طهران (روزنامه طهران) بمدیری و موسسی (آقای عباس مسعودی) مدیر روزنامه یومیه اطلاعات تاسیس و د ر سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است• این روزنامه معمولا درچهار صفحه بقطع بزرك بزبان فرانسه ابتدا بطور هفتگی و بعد بصورت یومیه طبع وتوزیع گردیده ونمره ۱۴۹۹ سال ششم آن درتاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۱۹ مطابق ۲ ژوئن ۱۹۴۰ میلادی منتشر گردیده محل اداره روز نامه طهران • خیابان خیام ، در همان محل روزنامه اطلاعات و تك نمره آن ۵۰ دینار است •

مندرجات ژورنال دوطهران پس از مقاله اساسی که غالباً ادبی یا تا ریخی ویا اقتصادیست عبارت ازمقالات مختلف تاریخی و ادبی است وصفحات دوم و سو م آ ن مخصوص آخرین اخبا ر خا ر جه و د ا خله وصفحه چهارم مخصوص درج ا علا ناتست برای ا طلا ع از مندرجات روزنامه عنوان بعضی ازمقالات آنرا نقل مینمائیم • سرمقاله شماره نمونه (شماره ۱۴۹۹) تحت عنوان (جوانی اصفهان بقلم نویسنده گمنا م) و مقاله دوم آن (زردشت و فلسفه او) که دنباله دارد • اخبار داخله و خارجه بتفصیل •

مندرجات نمره ۱۱۵۱ : ۱ عزیمت هیئت ایرانی بایطالیا) این قسمت با تصویر چاپ شده است • آمار تجارت خارجی ایران مذاکرات مجلس.اخبارداخله وخارجه بتفصیل• اعلانات . مندرجات ۱۱۹٤ : ایران از لحاظ ژئولوژی • مذاکرات رودلف هس اخبار مفصل اروپای مرکزی ، اروپای شرقی ، فرانسه •

علاوه برمقالات گوناگون درصفحه سوم هر شماره یك رمان پلیسی بنام (اتوئی قتال) که از انگلیسی بوسیله (میریام دو) ترجمه شده ، طبع گردیده است . دیگرازمقالات روزنامه ؛ هنرایرانی.است که شامل آغاز پیدایش رقص وغیره میباشد • سود شرکت های سهامی • مقالات مختلف در باره شرق اقصی • در بعضی ازشماره ها یك صفحه مخصوص خلاصه فیلمهای سینما است •

چون قسمت عمده انتشار ژورنال دو طهران در زمان اعلیحضرت فقید بوده وروزنامه ها کمتر مقالات سیاسی چاپ میکرده اند ، از اینرو مقالات ژورنال دو طهران اغلب ادبی ؛ تاریخی ؛ اقتصادیست و رویهمرفته این روزنامه برای آشنایان بزبان فرانسه ، بسیار مفید است و همچنین برای آشنا شدن باصلاحات زبان فرانسه یك مرکز عمده ایست و از اینرو دانش آموزان میتوانند با قرائت آن این زبان را درخود تقویت نمایند • نویسنده ژورنال دو طهران مرحوم حاجیان است که تفصیل احوال وعکس او را درجلد اول کتاب در ذیل روزنامه اطلاعات بطبع رسانده‌ایم • خوانندگان گرام بدانجا مراجعه فرمایند •

درآذرماه ۱۳۲۱ شمسی قانون جدیدی راجع بمطبوعات ازمجلس گذشت که بر طبق آن هر فرد بیش از یك امتیاز نمیتواند دارا باشد ولذا آقای عباس مسعودی که امتیاز روزنامه اطلاعات را داشت دیگر نمیتوانست امتیاز این‌روزنامه رانیزداشته باشد و لذا امتیاز ژورنال دو طهران بنام آقای جواد مسعودی ؛ برادر عباس مسعودی صادر گردید و تا حین تحریر این‌یاد داشت ژورنال دوطهران بمدیریت‌ایشان منتشرمیگردد.

آقای جواد مسعودی مدیر ژورنال دوطهران - آقای جواد مسعودی در سال ۱۲۸۸ شمسی در طهران متولد و تحصیلات خود را در دبیرستان ثروت انجام داده در سال ۱۳۰۹ شمسی برای اتمام تحصیلات باروپا رهسپار و دوازده سال در سویس و بلژیك بتحصیل علوم‌اقتصاد واجتماع مشغول بود . سپس در مدرسه نامه‌نگاری‌بروکسل داخل شد وتحصیلات خودرا دراین رشته پایان داد وباخذ گواهی نامه نائل گردید آقای جواد مسعودی پس ازمراجعت بایران در سال ۱۳۲۰ شمسی سردبیری ژورنال دو طهران را عهده دار شد و از آذر ۱۳۲۱ ، چنانچه فوقا ذکر کردیم ؛ صاحب امتیاز ومدیر روزنامه گشت• آقای مسعودی دردوره چهاردهم ازفیروزکوه ودماوندبنمایندگی مجلس و در دوره شانزدهم از طهران انتخاب گردید •

حرف السین

(٦٤٢) ساحل نجات

روزنامه ساحل نجات در شهر انزلی (بندر پهلوی) بمدیری (افصح‌المتکلمین

معروف بخیرالکلام) تاسیس و درسال ۱۳۲۵ قمری بطور یکروز در میان منتشر شده است • برون در کتاب مطبوعات و شعرفارسی از قول رابینو نقل میکند که (ص۱۰۱) « از روزنامه ساحل نجات هشت شماره بیشتر منتشر نشده و شماره اول آن در ۲۶ رجب ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته است » برون اضافه میکند که من از نمره یك تا ۵ آنرا دردست دارم • هر شماره روزنامه چهار صفحه بقطع ۷ در دوازده اینچ است • وجه اشتراك ساحل نجات در گیلان ۱۸ قران ، در سایر شهرهای ایران بیست قران در روسیه و قفقاز ۵ منات و در اروپا ۱۴ فرانك •

مرحوم افصح‌المتکلمین مدیر ساحل نجات بشرحیکه ذیلا خواهیم نوشت بعدا روزنامه را در شهر رشت منتشر نموده و درشهر اخیر علاوه بر ساحل نجات روزنامه خیرالکلام را (ازاین روزنامه درجلد دوم کتاب گفتگو کرده‌ایم) منتشر کرده است•

(۶۲۵)ساحل نجات

مرحوم افصح‌المتکلمین در سال ۱۳۲۸ قمری مجددا روزنامه ساحل نجات را بطور روزانه در شهر رشت تاسیس و منتشر نمود • برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۰۱) مینویسد من از نمره ۸ تا سیزده این روزنامه را در دست دارم که در سلخ شوال ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته است • هرشماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۷ در ۱۲ اینچ است • وجه اشتراك آن دررشت سالیانه ۲۵ قران ، در سایر شهرهای ایران سی ریال و در روسیه ٦ منات •

(۲٦٦)سالم

روزنامه سالم در تهران ، درسال ۱۲۹۳ شمسی بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۶۲۷) سبیل الرشاد

روزنامه سبیل‌الرشاد در سال ۱۳۰۲شمسی درطهران تاسیس و منتشر شده است

(۶۲۸) ستاره

روزنامه ستاره در تهران بصاحب امتیازی و نگارندگی آقای (احمد ملکی) تاسیس و در سال ۱۳۱٦ شمسی منتشر شده است • این روزنامه بطور یومیه و در بدو تاسیس هر دفعه چهار هزار شماره از آن منتشر میشده و شمار اعضای آن ۲٦ تن بوده اند • شماره ۲٤٤ سال اول آن در چهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سربی (چاپخانه اتحادیه) طبع ودرتاریخ جمعه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ شمسی مطابق‌با ۱۲ ربیع الاول ۱۳۵۷ قمری انتشار یافته است . ستاره ، یك روزنامه « یومیه-سیاسی اقتصادی ـ اجتماعی ـ ادبی ـ علمی » معرفی شده و مندرجات آن مانند سایر جراید یومیه طهران ؛ مانند کوشش وتجدد ایران ، عبارت است ازیك سرمقاله و مقالات

مختلف و ترجمه های خارجی و اخبار داخله وخارجه بتفصیل و اعلانات دو لتی و غیر دولتی است •

روز نامه ستاره مانند سایر جراید دوره اعلیحضرت فقید ، تا قبل از شهر یو ر ۲۰ ، یك روزنامه خشك و محدود و مقالات آن چند بار از زیر نظر کارمنـدان اداره آگاهی میگذشته است ولی پس ا ز شهریو ر بکلی سبك را عوض کرده وروزنامه انتقادی گردیده و بهمین جهت هم در دیماه ۲۰ بمناسبت درج مقاله تحت عنوان (جا م جم) بقلم (درشگه چی) توقیف گردیده است • دراین مقاله از قول خبر نگار مصری روزنامه در قاهره در ضمن مصاحبه که با سفیر کبیر ایران آقای محمود جم بعمل آمده اوضاع ایران‌راشرح داده‌است • روزنامه اطلاعات مورخ یکشنبه ۲۱ دیماه ۲۰ در باره توقیف روزنامه ستاره شرحی نوشته که خلاصه آن این است : « یك هفته است‌روزنامه ستاره منتشر نمیشود و از طبع آن جلوگیری شده است • ما تصد یق میکنیم که اگر روزنامه برخلاف حدود خود چیز نوشت باید ازانتشار آن جلوگیری شود ولی درمملکت مشر وطه اینکار با دادگاه و هیئت منصفه است ولی اینکار تا کنون درباره رو ز نا مه ستاره عملی نشده است • »

توضیح آنکه روزنامه ستاره همانقسم که یاد آور شدیم پس از آزادی جر ا ید در شهریور ۲۰ بطور یومیه منتشر گردید و مرتباً با درج مقالات تند بادارات د و لتی و شاه سابق و حتی وزراء حمله مینمود • عاقبت هم بمناسبت مقاله که عنوان آ نرا نقل کردیم توقیف گردید •

محل اداره روزنامه ابتدا : طهران • جنب وزارت معارف • کوچه دژبان و بعد بخیابان فردوسی رو بروی خیابان ثبت اسناد ، منتقل گر دد • وجه اشتراك سالیانه یك صد ریال ؛ ششما هه ۵۰ ریال • در خارجه دویست ریال و ۱۱۰ ریال • بهای آ گهی ها صفحه اول چهار ریال • دوم سه ریال • چهارم یکریال • تکشماره در طهرا ن ۲۰ دینار • پس از یکروز نیم ریال ، در ولایات سی د ینار • پس از آنکـه ستار ه ومیه شد در بهای اشتراك بدین نحو افزوده گردید ، سالیا نه ۴۰۰ ر یا ل ؛ ششما هه ۲۲۰ ریال ؛ سه ماهه ۱۲۰ ریال : تکشماره دو ریال ؛ یك روز بعد ۵ ریال •

در تیر ماه ۱۳۲۶ شمسی دهمین سال روز نامه پایان یافته و آغاز سال یاز دهم شروع گردیده و بهمین مناسبت در شماره ۲۶۱۶ مورخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۶مطابق اول رمضان ۱۳۶۶شرحی تحت عنوان (یازدهمین سال روزنامه ستاره) نوشته وازهمکارا ن گرام خود که پایان سال دهم روزنامه را تبریك گفته اند ستایش کرده ا ست • چند سطر اول شرح مذکور بدین قرار است : « بمناسبت پایان دهمین سال روزنامه‌ستاره و آغاز سال یازدهم حیات روزنامه نویسی وادامه خدمتگذاری هفته گذشته بسیاری ز محترمین ـ دانشمندان ـ ارباب قلم ـ مشترکین محترم و خوانندگان گرامی روز نا مه ستاره چه ازمرکز و چه ازشهرستانها بوسیله تلگراف ونامه وتلفن وباتشریف فرما ئـی بروزنامه ستاره سال یازدهم را تبریك وبوسایل مختلف موجبات تشویق کارکنـا ن صمیمی این روزنامه را فراهم نموده‌اند ۰۰۰۰ »

در ذیل شرح مذکور نظریات جراید مختلف رادر باره روزنامه ستاره نقل نموده و ما بذکر یکی از آنها که از روزنامه (پیکار روز) است اکتفا مینمائیم : « روز نامه محبوب وملی و وزین ستاره وارد یازدهمین سال عمر پر افتخار خود شده است. ستاره محصول زحمات شبانه روزی ، مشقات و فداکاری خستگی نا پذیر دوست عزیزو دانشمندما آقای احمد ملکی است ونمونه عالی یك روزنامه است همانطور که ملکی نمونه عالی یك روزنامه نویس است آقای احمد ملکی براثر یك عمر پاکدامنی وهیهن پرستی واستغنای طبع محبوبیت خاصی بین دوستان دور و نزدیك خود دارند که ستاره نیمی ازشهرت خودرا مرهون همین محبوبیت ملکی است • ملکی نویسنده ستاره و ستاره مظهر افکار عمومی ملت ایران است وما با کمال صمیمیت بآقای ملکی و همکاران صمیمی ایشان مخصوصا آقای شاملو یازدهمین سال ستاره را شاد باش میگوئیم وامیدواریم بیش از پیش در انجام خدمات اجتماعی کامیاب باشند • »

علاوه برروزنامه ستاره یومیه ، بعد از شهریور ۳۲۰ ، مدتی هم ستاره هفتگی مشتمل برمقالات مفید وعام المنفعه طبع و توزیع میشد که از آن جداگانه درذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو خواهیم کرد •

رویهمرفته ستاره از روزنامه های یومیه مفید بوده وعلاوه بر اخبار داخله و خارجه ؛ ترجمه های مفیدی نیز مربوط باوضاع جهان در آن دیده میشود . روزنامه ستاره تا حین تحریر این قسمت بطور روزانه در طهران منتشر میگردد •

آقای احمد ملکی علاوه برتاسیس و انتشار ستاره یومیه وهفتگی مدتی هم مدیر داخلی روزنامه ستاره جهان بوده • نامبرده پس از خاتمه تحصیلات متوسطه واخذ تصدیقنامه مدرسه صاحب منصبان طبیب بیطاری نظام باعشق مخصوصی وارد در میدان روزنامه نگاری شده و از سال ۱۳۰۵ شمسی بسمتهای مختلف بخدمات ملی درجرایداشتغال داشته است •

(۶۲۹) ستاره اسلام

در خرداد ۱۳۰٤ شمسی امتیاز روزنامه ستاره اسلام در اصفهان بمدیری (میرزا محمد علی فتوحی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است •

(۶۳۰) ستاره ایران

روزنامه ستاره ایران درطهران بمدیری وسردبیری (میرزا حسینخان ـ صبا • ملقب بکمال السلطان) تاسیس و درسال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است • طرزانتشار روزنامه یومیه بوده و بغیر از ایام تعطیل همه روزه منتشر میشده است •

شماره ۱۵۰ سال نهم روزنامه درشش صفحه بقطع بزرك با چاپ سربی در (مطبعه فاروس) طبع ودرتاریخ دو شنبه ۱۱ شعبان ۱۳٤۲ قمری مطابق ۲۷ حوت ۱۳۰۲ شمسی منتشر گردیده • دراین شماره در بالای سرمقاله عکس مرحوم (خیابانی) چاپ شده و درزیر آن این سطور درج است : « مرحوم خیابانی درتاریخ سه‌شنبه سلخ ذی حجة الحرام ۱۳۳۸ دراثر نهضت انقلابی آذربایجان که درزیر خاکستران آتش مقدس

جمهوری مخفی بود بقتل رسید و قلوب آزادیخواهان را مجروح نمود » پس از شرح مذکور (خلاصه کنفرانس مرحوم خیابانی) تحت‌عنوان: « شاه بکجا میرود ؟ » طبع گردیده واین خلاصه باعبارات زیر شروع میگردد :

« انسان باین سمت که عضو یك هیئت اجتماعیه است باید علاقه مند باشدوانسان علاقه‌مند ازحوادث واتفاقاتی که درمحیط واطراف بظهور میرسند متاثر میگردد . اشخاص بیعلاقه خود اندیش باید ازهیئت جامعه طرد واخراج شوند ... » این قسمت دوستون روزنامه را گرفته و در انتهای آن ازطرف اداره روزنامه بدین قسم اظهار نظر شده است : « شرحی که فوقاً ازنظر قارئین گرام میگذرد نطق شهید شهیر آقا شیخ محمد خیابانی است که در تبریز درتاریخ ٤ جوزای ۱۲۹۹ درحضور چندین هزار نفر جمعیت‌ایراد کرده است ومامروز پس از چهارسال قسمتی از آنرا درج نمودیم ازقرائت سطور فوق کاملا معلوم میشود که همیشه درطبقه فاضل وحساس ووطن پرست مملکت نسبت باعمال شاه وبیعلاقگی اوبمصالح جامعه یك حس تنفر شدید و انزجار خاطر عمیقی وجود داشته ومرحوم خیابانی بابیانات ساده وفیلسوفانه خود عدم علاقه شاه را بجامعه گوشزد نموده ...» این شماره روزنامه ستاره ایران و همچنین شماره‌بعد آن ازدوشماره‌های نفیس وتاریخی جراید ایران بشمار میرود زیرا مصادف باایام آغاز جمهوری ایران است ودرهردوی‌آن اعلامیه ها وبیانیه های مختلف طبقات راجع بدرخواست جمهوریت طبع گردیده . من جمله خلاصه بیانیه آقایان رئیس‌الوزراء ها و وزرای سابق است که درمنزل آقای مشارالملك جمع‌شده بودند . ودیگرعریضه‌خوانین ایل بختیاری درباره تقاضای تبدیل رژیم سلطنت‌بجمهوری) میباشد واین عریضه بامضای آقایان نجفقلی بختیاری ولطفعلی‌بختیاری‌ونصیر بختیاری است . قطعنامه (جامعه‌معارف) راجع بجمهوریت نیزدرهمین شماره است.صفحات سه وچهار روزنامه عبارت از(تلگراف های خصوصی) است که از شهرهای مختلف مخابره شده وهمه آنهاتحت‌عنوان(انزجار ازسلطنت قاجاریه . ابرام دربرقراری جمهوریت . تهدید وکلا) چاپ گردیده .

برای مزید اطلاع خوانندگان ازمندرجات شماره ۱۵۰ یکی ازاخبار داخله این شماره را نقل‌مینمائیم : « درحضور آقای رئیس‌الوزراء (منظوراعلیحضرت رضا شاه) قید است که‌درآن تاریخ رئیس‌الوزراءوفرمانده کل‌قوا بوده) قبل‌ازظهر دیروز عموم اعضاء دیوان عالی‌تمیز وقضات محترم‌ومدیران‌وسایراعضاءواجزاءوزارت‌عدلیه درملازمت آقای‌وزیرعدلیه ومعاون‌آنوزارتخانه بمنزل آقای‌رئیس‌الوزراء تشرف‌حاصل ولایحه‌مفصل خودرا که‌متضمن‌تظاهرات‌ملی درخصوص‌استقرارجمهوریت‌وتغییررژیم‌بود قرائت نمودند . ازطرف آقای‌رئیس‌الوزراء هم‌نطقی‌مبنی براظهارات‌ملاطفت‌وتقدیرازوطن پرستی وتشویقی که‌در این‌مورد نموده‌اندایراد گردید.»

روزنامه‌ستاره ایران‌یکباردرمیزان ۱۳۰۱ شمسی‌بعلت کتك‌خوردن مدیروموسس آن مرحوم حسین‌صبا دوچارتعطیل گردیدوعلت این تعطیل قهری که‌بیش‌ازیکی دونمره نبوده مدیر آن (بواسطه‌بعضی‌پیش‌آمدهای اداری ازقبیل اشتغال بتصفیه محاسبات گذشته

وتبدیل مطبعه) ذکر کرده درصورتیکه علت تعطیل روزنامه حادثه زیر بوده ومرحوم صبا نخواسته است آنرا آشکار کند :

کتك خوردن صبا ازسردار سپه

درمیزان ۱۳۰۱ شمسی جراید مرکز یك دفعه بمجلس وبدولت هجومهای زیادی نمودند ومن جمله روزنامه ستاره ایران بآقای سردار سپه که وزیر جنك بود نصایحی نمود • این پیش آمد باعث رنجش سردار سپه گردید ومدیر ستاره ایران را احضار کرد واز او سوال نمود که مقصودت چیست ؟ مرحوم صبا میگوید میخواهم (شما نادر بشوید) • درمقابل این جواب که مربوط باصل مسئله نبوده مرحوم صبا سیلی میخورد وبمحکمه نظامی گسیل میشود • آقای ملك الشعرای بهار درشماره اول سال سیزدهم دوره پنجم نوبهار مورخ ۳ میزان ۱۳۰۱ که شرح مذکور را نوشته درذیل آن اینطور اظهار نظر مینماید: « ماهمان اندازه که از این قبیل تعرضات نازیبا که بدبختانه بواسطه نبودن قانون منصفین درمرکز مملکت روی میدهد متاسف هستیم همانقدر هم تاسف داریم که چرا سیاسیون واحرار این حرفها را میزنند ونمیدانند در قرن بیستم نادرها وبناپارتها معنی ندارد • زیرا نادرها درمحیط امروزی قابل دوام نخواهند بود و روزنامجاتی هم که میخواهند نادر درست کنند مستحق همین معاملات اند• »

دفعه دیگر که روزنامه ستاره ایران تعطیل میشود درجوزای ۱۳۰۲ شمسی است روزنامه ایران مورخ دوم جوزای سال مذکور درباره این تعطیل تحت عنوان(تاسف) اینطور مینویسد : « ما از تعطیل نامه مهم وملی ستاره ایران متاسفیم و انتظار داریم مجددا باعلانه که آزادیخواهان دارند منتشر شود وضمنا تذکر میدهیم که با سابقه آزادیخواهی حضرت صبا ومقامات ادبی ایشان برای وکالت مجلس عموم آزادی خواهان ایشان را فراموش نکنند • » محل اداره روزنامه : طهران • خیابان لاله‌زار بهای روزنامه : یکساله . داخله ۱۰۰ وخارجه ۱۲۰ قران ؛ شش ماهه ۵۰ و ۶۰ قران • سه ماهه ۳۰ قران • قیمت اعلانات : صفحه اول سطری چهار قران • صفحه دو وسه سطری دو قران ، صفحه چهار سطری یك قران • تکشماره ۸ شاهی •

میرزا حسینخان صبا ـ میرزا حسینخان معروف بصبا و ملقب به (کمال السلطان) ازنویسندگان اخیر و مدت ده سال روزنامه ستاره را منتشر نموده • صبا از آزادیخواهان معروف و وقتی خواست درمقابل زور و قلدری ایستادگی کند گرفتار بی مهری سردار سپه گردید وبشرحیکه قبلا یادآور شدیم در باغشاه طهران ازسردار سپه سیلی خورد • وی تا دو سه ماه قبل ازمرگش روزنامه ستاره ایران را منتشر مینمود و درقضایای جمهوریت ازطرفداران جدی تغییر رژیم بود • عاقبت در روز شنبه ۲۰ شهر صفر ۱۳۳٤ قمری مطابق سوم میزان ۱۳۰۳ شمسی درطهران بمرض سکته جهان فانی را وداع نمود و ازمرك خود داغ تازه بر دل آزادیخواهان گذاشت • جنازه آنمرحوم را روز یکشنبه با احترام تمام بخاك سپردند وروز دو شنبه تمام مطبوعات وجراید پایتخت تعطیل نموده درمجلس ختمی که درمسجد سپهسالار منعقد

شده بود از واردین پذیرائی مینمودند • غزل زیر اثر طبع شیوای مرحوم صبا ست که در شماره ۸ سال سیزدهم دوره پنجم روزنامه نوبهار طبع گردیده است :

کنونکه گل طرب افزای باغ منظر ماست سبوی غنچه پیا د لب تو ساغر ما ست •
بسوخت خرمن ما لیك دود آن تاحشر چو آ ه بررخ آ ئینه ستمگر ما ست •
ز داغ فر قت یا قوت گو شه لب تو مدام خون جگر قوت دیده تر ما ست •
چنین بعجب و تکبر قدم بخا ك منه که خاك توده‌ای از بند بند پیکر ماست •
چنین که درقفس افتاده ایم بی‌پر وبال فضای عالـم بالا بزیر شهپـر ما ست •
گر آفتاب ، جهان را به پرتوی گیرد خود آفتاب جهان پر توی ز اخترماست•
غبار خاطر گل پاك کن (صبا) بنشاط که گل نمونه از رنك و بوی دلبرماست•

با مرك مرحوم حسین صبا روزنامه ستاره ایران از بین نرفت و شورای عالی فرهنك درتاریخ ۱۵ قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز آنرا بنام آقای (اعتصام زاده) تصویب نمو د و روزنامه ستاره پس از فوت آنمرحوم از تاریخ ۲۱ جدی ۱۳۰۳ در تحت مد یر یت ایشان منتشر گردید•

(۶۳۱) ستاره ایران

هماقسم که اشاره کردیم پس ازمرك صبا امتیاز ستاره ایران بآقای (میر ز ا ابوالقاسم خان اعتصام زاده) منتقل گردید واز تاریخ ۲۱ جدی ۱۳۰۳ شمسی بموسسی مرحوم حسین صبا و بصاحب امتیازی اعتصام زاده منتشر شد • این روزنامه د ر ا بتد ا هفته ، پنج شماره واز اول مرداد ۱۳۰۶ شمسی که وارد سیزدهمین مرحله ز ند گی خود گردید هرهفته شش شماره منتشر شده است •شماره۹۸سال یازدهم ستاره‌ایران بموسسی (مرحوم میرزا حسینخان صبا) ومدیر مسئول و سردبیری (ابوالقاسم ا عتصـا م زاده) بهمان قطع وسبك سابق درچهار صفحه بقطع بزرك و با چاپ سربی درمطبعه برادران باقر زاده طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۸ جمادی‌الاخر ۱۳۴۴ قمری مطابق ۳ دیماه۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است • طرز انتشار روزنامه یومیه بوده و آدرس آن : طهران‌خیابان لاله زار • کوچه وثوق نظام است • وجه اشتراك مانند سابق یکساله دا خله ۱۰۰ و خارجه ۱۲۰ قران ، شش ماهه ۵۰ و۶۵ قران . سه ماهه ۳۰ قران • تك شماره ۸دینار

مندرجات روزنامه پس از مقاله اساسی که البته برحسب اوضاع بتندی سر مقاله های سابق نیست ، عبارت ازمقالات مختلف مربوط باوضاع داخله‌وسیاست‌خارجی‌و اخبار داخل وخارجه‌میباشدبقسمیکه صفحات دوم‌وسوم غالبامربوط باخبار داخله‌وخارجه ودرصفحه چهارم اعلانات دولتی و غیر دولتی چاپ شده • علاوه بر اینها درهرشماره در صفحـات اول و دوم مطالبی بعنوان پاورقی طبع گردیده است درشماره نمونه پا ور قی صفحه دوم بعنوان (سه عروسی) بقلم (ع • آیتی) است • سر مقاله شما ر ه نمو نـه بقلم آقای (عمیدی نوری) و تحت عنوان (غلبه جوان بر پیر) است •

روزنامه ستاره ایران تا اواخر سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر میشده و پس ا ز آنکه قای اعتصام زاده روزنامه یومیه ستاره جهان راتاسیس نمود قهراً روزنامه ستاره‌ایران

تعطیل گردید • ستاره ایران پس از فوت صبا باز هم یکی از روزنامه های خوب ومفید طهران بشمار میرود • شرح احوال اعتصام زاده را درذیل روزنامه ستار • جهان نقل خواهیم کرد • خوانندگان بانجا مراجعه نمایند ـ ۲۰ ـ

(۶۳۲) ستاره جهان

روزنامه ستاره جهان بمدیری وصاحب امتیازی آقای (ابوالقاسم اعتصام زاده) درطهران تاسیس و درابتدای سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده • طرز انتشار این روزنامه یومیه و بدو زبان فارسی وفرانسه (صفحات اول ودوم وسوم فارسی و چهارم فرانسه) بوده است • ستاره جهان پس ازمدت کمی بواسطه تنوع مطالب آن طرف توجه علاقمندان واقع شد وهرنوبت ۲۶۵۰ نسخه از آن بطور روزانه انتشار یافته ، بهای هرشماره آن ۳۰ دینار و عده اعضاء آن ۲۳ نفر است •

شماره ۲۴۹۴ سال دهم ستاره جهان در چهار صفحه بقطع بزرك درمطبعه سربسی (اتحادیه) طبع ودر تاریخ دوشنبه دوم خرداد ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۲۲ ربیع الاول ۱۳۵۷ قمری و ۱۹۳۸ میلادی منتشر گردیده • درعنوان روزنامه ، ستاره جهان (روزنامه ملی ـ سیاسی ـ ادبی ـ اقتصادی ـ فارسی ـ فرانسه) معرفی شده واز این جهت که صفحات اول ودوم وسوم آن بزبان فارسی وچهارم بزبان فرانسه میباشد ، در مطبوعات فارسی تازگی دارد • گرچه این وضع در بعضی جراید دیگر ازقبیل شرق و غیره سابقه داشته ولی پس از کودتای حوت این سبك روزنامه نگاری معمول نبوده است • مندرجات قسمت فارسی روزنامه پس ازسرمقاله عبارت ازمقالات مختلف ومتنوع سیاسی واقتصادی واخبار داخله وخارجه واعلانات است • ومندرجات قسمت فرانسه پس از درج مختصات روزنامه در بالای صفحه چهارم که همان قسمت فارسی است بفرانسه ترجمه شده ، عبارت ازیك مقاله سیاسی یا اقتصادی ویا تاریخی وخلاصه اخبار داخله و خارجی وچند اعلان مناقصه و آگهیهای مربوط بسینماهاست • سرمقاله شماره ۲۴۴۶ سال دهم مورخ سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۱۶ ، در زیر تصویر اعلیحضرت فقید ، رضاشاه، تحت عنوان (فرخنده ترین روزها) وسرمقاله قسمت فرانسه همین شماره بعنوان « مطالعاتی چند در باره تاریخ شاعری درایران » نوشته شده است •

محل اداره روزنامه : طهران . خیابان سعدی ، کوچه غفاری و عنوان تلگرافی ستاره جهان .طهران بهای اشتراك سالیانه آن درداخله ۱۰۰ ریال ؛ شش ماهه ۵۵ ریال و سه ماهه ۳۰ ریال ،خارجه سالیانه ۱۲ دولاروششماهه ۷ دولارتکشماره ۳۰ دینار ؛ پس از یکروز ۷۵ دینار •

میرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده ـ آقای اعتصام زاده فرزند اعتصام الملك مدیر مجله بهار که درجلد دوم کتاب از او نام برده ایم ، از دانشمندان و فضلا و نویسندگان ایران بشمار میرود ؛ از روابط بین المللی بااطلاع و درفنون ادبیات فرانسه استاد است • درشماره ۳۷ سال دوم روزنامه آینده ایران درباره ایشان مینویسد : «آقای آقامیرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده مدیر روزنامه یومیه ملی فارسی وفرانسه ستاره جهان

عضو انجمن ادبی ایران وموسسه بین‌المللی تحصیلات عالیه وصنایع مستظرفه ژنو «برنده جایزه افتخار» در مسابقه ادبی «ژفلورو» فرانسه در ۱۹۲۹ • من جمله از تالیفات مشارالیه کتاب «هزار مسئله حساب» و کتاب «دستورتجارت» وترجمه «نامه‌های ایرانی منتسکیو» و (هزار ویك خنده) و غیره • معزی الیه نوشته هایش همواره مفید ومؤثر است • » ازشاهکارهای ادبی آقای اعتصام زاده ترجمه رباعیات حکیم عمرخیام است بشعر فرانسه • اقای اعتصام زاده رباعیات عمر خیام را بفرانسه ترجمه نموده و ازطرف اکادمی دولتی فرانسه جایزه گرفته است • این کتاب باطرز بسیار جالبی در پاریس بطبع رسیده و با کاغذ اعلا (آلفا) با مرکب عالی و با حاشیه و تذهیب آقای طاهر زاده چاپ شده و با تمام مزایا بقیمت ۲۰ فرانك بفروش میرسد • علاوه بر این چاپ ترجمه فرانسه اعتصام زاده درسال ۱۳۱۰ شمسی درمطبعه بروخیم طهران طبع شد • و قیمت آن پانزده قران است • این ترجمه مخصوصا طرف توجه اروپائیان قرار گرفته ومولف محترم آن را بجایزه های نقدی ومعنوی تشویق نموده اند • علاوه براین ها خدمتی که اعتصام زاده باتاسیس روزنامه ستاره جهان بزبان فارسی و فرانسه بمنظور شناساندن ترقیات ایران بملل خارجه ؛نموده ؛ اهمیتی بسزا دارد ومخصوصا برای محصلین دبیرستانها نیز ازلحاظ تعلیم زبان وادبیات فرانسه کمك بزرگی بوده است •

(۶۳۳) ستاره شرق

روزنامه ستاره شرق درطهران بصاحب امتیازی (ح ـ ص) و مدیر مسئولی (میرزا باقر میثمی) تاسیس ودرعقرب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است • شماره اول این روزنامه درچهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سربی (برادران باقر زاده) طبع و درتاریخ سه‌شنبه ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۵ عقرب ۱۳۰۱ شمسی و هفتم نوامبر ۱۹۲۲ میلادی منتشر شده است • محل اداره روزنامه : طهران • خیابان‌صاحب اختیار ، نمره ۹ وبهای آن داخله یکساله : ۶۰ وشش‌ماهه ۳۵ وسه ماهه ۱۸ قران • خارجه بترتیب ۷۵ ، ۴۰ و ۲۵ قران است • تك شماره ۷ شاهی • مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (خط مشی — حیات سیاسی ما) است وباین عبارات شروع میگردد: «دراین تاریکی مدهش که فضای مملکت مارا درزیر پرده های مظلم خویش نیره و تار نموده وبطوری ظلمات بعضها فوق بعض محیط را تاریك ساخته که دیدگان دوربین از مشاهده حقایق محجوب مانده اند ....»

پس از این سرمقاله چند اخطار ویك اظهار تشکر ومقاله (تهاجم‌اطبای اجنبی) واخبار داخله وخارجه درج شده ودرپاورقی صفحه ۲ و ۳ داستان اخلاقی ؛ تاریخی ، سیاسی واقتصادی موسوم به (شهرناز) اثرخامه حاج میرزا یحیی دولت آبادی طبع گردیده است • طرز انتشار روزنامه هفته سه بار : روزهای یکشنبه ، سه‌شنبه وپنجشنبه بوده وستاره شرق یکی از روزنامه های خوب ومفید آن تاریخ است • ازاین روزنامه نگارنده تاشماره ۳۳ سال اول مورخ چهارشنبه ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۴۱ قمری رادردست

دارم واین شماره بجای (میهن یومیه) که توقیف بوده منتشر شده است و اتفاقاً خود همین شماره هم که بجای میهن یومیه نشر شده ، بدستور قوام‌السلطنه توقیف گردیده و ظاهراً بعد از این شماره ، ستاره شرق دیگر منتشر نشده است • روزنامه راه‌نجات چاپ اصفهان ، مورخ ۱۱ برج دلو ۱۳۰۱ شمسی راجع باین توقیف مینویسد : «جریده ستاره شرق که بجای گرامی‌نامه میهن‌یك شماره درطهران انتشار یافت چنگال‌بیرحمانه ارتجاع گلوی اورا گرفت وباز توقیف نمود• ماازاینگونه آزادی کشانه قوام‌السلطنه اظهار تنفر مینمائیم • »

(۶۲۴) ستاره شرق

در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۰٤ شمسی شورایعالی معارف امتیاز مجله‌ستاره‌شرق را در طهران بمدیری آقای (حسنعلی خان فردوس) تصویب نمود • مجله ستاره شرق بطور هفتگی تاسیس شده است •

(۶۲۵) ستاره صبح

روزنامه ستاره صبح درتهران بصاحب امتیازی (آقا سید حسن مقدس زاده قمی) و بمدیری آقای میرزا ابراهیم خان ناهید ، مدیر روزنامه ناهید ؛ درسال۱۳۰٤ شمسی منتشر شده است • امتیاز روزنامه ستاره صبح بنام مقدس زاده قمی در خرداد ۱۳۰٤ شمسی ازتصویب شورای عالی فرهنك گذشته وشماره اول آن روزشنبه دوازدهم ذیحجه ۱۳٤۳ قمری مطابق ۱۳ تیرماه ۱۳۰٤ شمسی منتشر گردیده • انتشار روز نامه ستاره صبح بجای روزنامه ناهید (از این روزنامه بتفصیل درحرف نون کتاب گفتگو خواهیم کرد و درجلد اول نیز در ذیل روزنامه افلاك مختصر اشاره بدان نموده ایم) بوده یعنی پس از توقیف ناهید بمدیری میرزا ابراهیم خان درتاریخ مذکور ، اولین شماره ستاره صبح انتشار یافته و بنابراین ستاره صبح همان ناهید است که توقیف گردیده و باز بهمین جهت درستون اول صفحه اول شماره اول ستاره صبح مقاله‌بعنوان (افول ناهید ـ طلوع ستاره صبح) درج شده و درزیر این عنوان این‌شعرطبع گردیده

در ستاره صبح بر ناهید بست کله پز برخاست سك جایش نشست

وخلاصه مقاله که درحقیقت مقاله افتتاحی روزنامه میباشد این است که اساس‌دنیا براین است که تا یکی بلند نشود دیگری‌بجایش نمینشیند ؛ مثلا امیر کبیر یا فلان‌وزیر از بین رفت ، دیگری بجایش آمد • همچنین تا اعضاء و کارکنان ناهید ازبین نرفتند اعضاء ستاره صبح بجای آنها نیامدند • در خاتمه مقاله احکامی بصورت احکام اداری برای اعضاء روزنامه ستاره که بجای اعضاء ناهید ند نوشته است • ونیز درصفحه‌اول روزنامه غزلی بعنوان (هدیه شاعر حساس ملی حضرت آقای عارف) که با ین مطلع شروع میگردد ، درج است :

توای ستاره صبح و صال و روز امید طلوع کن که چو شب تیره بخت شدناهید

ستاره صبح مانند ناهید معمولا درهشت صفحه بقطع وزیری بزرك وباچاپ سربی

طبع شده و کاریکاتور و شرایط اشتراك و سرلوحه ومندرجات وعده صفحات بعینه ناهید است فقط اسم ناهید تبدیل بستاره صبح شده . تنها تغییری که پیدا کرده درمدیر و صاحب امتیاز است که در زیر عنوان نوشته صاحب وسردبیر (؟!) مدیر مسئول س . ح مقدس زاده • علامت استفهام هم بجای نام سردبیر بعلت توقیف بودن ناهید است که مدیران نخواسته است نامش در بالای این روزنامه باشد •

از روزنامه ستاره صبح جمعاً هفت شماره منتشر شده وآخرین شماره آن که شماره هفتم است درتاریخ اول مرداد ۱۳۰٤ شمسی بوده و روزنامه توقیف گردیده و بجای آن روزنامه افلاك منتشر شده است • اولین شماره افلاك که در حقیقت شماره هشتم ستاره صبح میباشد درتاریخ سه شنبه ٦ مرداد ۱۳۰٤ انتشار یافته است • (برای اطلاع از روزنامه افلاك و شرح مفصل آن بجلد اول کتاب کلمه افلاك مراجعه شود •) بنابر این از روزنامه ستاره صبح هفت شماره منتشر گردیده وتوقیف شده است •

اختلاف بین مقدس زاده قمی ومیرزا ابراهیم خان ناهید - پس از توقیف ستاره صبح میرزا ابراهیم خان با گرفتن امتیاز روزنامه افلاك . ناهید را بنام افلاك منتشر نمود وچون روزنامه اخیر امتیاز ومدیریتش با میرزا ابراهیم خان بود دیگر مقدس زاده حق دخالت در امور آنرا نداشت ولی ظاهراً دخالت میکرده واین موضوع اختلافاتی را بین آندو پدید آورده است بقسمیکه مدیر ناهید دریکی از شماره های افلاك تحت عنوان (اخطار) مداخله مقدس زاده را درامور روزنامه ومخصوصاً جمع آوری وجه اشتراك از ولایات بیمورد دانسته و مینویسد وجوهی را که بابت اشتراك روزنامه مشارالیه دریافت نماید بی اساس است وباید قبوض اشتراك فقط با مضا و مهر ناهید باشد تا قابل پرداخت باشد •

(٦٣٦) سپاهان

مجله سپاهان در اصفهان بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (میرزا محمد علی مکرم حبیب آبادی) تاسیس و در سال ۱۳٤۰ قمری منتشر شده است • شماره اول سپاهان در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط ، با چاپ سربی (چاپخانه بامداد) طبع وتوزیع و در تاریخ ۲۹ ذیقعده ۱۳٤۰ قمری انتشار یافته • طرز انتشار آن هر بیست روز یك مرتبه طبع و توزیع میشده • با اینکه سپاهان مجله بوده مع ذلك هیچوقت تعداد صفحات آن ازچهار صفحه تجاوز نکرده است • مقاله افتتاحی سپاهان بدین قرار است : « بنام ایزد پاك و پس از درود بر رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم الحمدلله بتکمیل خدمت بمعارف که مدتی است وظیفه وجدانی خود قرار داده ایم نائل گشته اینك بانتشار مجله بنام سپاهان توفیق مییابیم • مجله سپاهان حاوی حقایق تاریخی و ادبی است واز سیاست دوری جسته فقط بانتشار رسائل که باعث آبادانی مملکت وحصول مبانی عظمت وابهت ملت است نگارش خودرا محصور خواهد نمود وبرای بیداری ذوق ادبی خوانندگان درهر شماره ازمنظوماتیکه معانی آن بیشتر از الفاظش برجسته باشد درج و توجه ادبا وشعرا را بدان قسمت معطوف میداریم •»

پس ازمقاله افتتاحی مذکور ،مقاله‌ای تحت عنوان (ابنیه تاریخی اصفهان ـ علی قاپو) و درصفحات دوم وسوم مقاله دیگری بقلم آقای (کی استوان) وپس از آن سرود فارسی محصلین کالج چاپ شده است •

اولین سرودی که در اصفهان معمول شد = اول سرودی که در میان محصلین مدارس اصفهان معمول شد وعموما محصلین آنرا در مجالس جشن میخواندند سرودیست که آقای مکرم مدیر مجله سپاهان بنظم در آورده و درهمین شماره مجله درج است ، قسمت اول این سرود چنین است :

هموطنان ازعلم وهنر راه مقصود شود طی — کو همت ما •
همقدران از فضل وادب رخش موهوم‌شودپی — کو غیرت ما •
تا بکی اندر جهالت بر قراری — چند تن در میدهد ملت بخواری
کشور ایران مسکن ملت بی سر و سامان — کی گرددآباد•
ملت بی جان ازغم رنج و شدائد دوران — کی گرددآزاد•
گر بنا شد اهل ایران را معارف — ورندانند اهل این سامان وظائف
ایران منهدم و یران شد منفعل وحیران شد — بسکه بملت‌جهل‌است‌وهمراه
ویران مملکت ایران شد جایگه شیران شد — ازسخن‌ما کس‌نیست‌آگاه

آخرین مقاله مندرج درشماره اول قسمتیست تحت عنوان (حفظ‌الصحه عمومی) که بقلم آقای (دکتر صدیق‌الاطباء ـ لقمانی) نوشته شده است •

محل اداره مجله : اصفهان ؛ خیابان خوش. سرای مغزی وقیمت اشتراك آن‌سالیانه طبقه اول ۳۰ قران ، متوسط ۲۰ قران ، کسبه بازار ۱۰ قران . تکشماره چهارشاهی • درسال‌اول ؛ درعنوان‌روزنامه؛مدیر داخلی (میرزا عبدالحسین کجانی) معرفی شده‌ولی بعدا اسمی از او درمیان‌نیست ودرعوض درسال‌پنجم مدیر داخلی میرزا باقر خوراسگانی معرفی گردیده است •

شماره اول سال چهارم مجله درچهارصفحه بقطع کوچك در تاریخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۳ قمری وشماره اول سال پنجم آن باز در چهارصفحه بقطع کمی بزرگتر در تاریخ هشتم ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ قمری منتشر شده است •

مندرجات مجله سپاهان علاوه برمقالات مختلف واخبار شهری قسمتی است تحت عنوان (تقویم سپاهان) که چون در آن تاریخ تا اندازه تازگی دارد بنقل یکی از این تقویم‌ها میپردازیم:

« تقویم سپاهان ـ اوضاع فلکی دراین اسبوع دلالت دارد برمطلوب شدن عبای نائینی و عصبانی شدن محروم‌الوکاله سرسینه پائینی• مستور ماندن مقاصد حقه و تحریك شدن وجرقه کردن مدیر ورقه جرقه . کمك رسیدن بمیرزا فرج‌الله خان وفضولی کردن بچه های میرزا اسدالله خان. کنار رفتن آن ماده مولا وراه انداختن بازی ملا ملا و کشیدن اشکال بدهیولا وقلم زن شدن کربلائی فتح‌الله جولا واتحاد کردن با نره قولا• رفتن بدجنس بجانب قمشه وگفتن مردم که برو گمشه • نقاشی کردن با جی عینکی و قسم یاد کردن بجون ازکی وراه انداختن چرخ و کلك • بکار افتادن مدعی العموم و

اشتغال اعضای محترم بذکر یا حی یاقیوم • رواج وسایط نقلیه و احتمال آثار عدل درعدلیه • طرح شدن درمجلس مطالب چپ وچوله ونطق منطقی وثوق الدوله ، رفع تقلب از پشم ورنك و هرزگی اداره کننده الدنك ؛ غلبه یافتن نر وحرف نشنیدن کر و بارکشیدن خر و انداختن مردم تف واخ بگر. عبادت مومنین و زهد زاهدین ومریض خانه ساختن متمولین . شیوع فراوانی تدبیر ومال جمع کردن‌مدلسین تسعیر وضبط کردن چم پیر • وفور نزله وترجیح ریحان بفضله • ایام تخم پاشیدن برزمین وافتادن رنودحق برست درکمین وصفرا فزودن سر کنگبین • رواج صدای طنبور وشدت نیش زنبور و کثرت زحمات یعفور• رفتن مردم براههای دور ، والله عالم بحقایق الامور .» نقل از شماره اول سال پنجم مجله سپاهان •

چنانکه بعدا خواهیم نوشت آقای مکرم مدیر مجله قریحه و ذوق خاصی در سرودن اشعار برضد خرافات دارد و ازاین جهت درمجله سپاهان وروزنامه صدای‌اصفهان اشعاری باین عنوان درج شده وهمین اشعاریك قسمت ازمندرجات شیرین مجله راتشکیل میدهد • مابرای نمونه‌چند تای از این اشعار را بنقل ازشماره اول سال دوم‌ذکرمینمائیم

ادبیات برضد خرافات

ایخلق خدا معجزه گشته نمایون
سرسنك شولوق شد
یك سنگی‌عیان‌گشته زقبرستان‌چلمون(۱)
باز شولوق و پولوق شد

همسایه آرچی بود این‌سنك‌مطهر(۲)
ای بار خداوند
بشکست سر آرچی ازاین سنك هنر ور
این دغدغه تا چند

ورداست‌که این سنك شودلعل‌بدخشان
نور سر این سنك شود ماه درخشان

آب‌بخشان‌وسیده‌فاطمه‌شده‌بنده‌چلمان(۳)
شد شمع فراوان
چلمون‌چوبهشت است پر ازحوری‌وغلمان
در خطه چلمان

این دست که‌باشد که کند شعبده بازی
مردم شده بیدار
هرساله بیك گوشه کند معجزه سازی
موهوم شده خوار

مالید پی تمشیت خالصجات است
یارو شده بی چاره ودرفکر نجات است

یك معجزه ظاهر کند وگرم‌کات‌است
ما اسباب دستیم
بازاری بیچاره از این واقعه مات است
ما مرده پرستیم

ایخلق بدانید که کفار زمانه
گویند که این آرچی وسنك‌است‌نشانه
هستند پی ذات ما فکر بهانه
کاین خلق همه در ره جهلند روانه
ایقوم جهالت
کافی است خجالت

---

۱ — ازقبرستانهای کهنه و قدیمی اصفهان و امروز بجای آن بیمارستانی بنا شده است.

۲ — سنك آرچی سنك مدوریست که با آن گندم خورد میکنند وسنك آرچی‌در یکی از امامزاده های اصفهان معجزه کرده بوده است •

۳ — آب بخشان وسیت فاطمه (سیدی یا ستی فاطمه) و چلان یا جمیلان نام سه محله از محلات اصفهان است •

طبق اظهار آقای مکرم مجله سپاهان بسال پنجم خاتمه پیدا کرده و دیگر منتشر نشده است •

میرزا محمد علی مکرم = آقای محمد علی مکرم در سال ۱۳۰٤ هجری قمری در حبیب آباد از دهات برخوار اصفهان بدنیا آمده و بهمین جهت مجله بنام محمد علی حبیب آبادی نوشته است •

تحصیلات مقدماتی را درحبیب آباد نزد درویش علی اکبرو دراصفهان درمدرسه امامزاده اسماعیل ومدرسه کاسه گران باتمام رسانیده وچون طبعی سرشار وذوقی وافر دارد برضد خرافات وموهومات که آن ایام بخصوص در اصفهان رواج داشته ، اشعاری سروده است • اشعار آقای مکرم درباره معجزه‌های آرچی یعنی دستاس و نری چی یاقلمه و قدمگاه وجای پای دلدل وسقاخانه وغیره ، خیلی شیرین وجذاب است •

آقای مکرم باکلاه پهلوی

مرحوم وحید در شماره ۷ سال دهم مجله ارمغان اشعار ایشان را درباره (هرون ولایت که یکی از امام زاده های اصفهان است) چاپ نموده و ما نیز در صفحات قبل اشعار ایشان را راجع بسنك قبرستان چلمون نقل نمودیم •

آقای مکرم علاوه برمجله سپاهان، روزنامه صدای اصفهان را نیز طبع ومنتشر نموده و این روزنامه درحال حاضر نیزگاه گاهی طبع و منتشر میگردد؛ آقای مکرم دارای دیوان اشعاریست که متجاوز ازچند هزار بیت میگردد وتا کنون بطبع نرسیده . مدیر مجله سپاهان مردی خوش مشرب وبذله گو وهمه کس طالب محضر او می باشد حافظه وطبع شعر عجیبی دارد . با اینکه سنین عمرش از شصت متجاوز میباشد هنوز طراوت جوانی وبذله گوئی آن عهد را فراموش نکرده ودوستان محضرش را غنیمت می دانند . بعلت مبارزه باخرافات واشعاری که دراین زمینه پیوسته میسرود ؛عوام نسبت بعقایداو بدبین بوده حتی یکمرتبه هم مورد سوء قصد قرار گرفته وشب هنگام تیری باو شلیك نمودند وچندی دربیمارستان بود • وقتی ازطرف مرحوم آخوند فشارکی محکوم باجرای حد گردید وهنگامیکه خواستند حد را درباره اش مجری کنند ، فشارکی گفت ایسك چرا برخلاف شرع رفتار نمودی مکرم پاسخ داد اگرسگ بودم پشم داشتم • این لطیفه مایه نجات وعفو او گردید • توضیح مطلب آن که موقع اجرای حد یکی از نزدیکان آخوند بنام آقای پشمی درآنجا حضور داشت واین کنایه باو برمیخورد

آقای مکرم مدتی بشغل وکالت دادگستری مشغول بود واکنون درشهرداری

اصفهان متصدی کتابخانه شهرداریست • از نامبرده یك فرزند اناث باقیست • آقا ی مکرم اشعار بسیار نغز ودلکشی‌دارد وما برای نمونه قطعه ذیل را ثبت مینما ئیم :

روزگار انداخت مارا ایعزیزان در کناری گفتگوی‌ماست درهر برزن وهرره گذاری
هر که از بهروطن‌لب تر کند یاسر برارد در قفا ی ا و مهیا گشته تیغ آ بداری
هر کسی گوید که گندمدار رادار است پاداش همچوحاجی‌جعفر خونساریش بینی بدار ی
ملت بیدست وپابوسد چه دست ارتجاعی کس دگرزین ملت حیران‌چه‌داردانتظاری
سلطنت‌درملك ایران مستقل گردد زمانی کاندراین کشور نباشد هر دیاری شهریاری
هر که برضد نوای ارتجاعی‌قد علم کرد قد ا و با خاك یکسان شد بدست نا بکاری
الغرض‌من‌سهم خودرا گفتم ورفتم‌زمیدان بعدازاین دارم نه امیدی نه صبری نه‌قراری
بادلی‌پرخون‌وقلبی‌چاك‌چاك‌ازتیراشراف تیرمن برسنك آمد بود اینهم کا ر زا ر ی

ای خوشا آنها که در این روز گار حیرت آور
گوشه غاری مکان کردند و جنب کو هسا ر ی

محمد علی مکرم

(۶۳۷) سپهر

در تاریخ هشتم آذر ۱۳۰٤ شمسی شورایعالی فرهنك امتیاز روز نامه سپهر را بمدیری (میرزا ابوالقاسم خان وائق) در خراسان ؛ تصویب نمود . طرز انتشاراین روزنامه بطور روزانه بوده است •

(۶۳۸) سپیده دم

مجله سپیده دم در شهر شیراز بمدیری و سردبیری آقای (لطفعلی صورتگر) تاسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است • شماره اول سال اول سپیده د م در ٤۸ صفحه بقطع کوچك خشتی با چاپ سنگی طبع و در تاریخ ۷ حمل ایت ئیل ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۲۹ رجب‌المرجب ۱۳٤۰ قمری توزیع گردیده ، مقاله افتتاحی شماره اول تحت عنوان (خط مشی ما) تدوین شده وقسمتی از آن چنین است :

« بنام یزدان پاك . سپیده صبح دمیده اشعه طلائی رنك آفتاب سقف نیلگون آسما ن را با ستونهای نوروز اندود ساخته و کنار افق را باغازه لطیف و دلربائی میآراید • درصحرای وسیع بدون محافظی که خوف از دزدان وهواجس و اوهام هولنا ك د ل فرزند آدم را بهراس انداخته و درهر قدم تزلزل و اضطراب جدیدی را تولید مینماید مسافری یکه و تنها بر روی زاد و راحله خود تکیه داده وبیخبر از تبدلا ت گیتی به خواب رفته است ••••• کاروان تمدن ومجد وعظمت درموقعی که بخواب ناز رفته بودیم از پهلوی ما گذشته و فرسنگها پیش افتاده است • مخاطرات مارا ازاطرا ف تهدید میکند امید فقط بسعی وعمل و ترقی علمی است •••• ما سعادت و ترقی ایران را جز از راه علم وعمل نمیدانیم ودر صددیم که از این طریق برزمین پدران خود

تا آنجا که درمقدرات ماست خدمت کرده و در بنای قصر سعادت ملت در این زمینه شالوده بندی کنیم و با این عقیده پاك شروع میکنیم درپرورش احساسات و تشویق جوانان و رفع بیحالی اجتماعی اطاله مقال دهیم. عشق پاك، اقبال حقیقی، دانشوران وطن برای ما بهترین پشتی بآنها و بالاترین سرمایه ها خواهد بود »

شماره دوم مجله در نهم ثور ۱۳۰۱ مطابق غره رمضان ۱۳٤۰ قمری منتشر گردیده و درسال اول مجموعا ۸ شماره در ٤۰۲ صفحه بهمان قطع شماره اول توزیع گردیده و آخرین این سال که شماره هشتم میباشد مورخ بتاریخ اسد ۱۳۰۲ شمسی مطابق ذیحجه ۱۳٤۲ است • شماره دوم سال دوم درتاریخ حوت سیچقان ئیل ۱۳۰۳ مطابق شعبان ۱۳٤۳ قمری منتشر گردیده است • طرز انتشار مجله ماهانه بوده و روی جلد آن نوشته که در ابتدای هربرج انتشار مییابد • وجه اشتراك در ایران سالیانه چهار تومان و شش ماهه ۲۵ قران است • عنوان مراسلات : شیراز. مجله سپیده دم • اسم مجله بخط نستعلیق درشت نوشته شده و سپیده دم مجله. علمی ادبی اجتماعی معرفی گردیده است • درحقیقت مندرجات مجله از اینگونه مطالب خارج نیست وعبارت ازمقالات مختلف ادبی، علمی وتاریخی است که غالباً بدون امضا و بقلم مدیر مجله نوشته شده است • مندرجات شماره اول پس ازمقاله افتتاحی که قسمتی ازآنرا نقل کردیم عبارت ازمقاله (انتخاب رفیق) و مقاله (ذوق شاعرانه) و (حق و زور) که مقاله اخیر بقلم مهدی قاجار نوشته شده ومقاله (یکشب تاریخی) میباشد • از مندرجات مجله اشعار بسیار نغز و دلکشی است که بامضای (ل . س) ، لطفعلی صورت گر ؛ دیده میشود ؛ برای نمونه قسمتی از قطعه ای که درشماره دوم سال دوم چاپ شده نقل مینمائیم :

زندگانی من

من از وجود خود بشك افتادم — از بس نژند و بیدل و نا شادم
از سیل غم، خرابم وداردچرخ — با سنك نامرادی آبادم
چونان سیاه نقطه بی مفهوم — در دفتر بقا، غلط افتادم
فکری پریش بودم و اول روز — یزدان بقلب گیتی، بنهادم
گیتی مرا زخویش بدورانداخت — وندر جهان خاك فرستادم
عاق طبیعتم، اگر بینی — کاین مام سنگدل نکند یادم
زین رو،خلاف جامعه، ازهرقید — جز قید عشق و دوستی؛ آزادم
زین رو، دراین محیط تقلب‌زای — آماج تیر طعنه و بیدادم •
در عین یاس، گاهی پر و یزم — در بین عیش، گاهی فرهادم
در پیشگاه عاطفه، تسلیم — دراین بزرگواری، استادم

درشماره‌اول‌قصیده‌ای اثرطبع مهدی قاجار دروصف مجله سپیده دم طبع گردیده که مطلع و ختام آن این است :

مطلع : صورتگر وجود بنقش سپیده دم — گیرد بکف زخسرو خاور یکی قلم

ختام :تاریخ این مجله درخشان چنان بدار کز طبع شام تیره نمایان سپیده دم.
ازمجله سپیده دم نگارنده تا شماره دوم سال دوم را دردست دارم ومندرجات اینشماره بدین قرار است : شعر وفلسفه . تلفون بی سیم • میرزا نصیر اصفهانی • شمیران والبرز عشق ونوس • زندگانی من • نای وبلبل • معمار • این یمین • روزگار سیاه (دو عنوان اخیر نام دو کتاب است که آن ایام طبع گردیده است •)

دکتر لطفعلی صورتگر ـ آقای دکتر صورتگر مدیر مجله از استادان دانشگاه طهران و نویسنده ماهر و زبر دست وشاعری خوش ذوق وقریحه میباشند • شرح زیررا در احوال ایشان در سالنامه ۱۵ـ۱۳۱٤ دانشسرایعالی نوشته است : « محل تولدایشان شیراز است مدتی درمدرسه شعاعیه دولتی شیراز تحصیل نموده پس از آن درسال۱۲۹۹ خورشیدی به بمبئی رفته درمدرسه سنت گزویر تحصیلات متوسطه خودرا باتمام رسانیدند درمراجعت معلم تاریخ و ادبیات فارسی مدرسه شعاعیه شیراز گردیدند و مدت دو سال مجله ادبی سپیده دم را مینگاشتند تا آنکه در ۱۳۰۷ جزو محصلین اعزامی با نگلستان رفته و دردانشگاه لندن بتحصیل ادبیات انگلیسی وتاریخ وعلوم اقتصادی اشتغال داشته دارای درجه A•B• دراین رشته گردیدند •» آقای صورتگر پس ازمراجعت از اروپا چند سال در دانشسرای عالی دبیر زبان وادبیات انگلیسی بوده تا اینکه در سال ۱۳۱۷ باردیگر با خانم خود که اهل انگلستان بود سفری بآنکشور نمود وعنوان دکترا گرفت و در بازگشت بمدیری مجله (آموزش وپرورش) ازطرف وزارت فرهنگ انتخاب گردید ومدتی دراداره انطباعات آنوزارتخانه باین سمت مشغول کار بود • اکنون نیزدرطهران دردانشگاه مشغول تدریس است • ونیز درشماره‌های ۳ و٤ سال چهارم مجله ارمغان شرح حال مفصل ایشان درضمن ذکر احوال ده تن ازاعضاء انجمن ادبی فارس مذکور است • خوانندگان گرام میتوانند بآنجا مراجعه فرمایند •

(۶۳۹) سحاب

روزنامه سحاب در اصفهان بمدیری (سید ابوالحسن فروز) تاسیس و در سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است • اولین شماره روزنامه هفتگی سحاب بمدیر مسئولی و صاحب امتیازی سید ابوالحسن فروز وسردبیری برچمی در چهار صفحه بقطع ۲٦×۱۵ سانتیمتر ؛ باچاپ سربی درمطبعه (شرکت امامی) طبع ودرتاریخ ۱۱ آذر ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳٤۷ قمری منتشر شده است • قبل از انتشار شماره اول ؛ طبق معمول جراید در آن ایام ، برای آگهی عموم ازمرام و مسلك روزنامه ، طلیعه سحاب روی یك ورق بامضای (سید ابوالحسن فروز • مدیر جریده سحاب) طبع و در تاریخ دهم آبان ۱۳۰۷ منتشر گردیده است • طلیعه سحاب بدین قسم شروع میگردد: « گرچه متاع جریده دربازار نظر بعضی ازملت ایران عموماً واصفهان خصوصاً بقیمت ارزان ودرکفه میزان فکرتوده بی قدر وسبك وجریده نگار بیکار بشمار میرود ولی‌ما بعلل آن اندکی پی برده وعنان توسن مقصودرا ازخط مشی مسببین آن منعطف ساخته‌و با قافله فکر هم‌مسلکان به پیش‌آهنگی همتشان مسلك خودرا اجتماعی ؛ اقتصادی اخلاقی

منتهی الیه سیر قرار داده و پیش میرویم ...» در پایان طلیعه مینویسد : « فعلاذهان قارئین محترم را سابقه داده تا آنکه بخواست خداوند مشروحاً بنظرشان برسانیم واز مطالبیکه در آتیه لازم است بعرض آقایان محترم برسانیم تفسیر بتبیین کلمه اجتماعی و اقتصادی واخلاقی است چه اگر مسلك معلوم نگردد سیر در آن محال و ممتنع - در خاتمه خوانندگان محترم را مستحضر میداریم که بواسطه پاره‌ای محظورات نشر جریده را فعلا درهفته یك مرتبه قرار داده امید است پس از رفع موانع درهفته بیش ازیکمرتبه نشر شود و ازنظر خطاپوششان متمنی هستیم ازخطای نگارنده غمض عین فرموده و خورده نگیرند .»

مقاله افتتاحی روزنامه پس از چند سطر مقدمه ، تحت عنوان (وظیفه ملت چیست) نوشته شده وچند سطر مقدمه آن بدین قرار است : « سپاس ایزد پاك را که روزی ماقلم بر میداریم و قدم درعالم مطبوعات میگذاریم که ازقیمت وجود سایه یزدان و قائد توانای مهربان اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاه پهلوی خلدالله ملکه‌وسلطانه سراسرایران ومملکت باستان دلق مرقع وجامه چرکین ننگین خفت وخواریرا از وبر دوش و سروپا بیرون ولباس دلارای عظمت وابهت را زیب اندام خویش میسازد ازقلل جبال شامخه تا اعماق این خاك پاك گرد مذلت وپستی بل نیستی را ازچهره زیبای‌خود سترده مانند غنچه که ازنیش خار حوادث‌نجات یابد شکفته وخندان گل شادی وانبساط تقدیم سر وسینه مرد وزن میکند هرروزی تازه سعادتی روی مینماید هرشامی از نو باب رحمتی میگشاید خداوند این دولت شاهنشاهی را روز افزون واین نعمت‌خداداده را بهمیشگی مقرون فرماناد .»

درشماره اول علاوه برمقاله افتتاحی ، مقاله دیگری تحت عنوان (همه گفتند ما هم میگوئیم) درج است ونیز درصفحه سوم اشعاری اثر طبع ابوالقاسم جاوید در باره نشر روزنامه و ماده تاریخ آن چاپ شده که مطلع و ختام اشعار چنین‌است :

مطلع : ز ابر تیره نادانی این‌شگرف سحاب ✿ گرفت پربسمای معارف همچو عقاب

. . . . . ✿ . . . . . .

چوشد سوال ز جاوید سال تا ر بغش ✿ بخامه داد حوالت بدین‌سوال‌وجواب

جواب خامه که ده را چوکم کنی تاریخ ✿ بروزگار معارف بود(فروغ‌سحاب)

پاورقی روزنامه که ازشماره اول شروع میگرددعبارت ازیك (پیس اخلاقی) بعنوان (پیرمرد بوالهوس) است درصفحه چهارم قسمت اخلاقی روزنامه چاپ شده و در آن بحث مفصلی در باره (کلاه وعمامه) و اشتقاق عمامه نموده است .

محل اداره روزنامه : اصفهان . خیابان خوش . آدرس تلگرافی : سحاب . وجه اشتراك داخله سالیانه ۵۵ قران ، ششماهه ۲۵ قران ، خارجه باضافه کرایه پست . اعلانات صفحه اول سطری دوقران ؛ صفحات دیگر سطری یکقران .

آقای سید ابوالحسن فروز - آقای سید ابوالحسن فروز از اهالی قم و در اصفهان در سلك طلاب علوم دینی بود و درمدرسه صدر سکونت داشت و ی در همان

همان اوان که بشغل نامه نگاری مشغول بود دردادگستری نیز وکالت میکرد • در آن هنگام با تاسیس کلاس قضائی درطهران بوسیله داور ، نهضتی درمیان طلاب علوم دینی بوجود آمد واغلب آنها شغل روحانیت را ترك و با تبدیل لباس در یکی از ادارات دولتی مخصوصا ادارات عدلیه وثبت اسناد وارد شدند • آقای فروز نیز به پیروی آنان پس ازمدتی تغییر لباس داد و نامه نگاری را ترك کرد وبجانب طهران عزیمت نمود • و اما همکار ایشان آقای پرچمی ازوکلای مبرزدادگستریست و اکنون نیز دردادگستری اصفهان بشغل وکالت مشغولند •

آقای سیدابوالحسن قمی زمانی هم با مرحوم میرزا عباسخان شیدا مدیر دانشکده اصفهان همکاری مینمود و بشرحیکه درحرف دال کتاب ؛ جلد دوم ، نوشته ایم مرحوم شیدا بکمك نامبرده مجله را منتشر میساخت •

(٦٤٠) سحر نامه

در خرداد ١٣٠٤ شمسی شورایعالی فرهنك امتیاز روزنامه سحرنامه را بمدیری (میرزا حسینعلی ریاضی)در طهران تصویب نمود • طرز انتشار این روزنامه هفتگی بوده است •

(٦٤١) سده

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه سده مینویسد :
« روزنامه ماهانه منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدیریت اسماعیل مهندس در بیستم بهمن ماه ١٣٠٠ شمسی»

(٦٤٢) سراج الاخبار

اواین روزنامه که بزبان فارسی درکشور افغانستان تاسیس و منتشر شدروزنامه سراج الاخبار است • این روزنامه درشهرکابل پایتخت افغانستان بمدیری وسر محرری (محمود طرزی) درسال ١٣٢٩ قمری تاسیس ومنتشر گردیده است • شماره اول سال دوم آن در ١٥ شوال المکرم ١٣٣٠ قمری مطابق چهارم میزان ١٢٩١ شمسی در ١٦ صفحه بقطع خشتی بزرك و کاغذی خوب و آهار دار در (چاپخانه حروفی دار السلطنه کابل) طبع وتوزیع گردیده• قیمت سالیانه روزنامه : دردارالسلطنه کابل ٨ روپیه کابلی دراطراف داخله مملکت بااخراجات داك، ١٤ روپیه کابلی • درخارج مملکت بااخراجات داك ده روپیه انگلیزی • اداره خانه ومطبعه : درماشینخانه دارالسلطنه کابل • همه امورات تحریریه باداره خانه بنام مدیر فرستاده میشود • قیمت یکنسخه آن درکابل یکعباسی است • (عبارات منقول بعینه ازشماره‌های نمونه نقل گردیده است •)

سراج الاخبار هرپانزده روزیکبار در ١٦ صفحه باتصاویر مختلف مربوط به افغانستان طبع وتوزیع شده وسال تاسیس آن چنانچه درزیر اسم روزنامه که بخط نسخ است نوشته شده سال ١٣٢٩ قمریست راجع بمندرجات روزنامه درهرشماره در عنوان

آن اینطور نوشته شده : « در این اخبار از حوادث داخله و خارجه و بعضی مقالات مفیده درج میشود » در شماره اول سال دوم پس از طبع تمثال امیر حبیب الله خان پادشاه افغانستان ، مقاله ای راجع بآغاز سال دوم روزنامه وتاریخچه داخلی یکساله سراج الاخبار افغانیه درج شده ودر این مقاله سال اخبار روزنامه را از ۱۵ شوال ۱۳۲۹ تا بغره شوال ۱۳۳۰ میداند و نیز دراین مقاله خلاصه ازوقایع یکساله افغانستان نوشته • مقاله دیگر این شماره مقاله ایست درتاریخچه سایت خارجی که مشتمل بر ذکر حوادث جهان است • بعد از این مقالات ، چند صفحه روزنامه مشتمل برمقالات ومکتوبات وارده و حوادث شهریست •

برای اطلاع ازسبك مندرجات روزنامه بهتر آنستکه فهرست مندرجات بعضی از شماره های آنرا بعنوان نمونه نقل نمائیم • عنوان مندرجات شماره ۱۰ سال دوم : جلال آباد • حوادث خارجه • مقاله مخصوصه • مقالات علمیه ، ادبیات • ناموران زنان جهان • علم ثروت ملل • فاجعه های پاریس •

فهرست مندرجات شماره ۱۱ سال مذکور : عسکرپروریهای ذات اعلیحضرت همایونی • حوادث داخلیه • حوادث خارجیه • باب التفسیر• مقالات فنیه • ادبیات ناموران زنان جهان • علم ثروت ملل • فاجعه های پاریس • (این قسمت رسا نیست که در پاررقی روزنامه درهر شماره در صفحه ۱۵ درج شده است) با انتشار شماره ۲٤ سال دوم روزنامه سراج الاخبار افغانیه خاتمه پیدا کرده و این شماره در تاریخ یکم شوال ۱۳۳۱ قمری مطابق ۱۱ سنبله ۱۲۹۲ شمسی منتشر شده ومقاله‌ای درآن راجع بختام سال دوم درج است • نگارنده فعلا از این روزنامه تا همین شماره را در دست دارم •

در شماره اول سال نهم چهره نامنطبعه مصر؛ مورخ ۱۵ صفر ۱۳۳۰ قمری درجائیکه تقاریظی در باره چند روزنامه فارسی نوشته در باره این روزنامه مینویسد : « سیم نامه نامی و روزنامه گرامی سراج الاخبار در هفتگی ، فارسی منطبعه دارالسلطنه کابل پایتخت افغانستان اثر خامه مشکین‌ختامه یگانه دانشمند فرجاد معارفخواه فرزانه آقا محمود طرزی (طرزی لغت فارسی و بمعنی خیاطاست.) این روزنامه که در ۱٦ صفحه و ماهی دوبار چاپ و منتشر میگردد نخستین جریده ایستکه ازشهر شهیر کابل بلکه افغانستان با صفحاتی معرفت ریز از افق غیرت وحمیت زای افغانستان بعالم مطبوعات وجهان ادبیات فارسی زبان ، قدم گذاشته وحاوی حوادث درباری و داخلیه افغانستان و خارجه میباشد • »

(٤٦٣) سرحد

روزنامه سرحد در سال ۱۳۰۳ شمسی در شهر تبریز تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است • نگارنده از این روزنامه نمونه بدست نیاورده و جای بسی تعجب است که مرحوم تربیت نیز درفهرست جراید آذربایجان از این روزنامه ذکری‌نکرده است •

(٦٤٤) سروش

روزنامه سروش درشهر رشت درسال ١٣٢٥ قمری منتشر شده است • (تاریخ مطبوعات برون ص ١٠٢) برون اضافه میکند که رابینو درکتاب خود نامی از این روزنامه بمیان نیاورده و فقط روزنامه های سروش منتشره در اسلامبول و طهران را یادداشت کرده است •

(٦٤٥) سروش

روزنامه سروش درشهر اسلامبول بطور هفتگی تاسیس وشماره اول آن در ١٢ جمادی‌الثانی ١٣٢٧ قمری منتشر شده است • پس از انقلاب جمادی الاول ١٣٢٦ قمری و مهاجرت عده از ایرانیان بصوب اروپا هنگامیکه این مهاجرین باسلامبول وارد شدند ، بکمك انجمن (سعادت ایرانیان مقیم اسلامبول) روزنامه بنام سروش تاسیس نموده و جمعاً پنج شماره از این روزنامه طبع و منتشر شده • مدیر وموسس روزنامه سروش ، سید محمد توفیق و نویسندگان آن عبارت بودند ازمیرزا ابو الحسن خان معاضدالسلطنه رئیس انجمن سعادت ومرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی و میرزا علی اکبر خان دهخدا (نویسنده انتقادی روزنامه صور اسرافیل) ومرحوم حسین‌دانش•

معاضدالسلطنه و کیل رشت برای معالجه باسلامبول رفته بود ومرحوم حسین‌دانش نیز درشهر مذکور توقف داشت پس ازملحق شدن دهخدا ودولت آبادی بایرانیان مقیم اسلامبول درصدد نشر روزنامه بر آمدند ولی دررمضان سال ١٣٢٧قمری نظر بتلگراف هائی که از ایران بعده از این آقایان شده بود ، عازم ایران شدند آخرین دسته که از این ایرانیان بازگشت نمود مرحوم معاضد السلطنه باتفاق دهخدا بود و بارفتن دهخدا بخصوص روزنامه سروش پس ازنشر پنج شماره ، برای همیشه تعطیل گردید • آقای دهخدا ازموسسین و نویسندگان اصلی روزنامه بوده بقسمیکه مدیر روزنامه حکمت‌چاپ قاهره اورا موسس سروش دانسته است • نامبرده درشماره ٩٢٦ روزنامه خود مورخ ١٥ رجب ١٣٢٧ قمری مینویسد : « عفو الهی بکند کار خویش ☆ مژده رحمت برساند (سروش) دراین هفته سه شماره ازگرامی جریده (سروش) منطوعه اسلامبول که بخامه جناب (میرزا علی اکبر خان دهخدا) دبیر جریده روح القدس منطبع طهران به اداره رسید • ازمطالعه آن خرسند شدیم هرآنکس که روح‌القدس را خوانده است می داند که این دو بلبلان خوش الحان گلزار وطن چه ترانه ها سروده‌اند ودر پاداش این نیکو خدمات این دو آزاد مرد ، میرزا جهانگیر خان مدیر پاك آنرا (در این جا اشتباهی رخ داده و مرحوم زعیم‌الدوله میرزا جهانگیر خان ، مدیر صور اسرافیل را بمدیر روح‌القدس اشتباه کرده است • مولف) فردای ثلمه ٢٢ جمادی‌الاول بامرمستبد اعظم حضورا پاره پاره نموده ونام آنرا جزو شهدا نوشته‌است • دبیر آن جناب میرزا علی اکبر خان ، هم پس ازانزوا بشیوه مجرکارانه خودرا رهانیده ودرطمن مهاجرین وطن درفرنگستان درکنار سویس بطبع ونشر دوعدد ازجریده بنام‌روح القدس پرداخته وپس ازاستقرار مشروطیت دراستانبول بدانجا رفته جریده شیوائی سروش نام تاسیس

نموده که نمونه از مندرجات آنرا زیب حکمت مینمائیم ۰»

آقای دهخدا در محرم ۱۳۲۸ قمری از اسلامبول بطهران آمد و روزنامه ایران مورخ سه شنبه ۱۳ محرم ۱۳۲۸ قمری بعنوان (خیر مقدم) راجع بورود دهخدا و روزنامه هفتگی سروش مینویسد: «جناب آقا میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف بدخودبیر صور اسرافیل که پس از فاجعه ۲۳ جمادی الاول و تخریب مجلس مقدس ایران تبعید شدند ودراین اواخر دراسلامبول مدیر وسردبیر روزنامه هفتگی سروش بودند که الحق نزد اهل فن آنروزنامه رتبه درمکنون را داراست روز یکشنبه ۱۱ شهر حال وارد تهران شدند ۰»

(۶۴۶) سروش

روزنامه سروش درطهران بمدیر مسئولی (عضدالاسلام لاهیجانی) وسردبیری (ع) در سال ۱۳۲۸ قمری تاسیس و شماره شش سال اول آن در روز شنبه ۲۵ صفر ۱۳۲۹ قمری درمطبعه سربی (فاروس) طبع و توزیع شده است ۰ سروش بقطع وزیری بزرك در چهار صفحه که هرصفحه آن مشتمل بر ۵ ستون است طبع گردیده و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی عبارتست از اخبار داخله و اخبار مجلس شورایملی و مقالات مختلف راجع بتظلمات اشخاص ۰ مرام ومسلك روزنامه بدانقسم که درعنوان هر شماره ذکر شده (طرفدار ترقی ملت واستقلال ایران) است ۰ و در حقیقت یك روزنامه معتدل سیاسی است ۰ درزیر اسم روز نامه سال تاسیس آن قید شده ۰ محل اداره؛ طهران. خیابان علاءالدوله نمره ۱۶، عنوان تلگرافی: سروش طهران، قیمت اشتراك: طهران، یکساله ٤ تومان، شش ماهه ۲۲ قران، ۳ ماهه ۱۲ قران ۰ ولایات داخله بترتیب: ٤۵ قران، ۲۵ قران و ۱۵ قران ۰ ممالك خارجه ۳۰ فرانك، ۱۶ فرانك و ۱۲ فرانك ۰ تکنمره طهران چهار شاهی ۰ ولایات داخله ۵ شاهی. قیمت اعلانات صفحه اول سطری یکقران و صفحه آخر دهشاهی ۰

در روزنامه سروش اشعاری بنام (وطنیه) چاپ شده که ازجمله اینهاست:

رؤس دولت شیوخ ملت — ببازی ایران خراب گردید
دراین حوادث براین مصیبت — درون خارا کباب گردید

از روزنامه سروش فعلا نگارنده تاشماره ۱۱ سال اول مورخ دوشنبه دوم جمادی الاول ۱۳۲۹ دردست دارم ۰ برون انتشار شماره اول روزنامه را درتاریخ ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۸ قمری ضبط مینماید ۰ در ابتدای این شرح یاد آور شدیم که مدیر مسئول روزنامه عضدالاسلام لاهیجانی وسردبیر آن (ع) است لازم است یاد آور شویم که نویسنده و سردبیر روزنامه (میرزا عیسی خان ملقب بسردار منصور رشتی است) و نامبرده حرف (ع) را برای امضا ودرحقیقت نام عاریتی خود قرار داده است ۰

(۶۴۷) سروش ایران

مجله سروش ایران در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (س ۰ رضای ۰ امیر

رضوانی) تاسیس و در سال ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است • طرز انتشار آن ماهی چهار دفعه و اغلب روزهای شنبه نشر میشده • محل موقتی اداره : خیابان لاله زار • توزیع کل جراید • عنوان تلگرافی . طهران • سروش ایران • تمام مکاتیب باید باسم مدیر باشد و مسترد نمیگردد • قیمت اشتراك : طهران یکساله ۲۵ قران شش ماهه ۱۵ قران • ولایات داخله یکساله ۳ تومان • شش ماهه دوتومان • ممالك خارجه یکساله ۳۵ قران • شش ماهه ۲۲ قران • تك نمره طهران : چهار شاهی ولایات داخله ۵ شاهی • اعلانات باستثنای صفحه اول سطری یکقران و لوایح خصوصی در حکم اعلان است •

شماره دوم سال اول سروش ایران با خصوصیات مذکور در هشت صفحه بقطع کوچك خشتی درمطبعه سربی (برادران باقر زاده) طبع و در تاریخ شنبه ۲ جمادی الاول ۱۳۳۵ قمری مطابق ٦ برج حوت و ۲٤ فوریه ۱۹۱۷ میلادی منتشر شده مقاله افتتاحی این شماره اشعاریست بعنوان (ادبیات) که باین اشعار شروع میگردد :

هر که عالم شد چه ما بیکار ه نیست غیر علم از بهر جاهل چاره نیست
چاره دیگر فقط جان دادن است زنده زنده قبر گور افتادن است

درشماره دوم این دو شعر نیز در بالای عنوان روزنامه چاپ شده ولی در شماره های بعد نیست :

صوت جانانه ام بگوش آمد یا ز ایران مرا سروش آمد
که هنوز ش در ست نشنیده آتش وحشتم خموش آمد

مجله سروش ایران بیشتر یك مجله ادبی است و از این جهت در هر شماره اشعاری از شعرای معاصر درآن درج است • ازشماره ۱٦ قطع روزنامه بزرگ شده و سروش ایران بصورت روزنامه خبری در آمده است • سرمقاله این شماره تحت عنوان (نظری بولایات . آیا فقط تحدید نظر درحکام و ولات کافی است) نوشته شده • شماره ۱۹ سال اول روزنامه درتاریخ ۱۱ شوال ۱۳۳۵ قمری مطابق ۱۰ برج اسد ۱۲۹٦ و شماره اول سال چهارم آن در تاریخ ٤ شنبه ۱۲ رمضان ۱۳٤۰ قمری مطابق ۳۰ تور ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است.

پس از آنکه مجله سروش ایران تبدیل بروزنامه گردید ومدتی بدین نحو منتشر میشد ؛ مجددا در سال ۱۳٤۲ قمری بصاحب امتیازی و موسسی (ا . ر) که همان آقای امیر رضوانی است ومدیری (ح . ابصری) درطهران تاسیس ومنتشر شده است شماره اول ایندوره که مصادف باسال ششم تاسیس روزنامه میباشد درچهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سربی سعادت طبع ودر تاریخ پنجشنبه ٦ ربیع الثانی ۱۳٤۲ قمری مطابق ۲۳

عقرب ۱۳۰۲ شمسی و ۱۵ نوامبر ۱۹۲۲ میلادی توزیع گردیده است . طرز انتشار سروش ایران هفته دوبار روزهای دوشنبه و پنجشنبه بوده . محل اداره آن طهران . خیابان ناصریه . عنوان تلگرافی سروش ایران . قیمت اشتراك روزنامه طهران یکساله ۷۰ قران ، شش ماهه ۴۰ قران . داخله یکساله ۸۰ قران . شش ماهه ۴۵ قران ، خارجه یکصد قران و ۵۵ قران . تکشماره شش شاهی .

سرمقاله شماره مذکور بدین قسم شروع میگردد : « اطراف بیانیه ریاست وزراء ـ مسلم خوانندگان سروش ایران منتظرند که قبلا مقاله افتتاحیه را درج و بنظر قارئین محترم برسانیم و مناسب هم این بود که پس از یك تعطیل طولانی امروز که بتجدید انتشار این نامه ملی مبادرت میورزیم قبل ازهرچیز مقاله افتتاحی علی‌الرسم نگاشته و درج نمائیم اما ...» سپس شرح مفصلی درتعریف سردار سپه نوشته است درصفحه یك و دو همین شماره متن بیانیه بامضای (رضا) درج است .

(۶۴۸) سعادت

روزنامه سعادت بمدیری و صاحب امتیازی (محمد تقی نراقی) درشهر همدان تاسیس و بطور هفتگی درسال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . هر شماره این روزنامه در چهار صفحه بقطع ۷ در ۱۱٫۵ اینچ میباشد . وجه اشتراك آن در همدان ۱۰ قران ، در سایر شهرهای ایران ۱۵ قران ، در روسیه و قفقاز ۴ منات بر ون در کتاب مطبوعات (ص ۱۰۳) مینویسد من نمرات ۴۳ ؛ ۴۶ و ۴۷ ، این روزنامه را دردست دارم و نمره ۴۳ آن در تاریخ دهم صفر ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است .

(۶۴۹) سعادت

روزنامه سعادت درتبریز بمدیر مسئولی (سعید زاده ناظم مدرسه سعادت) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . شماره اول سعادت در چهار صفحه بقطع خشتی بزرك با چاپ سربی درمطبعه (اسکندانی) طبع و در روز شنبه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته . این روزنامه هرپانزده روز یکمرتبه طبع و توزیع شده ومحل اداره آن : مدرسه سعادت تبریز است . قیمت اشتراك روزنامه تبریز سالیانه ۵ قران ؛ ولایات داخله ۸ قران ، ممالك خارجه ۱۰ قران ، قیمت تك نمره در تبریز سه شاهی در ولایات داخله چهار شاهی و در خارجه ۵ شاهی است در زیر عنوان هر شماره روزنامه بدینقسم معرفی شده است : « این جریده ابدا بامورات سیاسی مداخله ندارد فقط طرفدار ترویج علم و ازدیاد مدارس در ایران خصوصا آذربایجان بوده و از معارف ملل متمدنه عالم صحبت خواهد نمود ومقالاتیکه دائر بر این مقصود مقدس باشد با کمال امتنان قبول و بامضای صاحب مقاله درج خواهد شد و

اعلانات دایر بر امورات معارف مجانا قبول میشود ۰»

مندرجات روزنامه سعادت بیشتر مقالات مربوط بمدارس و ترویج علم و دانش میباشد۰ در شماره اول پس از اعلانی که درستون اول راجع بکتاب (رهبر کودکان اثر خامه مدیر مدرسه سعادت ، طبع گردیده ، مقاله افتتاحی روز نامه تحت عنوان (معارف) نوشته شده . خلاصه از مقاله مذکور چنین است : « این مسئله مسلم است که احیای حس محبت نوع و مدافعه وطن وحسن انتظام هیئت اجتماعیه هر قوم و ملت بسته بتوسعه علم و معرفت آن ملت است ۰۰۰» پس ازآن‌مینویسد: « هیئتی ازمعلمین مدرسه سعادت بر این مقام بر آمدند که این مختصر ورقه را فقط در لزوم علم از برای خدمت بهم وطنان محترم طبع ومنتشر نمایند و در ضمن ازمعارف ومدارس ملل متمدنه عالم و طریق انتشار معارف و تشکیل مدارس و اجرای قانون تعلیم اجباری و تهیه اساس پیشرفت آن بعرض اولیاء محترم برسانند واز هموطنان معارفخواه تقاضای مساعدت مینمائیم ۰» پس از این سرمقاله ، مقاله دیگری تحت عنوان (انین طن) درج شده که تا آخر صفحه چهارم را فرا گرفته است ۰

مرحوم تربیت درفهرست جراید آذربایجان (ص ۴۱۰) مدیر سعادت را (ابراهیم شمس) معرفی نموده درصورتیکه همانقسم که یاد آور شدیم و در انتهای صفحه‌چهارم روزنامه دیده میشود مدیر مسئول (سعید زاده ناظم مدرسه) است ۰

نگارنده از روزنامه سعادت شماره اول آنرا بطور نمونه دردست دارم ولی‌برون درکتاب مطبوعات (ص۱۰۵) نوشته است که شماره چهارم مورخ ۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری روزنامه رادارم ۰

(۶۵۰) سعادت

روزنامه سعادت در طهران بمدیری (مهدیخان مافی‌ملقب بسعدالملك) درذیقعده ۱۳۳۸ قمری تاسیس و منتشر شده است ، از روزنامه سعادت بیش از یك شماره که آنهم صفحات دو و سه آن درچاپخانه توقیف گردیده و تنها صفحات یك و چهار آن چاپ شده ، انتشار نیافته است ۰ شرح زیر روی یك ورق که ضمیمه سال سوم مجله ادبی است طبع گردیده و ما برای مزید اطلاع خوانندگان عین آنرا نقل مینمائیم:

« توقیف سعادت ۰ بتاریخ دهم ذیقعده ۰ وکذاتکون کواکب الاسحار ۰ در موقعیکه با رقه امید قلوب مایوسین را میخواست روشن نماید وهنگامیکه پس از دو ماه اشك ریختن نزدیك بود چشم یك ملتی بسرشك شادی نمناك گردد وناله که در سینه ها خفقان یافته بود با آخرین قوه که دریك مریض محتضر باقیست ازحنجر فشرده ملت ستم کشیده ایران بیرون آید هنوز صبح سعادت طلوع ننموده بود که دو چار غروب توقیف گردید !

آری هنوز دوصفحه بیشتر از روزنامه سعادت ازطبع خارج نشده بود که حسود مغرض کار او را ساخت وصفحات سفید بی آلایشش را درنظر هیئت محترم دولت سیاه جلوه داد و به محبس تاریك توقیف گرفتارش کرد ۰ مگر چه گفته یا چه نوشته بود ؟

هیچ ! فقط میخواست ناله مظلومانه ملت را بسمع هیئت محترم دولت رسانده ودرضمن دنیا را از حال اسف اشتمال این سرزمین بلاکش آگاه سازد این بود ذنب لایغفر این بود گناه غیر قابل عفو • غمناك تر ازهمه تصمیمی است که هیئت محترم دولت برای جبران خسارت ما فرموده و سیصد تومان بدین عنوان درحق ما تصویب شده است • یاللعجب چه چیز جبران اختناق فکر وعقیده را مینماید • باآنکه مع‌الافتخار منتسب به حزب محترم وفداکار دمکرات هستم فقط برای‌آزادی دماغ روزنامه خودرا مستقلا فکر معرفی نموده وچگونه ممکن بود ازقبول این عطیه استنکاف نورزیم ؟ جبران خسارت ما جز باعطای حریت فکر و لسان وقلم ممکن نیست اگرچه منتظریم که مجله ادبی از پی خلف خود طریق پر محنت توقیف را پیش گیردو لیکن تمام امیدواری مابوجود مغتنم رئیس الوزرای عالم قانون دان محبوب است که بمرور زمان در صدد تحقیق بر آمده صالح را از طالح و خادم را ازخائن تفکیك فرمایند وما عجالتا تاوصول آنزمان مثل یکنفر مطیع بی غرض جامه صبر وبرد باری برتن نموده منتظر میشویم •»

روزنامه زبان زنان در شماره ۲۲ سال دوم مورخ ششم ذیحجه ۱۲۳۸ قمری تحت عنوان (سعادت) راجع بتوقیف روزنامه اینطور مینویسد :

« روزنامه هفتگی ورق بزرك سعادت که درتحت اداره وافکار وقلم وقدرت‌آقای سعدالملك از طهران تابان شده است نخستین شماره آن با همین چاپار بما رسید بدبختانه صفحه دو وسه آن درچاپخانه توقیف شده و تنها رویه های یك و چهار آن چاپ برده است • این روزنامه تاجائیکه چاپ برده با قلم بسیار مقتدر و دارای‌مطالب‌مفیده است.»

آقای سعدالملك مافی ـ آقای مهدی مافی ملقب بسعدالملك علاوه بر روزنامه سعادت مجله ادبی را نیز درطهران تاسیس و منتشر نموده وما شرح حال وعکس ایشان را در جلد اول کتاب درذیل مجله ادبی بتفصیل ذکر کرده‌ایم ودیگر احتیاجی بتکرار آن نیست •

(۶۵۱) سعادت ایران

روزنامه سعادت ایران درسال ۱۳۰۲ شمسی درمشهد بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۶۵۲) سعادت ایران

درتاریخ بهمن ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه سعادت ایران دراصفهان بمدیری(شیخ ابراهیم کرمانی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است • ازاین روزنامه یکی دو شماره منتشرگردیده و تعطیل شده است • شیخ ابراهیم کرمانی ـ نامبرده از محصلین علوم قدیمه اصفهان بود ودرمدرسه جده کوچك حجره داشت • وی تحصیلات مقدماتی خودرا درکرمان باتمام رسانید وبرای یادگرفتن‌فلسفه وحکمت باصفهان آمده بودجوانی با ذوق ولی فقیر وتنگدست بود و باماهی شش تومان که ازمدرسه جده میگرفت امرار معاش میکرد • علاوه بر روزنامه سعادت در آن ایام دوسه بیانیه نیز بقلم او منتشر شده

است • من جمله بیانیه ایست با چاپ سربی روی یکورق بزرك بتاریخ یکشنبه ۲۷ربیع الثانی ۱۳٤٤ و بامضای (اقل الطلاب محصل مدرسه سلطانی - شیخ محمد ابراهیم کرمانی) منتشر گردیده • این بیانیه بطرفداری سردار سپه (رضا شاه) وبا عبارات زیر شروع و ختم میگردد :

« الحمدلمن یستحق له والصلوة علی منابع الکمالات السفراء الهی سیما علی صفیر الاعظم محمد ص واله الامجاد • برادران عزیز من بدانید سلطنت وعزت وسطوت مواهبی است الهی تا محلی جهت صلاحش بیشتر از فساد نباشد نسبت بنظام کی مشمول این موهبت نشود ••••••• چون علاقه مندیم بوجود والاحضرت اقدس پهلوی یك عنصر فعال ایرانی نژاد و ایرانی است این کلمه بسیار بزرك است فی الواقع ناجی و منجی ایران یعنی کشور عجم و سلطنت جم است بندرت چنین نادری دراطوار طبیعت هویدا شود وموانع سعادت را لگد کوب نماید و بهمت والایش نظام متحدالشکلی درتمام محوطه ایران ایجاد فرماید وبتوسط امراء عظام وفرماندهان گرامش باصول ملوك الطوایفی خاتمه دهد پس برماست نگذاریم خائنین باستان مبارکش راه پیدا نمایند .» منظور از نقل این قسمت از بیانیه اطلاع خوانندگان گرام ازسبك نگارش بعضی ازمدیران جراید است که ازقواعد زبان فارسی کمتراطلاع داشته واوراق روزنامه را بصورت قباله‌های در آورده اند •

شیخ ابراهیم پس ازتعطیل روزنامه ودر نتیجه مخالفتهائی که باو مشد اصفهان را ترك و بجانب طهران عزیمت نموده

(٦٥٣) سعادت ایران

روزنامه سعادت ایران درسال ۱۳۰۵ شمسی درطهران تا سیس و بطور هفتگی منتشر شده است •

(٦٥٤) سعادت بشر

روز نامه سعادت بشر در طهران بمدیری آقای (محمد جواد هوشمند) طبع و درسال ۱۳۰۸ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است • این روزنامه تاسال ۱۳۱٤ غیرمرتب منتشر شده واز آن پس بعلت گرفتار شدن مدیر آن تاوقایع شهریور تعطیل وتوقیف بود وپس از وقایع شهریور مجددا باسبکی تازه پا بدایره انتشار گذاشت . آقای هوشمند شرح گرفتاری خودرا در زمان شاه فقید ، تحت عنوان (یك گزارش برای شاه) بتفصیل دریکی ازشماره‌های سعادت بشر ؛ بعدازشهریور نوشته که ما قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

درسال ۱۳۰۸ عده‌ای از تجار نزد نگارنده شکایت و درد ودل کردند که امیر خسروی رئیس بانك سپه از آنها دعوت نموده واظهار داشته که بانك سپه سرمایه خود را بصورت شرکت سهامی درآورده وحسب الامر شاه بایستی هریك ازآن سهامی را خریداری نمایند وخلاصه آنها را ملزم بخرید مینمایند • من بشاه سابق اطلاع داده

یعنی کتباً بدفتر مخصوص گزارش دادم و گزارش خودرامبتنی برشایعات‌عمومی‌نموده ودر پایان آن قید نمودم که تصور نمیرود چنین امری از ناحیه اعلیحضرت صادرشده باشد • بعد از چند روز دفتر مخصوص مرا احضار و وارد بازجوئی شد که‌این‌گزارش مبنی برچه دلیل است ؟ مدرك شما چیست ؟ کی بشما گفته ؟ اگر گوینده موثق بوده او را معرفی کنید •

من از معرفی تجار خودداری کردم زیرا میدانستم آنها دوچار سرنوشت سختی خواهند شد • دلایل خودرا شایعات عمومی ذکر نمودم • آقای شکوه‌الملك عصبانی و باحالتی برآشفته که هیچگاه نظیر آنرا ندیده بودم گفتند : شایعات عمومی مدرك نمیشود اگر دلیلی دارید بگوئید ، اگر دلیلی ندارید چرا گزارش دادید : گفتم آقای شکوه‌الملك شایعات مردم دلیل من بوده و آنهم کافی است که شما وارد تحقیق و تعقیب شوید رسیدگی بنمائید به بینید صحت دارد یاخیر ؟ من که مدعی خصوصی‌امیر خسروی نیستم • (آقای هوشمند مینویسد پس ازمواجهه با امیر خسروی ، جداتکذیب نمود . بعد شکوه‌الملك میگوید آقای مدیر سعادت بشر چون گزارش شما خالی از حقیقت بوده تعقیب میشوید • پس از دو هفته با شاه قید رو بسر و میشود و شاه با خشم وغضب فراوان باو میگوید اگر تا چهل و هشت ساعت محرك خودرا نگوئی مورد غضب ما واقع میشوی ، حالا بقیه سرگذشت را از نوشته خود هوشمند بخوانید.

۴۸ ساعت گذشت ووجدان بمن اجازه نداد که عده ای ازتجار را گرفتار مخمصه نمایم . روزنامه توقیف شد و نویسنده تبعید منتهی چون اخطار شدید اللحن شهربانی این بود که هرنقطه ای که مایلم بروم ، منهم شهر قم را اختیار وبساحت‌قدس بانوی بزرك پناه بردم ، پس از چند ماه تلگرافا بطهران احضار وبحضور شاه رسیده مورد الطاف ملوکانه قرار گرفتم و امر داد بانك سهامی سیه را منحل نموده وپول های تجار را مسترد داشتند •

دو سال ۱۳۱۰ آیرم رئیس تشکیلات شهربانی دعوتی از مدیران جراید نموده بود ومنکه از موضوع مستحضر بودم ازحضور در آن جلسه خودداری نمودم پس از چندی مجددا ازهمگی دعوت شد و من مثل سابق بطفره گذراندم • چندی بعد دریکی از مجالس رسمی که اتفاق ملاقات افتاد ایشان بنای گله‌گذاری را گذاشت من با صراحت لهجه گفتم منظور شما را میدانم چون میخواهید جراید را محدود نموده و آنها را تحت نظر واداره غیر مستقیم خود بگیرید من بهیچوجه حاضر نخواهم بود • ایشان عصبانی شده و گفت : برشما معلوم خواهد شد که چگونه بایستی تحت نظر و مطیع باشید • و در نتیجه طولی نکشید که درج این جمله ازکلمات قصار حضرت‌امیر (ص) که میفرماید : « کسیکه نتواند برنفس خود حکومت کند حکومت بر مردم نتواند کرد •» موجب سوء تعبیر و توقیف روزنامه گردید و تا یکسال توقیف آن طول کشید و آیرم بمقصود خویش نائل گردید •

در شهریور ۱۳۱۵ دفعتا دو نفر مامور ازطرف اداره سیاسی شهربانی بادار روزنامه ما آمده و اوراق و دفاتر و سوابق را مورد بازرسی قرار داد • بلا فاصله

نویسنده را با تمام اوراق و سوابق جلب و بشعبه ۹ آگاهی تحویل دادند و از آنجا بلا فاصله بدون بازپرسی و تحقیق دستور توقیف داده شد ومرا تحویل زندان دادند • نویسنده را بنام مقصر سیاسی در زندانی که جایگاه دزدها ؛ قطاع‌الطریق ها وجانی ها بود جای دادند گفتند تا وضعیت شما روشن نشود جای شما اینجاست • برای دومین مرتبه مرك در نظرمن مجسم شد •

در آذر ۱۳۱۶ مختاری رئیس شهربانی مدیران جراید را احضار و بآنها پرخاش نموده که بایستی وضعیت خودرا عوض کنید مثل سایر ممالك راقیه چیزبنویسید و الا همه را توقیف میکنم • (مدیران جراید همه ساکت اند فقط آقای هوشمند می گوید هر وقت اطلاعات شما که رئیس شهربانی هستید مثل رئیس شهربانی لندن شد روزنامه های ماهم مثل دنیا میشود) همکاران من که این وضعیت را دیدند دست از حیات من شسته و باور نداشتند که شب را سالم بمنزل بروم • لیکن مختاری حاضر نبود بآزار جزئی من اکتفا کند مترصد فرصت بود تا نقش مهمتری را برای من بازی نماید تا آنکه در اسفند ۱۳۱۷ اینجانب تلگرافا از پادشاه سابق تقاضای شرفیابی را کردم • مختاری فهمید که من معتقدم بایستی شاه را از اوضاع مطلع نمایم • همین تلگراف را مستمسك نموده و فورا مرا توقیف نمود • پس از مدت ها باین زندگی تلخ خاتمه داده شد من را یعنی کالبد خسته را از توقیف خارج لیکن جان شیرین او را در توقیف باقی گذاشت • من آزاد شدم لیکن روزنامه توقیف ماند •

بالاخره مرا متهم بمرام بالشویکی میساخت ودر فروردین ۱۳۱۸ مرا مجددا در زندان انداخت • پس از دوسال ونیم بمن اخطار کردند که ممکن است با خرج خود بکاشان تبعید شوی گذشته از اینکه من ازهستی ساقط شده بودم رفتن بکاشان را مقدمه رهسپاری بدیار عدم میدانستم • من پیمودن راه کاشان را که برای من دروازه وادی خاموشان بود حرفی نداشتم زیرا از زندگی سیر شده ومرك را برای خود موهبتی می دانستم • بالاخره بکاشان تبعید شدم وطولی نکشید که قضایای شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد • »

همانقسم که یاد آور شدیم پس از آزادی آقای هوشمند دو مرتبه روزنامه سعادت بشر را در طهران منتشر نمود • از این روزنامه مجددا در ذیل کتاب گفتگو خواهیم کرد •

(۶۵۵) سعادت جنوب

در سال ۱۳۰۱ شمسی روزنامه سعادت جنوب در شهر شیراز تاسیس وبطورهفتگی منتشر شده است •

(۶۵۶) سعادت وطن

روزنامه سعادت وطن در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است •

(۶۵۷) سفینه نجات

روزنامه سفینه نجات در شهر یزد تاسیس ودرسال۱۳۲۵ قمری منتشر شده‌است نگارنده با اینکه نمونه های زیادی از سال دوم وسوم این روزنامه را دردست دارم ولی در هیچکدام اسم مدیر وصاحب امتیاز روزنامه چاپ نشده فقط در انتهای‌صفحه آخر هرشماره (مخبر صادق) امضا نموده وبرون در کتاب مطبوعات وشعرفارسی (ص ۱۰۳) مخبر صادق را به (محمد صادق) اشتباه کرده ونام مدیر و نویسنده را (محمد صادق) ذکر کرده است در صورتیکه در نمونه های موجود (مخبرصادق) است نه (محمد صادق) و این اشتباه از اینجا ناشی شده که کلمه (مخبر) باچاپ سنگی تا اندازه شبیه (محمد) چاپ شده است .

شماره اول روزنامه با چاپ ژلاتین در چهار صفحه بقطع ۶در۱۰٫۵ اینچ طبع و درتاریخ ۲۲ شوال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است برون مینویسد (ص ۱۰۴ کتاب مطبوعات وشعر فارسی) تا شماره دهم روزنامه باچاپ ژلاتین و از آن پس با خط نسخ و چاپ سنگی منتشر گردیده است. شماره‌ده سال دوم سفینه نجات در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی درمطبعه (سفینه) طبع و در تاریخ ۲۲ شهرذیحجه ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته . این شماره پس از چهارده ماه تعطیل و توقیف روزنامه منتشر گردیده و علت توقیف طولانی روزنامه را درسرمقاله

سرلوحه روزنامه سفینه نجات

همین شماره اینطور نوشته است : « بدواعلت توقیف و سکون سفینه را می نگاریم . علت تاخیر . دو امر ما را بدون حکمی مجبور بتوقیف کرد اول عدم‌آزادی وشدت استبداد که قلم ما را اجازه نگارش هیچ واقعه وحادثه بطریق صواب‌نمیداد . دوم تملق گوئی ومعکوس نویسی همکاران محترم که البته قارئین اوراق آنهارا دیده اند تا بحدی کشید که اواخر خودشان هم خجالت کشیدند . ما نیز چون نمیتوانستیم‌با آنها همراهی کنیم و ناچار بضدیت بودیم با آنکه خود را حق گو و طرفدار حریت می‌دانستیم مغلوب دست استبداد بلکه یقین بطرد و نفی کرده نجات را درسکوت‌وسلامتی را در انزوا وعزت را در عزلت دیده ؛ دم درکشیده زیر خرقه خزیدیم . اینك میگوئیم

آخ آخ عجب شبی بود ستار پیدا نبود ، سیاهی آدم را میخورد غول تو چشم آدم آدم را میبرد ؛ های‌های‌های خورد شدیم • استخوانهایم نرم شد نزدیك بود خفه‌شویم بحمدلله راحت شدیم عجب کوه استبدادی روی ما افتاده بود غریب فشاری داد چهارده ماه زیر آسیا سنك • چه بلائی بود ؛ چه جنائی ، چه ظلمی ، چه دیو سفیدی نه سیاه ارتوی دنیا نباشد ، مثل خفتك روی ما افتاده بود خواب بودیم اینهمه بلا وستم برسرما آمد نفس نکشیدیم میترسیدیم مارا بخورد گمان میکردیم هیچکس دردنیا نیست که صدای ناله ما را بشنود تصور میکردیم اگر استغاثه نمائیم پیش از آنکه فریاد رس برسد ما را نابود کند • احدی نفس نداشت حرف بزند . خیرخیر • راه کار را بلد نبودیم • خدا پدر سرکار ویس قنسول را بیامرزد این کار ها ازهمت او بود وگرنه پیش تر هم خیلی فریاد کردیم بطهران هم رفتیم بوزراء هم عرض کردیم اثر نکرد • خیر آقا • این راهرا که آعلی آقا شیرازی ده ماه پیشتر نشان داد حواشی حکومت شیعیان آل ابوسفیان آنها که خوششان می‌آید بی تقصیر چوب بخورد هرکس پول دارد جیب ظالم برود ••• هرکس فریاد کرد دهنش راگرفته ورضانامه مهر کردند تشکر نامه نوشتند •»

در این شماره علاوه برسرمقاله مذکور دومقاله دیگر چاپ شده که یکی راجع بسردار جنك و مظالم اوست • درصفحه چهارم اشعاری بعنوان (ادبیات) چاپ شده که ذیلا آنها را نقل مینمائیم :

عریضه داد بکابینه وزارت عشق — دل از تطاول زلف کج تو باعشاق
رئیس مجلس خوبان اجازه‌دادبچشم — که تا کند ز اسیران زلف استنطاق
مقصر پلتیکی است عشق باز عجول — حصول‌وصل بصبراست گرچه‌باشدشاق
چوپاکنیك بود چشم‌مست توخونریز — بگرد اوزده صف‌مژگان چنان فزاق
صفوف غمزه رژیمان ترك مردم چشم — در آن میانه اتا ماژرند یا مشاق
زچین زلف تو مبعوث گشت باد صبا — که قنترات دهد نافه را باهل عراق
بعذر حکم نظامی مبر زمجمع ما — بود مخالف قانون شکستن میثاق
دوکون طالب آزادیند و ما بخلاف — به بندگی تو هستیم از زل مشتاق
سلم استی بی سمی دیپلوماتی — نفوذ دولت حسنت در انفس و آفاق
مجو خراب دلم را که از ستمکاران — عروس ملك ستاند بحکم طبع طلاق
بهل که‌دولت‌مشروطه‌چون شودتشکیل — حقوق ملیت از مستبد کنند احقاق
بحسن‌خلق عام شو که درقلمرو دهر — هرآنچه‌هست بضدجفت‌وحسن‌مطلق‌طاق
عقاید پلتیکی چرا خلاف هم است — اگر که ازسولازاسیون خطاست نفاق
اگر زعلم و غنا شاده چو درویشان — چواهل مدرسه زنهار دل مبرز و فاق
نخوانده نقشه جغرافیای وادی عشق — چه فایدت برد از ایلغار یا اطراق
شکسته است پراخوی شوکت‌ایران — زمرج اطلس جهل وزتند باد نفاق

مها بتاب بشارق که در سپهر وجود
جز از نجوم کمالت نکرده استشراق

اشعار مذکور گرچه تا اندازه ثقیل و مصنوعیست ولی بدانجهت که مشتمل بر پاره کلمات مصطلح آغاز مشروطیت میباشد، آنها را نقل کردیم •

شعار روزنامه عبارت از کشتی بادبیست که دروسط آن دایره و در در و ف دایره اسم روزنامه (سفینه نجات یزد) و در زیر آن سال تاسیس (۱۳۲۵) و سال انتشار طبع گردیده • در بالای شعار روزنامه این عبارت عربی : حق علی العاقل ان یدیم الاستر شاد وتیرك الاستبداد • من شاورالرجال شارك فی عقولهم ومن استبد هلك و درزیر کشتی جمله من رکبها نجی ومن ترکها غرق چاپ شده است • درسال سوم اندك تغییری در شعار روزنامه پیدا شده و عبارت حق علی العاقل تاآخر حذف گردیده وکشتی در دهان نهنگی که اطراف گردن آن نوشته است (غرق کننده استقلال ایران منافق مستبد) قرار گرفته است • در سال اول ودوم در زیر سر لوحه روزنامه این عبارات چاپ شده :« اداره سفینه نجات مطالب سودمند ازهرجا و هر کس باشد بی مضایقه مینگارد وبکلی ازقید القاب آزاد است • قیمت اشتراك عجالتا اتحاد و اتفاق اعلانات راجع بترویج صنایع وطنی وعرایض متظلمین باسناء ملت و ولیاءدولت مجانا درج میشود •» در حقیقت درسال اول ودوم قیمت اشتراك در روزنامه نوشته نشده ولی در سال سوم وجه اشتراك بعنوان (اعانه سالیانه) بدین قسم معین گردیده است یزد ده ریال • داخله ۱۳ قران • خارجه ۱٤ قران • اعلانات سطری یکقران اعلانات راجع بترویج صنایع مجانی است • محل اداره سفینه : یزد • قرب مصلی صفدر خان در بند خلف امیر چقماق •

مندرجات روزنامه سفینه نجات مانند سایر جراید محلی آغاز مشروطیت عبارت ازیك سرمقاله و مقالات متظلمین واخبار راجع بمجلس شوری و اخبار محلی است عنوان و آغاز بعضی از سرمقاله های روزنامه بدینقرار است : شماره ۱۲ سال دوم (رنج راحت دان چه مطلب شد بزرك• گرد گله طوطیای چشم گرك • کثرت اختلاف حدوث امور نا صواب در نقطه ایران خاصه یزد وبران •••) سرمقاله شماره ۱۳ بقیه سرمقاله شماره ۱۲ است • سرمقاله شماره ۲۲ سال سوم مورخ هشتم شهر جمادی الاخر ۱۳۲۹ قمری (یکی از دانشمندان ـ ظهور اسم یا حکیم ونزول صفت عدالت و تجلی مثبت وهیمنه عزت ونمایش سلطنت وقدرت الهیه درمزایا ومجالی بشریت محض دفع •) سرمقاله شماره ۲۳ دنباله شماره ۲۲ است• سرمقاله شماره ۲٤ بعنوان آزادی مطبوعات قابل توجه اولیای امور) است • سرمقاله وآغاز شماره ۲٦ سال سوم از این قرار است . « تاسف ـ ورود شاه مخلوع را بکمش تپه تا بحال همه کس شنیده • نهان کی ماند انرازی کنزان سازند محفلها •» سرمقاله شماره ۲۸ سال سوم که مورخ بتاریخ ۱٤ شهر رمضان المبارك ۱۳۲۹ و آخرین شماره نمونه سفینه نجات است تحت عنوان (آزای مطبوعات) نوشته شده و بدین قسم شروع میگردد : « حرف اول ما صدر و اول انسان مقدمه آزادیست • انسان آزاد علت العلل تمدن و مایه ایجاد آبادی است • هرانسانی که آزادی حقیقی و حریت خداداد خود را شك نماید انسانیت خودرا تردید کرده •••»

پاورقی سفینه نجات یك قسمت وقایع حکومت سردار جنك دریزد و قسمت دیگر (جغرافیای یزد) است ظاهرا این جغرافیا بقلم مدیر روزنامه تدوین شده • برای اطلاع از سبك مطالب یك قسمت آنرا نقل مینمائیم : « یزد ولایتی است از بلاد شمالی شرق عرضش ازخط استوا ۳۲ درجه و ده دقیقه طولش از دایره کرینی نیج ٥٦ درجه پس دیده میشود قطب شمالی معدل‌النهار در این بلد بارتفاع ۳۲درجه و منخفض است ••• بانی اول این شهر یزدگرد ایشم ساسانی و تکمیل و آبادیش از بهرام است • مبارزالدین محمد مظفر حصار این شهر را کشیده برعماراتش افزوده تا بحال بنای مبارزی باقی و تا اواسط قرن سیزدهم خللی بر آن راه نداشته از انگاه تا بحال که آبادی خارج شهر روبفزونی نهاده حصار قدیم ازمرمت کلی‌محروم و روی بانهدام گذارده •• » نقل از شماره ۲۳ سال سوم بتاریخ ۲۰ شهر جمادی الاخره ۱۳۲۹ قمری • آخرین شماره منتشره سفینه نجات شماره ۲۸ سال سوم مورخ ۱٤ رمضان المبارك ۱۳۲۹ قمریست در پایان این شماره تعطیل‌روزنامه‌رابااین‌عبارات بخوانندگان و مشترکین اطلاع داده است : از آنجا که راست گفتن را نسبت به بعضی از محترمین جسارت و دروغ را منافی مقام ومسلك خود میدانیم از این نمره عجالتا دوستان را وداع و طبع سفینه را بزمانی یسر انشاءالله حواله میدهیم ••

(٦٥٨) سکندر

روزنامه سکندر در شهر کلکته از بلاد هندوستان بزبان فارسی تاسیس و در سال ۱۲٦۲قمری مطابق ۱۸٤٦ میلادی منتشر شده است • این روزنامه همه هفته روز های یکشنبه منتشر میگردیده است • (تاریخ مطبوعات وشعر فارسی ص ۱۰٤)برون مینویسد من نمونه این روزنامه را ندیده و دردست ندارم •

(٦٥٩) سلام

روزنامه سلام درسال ۱۳۰۸ شمسی در تهران هفته سه بار تاسیس ومنتشرشده است •

(٦٦۰) سلامت

روزنامه سلامت بمدیری آقای (رئیس‌الذاکرین) در مشهد مقدس تاسیس و در سال ۱۲۹۷ شمسی منتشر شده است • این روزنامه در هفته دو مرتبه در مطبعه‌طوس طبع و در هر نوبت یکهزار نسخه از آن منتشر میشده است • شماره های اول ودوم روزنامه سلامت در برج سنبله ۱۲۹۹ شمسی و شماره ٤ در برج عقرب و شماره های ٥ و ٦ و ۷ آن در برج قوس و شماره های ۸ و ۹ و ۱۰ در برج جدی سال مذکور باداره مجله فلاحت و تجارت واصل گردیده است •

روزنامه سلامت مدتی تعطیل شده و مجددا در سال ۱۳۰٤ شمسی بمدیری آقای (س ـ ن) و نگارندگی آقای سید حسن پرهیزکار از افق خراسان طلوع کرده و سه شماره ازسال ششم تاسیس آن در آبانماه سال ۱۳۰٤ شمسی انتشار یافته است •

(۶۶۱) سلام علیکم

روزنامه سلام علیکم در طهران در سال ۱۳۲۵ قمری تاسیس و منتشر شده است • (ص ۱۰۴ کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون)

(۶۶۲) سلسبیل

روزنامه سلسبیل با چاپ ژلاتین در طهران تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است (ص ۱۰۴ کتاب مطبوعات و شعر فارسی)

(۶۶۳) سلطان الاخبار

روزنامه سلطان الاخبار در شهر کلکته تاسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری مطابق ۱۸۴۶ میلادی منتشر شده است • سلطان‌الاخبار یاسلطان الاکبر همه هفته روزهای یکشنبه طبع و توزیع میگردیده است • (ص ۱۰۴ کتاب مطبوعات وشعر فارسی) نگارنده بیش آنچه از برون نقل شد از این روزنامه اطلاعی ندارم •

(۶۶۴) سودمند

مجله سودمند در شهر قاهره مصر بمدیر مسئولی وصاحب امتیازی آقای (عبدالله رازی) تاسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است • شماره اول این مجله در ۵۶ صفحه بقطع خشتی و چاپ سربی روی کاغذ بسیار خوب وطبع اعلی وجلد زیبا و رنگی، طبع و در تیر ماه ۱۳۰۵ شمسی منتشر گردیده • درصفحه اول این شماره تصویر رنگی زرتشت ودرصفحه بعد اشعاری تحت عنوان (بنام اهورا مزدا و یاری وخشوران پاك) که باین شعر شروع میگردد : « برندوش زردشتم آمدبخواب. ز نور رخش مقتبس آفتاب » طبع شده • این اشعار تمام صفحه مجله را فراگرفته و صفحه سوم آن مشتمل برمقاله ایست بعنوان (قابل توجه اعلیحضرت پهلوی) • بقیه مندرجات شماره اول مقالاتیست بعناوین : وطن ؛ محافظه آثار ملی بقلم طاهر زاده • اراده قوی و کامیابی بقلم مهربان شهباز • طلاق • نمایش و آواز ؛ طبیعت بقلم میرزا عبدالحسین اصفهانی ؛ تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی •

قیمت اشتراك سالیانه مجله درخارجه یك لیره انگلیسی • در ایران ۴۰ قران برای معلمین ومعلمات و شاگردان مدارس نصف قیمت • محل اداره و عنوان مجله : القاهره • مصر . صندوق‌البوسته نمره (۳۴)

مجله سودمند بجای مجله دیگری است که در مصر بمدیری آقای عبدالله رازی بنام (رستاخیز) منتشر میشده و بواسطه عللی نام رستاخیز به سودمند تبدیل‌شده‌است. برای اطلاع ازمجله رستاخیز رجوع شود بجلد دوم کتاب حرف ر • در شماره اول مجله سودمند اخطاری درج شده که تا اندازه خوانندگان را بمندرجات و خصوصیات‌مجله آگاه میسازد و ما برای مزید اطلاع عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

« اخطار ـ چنانچه در رساله جداگانه اطلاع دادیم بجای مجله رستاخیز از این ببعد بجهاتی چند نامه سودمندرا منتشر خواهیم ساخت • اینك اولین شمار • آن را پس ازمدتها تاخیر تقدیم خوانندگان محترم مینمائیم • کارکنان این نامه چنین در نظر گرفته و اسباب را بقسمی فراهم نموده اند که دیگر در توزیع این مجله هیچگونه تاخیری رخ نخواهد نمود و دراول هر ماه یکشماره مرتبا ازطبع خارج وبرای مشترکین ارسال میگردد • از آنجا که در این نامه بهیچوجه من الوجوه مطالب سیاسی و مذهبی درج نخواهد گردید امید میرود که درایران درمیان جوانان جدی و با ذوق بخوبی رواج گیرد و بمانعی برنخورد •

این نامه در ٥٦ صفحه منتشر و دارای مطالب سودمند علمی ؛ ادبی ،اجتماعی اقتصادی تاریخی و غیره است • فقط چهارصفحه آخر آن وقف بعضی اخبارراجع بمصر و اوضاع ایرانیان محترم این حدود است • چون عمده منظور ما بیدار کردن روح ملی و کاشتن تخم افکار جدید در سرهای نونهالان وطن‌است امیدواریم معلمین و معلمات این نامه را در میان شاگردان لایق خود منتشر نمایند تا بتدریج بمباحث اجتماعی و ادبی آنانرا آشنا کنند • از شماره دوم در نگاشتن مقالات مفید بیشتر سعی خواهد شد و در نظر است که هر گاه تا شش ماه این نامه رواجی یافت برعده صفحات آن اضافه نمائیم •»

همانقسم که در ذیل مجله رستاخیز یاد آور شدیم پس از انتشار ۱۸ شماره باسم مجله رستاخیز ، نام مجله (بسودمند) تغییر داده شد و ۱۸ شماره هم باین اسم مجله منتشر گردید و بعد شش شماره هم باسم عصر پهلوی (رجوع شود بحرف عین کتاب ، همین مجلد) منتشر شده و در آذر ۱۳۰۹ شمسی اداره مجله بطهران منتقل گردید و مجله سودمند از تاریخ مذکور تا شش شماره درطهران نشر گردیدوسپس تعطیل گردید • بنابراین رویهمرفته ازمجله سودمند ۲٤ شماره که ۱۸ شماره آن در قاهره و شش شماره درطهران نشر شده است • در سالنامه ۱۳۱۰ پارس راجع بمجله سودمند مینویسد : « از اول آذر ماه ۱۳۰۹ شمسی مجله سودمند حقیقتا بامطالبی مفید و سودمند بمدیریت فاضل محترم آقای رازی وکیل رسمی عدلیه منتشر گردید • مندرجات این مجله کاملا باعنوان آن تطبیق میکند و شایسته تقدیر است •» آقای عبدالله رازی از بدو ورود بایران وارد شغل وکالت عدلیه گردیده و اکنون نیزوکیل پایه یك دادگستری میباشند •

(٦٦٥)سها

در تاریخ دلو ۱۳۰۲ شمسی امتیاز روزنامه سها در اصفهان بمدیری (آقا سید مهدی نقیب زاده اصفهانی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است •

(٦٦٦) سهند

در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی امتیاز روزنامه سهند باسم (میرزا محمود

غنی زاده سلماسی) از تصویب شورایعالی معاوف گذشته که روزنامه مذکور در تبریز منتشر گردد • در همین سال سهند بموسی غنی زاده و بمدیری (احمد زاده دهقان) در مطبعه (خلیفه گری) طبع و بطور یومیه منتشر شد • پس از فوت مرحوم غنی زاده که در اسفند ماه ۱۳۱۳ شمسی اتفاق افتاده روزنامه سهند بموسی آن مرحوم و بمدیری ا • دهقان و ناشر و نگارنده (ف . غنی زاده) انتشار یافته و شماره ۵۱ سال دوازدهم آن که دارای شماره مسلسل ۱۷۷۱ است در تبریز در تاریخ چهار شنبه چهارم اسفند ۱۳۱۶ شمسی مطابق ۱۳ فوریه ۱۹۳۸ میلادی در ده صفحه بقطع بزرك که هشت صفحه آن مخصوص اعلانات ثبت میباشد ، با چاپ سربی (چاپخانه خلیفه گری) طبع و توزیع گردیده است • بهای اشتراك سالیانه سهند در تبریز ۵۰ ریال و در ولایات ۶۰ ریال و بهای آگهیها صفحه یکم و چهارم یکسطر ستون دو ریال و صفحه دوم ۱۵۰ دینار و صفحه سوم یکریال معین شده است مندرجات سهند پس از درج مقاله اساسی و مقالات مختلف عبارت از اخبار محلی آذربایجان و خلاصه ای از اخبار خارجه و اعلانات ثبتی و ادارات دولتی است سهند چون بیشتر دوران انتشار آن در ایامی بوده که جراید محدود بوده لذا مندرجات آن بیشتر اخبار خارجی و مقالات متنوع میباشد و کمتر مقالات سیاسی در آن دیده میشود این روزنامه تا سال ۱۳۱۷ شمسی هر هفته سه بار و هرنوبت ۸۰۰ نسخه از آن منتشر میشده و قیمت هر شماره آن ۲۰ دینار و عده اعضای آن سه نفر است •

میرزا محمود غنی زاده ـ محمود غنی زاده از اهالی سلماس آذربایجان مدیر دانشمند جریده سهند تبریز است، نامبرده در تاسیس مشروطیت ایران در آذربایجان سوابق ممتدی دارد و چنانکه از کتاب تاریخ مشروطیت ایران تالیف مرحوم کسروی برمی آید غنی زاده در ردیف موسسین مشروطیت ایران و نامش در ردیف عدالت ، صفراف و تقی زاده بشمار میرود • غنی زاده علاوه بر روزنامه سهند تبریز مدتی نویسندگی روزنامه فریاد را که در رضائیه بمدیری میرزا حبیب الله آقازاده منتشر میشده ؛ عهده دار بوده است • از این روزنامه در حرف (ف) کتاب گفتگو خواهیم کرد • غنی زادهٔ ذوق شعری نیز داشته و در کتاب شرح حال کامل محمد تقی خان منطبعه برلین (ص ۱۸) پنج بیت زیر را از یك قصیده که مرحوم غنی زاده موقع اقامت در برلین سروده نقل مینمائیم:

نیست در کون صدائی مطلق — بجز از ناله مرغ یا حق
برو ایمرغ حزین داد مکن — اینهمه بیهده فریاد مکن
کاندر این ساحت گیتی حق نیست — آنچه تومیطلبی مطلق نیست
حق کجا گوش فرا دار و ببین — روی گیتی همه آه است وانین
حق کجا رو در افسانه مزن — آتشم بر دل دیوانه مزن

غنی زاده در اسفند ماه ۱۳۱۳ شمسی بدرود زندگانی گفته است •

(۶۶۷) سهیل

روزنامه سهیل بمدیری (احتشام الممالك سهیلی) و دبیری باقر دبیران در شهر

ملایر تاسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده روزنامه سهیل در شهر همدان طبع ودر ملایر منتشر میشده است. طلوع سهیل درحمل سال۱۲۹۹ بوده وپس از نشر دو شماره بواسطه نبودن وسائل طبع در ملایر وحرکت مهاجرین ایرانی بطرف اسلامبول که باقر دبیران ،دبیر نامه سهیل نیز جزو آنان باسلامبول مهاجرت نموده ؛ برای همیشه تعطیل شده است. روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان در شماره ۱۰ مورخ دو شنبه ۱۵ رجب ۱۳۳۸ قمری مطابق۱۶ حمل ۱۲۹۹ شمسی تحت عنوان (طلوع سهیل از افق مطبوعات ملایر) مینویسد: « جریده شریفه سهیل که بتازگی از افق مطبوعات ملایر طلوع وچون سهیل یمان آن سامان را نور بخش است دو نمره آن باداره اختر مسعود واصل و از بیانات شیرینش بینهایت مسرت حاصل گردید.»

هنگامیکه نگارنده در شهر ملایر بودم آقای عطاءالله دبیران پور شرح زیر را در باره مرحوم باقر دبیران تهیه وتنظیم وباین جانب تسلیم نمودند:

« باقر دبیران فرزند دبیر الممالك معروف بدبیر زاده ملایری در سال ۱۲۶۶ خورشیدی بدنیا آمد و تحصیلات خود را تا آنجا که مقتضیات انعصر موافقت میکرد ادامه داد وپس از آن داخل مشاغل دولتی شده از سن ۲۲ سالگی علاقه مفرطی براهنمائی و تشویق مردم برای حفظ ملیت وتحریك حس میهن پرستی داشت وبهمین جهت غالب اوقات در انجمنها ومعابر ومساجد نطقهای مهیجی ایراد مینمود وروی همان منظور روزنامه سهیل را با روشی شیوا بهمراهی جمعی از فرهنك دوستان در سال ۱۲۹۹ خورشیدی تاسیس نمود متاسفانه چون هزینه ووسائل چاپ وانتشار درآن زمان مشکل بود و از طرفی هم حرکت مهاجرین ایرانی بطرف اسلامبول پیش آمد بیش از دو شماره موفق بانتشار آن نگردیده. دبیر نامه سهیل هم در شمار مهاجرین ایرانی باسلامبول مهاجرت نمود و پس مراجعت هم موفق بانتشار این نامه ادبی واخلاقی وملی نگردیده. زمانی بکارمندی وزارت دادگستری اشتغال داشت و چند گاهی هم بمسافرت در صفحات غرب از طرف وزارت دارائی پرداخت عاقبت در روز ۱۹ آبانماه ۱۳۱۸ شمسی زندگانی را بدرود گفت.»

(۶۶۸) سهیل

در تاریخ۲۸ حمل ۱۳۰۲ شمسی امتیاز روزنامه سهیل در طهران بصاحب امتیازی (سید عبدالعلی جعفری) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است ولی این روزنامه تا تاریخ ۲۲ قوس سال مذکور هنوز منتشر نشده بوده و وزارت معارف در شمار ۷۲ سال پنجم روزنامه یومیه میهن مورخ شنبه ۱۲ قوس اعلان نموده که چون صاحب امتیاز روزنامه سهیل تاکنون بانتشار روزنامه خود اقدام نکرده باید برای انتشار آن تجدید

(٦٦٩) سیاست

امتیاز بنماید• باوجود این سهیل در طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده منتهی نگارنده تاکنون نمونه آنرا بدست نیاورده‌ام•

روزنامه سیاست در طهران بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (عباس اسکندری) وسردبیری(میرزاباقرخان)تبریزی تاسیس‌ودرسال ۱۳۰۰شمسی منتشر شده‌است• شماره‌اول روزنامه سیاست در چهار صفحه بقطع متوسط طبع ودرتاریخ چهارشنبه ٤ محرم ۱۳٤۰ قمری مطابق ١٦ سنبله ۱۳۰۰ شمسی انتشاریافته• سرمقاله این شماره ویا مقاله‌افتتاحی روزنامه تحت عنوان(مرام ومسلك ما در عالم مطبوعات) بدینقسم شروع میگردد. « ما از امروز عهده‌دار یك مسئولیت سنگینی شدیم که فقط‌بعد از عون وعنایات سبحانی‌توده صالحه ملت ورنجبران واقعی••••»

روزنامه سیاست پس از نشر شماره دوم دوچار توقیف گردیده و شماره سوم پس از سه ماه وکسری توقیف در تاریخ پنجشنبه ١٦ ربیع الاول ۱۳٤۰ مطابق ۲۳ قوس ۱۳۰۰ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرك طبع و توزیع گردیده است سر مقاله این شماره‌راجع بتوقیف سه‌ماه‌واندی‌روزنامه است که مجددا منتشر شده .روزنامه‌سیاست بتمام‌معنی یك روزنامه انتقادی وجزو دسته اقلیت است از این جهت غالبا از طرف‌دولت توقیف شده ودر سال دوم‌بعلت توقیفهای پی در پی مدیر آن از دریافت وجوه اشتراك روزنامه صرف نظر نموده است• آگهی زیر را دفتر روزنامه سیاست در شماره ۱٥٤٥ روزنامه ایران مورخ۲٥ داو ۱۳۰۲ نموده‌است•

«روزنامه سیاست نظر باشکالاتی انتشار خود را عقب انداخته وامیدوار است در اول جلسات رسمی‌مجلس وظیفه‌ای که عهده‌دار است‌تعقیب نماید • تاخیر روزنا مه علت خارجی نداشته وبرای تهیه‌بعضی لوازم مقدماتی اداری است• از آقایانیکه جدیدا مایل باشتراکند تمنی میشود وجه اشتراك خود را درطهران تا پانزده روز ودر ولایات تادو ماه دیگر ارسال دارند• نظر باینکه روزنامه ما در سال دوم دچار توقیف پی دربی بوده است اداره سیاست وجوه اشتراك سال دوم رامطالبه‌نخواهد نمودوآقایانیکه قبلاپرداخته‌اندازوجه اشتراك سال سوم کسر خواهد شد•»

طرز انتشار سیاست در ابتدا هفته دوباربوده ولی بعدآیومیه شده وشماره ٦٥ سال دوم آن در تاریخ سه شنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۳٤۱ مطابق ۱۷ دلو ۱۳۰۱ شمسی منتشر گردیده است• شماره اول سال سوم بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی عباس اسکندری در چهار صفحه بقطع بزرك، یا چاپ سربی، طبع و در تاریخ ۲۱ حوت شمسی‌و۱۱ مارس ۱۹۲۳ میلادی مطابق سه شنبه٥ شعبان ۱۳٤۲ قمری انتشار

یافته. پاورقی روزنامه کتاب (زن سیاه‌پوش) ترجمه میرزافتح‌الله قزل‌ایاغ است. محل اداره روزنامه: طهران. خیابان شاه آباد. مندرجات سیاست علاوه بر مقالات انتقادی تمام اخبار داخله وخارجه بتفصیل است. از سال سوم سیاست فعلا تا شماره ٦٢ مورخ پنجشنبه ٢٩ ذیقعده ١٣٤٢ قمری در دست است.

روزنامه باباشمل در شماره ١٣١ تحت عنوان (حساب بابا شمل - معادلات کرسی نشینان) خلاصه از زندگی سیاسی و اجتماعی عباس اسکندری وکیل‌دوره‌پانزدهم‌را نوشته که برای اطلاع خوانندگان آنرا بعینه نقل مینمائیم.

«یك صورت پت وپهن + کردن + ٦١ سال عمر - تحصیلات ابتدائی منظم ومتوسط غیر منظم در تهران - عجب وتکبر × یك خروار - خریدار - خست - حرص در جمع‌آوری مال × خیلی‌زیاد - احساسات - عاطفه - یك‌مشت اشك تمساحی - استین سفارش بمرحوم مشیرالدوله از طرف سلیمان میرزا - امتیاز یك روزنامه - یك‌اطاق در شاه‌آباد - خواننده + علاقه ظاهری بمرحوم مدرس × غرض مخصوص + تحصن در مجلس + غرض مخصوص - فرار از حیاط عقبی در موقع هجوم نظامیها - نفرت سلیمان میرزا - نفرت رضاشاه - جلب مرحمت یکی‌از بیگانگان - بیکاری ممتد - حبس کوتاه شرکت در تشکیل توده کمیانی - اخراج‌از - حزب‌بوسیله‌سلیمان‌میرزا - عدم اعتماد‌عمومی ورود بکارهای دولتی - ثروت فراوان - دوسال عضویت شرکت نیمه - سفر امریکا - تقرب بدوام - سفر اطراف نیل - اخراج از آنجا - تالیف یك کتاب - خواننده جز خودش - سر دو آوردن از صندوق - کمك دوام وبهارالملك - تصویب معتبرنامه - کمك سیدمنجم کارچاق کن - راست گفتن متی به‌دوام وبهارالملك - ماموریت حمله بسه تن از رجال + دوره١٥ = به‌شازده شانزده» قسمتی‌ازآنچه‌باباشمل راجع‌بعباس‌اسکندری نگاشته عقاید ونظریات خود اوست که از لحاظ اختلاف مسلك سیاسی ذکر کرده است واما آنچه در باره تاریخچه زندگانی او نوشته، بعضی از اصطلاحات آن‌محتاج‌بتوضیح میباشد. (یك مشت اشك تمساحی) در دوره ١٥ اسکندری چندمرتبه در ضمن ایرادسخن رانی بگریه افتاد ومنظور از اشك تمساح همین‌گریه هائیست که بعقیده جمعی از روی ریا وتزویر بوده. (سلیمان‌میرزا) لیدر حزب توده بعد از وقایع شهریوراست. (امتیاز یك روزنامه) همین روزنامه سیاست است که اداره آن درشاه‌آباد بوده. (علاقه‌ظاهری بمرحوم مدرس) در دوره پنجم مجلس شورایملی دسته اقلیت مرکب از چهارده نفرکه سردسته آنها روحانی بزرك، سیدحسن مدرس بوده. دسته اقلیت مخالف با رویه سردار سپه بوده وعاقبت‌هم سردسته آنها مدرس بگناباد خراسان تبعیدو درآنجا بهلاکت‌رسید در خارج مجلس عده از مدیران جرایدمنتسب بدسته اقلیت وعبارت بودند از. رسامدیر روزنامه قانون. عباس اسکندری مدیر روزنامه‌سیاست. رحیم زاده صفوی مدیرآسیای وسطی. فخرالدین شهاب مدیر روزنامه شهاب. از این توضیح علاقه اسکندری‌بمرحوم مدرس معلوم میگردد. (تقریب به‌دوام) منظور نزدیك شدن بقوام السلطنه معروف است که بکمك او اسکندی از همدان انتخاب گردید. (سفر اطراف نیل - اخراج‌ازآنجا) اسکندری بمصر سفر نموده ومعروف است که از آنجا بجرم جاسوسی اخراج گردید.

(شانزده شانزده) اسکندری از شاهزادگان قاجاریه و معروف بجاسوس نمره ۱۶ است.

هنگام طرح برنامه قوام السلطنه در مجلس پانزده اسکندری از دولت او دفاع میکرد. ضمن مذاکرات مجلس شرح احوال اسکندری بتفصیل ذکر شده. برای اطلاع بیشتری از آن بشماره‌های روزنامه اطلاعات مربوط بمهر ماه ۱۳۲۶ شمسی مراجعه شود.

یکی از همکاران صمیمی عباس اسکندری مرحوم میرزاده عشقی شاعر حساس وجوان بوده که در راه عقیده بقتل رسید. عشقی واسکندری هر دو از مخالفین جدی جمهوریت ایران وسردار سپه بودند واز اینرو عشقی مقالات تند وآتشینی در روزنامه سیاست نوشته است و میتوان یکی از نویسندگان سیاست را عشقی دانست عشقی دو مقاله مهم بعنوان (جمهو ری قلابی) در روزنامه سیاست نوشته . مقاله اول آن در شماره ۲۵ سال سوم سیاست مورخ ۳۰ رمضان ۱۳۴۲ قمریست وبدینقسم شروع میگردد: «چیزیکه خیلی مضحك بنظر میرسد اینستکه گوسفند چرانهای سقز جمهوری طلب شده‌اند واین گوینده با یك من فکل وکراوات ضد جمهوری هستم.» مقاله دوم در شماره ۲۹ سال سوم است واین مقاله بدین قسم شروع میشود: «اول کله مردم را عوض کنید بعد کلاه آنها را.»

(۶۷۰) سیاست اسلامی

روزنامه سیاست اسلامی در طهران بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (اعتماد الاسلام سیستانی) تاسیس ودر سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . شماره اول این روزنامه روی یك ورق بزرك، با چاپ سربی، در مطبعه فاروس طبع ودر تاریخ سه شنبه ۲۳ شعبان ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۰ حمل ۱۳۰۲ شمسی و ۱۰ آوریل ۱۹۲۳ میلادی توزیع گردیده است. سرمقاله این شماره بدینقسم شروع میگردد:

«بسم‌الله‌تعالی. سیاست اسلامیت وحس حراست قومیت و اصول مدنیت اسلام وایران در مقابل تظاهر وتزاحم مخرب بین اساس سیاست اسلامی وتاتلین اخلاق آداب وشعائر ملی ..... مسلك ما . مسلك حفظ سیاست وشعائر وآداب وتمدن اسلامی درمقابل یك مشت فرنگی‌مآب شیاد که بجای کسب علم وهنر بظواهری آراسته وبواطنی سیاه مستهظر شده وبرای خراب کردن اساس دین وآئین وآداب قومی ....» پس از سرمقاله مذکور، مقاله بقلم اعتمادالاسلام، مدیر روزنامه، راجع بانتخابات دوره پنجم وبعداخبار داخله وخارجه بنقل از بی‌سیمهای خارجی درج گردیده است.

طرز انتشار سیاست اسلامی هفتگی بوده وهفتگی بودن آن درزیر اسم روزنامه قید شده ولذا شماره دوم آن در تاریخ ششم ثور ۱۳۰۲ منتشر شده است. محل اداره . لاله‌زار کوچه وثوق‌نظام. قیمت روزنامه: یکساله داخله ۵۰ قران، خارجه ۷۰ قران . ششماهه بترتیب ۳۰ و ۴۰ قران . تك نمره چهارشاهی. برای اطلاع از مندرجات سیاست اسلامی قسمتی از سرمقاله شماره بیست ودوم آنرا که تحت عنوان (جلوگیری از نطق) نوشته نقل مینمائیم :

« در جلسه گذشته آقای ملك الشعرا ، نماینده اقلیت خواستند در موضوع ایجاد ترور درطهران وعقاید عمومی صحبت کنند. یکی از وکلای اکثریت گفت بایددرمجلس خصوصی این مذاکرات بعمل آید. سیدیعقوب انوار گفت اگر شما بخواهید حرف بزنید ماهم حرف میزنیم . ناطق اقلیت گفت. فقط میخواهم راجع بوضعیات تذکری بدهم چرا وحشت میکنید همهمه بین اکثریت افتاد واز نطق اقلیت بغایت هراسناك شدند معلوم شد اکثریت میل ندارد وضعیات شهرطهران در مجلس عنوان شود و از شنیدن ذکر آنهم وحشت دارد. وکلای اقلیت هر یك دلایلی برلزوم مذاکرات مزبور اقامه کردند. وکلای بیطرف وصلحای مجلس معتقد بودند ناطق اقلیت صحبت کنند. اما مجلس واکثریت رای نداد - در این بین وکلای اقلیت از مجلس خارج شدند . آقای، ملك الشعراء در موقع رفتن از مجلس در جلوی صندلیهای اکثریت ایستاده اظهار داشتند جراید اقلیت راتوقیف میکنید. گلوله بما تحویل میدهید. اجازه نطق بما نمیدهید . پس خود بست برویم بولایتهای خودمان. واز مجلس خارج شدند. هیجانی در تماشا چنان حادث شد ولی گارد مجلس اجازه نداد تماشاچیان جلو بهارستان بیایند زیرا ترسیدند که مبادابوکلای اکثریت توهین وتعرض بشود . دو نفر هم باتهام داشتن اسلحه طرف تعرض رئیس گارد مستحفظ مجلس شدند ومعلوم شدمستخدم یکی از افراد اکثریت میباشند.»

(۶۷۱) سیاست شرق

در تیر ماه ۱۳۰۵ شمسی امتیاز روزنامه سیاست شرق در طهران بمدیری (میرزا محمد رضاخان وزیر نظامی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته وبطورهفتگی منتشر شده است.

(۶۷۲) سیاسی

در سال ۱۳۲۸ قمری آقای شیخ محمدحسن سائس (مشهور بشهیدزاده) بدبیری و نویسندگی برادر خود آقای فیلسوف روا نشاد روزنامه بنام سیاسی در شهر شیراز منتشر نمود .

(۶۷۳) سیدالاخبار

روزنامه سیدالاخبار، باچاپ سنگی بمدیری وتحت نظر (آسیدآقا شیرازی) در حیدرآباد دکن تاسیس ودر سال ۱۳۰۶ قمری مطابق ۹-۱۸۸۸ میلادی منتشر شده سیدالاخبار همه هفته مرتبا روزهای شنبه در هشت صفحه بزرك طبع وتوزیع گردیده است. برون در کتاب مطبوعات وشعر فارسی (۱۰۵) مینویسد از روزنامه سیدالاخبار مجموعه در موزه (برتیش) بنمره ۷۵۷ موجود است. در این مجموعه ۳۵ نمره از سیدالاخبار هست که نمره اول آن مورخ بتاریخ ٤ ربیع الثانی ۱۳۰۶ قمری و نمره ۳۵ آن بتاریخ ۵ذیحجه سال مذکور میباشد. درعنوان هر شماره تصویر شیر وخورشید وان عبارت. (سید اخبار عالم سیدالاخبار شد) بصورت شعارچاپ شده. یك قسمت عمده

از مندرجات روزنامه ترجمه اخبار خارجی از جراید مهم انگلستان و راجع بروابط روسیه با ایران است • در انتهای هر نمره امضای (سید آقا شیرازی) درج شده است •

در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در ذیل روزنامه آزاد منطبعه شهر دهلی هندوستان بمناسبت ذکری از روزنامه سید الاخبار بمیان آمده که خوانندگان میتوانند با نجا مراجعه فرمایند • برون در کتاب مطبوعات (ص ۱۰۶) اضافه میکند که من نمره ۳٤ سال دوم سیدالاخبار را در دست دارم واین نمره مشتمل بر دوازده صفحه وهرصفحه آن بقطع ۱۲×۷ وسه چهارم اینچ و باخط بسیار خوب تعلیق و با چاپ سنگی در تاریخ ۲۱ رمضان ۱۳۰۷ قمری طبع و توزیع گردیده است نگارنده تاکنون نمیدانم که روزنامه مذکور تا چه تاریخی انتشار یافته است •

(٦٧٤) سیروس

در تاریخ پنجم بهمن ۱۳۰٤ شمسی امتیاز روزنامه سیروس در شیراز بمدیری (میرزا عبدالله ضرابی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است •

(٦٧٥) سینما و نمایشات

مجله سینما و نمایشات در طهران بموسسی وصاحب امتیازی (علی وکیلی) و مدیری و سردبیری (اسحق زنجانی) تاسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است شماره دوم سال اول این مجله در ۲۸ صفحه بقطع کوچك . بغیر از چند صفحه اعلان که ضمیمه مجله است ، در چاپخانه سربی (اتحادیه طهران لاله زار) طبع ودرشهریور ماه ۱۳۰۹ توزیع گردیده است • طرز انتشارمجله سینما و نمایشات ماهانه بوده ومحل اداره آن : طهران • خیابان سپه • سینما سپه • وجه اشتراك برای مجله معین نشده و قیمت تك شماره آن دهشاهیست • چون بیشتر تاسیس مجله بمنظور چاپ اعلانات مربوط بسینما است ودرهر شماره تعداد زیادی اعلان راجع بسینما چاپ شده قیمت اعلانات بطور صفحه معین گردیده است • بدین ترتیب : یك صفحه دریك شماره ۸۰۰ قران • نیم صفحه در یکشماره ۵۵ قران • ربع صفحه دریکشماره ۲۰ قران • برای اعلانات مکرر تخفیف است •

مندرجات شماره دوم عبارت است از : احصائیه سینما در دنیا • صنعت مطلب نویسی فیلم • فیلم گویا • فیلمهای خوب • ورزش و سینما • ریشارد تالماج ستاره سینما • سینما های دائر طهران •

آقای علی وکیلی موسس وصاحب امتیاز مجله از بازرگانان مهم و معروف ایران و چند دوره ازطهران بنمایندگی مجلس شورایملی انتخاب گردیده اند •

حرف الشین

(٦٧٦) شالم

روزنامه شالم بزبان فارسی وعبری در طهران تاسیس ومنتشر شده است.

(٦٧٧) شاویك

روزنامه مصور شاویك در طهران بزبان ارمنی تاسیس و در سال ۱۹۱۱ میلادی مطابق ۱۱-۱۳۱۰ قمری باچاپ سنگی منتشر شده است . (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۴) برون اضافه میکند که نمونه از این روزنامه را ندیده ام .

(٦٧٨) شاهپور

در تاریخ قوس ۱۳۰۴ شمسی شورایعالی معارف امتیاز روزنامه شاهپور را در شیراز بمدیری (سید عبدالنبی سلامی کازرونی) تصویب نمود ؛ سالنامه ۱۴-۱۳۱۵ معارف فارس اضافه میکند که آقای سلامی کازرونی موفق بطبع این روزنامه نگردید .

(٦٧٩) شاهسون

روزنامه شاهسون در اسلامبول با طبع ژلاتین تاسیس و منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه شاهسون اینطورمینویسد: « روزنامه بذله سرا منطبعه اسلامبول با ژلاتین در حدود سال ۱۳۰۶ قمری ازطرف حاجی عبدالرحیم طالب اف و سید محمد شبستری فقط یك شماره منتشر شده‌است.»

طالب اف مدیر و موسس روزنامه شاهسون که بعلت انتشار کتاب احمد یا سفینه طالبی در ایران شهرت زیادی‌دارداز کسانی است که نوشته های او کمك بزرگی ببرقراری مشروطیت نموده . شرح‌حال‌او بتفصیل در مجلات و جراید فارسی نوشته شده و ما در اینجا شرحی را که مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان (ص۲۵٤ کتاب) در باره او نوشته بعینه نقل مینمائیم : « حاجی میرزا عبدالرحیم بن‌ابوطالب بن علیمراد تجار تبریزی معروف بطالبوف از معاریف و فضلای آذربایجان بوده و عمر خود را در تمرخان شوره ولاد قفقاز گذرانیده است ؛ در ۱۲۷۲ هجری درتبریز تولد یافته و در تاریخ ۱۳۲۸ در تمرخان شوره مرحوم شده است . مشارالیه قبل‌از اعلان مشروطه در ایران کتب مفیدی برای تنویر اذهان تالیف نموده و الحق در این باب زحمتی کشیده است‌از جمله تالیفات آنمرحوم که بطبع رسیده است کتاب احمد یا سفینه طالبی در دوجلد : مسالك المحسنین مسائل الحیات ، تجبه سپهری ؛ ترجمه فیزیك مختصر ؛ ترجمه هیئت فلاماریون مختصر ؛ ترجمه پند نامه مارکوس میباشند سید محمد شبستری ـ سید محمد شبستری معروف بابوالضیاء همان مدیر روزنامه(ایران نو) است . برای اطلاع از شرح حال او بجلد اول کتاب کلمه ایران نو مراجعه‌شود

(٦٨٠) شاهنشاهی

روزنامه مصور شاهنشاهی در طهران بمدیری (میرزا عبد الحسین خان ملقب به

بملك المورخین) بطور هفتگی تاسیس و با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده‌است. شماره اول این‌روزنامه در تاریخ ۹ شوال سال مذکور انتشار یافته . هر شماره روزنامه مشتمل برچهار صفحه و هرصفحه آن بقطع ۱۲×۶٫۵ اینچ و یك صفحه ازهر شماره مخصوص چاپ تصاویر اشخاص مهم و بزرگان مملکت است قیمت اشتراك سالیانه آن ۲۰ قران وبرای مشترکین روزنامه های شرف وشرافت مجانیست. برون که شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که من نمرات ۱۸و۲۱و۲۶و۴۳و۴۴ و ۴۵و۴۶و۴۷ این روزنامه را دردست دارم شماره اولی درتاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۴ قمری و شماره آخری در تاریخ ۱۳ محرم ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .

درشماره ۱۷۴ سال چهارم روزنامه ادب مورخ غره ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۳ قمری شرحی‌راجع بطلوع‌روزنامه شاهنشاهی‌بدینقسم نوشته‌است :«همین قدربهموطنان‌محترم و مخصوصا دانشمندان بشارت میدهیم که از یکماه قبل از این جناب جلالتمآب معظم آقای لسان‌السلطنه ملك‌المورخین که سلاله خاندان علم و اطلاع است برحسب اجازه امناء دولت و تقویت وزارت جلیله انطباعات روزنامه در دارالخلافه باهره تاسیس فرموده موسوم به (شاهنشاهی) و آن مبارك نامه مشتمل است بر تصویر بزرگان و اشخاص اولیه مملکت و مقالات علمیه و خلاصه تاریخ عالم و نخبه تصنیفات و تالیفات و نتیجه زحمات چندین ساله جد و پدر بزرگوار وخود ایشان » شرح احوال‌مرحوم ملك‌المورخین در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه آئینه عیب نما بتفصیل ذکر شده خوانندگان بانجا مراجعه فرمایند .

(۶۸۱) شاهین

روزنامه شاهین بصاحب امتیازی و مدیری (میرزا حبیب‌الله خان آقا زاده) در شهر تبریز تاسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است . شاهین با چاپ سربی در مطبعه (تبریز) طبع و بطور یومیه انتشار یافته . شماره ۴۳۲ سال هشتم آن روی یك ورق بزرك طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۱۶ شمسی و همچنین شماره ۴۴۵ سال نهم آن در تاریخ پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۷ شمسی منتشر گردیده است . درزیر عنوان روزنامه شاهین (کثیرالانتشارترین جراید آذربایجان) معرفی شده است . قیمت اشتراك آن : سالیانه داخله ۴۰ ریال . ششماهه ۲۰ ریال . خارجه ۴ دولار و دو دولار . محل اداره : تبریز . خیابان تربیت . عنوان تلگرافی : تبریز . شاهین .

روزنامه آینده ایران در شماره ۲ سال سوم خود مورخ شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۱۱ شمسی آغاز سومین سال شاهین را که بمدیری میرزا حبیب الله آقازاده و بقلم جمع کثیری از جوانان فاضل واحرار و مطلعین آذربایجان نگاشته میشود ، تبریك گفته است . و همچنین درشماره ۱۶ سال سیزدهم توفیق مورخ ۲۲ اردی بهشت ۱۳۱۴ شاهین که سال پنجم را بپایان رسانیده و در مرحله سال ششم پا نهاده موفقیت مدیرآن را مسئلت کرده است . مندرجات شاهین مانند سایر جراید محلی عبارت ازمقالات‌متنوع

و ترجمه های مختلف و اخبار محلی آذربایجان وخلاصه اخبار طهران و خارجه است. علاوه براینها اعلانات ثبتی وآگهیهای دولتی وغیردولتی درآن زیادچاپ‌شده بخصوص اعلانات ثبتی که درهر شماره چند صفحه ضمیمه روزنامه است .

(۶۸۲) شب نامه

شب نامه نشریه ایست هزلی که در تبریز بمدیری (علی‌قلی صفر اف) درحدود سال ۱۳۱۰ قمری منتشر شده است. این نشریه بزبان ترکی و با ژلاتین‌طبع گردیده. برون که یك شماره از این شب نامه را دردست داشته خصوصیات آنرا بدین قسم ضبط کرده است : این شماره متعلق بنوامبر ۱۹۰۶ میلادی و بقطع ۱۴×۸ و سه چهارم اینچ و مشتمل بر سیزده سطر بزبان ترکی و درعنوان آن‌تاریخ؛نویسنده، محل انتشار قید نگردیده است (ص ۱۰۸ تاریخ مطبوعات برون)

(۶۸۳) شجره خبیثه کفر شجره طیبه ایمان

نشریه ای در طهران تحت عنوان (شجره خبیثه کفر و شجره طیبه ایمان)باچاپ سنگی در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .(تاریخ مطبوعات و شعر فارسی۱۰۸)

(۶۸۴) شرافت

روزنامه ماهانه مصور شرافت در طهران تاسیس و در سال ۱۳۱۴ قمری ، درسلطنت مظفرالدین شاه منتشر شده است . روزنامه شرافت از انتشارات وزارت مطبوعات و پس از تعطیل روزنامه شرف با بدایره انتشار گذاشته . شماره سوم‌این روزنامه در چهار صفحه بقطع ۱۳×۷٫۵ اینچ با چاپ سنگی در ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ قمری و نمره پنجاه و یکم آن در شهر رجب ۱۳۱۸ قمری منتشر گردیده است معمولا صفحه اول روزنامه مخصوص رسم تصویر یکی از بزرگان ایران و در نمره ۵۱تصویر (حضرت مستطاب اشرف امجد اکرم افخم آقا بیك اعظم) چاپ شده . این تصاویر بقلم مرحوم (مصورالملك) بوده و امضای او در ذیل تصاویر مشهود است . طرز انتشار شرافت ماهانه بوده وقیمت اشتراك سالیانه آن یك تومان و دو هزار دینار و قیمت یك نسخه یکقران تعیین گردیده است . محتاج بذکر نیست که روزنامه شرافت از لحاظ تصاویر قلمی که در آن چاپ شده کمال اهمیت را دارد .

(۶۸۵)شرافت

روزنامه ماهانه شرافت در طهران بمدیری (آ سید حسین مدیر کتابفروشی شرافت) تاسیس و درسال ۱۲۱۶ قمری منتشر شده است . شماره دوم روزنامه در تاریخ چهارم صفر سال مذکور انتشار یافته . هرشماره آن در چهار صفحه بقطع ۱۳٫۵ در ۶ و سه چهارم اینچ طبع گردیده وقیمت اشتراك آن درمقابل چهل نمره روزنامه در طهران سه قران ، در سایر شهرهای ایران ۵ قران ودرممالك خارجه ۶ قران است .

مندرجات شرافت از آن جهت قابل اهمیت است که بزبان عامیانه ومقالاتی در آن تحت عنوان (مشهدی) نوشته شده که در طبقه سوم خیلی موثر بوده است. برون مینویسد (ص ۱۰۹ کتاب مطبوعات وشعر فارسی) من نمرات : ۸؛ ۲۲؛ ۲۳ ۲۴ ؛ ۲۵ ، ۲۶ آنرا در دست دارم •

(۶۸۶) شرف

روزنامه شرف با خط نستعلیق بسیار خوب و کاغذ اعلی در چهار صفحه بقطع متوسط که در انتهای صفحه ٤ نام (محمد حسین) نوشته شده چاپ و نمره اول آن درتاریخ غره محرم ۱۳۰۰ قمری منتشر شده است • درهر نمره از روزنامه تصویر یکی از بزرگان مملکت با مختصر شرح حالی از او طبع گردیده ودرصفحه اول نمره اول روزنامه تصویر ناصرالدین‌شاه و در صفحه سوم تصویر مظفرالدین شاه ولیعهد ناصرالدین شاه چاپ شده است •

مندرجات نمره اول بغیر از اعلانیکه ذیلا متن آنرا نقل مینمائیم و نصف صفحه دوم را فرا گرفته ، بقیه مخصوص شرح حال ناصرالدین شاه و اواخر صفحه چهارم‌شرح حال مظفرالدین شاه است • و اما اعلان صفحه دوم که درحقیقت بمنزله مقاله افتتاحی روزنامه میباشد بدینقرار است •

« اعلان • روزنامه مصور که در اغلب دول فرنك معمول و سابق هم چندی در دولت علیه بحلیه طبع میرسید و بواسطه بعضی عوایق متروك شد این مدت که اداره کل مطبوعات ممالك محروسه ایران مفوض باین بنده است و چندین روز نامه رسمی و پلتیکی و علمی و تجارتی و غیر رسمی در طهران وسایر بلاد طبع و منتشر میشود همیشه در خاطر داشت که بتجدید آن رسم پردازد و اداره روزنامه مصوری مجددا دایر سازد که اقلا ماهی یك نمره طبع شود و مخصوص باشد برسم صور اعاظم این مملکت و اگر موقع مقتضی شد شبیه اعیان ممالك دیگر از اروپا و آسیا و آمریك بلکه افریقا و استرالی هم ترسیم یابد و در ذیل هرصورت شرح حال صاحب صورت مرقوم شود اگر چه روزنامه مصور سابق دولتی بود و اینکه حالا بطبع آن اقدام مینمائیم غیر دولتیست ولی‌من‌البدو الی‌الختم سمت رسمیت دارد و از قید آزادی خارج و مشتمل است‌بر چهار صفحه که دارای دو تصویر میباشد و از آنجا که‌مخصوص نگارش شرح حال بزرگان عالم است آنرا موسوم بشرف مینمائیم رجای واثق آنکه مطبوع و مقبول رجال دولت علیه و دانشمندان مملکت گردد •»

اعلان یا مقاله مذکور خوانندگان گرام را بعلت تاسیس و مندرجات روز نامه آگاه میسازد و ضمنا این نکته نیز معلوم میگردد که تصاویر روز نامه متعلق بچه اشخاص و چه کسانی است • پس از این اعلان شرح حال ناصرالدین شاه و خدمات او بمملکت چاپ شده است •

نمره دوم شرف بهمان قطع نمره اول درصفر ۱۳۰۰ قمری منتشر شده ودرصفحه اول آن عکس مسعود میرزا ظل‌السلطان ودر زیر آن شرح حالش نوشته شده است •

از صفحه دوم همین شماره است که (روزنامه سفر خیریت اثر شاهنشاهی دام ملکه وسلطانه) شارستاق چاپ گردیده • منظور ازاین سفرنامه شرح مسافرت ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۹ قمریست •

در صفحه اول نمره سوم تصویر (عمارت حرمخانه مبارکه جدیدالبنا) ودرصفحه سوم آن تصویر (جناب امین‌السلطان) چاپ شده است • در نمره چهارم‌تصویر(شکار پلنگ ناصرالدین شاه) و درصفحه سوم آن تصویر (نایب‌السلطنه وزیر جنگ) است •

تا نمره ۱۷ روزنامه که در تاریخ جمادی‌الاولی ۱۳۰۱ قمری منتشر شده در زیر تصاویر روزنامه هیچ کجا اسمی از نقاش تصاویر نیست • در شماره ۱۷ در زیر تصویر (نظام‌الملك وزیر لشکر) اسم (ابوتراب) و در نمره ۱۸ زیر تصویر (اعتضادالدوله) نام (ابوتراب غفاری) چاپ شده و از این پس در زیر بیشتر تصاویر روزنامه امضای (ابوتراب)ودرزیر بعضی‌امضای(موسی)چاپ‌شده‌وگاهی‌هم‌امضای(ابوتراب الغفاری)که همان ابوتراب است نوشته شده چنانکه درنمره۶۱ مورخ‌شعبان۱۳۰۵ درزیر تصویر (باغ وعمارت‌کامرانیه)نام‌ابوتراب‌الغفاریست.درروزنامه‌شرف‌علاوه‌برتصویروزراءو درباریان واشراف‌تصویربعضی‌ازعلمانیزچاپ‌شده‌چنانکه‌درشماره۲۳مورخ شوال المکرم ۱۳۰۲قمری‌رسم(حجة‌الاسلام‌حاجی‌شیخ‌محمدجعفرشوشتری) طبع گردیده وهمچنین تصویر بعضی‌از رجال‌خارجی ازقبیل ولیعهد روسیه وسفیرآلمان باوابسته‌نظامی‌وکارداران‌سفارت دیده‌میشودخلاصه اینکه‌مندلاجات‌روزنامه‌شرف عبارت از شرح حال وتصاویر بزرگان و دوحقیقت تذکره مفیدی از رجال زمان ناصرالدین شاه است • آخرین نمره منتشره از روزنامه شرف. نمره ۸۷ مورخ ۱۳۰۹ قمری بدون ذکر ماه انتشار است • درصفحه‌اول این شماره تصویر (معتمدالشریعه) از اسباط حاجی میرزا ابواطالب اصفهانی صاحب حاشیه سیوطی ودرصفحه سوم تصویر مرحوم آقا سید علی دربندی طبع گردیده است • تمام نمرات روزنامه بیك سبك و یك قطع وقسم چاپ شده استو درتمام آنها درانتهای صفحه چهارم امضای (محمد حسن) دیده میشود • مدیر وموسس روزنامه محمد حسن خان ملقب باعتمادالسلطنه صاحب کتاب تاریخ منتظم ناصری‌است • نامبرده در کتاب مذکوردرحوادث‌سال ۱۳۰۰ قمری‌مینویسد : ایجاد روزنامه مصورشرف‌بریاست این بنده در غره محرم ۱۳۰۰. شرح‌حال اعتمادالسلطنه را در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه ایران بتفصیل نوشته ایم ودیگر احتیاجی بتکرار آن نیست •

ابوتراب غفاری — سابقا یاد آور شدیم که تصاویر روزنامه بقلم ابوتراب غفاری است اینك مختصر شرح حالی از این نقاش زبردست • از میرزا محمد پسر میرزا ابوالحسن پسر قاضی عبدالمطلب غفاری کاشانی سه فرزند بوجود آمد اولی میرزا ابوالحسن غفاری نقاش باشی ملقب بصنیع‌الملك که شرح احوال او را مفصلا در جلد دوم کتاب در ذیل روزنامه دولتی نقل کردیم • دومی میرزا علیرضا است که هم نقاش و هم نویسنده بوده و از آثار او دو تابلوی روغنی یکی تصویر ناصرشاه و دیگری صورت کریم خان زندباقیست • پسر میرزا محمد موسوم بمیرزا بزرك است • ازمیرزا بزرك دوپسر باقیمانده یکی میرزا ابوتراب خان غفاری ودیگری میرزا محمدخان

غفاری ملقب بکمال‌الملك • بنا براین ابوتراب غفاری که تصاویر روز نامه شرف از اوست برادر کمال‌الملك نقاش معروف اخیر ایران است •

میرزا ابوتراب خان غفاری نقاش بسیار هنرمند و همین تصاویر روزنامه شرف بهترین معرف استادی اوست • وی سه سال از برادرش کمال‌الملك بزرگتر بوده و در سال ۱۳۰۷ قمری در جوانی خود کشی کرد • آخرین تصویری که در روزنامه شرف از او رسم شده است تصویر (باغ و عمارت کامرانیه) است که در نمره ٦١ شرف مورخ شعبان ۱۳۰۵ قمری ترسیم‌شده و امضای (ابوتراب الغفاری) درذیل‌است.

شرح احوال خاندان غفاری که از اهل کاشان وعموما افراد آن هنرمند و ونقاشانی زبر دست بوده اند ؛ در جراید و مجلات کم وبیش طبع گردیده وبخصوص شرح حال دو نفر از این خانواده ، صنیع‌الملك وکمال‌الملك ، بتفصیل در مجله اطلاعات ماهیانه ذکر شده و خوانندگان میتوانند بدانجا مراجعه نمایند • از میرزا ابوتراب غفاری کمتر ذکری شده ؛ امید است همین سطور مختصر برای معرفی مقام ومنزلت او در فن نقاشی مکفی باشد •

در عنوان روزنامه طرز انتشار آن ماهی یك نمره و قیمت یك نسخه یك قران و سالیانه یك تومان و دو هزار دینار معین شده است •

(٦٨٧) شرف

روزنامه شرف درطهران بمدیری وموسسی (غلامحسین طهرانی) تا سیس ودر سال ۱۳۲٦ قمری با چاپ سربی منتشر شده است • روزنامه شرف بطور هفتگی بوده وقیمت اشتراك سالیانه آن در طهران ٥ قران ، در سایر شهرهای ایران ٦ قران ؛ در خارجه ٥ فرانك ـ هر شماره روزنامه چهارصفحه بقطع ۱۱×۷ اینچ است • برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص۱۱۰) مینویسد من نمره یك این روزنامه را در دست دارم و این نمره در تاریخ ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲٦ قمری منتشر گردیده‌است.

(٦٨٨) شرق

روزنامه شرق درطهران بمدیری آقای (سید ضیاءالدین طباطبائی) تا سیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده‌است • شماره‌اول روزنامه شرق در چهار صفحه قطع بزرك ٥ر۱٤در ٥ر۲۱ اینچ طبع ودر تاریخ ۱٤ رمضان ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته است • اسم روزنامه (شرق) با خط نسخ درشت درعنوان آن نوشته شده و درداخل آن سال تاسیس (۱۳۲۷) و در دو طرف خصوصیات روزنامه درج است • پس از چندی که ازنشر روزنامه گذشته آقای سید ضیاءالدین برای اداره امور روزنامه آقای (حسین کسمائی) را بکمك گرفته و درعنوان‌روزنامه صاحب امتیاز «سید ضیاءالدین‌طباطبائی» و مدیر « حسین کسمائی » معرفی شده است ولی بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت این کمك فقط در تنظیم روزنامه بوده ومقالات اساسی آن بقلم خود سید است •

در ذیل اسم روزنامه این جمله که حکایت ازمسلك ومرام مدیر آن میکند چاپ

شده : « این روزنامه طرفدار استقلال ایران و آئینه حقیقت نمای ایرانیان است . »

طرز انتشار شرق یومیه بوده و باز در عنوان آن نوشته « غیر از ایام تعطیل همه روزه طبع و نشر خواهد شد . در اوقات مهمه روزی دو مرتبه علاوه طبع و توزیع میشود . » علاوه بر این در سطر بالای عنوان روزنامه عبارت « شرکت روز نامه یومیه » درج است . از این شرکت جداگانه گفتگو خواهیم کرد . محل اداره روزنامه : طهران خیابان علاءالدوله « فردوسی حالیه . مولف » نمره ۲۶ نمره تلفن ۸۸ . عنوان تلگراف : « طهران شرق » . وجه اشتراک : طهران . یکساله ۴۵ قران . ششماهه ۲۴ قران . سه ماهه ۱۳ قران . ولایات داخله ۵۰ قران . ۳۷ قران ، ۱۵ قران . ممالك خارجه ۵۶ قران ، ۳۴ قران . ۲۰ قران ؛ وآخر هر ماه یکجلد کتابچه بمشترکین محترم مجانا داده خواهد شد . طهران تك نمره سه شاهی . ولایات داخله تکنمره ٤ شاهی . اعلانات سطری دهشاهی .

شماره ٤١ سال اول شرق در چهار صفحه بقطع بزرك با چاپ سربی « مطبعه پارسیان » در تاریخ دو شنبه ۸ شهر ذیقعده ۱۳۲۷ قمری و شماره ٤۸ سال اول بهمان قطع شماره ٤١ در تاریخ یك شنبه ۲۲ ذیقعده سال مذکور از طبع خارج و توزیع گردیده است . پس از انتشار ٦٤ شماره از سال اول روزنامه شرق از طرف وزارت داخله توقیف میگردد و روزنامه حبل‌المتین منطبعه کلکته در باره این توقیف که اول دفعه توقیف شرق بوده در شماره ۲۰ سال هفدهم مورخ ۸ ذیقعده ۱۳۲۷ این طور اظهار نظر مینماید : « از وزارت داخله روزنامه شرق توقیف شد ما از موضوع صحبت نکرده همان میگوئیم که بدون محاکمه وتطابق قانون توقیف روزنامه برای روزنامه نویسان مایه تاثر واعتراض است . » روز نامه باجبار برای مدت چند ماه یعنی از ذیقعده ۲۷ تا ربیع الاول ۲۸ توقیف و تعطیل میشود و مجددا شماره ٦٤ سال اول آن در تاریخ پنجشنبه ٥ شهر ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۷ مارس ۱۹۱۰ میلادی درچهارصفحه بقطع بزرك درمطبعه سربی «فاروس» طبع وتوزیع می گردد درعنوان این شماره روزنامه مانندسابق یومیه معرفی شده ولی دراخطاری که در آن چاپ گردیده نوشته است بدواهفته سه نمره طبع وتوزیع میشود . باردیگر برای دفعه دوم روزنامه شرق درجمادی الاول ۱۳۲۸ قمری بموجب حکم وزیر که از نظمیه صادر شده توقیف میگردد مورخ ١٤ جمادی الاولی ۱۳۲۸ . « اداره نظمیه دایره کابینه . نمره ۵۳۴۰۰ خدمت جناب آقای سید ضیاءالدین صاحب امتیاز ومدیر جریده شرق از قرار مرقومه حضرت اشرف رئیس الوزرا ووزیر داخله چندین نمرات روزنامه شرق نسبت بوزراء عظام تخفیف وتوهین شده واین قسم مذاکرات درروزنامه مخل انتظام مملکت و مخالف قانون مشروطیت است لذا مقرر فرموده اند طبع و نشر روزنامه بلا مدت موقوف و بولایات و دارالخلافه منتشر ننمایند تا قراری در اینکار بدهند لازم است بترتیب که مقرر داشته اند رفتار نموده خود جنابعالی هم بروید خدمت حضرت اشرف رئیس الوزرا ترتیب اصلاح آنرا فراهم داشته حکم کتبی بنظمیه صادر و روانه دارید تا بموقع اجرا گذارند . ازطرف ریاست کل «احمد »

علت توقیف روزنامه شرق و اعتراض مدیران جراید ـ علت توقیف روز نامه

شرق انتقاد و باز خواست شدید وسختی بوده که روزنامه بالحنی خیلی شدید وتند نسبت بتشکیل کابینه جدید نموده و از این جهت روزنامه بدون محاکمه تعطیل میشود. بلا فاصله یعنی غروب همان روز این توقیف هیاهوئی در بین مدیران جرایدمرکز برپا نموده و مدیران جراید یك ورقه فوق‌العاده بامضای عده زیادی ازمدیران را جمع باعتراض بتوقیف روزنامه شرق منتشر مینمایند • متن این ورقه فوق‌العاده در شماره ۲۳ سال ۱۸ روزنامه حکمت مورخ اول رجب ۱۳۲۸ قمری چاپ شده و در ذیل آن مدیران این جراید امضا کرده اند : « روزنامه ایران‌نو-جریده دیوان عدالت‌روزنامه پلیس ایران - جریده تمدن - روزنامه استقلال ایران - اقل یحیی کاشانی دبیر جریده مجلس » این قطعنامه سبب گردید که روزنامه (ایران نو) نیز تعطیل گردد وکابینه سپهدار برای تثبیت و تنفیذ مقام خود تدابیر شدیدی بضد مطبوعات بگیرد •

این بار هم توقیف شرق نتوانست زبان تند سید را نگاهدارد و روز نامه شرق منتشر گردید و از شماره ۹۱ سال اول مورخ شنبه ۱۰ شهر جمادی‌الثانی ۱۳۲۸قمری صفحه چهار روزنامه بزبان فرانسه طبع و منتشر گردید واین مطلب درصفحه اول این شماره تحت عنوان (اخطار) بدینقسم ذکر شده است:

« اخطار - از آنجائیکه همواره مقصود کارکنان اداره شرق خدمت بوطن حفظ استقلال مملکت و بقای آزادی وحریت ملت ایران است سزاوار میدانیم هرگونه خدمتی که از دستمان بر آید درانجامش مضایقه ننموده و ادای وظایف وجدانی وایرانی خواهی خود را با کمال سرعت بعمل آوریم • لذا در این ایام که مطبوعات ارتجاع پرست روسیه وغیره مافوق آنچه تصور میشود برضد ملت ومملکت ایران اخباری‌نوشته نشر میدهند و افکار عمومی اروپا را (که مدار صلح ومسالمت دنیاست) بعدم اصلاح امور این مملکت وخرابی‌این‌قطعه ازدنیا مترجه ساخته حقیقت امر را بخلاف واقع‌پیشنهاد مینمایند ، لازم دانستیم برای مدافعه اثرات محررین بی انصاف‌وتوجه افکار عمومی‌اروپا نسبت بمظلومین مثل ایران وعدم پیشرفت امور بواسطه اقامت قشون روس خیالی را که از بدو تاسیس اداره شرق در نظر داشتیم بموقع اجرا گذاریم ویك صفحه روزنامه‌خودرا صرف مدافعات وطن نموده بفرانسه منتشر سازیم ،بحمدالله بانجام خیال دیرینه خود موفق گردیده واز امروز صفحه ٤ روزنامه بزبان فرانسه که بهترین السنه بین‌المللی عالمست بگماشته گردید • امیدواریم که عموم هموطنان مخصوصا قارئین شرق فرانسه‌این خدمت مارا قابل توجه دانسته وسزاوار تحسین بدانند • س • ضیاءالدین طباطبائی • »

درصفحه چهارم این شماره پس از ذکر علت پیدایش صفحه فرانسه درروزنامه بعنوان (مقصد ما) مقاله دیگری تحت (ایرانیان و روسها) درج شده • مندرجات دیگر این صفحه عبارت است از (تلگرافات خارجی) وکمی اخبار خارجه وداخله •

شرق برای همیشه توقیف وبجای آن برق منتشر میگردد

پس از انتشار شماره ۱۰٦ شرق درچهار صفحه بزبان فارسی و فرانسه ؛ بقطع بزرك ، مورخ بتاریخ شنبه ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ قمری ، روزنامه برای همیه توقیف و بجای آن برق منتشر میگردد • از روزنامه برق در جلد دوم کتاب بتفصیل گفتگو

نموده و این اجمالا یاد آور میشویم که اولین شماره برق بجای شرق در چهارصفحه بقطع بزرگ که صفحه چهارم آن نیز بزبان فرانسه نوشته شده ، بصاحب امتیازی و نگارندگی (سید ضیاءالدین طباطبائی) طبع ودر تاریخ یکشنبه ۵ شوال ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته است .

مقاله افتتاحی برق که خوانندگان را تااندازه بعلت توقیف شرق آشنا مینماید تحت عنوان (توقیف شرق یا مخاطره شرف ملت) و قسمتی از آن چنین است :

« روزنامه شرق که فقط جریده آزاد بی غرض ملی بود تقریبا بیست روز است (۲۰ روز و بلکه از یکماه هم متجاوز بوده است . مولف .) از طرف وزرای باسم تجدد پرور بعلت هواخواهی ناموس ملی بجرم طرفداری از شرف ملت بتقصیر ادای وظیفه ملیت ، بگناه دعوت ملت را بحفظ حقوق خود بدون محاکمه و ثبوت تقصیر ؛ مخالف نص قانون اساسی محکوم بتوقیف گردید .... شرق چه تقصیری داشت ؟ چه گناهی کرده بود ؟ جز اینکه وظیفه ملیت خود را ادا نموده بود . آیا از توقیف شرق زبان ما بسته شد ؛ قلم ما شکسته گردید ، افکار ما ازمیان رفت ، نیاتمان در بوته اهمال ماند؟ اشتباهیست بس بزرگ خطائی است بس سترك ؟ شرق را توقیف کردید برق را منتشر ساختیم ، برق را توقیف بکنید رعد راطبع و نشر میسازیم ، رعد را ازما بگیرید لفات معموله دیگر از بین نرفته . خود ما را توقیف بکنید هستند کسانیکه نیات وافکار و خیالات ملت پرستانه ما را منتشر سازند . شرق بخلاف قانون توقیف باشد چنانچه همین چند روزه علت قانونی توقیفرا بما ثابت کردند فبها و الا بطبع و نشر شرق اقدام نموده و مسلك حقه خود را تعقیب خواهیم کرد .»

اهمیت روزنامه شرق و هم چنین برق و رعد بواسطه سرمقاله های آنهاست که سید با زبان آتشین و با کمال بی باکی بدولت و همسایه شمالی حمله مینماید وبخصوص مجایع روسهای تزاری را در ایران آشکار میسازد . برای مزید اطلاع خوانندگان قسمتی از مندرجات روزنامه شرق را ذیلا نقل مینمائیم :

درشماره ۴۱ سال اول تحت عنوان (قابل توجه منصفین دنیا) عکس دسته جمعی چاپ شده و در زیر آن نام این اشخاص نوشته شده است (۱) نایب قنسول روس . (۲) رحیم خان چاپیانلو رئیس اشرار (۳) ضرغام السلطان (٤) یکی ازخوانین قراچه داغی (۵) افسر روس . (٦) ایضا افسر روس . درمقاله ذیل این تصویر شرح فجایع و اعمال زشت رحیم خان قراچه داغی که تحت حمایت روسها بوده شرح داده شده است.

سرمقاله این شماره که چندستون صفحه اول را گرفته بعنوان (یکنفرفرانسوی مینویسد) است . خلاصه اخبار دارالشورای ملی و وقایع شهری و تلگرافات داخله و اخبار خارجه وتلگرافات ودرج دومکتوب .مندرجات شماره ٤۱ راتشکیل میدهد .

قسمتی ازسرمقاله شماره ٤۷ که تحت عنوان (چاره) نوشته شده بدینقرار است:

« چاره ـ قلت مسکوك ـ سلب اعتبار ـ رفع اطمینان . فقر و هلاکت عامه . مسکنت اغنیا بجهت کمیابی پول ـ تنزلزل امنیت فقدان تولید ثروت واحتیاج زیاد بپول برای مرمت خرابیها و اصلاح اوضاع ما بعد ـ امروز در ایران ازبدیهیات اولیه

ومثل روز روشن محسوس است (۱) جماعتی منکر استقراض (۲) دسته حامی آن بهر ترتیب وخیم وبهر شرایط ملیت برباد ده که باشد (۳ فکر جمعی بتا سیس بانك می رسد (٤ جمعیتی مایل بفروش جواهرات • دسته هم قرض کم وبعضی قرض کلی راتصویب مینمایند • برخی نیزهواخواه قرض داخلی وبامیدسرمایه ایرانیان هندی میباشند • تکلیف چیست ؟ انکار تهیه نقود وگریز ازاستقراض بواسطه سبکی عقل وشعور وسلیقه مردمان کوته فکر نزدیك بین بوده ومثل آنستکه اصلاح وکسب تمدن جدید وتهیه وسول سعادت وترقی را بعد از اینهمه خسارت منکر شوند • آسایش عامه - رفع مسکنت - رواج سکه استقرار امنیت - بکار افتادن سرما یه های خدا دا د درایران نمیشود مگر بتحصیل سرمایه نقدی که ایجاد اعتبار خواهد نمود ••••»

مقاله دیگر این شماره انتقاد از مقاله روزنامه ایران نو تحت عنوا ن (پیش قراولان روس درایران) نوشته شده و بعد یك سئوال بعنوان(علمی) وسپس وقایع شهری) و (اخبار داخله) و (تلگرافات خارجه) و (اخبار خارجه) و(تلگرا فا ت خارجه) و چند اعلان و اخطار تمام مندرجات شماره مذکور را تشکیل میدهد • دراین شماره اسم حسین کسمائی بعنوان مدیر مسئول چاپ شده وروزنامه در (مطبعه پارسیا ن طهران) طبع گردیده است • نمونه از (وقایع شهری) روزنامه بنقل از شمـا ر ه ٤٨ روزنامه بدینقرار است : « قضیه تاریخی- چنانکه درنمره قبل نوشتیم چندروزاست که شاگردان مدرسه دارالفنون بملاحظه عدم مراقبت وپرستاری وزارت علوم و اولیا ء مدرسه اجتماعاتی کرده واظهاراتی که مایه تسهیل طرق تحصیلاتشان است پیشهادوزارت علوم نمودند • ازآنجائیکه طبعت درسرشت اولیاء معارف ما اهمال خلق فرموده ا ین قضیه را هم مهمل شمردند تا آنکه روز شنبه دیروز شاگردان درصحن دارالفنون مجتمع گشتند وجواب اظهارات وعرایض خودرا خواهان بودند که ناگاه عده ای ژاند ا ر مه با وصفی وحشت انگیز و ترتیبی دهشت خیز بمدرسه ورود نموده وشاگردان معصو م بی گناه را مثل دزدان خیانت کار ازمدرسه بیرون ساختند • غرابت مسئله دراین ا ست که در جواب سئوالات ما جناب رئیس فرمودند (بجرم اینکه شاگردان سنگر بندی نمودند وزارت داخله حکم باخراج آنها نمود) معلوم است سنگربندی شاگردان واطفال مدارس جز حمایل ساختن کتب علمی وبدست گرفتن لوازم تحصیلات خود چیست ، بلی همواره طرفداران ترقی وتجدد متهم بسنگر بندی وشورش بوده و هستند • ا جما لا میگو ئیم دوره استبدا د گذشت مجلس هم دائر شدچنانچه اصلاحات آتی درامور وزارت معارف خصوصا مدرسه دارالفنون حاصل نشد میدانیم چه بنویسیم وبگوئیم • »

ازسرمقاله های خوب روزنامه شرق سرمقاله شماره ٤٨ تحت عنوا ن « تجـد د معکوس » است •

شرکت روزنامه بوهیه — این عبارت دربالای عنوان روزنامه شر ق نو شته شده ومنظور از آن اشاره بشرکتی است که درطهران بنام (شرکت اتحادیه روز نامه شرق) تاسیس گردیده و سرمایه آن پانزده هزارتومان بوده است-سرمایه شرکت به هزار و پانصد سهم ازقرار هرسهمی ده تومان تقسیم شده است • غرض ا ز تا سیس

این شرکت ایجاد مطبعه و انتشار روزنامه شرق بوده • نظامنامه و اساسنامه شرکت تدوین شد • ومن جمله ازمواد اساسنامه راجع بمنافع سالیانه شرکت این است که صدی بیست وپنج آن برای مصارف ومخارج فوق‌العاده وتوسعه دایره اداره درصندوق ذخیره اداره ضبط میشده و بقیه آن بصاحبان سهام بالسویه تقسیم میشده است نگارنده اطلاع ندارم که تا چه اندازه این شرکت از دایره نوشته پا بمرحله عمل گذاشته است •

سید ضیاء الدین طباطبائی ـ شرح حال سید اجمالا درجلد دوم کتاب درذیل روزنامه برق نوشته شده خوانندگان گرام بدانجا مراجعه فرمایند • و نیز در کتاب (اسرار کودتا تالیف آقای حکیم الهی فریدنی) شرح احوال آقای طباطبائی بتفصیل ذکر شده است • درهمین کتاب نخستین مقاله روزنامه شرق را که بعنوان مسلك و مقصد نوشته شده نقل نموده • مقاله مذکور بدینقسم شروع میگردد : « زمانه آناً فآناً در تجدد وتبدل است • افکار بیشری درجلوی سیل تجدد بهمان ترتیب تبدیل و تجدید مییابد ••••••»

(۶۸۹) شرق

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه شرق که درسال ۱۳۳۶ قمری در تبریز منتشر شده اینطور مینویسد : « روز نامه نیم هفتگی شرق منتشر درتبریز با چاپ سربی بمدیریت (س•ب) در رجب ۱۳۳۱ •»

(۶۹۰) شرق

مجله شرق در طهران بصاحب امتیازی وموسسی « محمد رمضانی مدیر کتابخانه خاور » ومدیری ونگارندگی آقای «سعید نفیسی» تاسیس ودرسه دوره مختلف منتشر شده است • بار اول درسنبله ۱۳۰۳ شمسی که یك شماره از آن منتشر گردیده وتعطیل شده است • مرتبه دوم درفروردین ۱۳۰۵ شمسی است که در ۳۲ صفحه که نصف یك نمره بوده نشر شده وباز هم ادامه آن میسر نگردیده است • مرتبه سوم از دیماه ۱۳۰۹ تا بهمن ۱۳۱۰ یکدوره مجله که ۱۲ شماره باشد انتشار یافته است • بنا براین دوره کامل مجله شرق حاوی ۱۴ شماره میباشد • مجله شرق ازجمله مجلات معدودیست که ازحیث تنوع مطالب ادبی وتاریخی کمتر نظیردارد ومندرجات آن بقلم بزرگترین ومعروفترین نویسندگان آن زمان تدوین شده است • درصفحات اول ودوم شماره اول دوره اول (این شماره نمره ایستکه دراول دیماه ۱۳۰۹ شمسی انتشار یافته زیرا ناشرین مجله ازیك شماره وفیم که قبلا نشرشده صرفنظر کرده‌اند) تحت عنوان مجله شرق . آقای سعید نفیسی ، شرحی درباره تاسیس وانتشار مجله بدینقسم نوشته‌اند :

« مجله شرق ـ مجله شرق بتاکید واصرار عده ای ازفضلای درجه اول طهران پیدا شده است • مدتها بود که جمعی ازدانشمندان طهران خودرا بوجود مجله که ناشر تحقیقات ورشحات خامه ایشان باشد محتاج میدانستند وازاینکه مجله ادبی منظمی نیست که حاوی کلیه فروع ادبیات ایران بمصداق جدید باشد متاسف بودند وبالاخره نگارنده

هم از این ماموریت کمال مباهات را دارد ومفتخر است که در آغاز هر ماه بهترین صحایفی را که از زیر قلم ادبای معروف طهران بیرون آمده است بخوانندگان عرضه دارد و بسهم خود از آقای محمد رمضانی که مخارج گران طبع و نشر این اوراق را هرماه بعهده میگیرند متشکر است • خط مشی این مجله ادبی ماهیانه بنا بر شوری که با فضلای طهران شده است وبتصویب ایشان رسیده آنستکه این مجله نماینده حال کنونی ادبیات ایران خواهد بود باین معنی که تحقیقات و تتبعات ادبی و تاریخی ادبای متجدد ایران انتشار خواهد داد وسعی خواهد کرد بدنیای معاصر ثابت کند که در زمان حاضر ادبیات ایران تمام فروع مصداق جدید را پذیرفته و ایرانی امروز درادبیات خود همان شور و دقتی را دارد که ملل متمدن در ادبیات خود دارند وآنعصریکه محققین در ادبیات و تاریخ ایران فقط عده معدودی ازمستشرقین بودند سپری شده وامروز ایران بدان مرحله رسیده است که مستشرقین هم باید ازتحقیقات ایرانیان بهره مندشوند دراین ضمن چون محققین ایرانی در حد خود محتاج بارائه طریق و استناد از کتب و رسائل میباشند وظیفه دیگری که بمجله شرق رجوع شده آنستکه مطالب مهم کتب ومجلات زبانهای بیگانه را که تا بحال بزبان فارسی در نیامده بمرور درصحایف خود ترجمه کنند و از اینراه محققین ایرانی راازدانستن چندین زبان بیگانه و داشتن کتب بیشمار که شاید یافتن اغلب آنها دشوار باشد بینیاز کند • وظیفه سوم مجله شرق آنستکه ارکان زبان فارسی را مطابق اصول قیاسی وسماعی وسوابق ادبی این زبان مخصوصا درنثر استوار سازد وبی آنکه قواعدی بدست دهد و دررد و قبول اصولی وارد هنگامه شود و دوست و دشمن را مورد مدح وقدح قرار دهد فقط از راه سرمشق عملی و بوسیله مندرجات خود که یك سطر آن از اسلوب پیشینیان و قواعد مسلم فصاحت زبان فارسی خارج نخواهد بود نویسندگان ایران را بدان شیوه مسلم عادت دهد • این مجله در آغاز هرماه شمسی با همین دستور انتشارخواهد یافت و بجای دو شماره آخر هرسال کتابی جداگانه در زمینه مرام خود بخوانندگان خواهد داد و از خدای ایران یاری میخواهد درانجام این خدمت و اعاده دوره مجد و بزرگی زبان فارسی یاوری بیند • طهران . اول آذر ماه ۱۳۰۹ . سعید نفیسی»

شماره اول مجله و همچنین بقیه شماره های آن برطبق وعده ای که دراین مقدمه داده شده مشتمل برمقالات نفیس تاریخی ، ادبی وعلمی بقلم نویسندگان ودانشمندان مبرز سید جلال الدین طهرانی ؛ اقبال آشتیانی ، ملك الشعرای بهار ؛ دکتررضا زاده شفق ، رشید یاسمی ، نصرالله فلسفی ، میر محمد حجازی و سعید نفیسی و امثالهم ، انتشار یافته • علاوه براین درام معروف (ماری استوارت) نگارش شیلر تآتر نویس مشهور آلمانی ؛ ازشماره اول مجله ، بقلم عبدالحسین میکده ترجمه و طبع شده • این ترجمه بتدریج درشماره های مجله چاپ وبشماره دوازده صفحه ۷۵۷ ختم گردیده است •

آقای رمضانی موسس مجله وموسسه خاور درمجموعه که بنام (کتاب) منتشر نموده شرحی راجع بمجله شرق و فهرستی از نویسندگان ومقالات مهم مجله ذکر کرده که برای مزید اطلاع خوانندگان ازمندرجات مجله لازم است عین آنرا نقل نمائیم :

« مجله شرق ـ از آغاز تا پیس موسسه خاور صاحب آن پیوسته مایل بود که مجله سودمندی منتشر کرده باین وسیله خدمات معارفی خویش را تکمیل نماید . موسسه خاور درسال ۱۳۰۳ مجله ای بنام شرق تاسیس نمود وشماره اول آنرا که حاوی آثار قلم بهترین نویسندگان معاصر و دارای مقالات مهم ادبی وعلمی واجتماعی بودمنتشر ساخت . متاسفانه مشکلات و موانعی که برای اینگونه اقدامات وجود دارد نگذاشت که این مجله دوام یابد و دوسال میان شماره اول و دوم آن فاصله یافت . در ۱۳۰۵ مجددا موسسه خاور بانجام این مقصود همت گماشت وباز موانعی پیش آمد و این منظور بعهده تعویق افتاد . بالاخره درسال ۱۳۰۹ ناشرین مجله بر مشکلات فائق آمدند ومجله مزبور یکسال تمام با بهترین طرزی انتشار یافت . مجله شرق دارای مطالب سودمند و نویسندگان آنها ازبهترین و زبردست ترین نویسندگان آنروز انتخاب شده اند معهذا موسسه خاور بدین حد قانع نیست ومصمم است که درسال دوم بیش ازپیش قابل استفاده بشود و برای انجام این منظور مهلتی لازم است بنابراین وعده میدهیم که از آغاز سال ۱۳۱۱ مجله شرق بهترین وجه منتشر شود . (متاسفانه این منظور صورت عمل بخود نگرفت ومجله با انتشار شماره های ۱۱ و ۱۲ سال اول خاتمه پیدا کرد و دیگر منتشر نشد . مولف) دوره کامل مجله شرق حاوی ۱۴ شماره بقیمت ۳۵ قران در کتابخانه خاور بفروش میرسد . (نسخ این مجله فعلا کمیاب و شاید بچند برابر قیمت اصلی نیز یافت نگردد . مولف)

نویسندگان ومقالات مهم مجله شرق

۱ ـ سعید نفیسی . (۱۹ مقاله) کاروان ثروت . مجله شرق . منابع تاریخ ایران. ابوالموید بلخی . نوروز در زمان ساسانیان . ابوالعلای گنجوی . مضحکات تاریخی. قدیمترین کتب لغت درایران . خطبه ابن سینا و ترجمه آن ازعمر خیام . در باب اشعار فارسی عمر خیام . شهره آفاق . دو تقریر ازعمرخیام . یوسف عروضی . جاب مهاجرین اروپائی در شش مقاله . ۲ ـ اقبال آشتیانی (۹ مقاله) عماره مروزی قدیمترین آثار مفقوده . ایمان شاگردومعلم بعام . زندگی عجیب یکی ازخلفای عباسی ملاحظات درباب انتقادات . احوال حکیم عمر خیام . درباب انتقاد چهار مقاله امام حسن قطان مروزی . ابوالمظفر . ۳ ـ رشید یاسمی (۶ مقاله و چهار قطعه شعر) ارسطو و فلسفه او . شوپنهاور در دومقاله . احوال تولستوی در سه مقاله . دل افسرده . اخلاف دلها . جام عشق . زندانی . ۴ ـ نصر الله فلسفی (۱۰ مقاله) سرطان . مجله شرق . از کتاب امیل روسو . دریای شمال . سلطنت قباد و ظهور مزدك در ۶ مقاله . ۵ ـ میر محمد خان حجازی (۷ مقاله) مجلس عیادت . تنبلی کشف ادبی . تفرج نوروز . رابورت ژاپونی . شاعر شوریده . شوخی بیمزه . ۶ـ مسعود فرزاد . (۸ مقاله) رویای شاعر . آخرین سواری . اندوه جاودانی من. السیتورا . گرفتاردزدان شد . ای باد مغربی . عشاق . اوتوس خواران. ۷.عبدالحسین میکده (۱۲ مقاله) سلطان سلیم اول . ماری انتوانت در ۱۱ مقاله. ۸. سلطان قهرمانی (۹ مقاله) فرخی . جریان ادبیات در دو مقاله . یك سلسله اسناد تاریخی در سه مقاله

۹ ، آقا بزرك علوی • حماسه ملی در ٦ مقاله • گوته و ایران - ۱۰ پژمان بختیاری • لامارتین در ٤ مقاله . ۱۱ • دشتی • چرا مجله شرق پیدا شد • برهان و عقیده • ۱۲ • محیط طباطبائی • کارنامه انوشیروان در سه مقاله ۱۳ • شادمان • تمدن قدیم • گفت و شنید • ۱٤ - سید عبدالله سیار • شاهکار نویسنده • گیاهیکه سرفه میکند • یك نکته علمی • تامین زندگی - ۱۵ گلشائیان • سون هدین در سه مقاله ۱٦ سید محمد صادق طباطبائی • فتح خراسان درچهار مقاله ۱۷ رهنما • وحشی اینجا • امید • ۱۸ خانم پروین • جوان وپیر • زاغ و طاوس (شعر) ۱۹ مرزبان رازی • منوچهری دامغانی • تحقیقات در احوال عمر خیام ۲۰ . میرزا محمد خان قزوینی • راجع بامام حسن قطان • ۲۱ ملك الشعرا بهار . راز طبیعت (شعر) ۲۲ دکتر رضا زاده شفق . نفوذ فارسی درعربی . ۲۳ محمود خان عرفان . تاریخ فلسفه ۲٤ . حیدر علی کمالی . ای طبیعت (شعر) ۲۵ . صدیق اعلم • آیا میتوان پیرهرا مبدل بجوانی نمود • ۲٦ سید جلال الدین طهرانی • هیرشل • لوریته . ۲۷ دهخدا • یك صفحه از کتاب لغت • ۲۸ عبدالرحمن فرامرزی . علمای ایران در اسلام . ۲۹ بدیع الزمان • آسمان پیما . (شعر) ۳۰ محمد سعیدی • لرد بارون • ۳۱ امیر حمزی مکتوب • ۳۲ . بهجت : مکتوب • ۳۳ دکتر کاویان • یك صفحه از فاوست - ۳٤ سید جمال الدین اسد آبادی سه مقاله ، ۳۵ روزبه • ازتغزلات شکسپیر . ۳٦ فاخته دختران دریا . ۳۷ متفرقه •

این بود اسامی نویسندگان و مقالات مجله شرق . در نقل این فهرست دو مقصودومنظوراصلی واساسی بود• یکی اطلاع برمندرجات و مقالات ادبی و تاریخی وعلمی مجله شرق • و دیگر پاسخ بانتقادی که پس از انتشار جلد اول ودوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران شده است • توضیح آنکه بعضی ازفضلا و منتقدین اظهار نظر نموده که چرا فهرست مقالات مهم جراید و مجلات در کتاب حاضر بطبع نرسیده‌است نگارنده که خود در ابتدای امر چنین اندیشه ای را داشتم و درصدد بودم در ضمن مرور بجراید ومجلات فهرستی ازمقالات آنها تهیه و در ذیل هرکدام بطبع برسانم هنگام عمل محقق گردید که انجام این کار وقت وحوصله بسیار لازم دارد زیرا چه بسا جراید و مجلاتی که چند سال و گاهی هم از ده سال متجاوز منتشر گردیده • و اگر فهرست یکساله مجله شرق چند صفحه کتاب را فرا میگرفت فهرست چندساله فلان مجله یا روزنامه بطور قطع ده پانزده صفحه کتاب را اشغال خواهد نمود و این کار با گرانی طبع وکاغذ نه فقط ممکن بود بلکه محال و غیر ممکن بنظر میرسید کسانی که با کار طبع و نشر کتاب سر و کار ندارند دستی از دور برآتش دارند • درکشوریکه حد اکثر از یك کتاب مفید بیش ازیکصدجلد آن بفروش نمیرسد انتظار این قبیل فداکاریها خارج از انصاف و عدالت است •

فهرست یکشماره ونیم اولیه مجله

با اینکه درضمن فهرست مذکور ، فهرست مقالات مهم یکشماره ونیم‌اولیه مجله نیز نقل گردید ولی بی مناسبت نیست آنرا جداگانه هم ذیلا نقل نمائیم

شماره اول سنبله ۱۳۰۳ شمسی • چرا مجله شرق پیدا شد • (علی دشتی) برهان وعقیده (علی دشتی) ازعقاید مصریان قدیم (ترجمه) ارسطو و فلسفه او (رشید یاسمی) حفظ اصوات در تلفن (ترجمه) تاریخ فلسفه (محمود عرفان) ای طبیعت (حیدر علی کمالی) • کاروان ثروت (سعید نفیسی) • بزرگترین ساعت های دنیا (ترجمه) آیا میتوان پیریرا مبدل بجوانی نمود (صدیق اعلم •) دختران دریا (فاخته) سرطان (نصرالله فلسفی) حبشه (ترجمه) علمای ایران در اسلام • (عبدالرحمن فرامرزی)

شماره اول فروردین ۱۳۰۵ شمسی• مجله شرق (نصرالله فلسفی) از تغزلات شکسپیر (روزیه) از کتاب امیل روسو (نصرالله فلسفی) بزرگترین پل دنیا (ترجمه منوچهر دامغانی (مرزبان رازی) احصائیه تلفن درممالك اروپا (ترجمه) دریای شمال (نصرالله فلسفی) آسمان پیما (بدیع الزمان خراسانی) لرد بایرن (سعیدی) آسمان مصنوعی (ترجمه) • سلطان سلیم اول (عبدالحسین میکده) •

مجله شرق همانطور که قبلا یاد آور شدیم با انتشار شماره یازدهم و دوازدهم مورخ بهمن ماه ۱۳۱۰ شمسی ، (این دو شماره با هم یکجا منتشر شده است)برای همیشه تعطیل گردیده وعلت عدم انتشار مجله درسال دوم عدم تکافو دخل و خرج مجله بوده وچنانکه در پایان سال اول بحساب مجله رسیدگی شده قریب هزار تومان ازسرمایه خاور در آن راه صرف گردیده و درعوض مقداری از دوره‌های مجله باقیمانده است گرچه در روی جلد ۱۱ و ۱۲ مجله وعده داده شده که اگر پانصد نفر مشترك نقد که هریك یکتومان وجه اشتراك را قبلا بپردازند برای مجله پیدا شود • سال دوم مجله وضع آبرومندی با بدایره انتشار خواهد گذاشت ودراین قسمت حتی مزایای سال دوم را نیز ازقبیل زیبائی کاغذ و طبع و اشتمال بر قسمت های علمی و ادبی و شرح حال مشاهیر و اختراعات و اکتشافات ، درج کرده ولی همه اینها بیش از وعده چیز دیگری نبوده وازعالم خیال قدم بعرصه وجود نگذاشته است • شماره های مجله صفحه شمار مخصوص ندارد و روبهمرفته ۱۲ شماره در ۷۶۰ صفحه بقطع کوچك خشتی ، با چاپ سربی (مطبعه خاور) طبع وتوزیع گردیده است • مجله شرق دراول هرماه منتشر میشده وقیمت اشتراك آن یکساله ۳۰ قران • ششماهه ۱۶ قران • تك شماره ۲ قران است • محل اداره : طهران • کتابخانه‌خاور خیابان لاله زار •

موسسه خاور = موسسه خاور درطهران بسرمایه شخصی آقای محمدرمضانی صاحب امتیاز مجله ، درمهرماه ۱۳۰۲ شمسی تاسیس شده ودرطی مدتی که از تاسیس آن میگذرد تاکنون باهمه مشکلاتی که برایش پیش آمده موفق گردیده کتب بسیاری را طبع ومنتشر سازد • ازنشریات مفید این موسسه یکی همین مجله شرق دیگر مجموعه کتاب است • علاوه براینها متجاوز از ۲۰۰ مجلد کتاب سودمندطبع نموده و دردسترس عموم گذارده است •

آقای سعید نفیسی = آقای سعید نفیسی ازخانواده های معروف ایران و

از اولاد حکیم برهان الدین نفیسی صاحب شرح اسباب میباشد که بزرگان زیادی از میان آنها بیرون آمده اند . آقای سعید نفیسی در سال ۱۲۷٤ شمسی متولد شده تحصیلات ابتدائی را در دبستان شرف و دوره اول متوسطه را در دبیرستان علمیه باتمام رسانیده . در سال ۱۳۲۷ قمری باروپا عزیمت نموده و دوره متوسطه را در سویس بپایان رسانیده و تحصیلات عالی را درپاریس نموده‌اند .در ۱۲۹۷ با یران مراجعت کرده و تا سال ۱۳۰۰ رئیس اداره فلاحت ومدیر مجله فلاحت و تجارت بوده از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰٤ رئیس اداره امتیازات و اداره راه دماوند و از ۱۳۰٤ تا ۱۳۰۷ رئیس اداره استخدام وزارت فلاحت وبعد رئیس مدرسه عالی تجارت شدند . از سال ۱۳۰۸ وارد خدمت وزارت فرهنگ شده و تا سال ۱۳۱۱ در دوره دوم دبیرستانها و از آن ببعد در دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات بتدریس پرداخته‌اند . اکنون استاد تاریخ ایران در دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان میباشند

آقای سعید نفیسی

آقای سعید نفیسی از فضلا و دانشمندان معروف کشور و در ادبیات فارسی آثار بسیار از خود بیادگار گذاشته اند مقالات اجتماعی وادبی وتاریخی بیشمار در جراید ومجلات مهم نوشته و تالیفات بسیار گرانبها کرده اند که در اینجا بذکر کتبی اکتفا میشود که بطبع رسیده : ۱ ـ آخرین یادگار نادر شاه . ۲ـ احوال و اشعار خواجوی کرمانی . ۳ ـ احوال و اشعار افضل الدین کرمانی . ٤ ـ احوال و اشعار رودکی . (دو جلد آن بیشتر چاپ نشده) ٥ ـ فرهنگ بزرگ فرانسه بفارسی در دو جلد . ٦ ـ یزدگرد سوم. ۷ ـ فرنگیس . ۸ رباعیات خیام . ۹ ـ شیخ زاهد گیلانی . ـ ۱۰ صنعت تخم نوغان ایران . علاوه بر اینها آقای سعید نفیسی کتاب جامعی درلغت فارسی موسوم به (فرهنگ نامه پارسی) تالیف نموده که جلد اول آن مشتمل بر (آ ـ ا س) ازطرف دبیر خانه فرهنگستان طبع گردیده و الحق برای لغات معمول ومتداول فارسی کتابی بس مفید و گرانبهاست .

(۶۹۱) شرق ایران

روزنامه شرق ایران در مشهد مقدس بمدیری آقای (رفعت التولیه) درسال ۱۲۹۷ شمسی منتشر شده این روزنامه در مطبعه (طوس) طبع و هر نوبت ۳۰۰ نسخه از آن منتشر گردیده است .

(۶۹۲) شرق نزدیك

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰٤ شمسی امتیاز روزنامه شرق نزدیك درطهران بمدیری (میرزا اسدالله خان خوئی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته و هفته سه بار منتشر شده است .

(۶۹۳) شعاع

روزنامه شعاع در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۶۹٤) شعله

شماره اول سال اول روزنامه شعله روی یك ورق بزرك با چاپ سربی در طهران طبع و در تاریخ دو شنبه ۲۰ رمضان ۱۲٤۱ قمری مطابق ۱۷ ثور ۱۳۰۲ شمسی بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (م - ی - طهرانی زاده) منتشر شده است . درعنوان روزنامه شعله بدینقسم معرفی شده : (روزنامه ایست اجتماعی طرفدار زحمتکشان) و در زیر نام آن (شعله) این عبارت درج است : (برای آتش زدن خرمن ارتجاع است .) قیمت روزنامه یکساله داخله ۸۰ قران؛ خارجه ۹۰ قران ششماهه ٤۵ قران و ۵۰ قران برای زحمتکشان یکساله ٤ تومان؛ ششماهه ۲۵ قران تك شماره ٦ شاهی . مقاله افتتاحی شعله تحت این عناوین است : انتخابات !! حکومت نظامی - دسایس اجنبی . مندرجات شماره اول اخبار داخله بتفصیل است .

(۶۹۵) شفق

روزنامه شفق در شهر تبریز بمدیر مسئولی (ح . ا . رضا زاده) تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . شماره اول شفق در تاریخ ۲۷ رمضان و نمره ۱۱ آن در چهار صفحه بقطع وزیری بزرك با چاپ سربی در مطبعه (امید) طبع و در تاریخ سه شنبه ۳ ذیحجه الحرام ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته است . در این شماره پس از مقاله اساسی نامه های مختلف وتلگرافات و اخبار محلی و در پاورقی صفحات دوم و سوم ترجمه کتاب (فتاة غسان) درج شده . پاورقی مذکور با نشر شماره ۱۲ خاتمه پیدا کرده و از شماره ۱۳ طبق اعلانی که در این شماره چاپ شده بواسطه درج اخبار لازم دیگر روایت (فتاة غسان) طبع نشده است . از نمره ۱٦

سال اول آقای غنی زاده بعنوان عضو هیئت تحریریه و مدیر مسئول معرفی گردیده و در ستون اول نمره مذکور تحت عنوان اخطار شرحی راجع بمعرفی آقای غنی‌زاده بدین قسم ذکر شده است :

« اخطار ـ گمان میکنم که از قارئین محترم کمتر کسی است م • غنی‌زاده با آن مسلك تحریر و اسلوب بیان نشناخته باشد • آنکه سالها برغم اینهمه فقدان وسایط با آن مشکلات و موانع پنجه در پنجه گذاشته وخودرا از خدمتگذاران صمیمی عالم مطبوعات معرفی نموده اینك درهیئت تحریه روزنامه شفق داخل میگردند • افکار و نیات ما را که درمقیاس بس وسیع دایر بر قسمت اخباری این روزنامه دا ده‌وبارها اظهار نموده ایم قارئین محترم مسبوقند • اکمال و تنظیم این قسمت مهمه ز ا نیز م غنی زاده در عهده داشته فلهذا دایر باستخبارات اوضاع و حوادث داخلی روسای‌محترم ادارات و مخابرین معظم ولایات‌درمحاوره و مکاتبه مستقیما بایشان طرف خوا هند بود • رضا زاده • »

از نمره ۲۸ مورخ سه شنبه ٤ ربیع الاخر ۱۳۲۹ قمری درعنوان روزنامه (سر دبیر ح • ا • رضا زاده) و در انتهای صفحه ٤ مدیر مسئول (م • غنی زاده) درج گردیده است • همکاری آقایان غنی زاده و رضا زاده در کار اداره روز نامه شفق تا نمره ٤٥ سال اول روزنامه بیشتر طول نکشیده و از آن هنگام آقای غنی زاده بریاست عدلیه سلماس منصوب گشته و از تبریز خارج و بدانصوب عزیمت نموده است • درنمره ٤٥ سال اول شرحی بقلم م • غنی زاده بعنوان (وداعنامه من) نوشته که خلاصه آن این است که ضروریات خانزاده مرا مجبور کرد بسلماس بروم وبنا راین مدیریت‌روزنامه شفق کماکان بعهده این ناچیز است وجناب فاضل محترم آقای ح • رضا زاده سردبیر این روزنامه وکالت نامه ازطرف این جانب داشته که بایشان رجوع شود • م غنی زاده

درذیل شرح مذکور روزنامه شفق اینطور اظهار عقیده نموده : « آقا ی غنی زاده بسمت ریاست عدلیه سلماس که شغلی مهم است بوطن مالوف خود سلماس رفته و اعضاء شفق خاصه این نگارنده را غرق حسرت نمودند • » بااینکه ازاین پس آ قا ی غنی زاده درامور روزنامه دخالتی نداشته معذلك درنمرات بعد نیز سردبیر وصاحب‌امتیاز ح • ا • رضا زاده ومدیر مسئول م • غنی زاده نوشته شده است •

سال اول روزنامه شفق بانشر نمره ٤٨ خاتمه یافته وسال دوم آ ن بنمـر ه ٤٩ مورخ پنجشنبه ۱٦ رجب ۱۳۲۹ قمری شروع گردیده • مقاله افتتاحی این شما ر ه تحت عنوان (رجعت استبداد) است • عنوانات بعضی از سرمقاله های نمرات سال اول‌عبارت است از : (اتحاد اسلام) ؛ (حکومت ملی) ؛ (مسئله انتخابات) ؛ (اختیا را ت تا مه جلسه ۲۱۳ پارلمان ایران) و (اعتدال و انقلاب) سال دوم روزنامه شفق بانشر نمر ه ٤۳ مورخ دو شنبه ۲٦ ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۹ قمری خاتمه یافته و از آن پس باپیش آمد عاشورای ۱۳۳۰ قمری و قتل عده زیادی از آزادیخواهان آذربایجان بدست ر و سها شفق برای همیشه تعطیل گردیده و نام آن ضمیمه اسم آقای (دکتر رضـا زاده شفق) گردیده است • سرمقاله آخرین شماره روزنامه بعنوان (وفات وقد ثلمت فی الاسلام)

وراجع بفوت مرحوم آخوند خراسانی است •

عنوان مراسلات و تلگرافات : تبریز اداره روزنامه شفق • محل اداره : دروازه مهادمهین‌دربند • حیدر علیخان • نمره ٥٤٥ • مکتوبات بی تمبر وامضا قبول نخواهد شد • اداره در درج مکاتیب و مقالات مختار است • طرز انتشار شفق در ابتدا هفته‌یك بار طبع وتوزیع میشده و از نمره ٣٦ سال اول هفته دوشماره روزهای یکشنبه‌وپنجشنبه چاپ شده است • وجه اشتراك : سالیانه تبریز ٧ قران • ششماهـه ٣ قـران • و لایات داخله ١٠ قران ، ٦ قران • ممالك خارجه ١٤ قران ؛ ٨ قران یك نمره در تبریز ٣ شاهی ، ولایات داخله ٤ شاهی • قیمت اعلانات سطری دهشاهی • در صفحه آخر ٥ شاهی • وجه اشتراك پیشکی دریافت میشود • در باره مسلك شفق ؛ این سطر در زیر عنوان هر شماره درج است : « این روزنامه طرفدار استقلال ایران وحافظ حقوق ایرانیان است • » روزنامه شفق مشتمل برمقالات تند و زننده برعلیه سیاست روسیه درایران است وسهم بزرگی درتشویق مردم تبریز برضد روسها داشته وازاین جهت با پیش آمد کودتای روسها درتبریز این روزنامه نیز تعطیل شده است • روسها درتبریز برای‌اینکه اساس مقدس آزادی را بکلی برچیند دست باقدامات شدیدی زده ودر روز عاشورای سال ١٣٣٠ قمری عده ازمجاهدین و آزادیخواهان را بدار زده و ٧٥ نفـر از اهل محله حکم آباد را سربریده وبعد بدار آویختند • من جمله ازمجاهدین وآزادی خواهان که در روز مذکور بدارزده شدند : ١ ـ ثقةالاسلام ٢ ـ شیخ سلیم ٣ ـ ضیاء العلما ٤ ـ صادق‌الملك ٥ و ٦ دو پسران مشهدی معروف بمسیو ٧ ـ میرزا احمد • ٨ ـ حاجی علی دوا فروش •

میرزا علی آقای تبریزی ملقب به ثقةالاسلام فرزند حاجی میرزا موسی‌ازمشاهیر علمای آذربایجان وصاحب تالیفات عدیده است • نامبرده بجرم آزادیخواهی در سن ٥٣ سالگی در تبریز دردهم محرم ١٣٢٠ قمری بدست روسها بدار آویخته شد •

آقای دکتر شفق — (ح • ا • رضا زاده) ، حاجی آقا رضا زاده معروف به دکتر رضا زاده و یا دکتر شفق از فضلا و دانشمندان ایران ودر فنون مختلف شعر و ادب سر مد اقران است • نامبرده دوره ابتدائی ومتوسطه را درتبریز بپایان رسانیده وبعد برای فراگرفتن زبان وعلوم جدید بمدرسه امریکائیها رفته ودرنهضت آزادیخواهی که در آذربایجان پیش آمده دخالت مهمی داشته است • پس ازکودتای روسها در آذربایجان وقتل آزادیخواهان وتعطیل روزنامه شفق بترکیه مسافرت کرد ودر دبستان ایرانیان اسلامبول معلم فارسی وتاریخ ادبیات ایران بوده وبعد رابعت کالج استانبول‌را تمام وباخذ درجه اس• بی نائل شده و سه سال درهمان مدرسه بمعلمی مشغول بوده اند سپس بایران آمده وسخنرانیهائی دردارالفنون ایراد ومقالات اجتماعی درجراید انتشار داده‌اند • آقای رضا زاده شفق برای تحصیلات عالی بالمان رفته وبعد از شش سال باخذ دکتری درعلوم فلسفی بادرجه تحسین از دانشگاه برلین نائل گردیده‌اند • آثار و تالیفات ایشان علاوه برمقالات ادبی وفلسفی وتاریخی که درمجلاتی مانند ایران شهر و ارمغان ومهر و آرمان وشرق وغیره منتشر نموده ومقدمه هائی که بربعضی از رسالات

منطبعه برلین نوشته چند کتاب نیز تالیف و طبع کرده‌اند : ۱ ـ ترجمه تاریخ‌مختصر ایران از آلمانی تالیف (هرن) با الحاق حواشی و تتبعات ۰ ۲ ـ تاریخ ادبیات‌ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر برای دوره دوم دبیرستانها ۰ ٤ ـ یك روز اززندگانی داریوش‌ترجمه۰ ٤ ـ مجموعه اقتصاد ۰ شامل تاریخ مختصری‌ازپیدایش علم اقتصاد و ترقی و تکامل آن و علمای علم اقتصاد این کتاب درسال ۱۳۰۱ شمسی در مطبعه باقر زاده در ٦۸ صفحه پستی طبع شده است ۰ ٥ مضرات الکل ۰ متن کنفرانسیت که که آقای دکتر درکالج امریکائی ایراد نموده ودرسال ۱۳۱۰ شمسی درمطبعه‌سیروس از نشریات روزنامه کوشش در ٥٤ صفحه پستی طبع شده است ٦ راه رهائی ۰ این کتاب اوضاع ایران را از اول مشروطه تا سال ۱۳۰٤ تشریح نموده و پس از ذکر معایب راه رهائی را ذکر کرده کتاب‌مذکوردرمطبعه ایران در ۷٤ صفحه کوچك طبع شده است ۰

آقای دکتر شفق از سال ۱۳۱۳ شمسی دردانشسرای عالی‌ودانشکده ادبیات بتدریس فلسفه و علوم تربیتی و زبانهای قبل از اسلام اشتغال وسمت‌استادی دردانشگاه داشته و علاوه بر این عضو پیوسته فرهنگستان ایران بوده اند ۰ پس از وقایع شهریور در دوره چهاردهم و پانزدهم مجلس شورایملی بنمایندگی مردم طهران انتخاب گردیده و در اواخر دوره پانزدهم بامریکا عزیمت نموده ، بنمایندگی دولت ایران در سازمان ملل متفق شرکت جسته و بالاخره دراولین دوره مجلس سنا ، بسناتوری درمجلس‌مذکور انتخاب گردیده اند ۰ شرح احوال همکار ایشان مرحوم غنی زاده ، مدیر جریده‌فریاد و بوقلمون در جای دیگر کتاب ذکر شده است ۰

(٦۹٦) شفق

روزنامه شفق منتشره در خوی، با چاپ ژلاتین‌طبع وظاهرا در سال ۱۲۹۰شمسی منتشر شده است ۰ و جای‌بسی‌تعجب است که مرحوم تربیت درفهرست جرایدآذربایجان ذکری ازاین روزنامه بمیان نیاورده برون نیز در تاریخ مطبوعات فقط بذکر اسم روزنامه قناعت کرده و از سال انتشار آن چیزی ننوشته است ۰

(٦۹۷) شفق سرخ

روزنامه شفق سرخ درطهران بمدیری آقای (علی دشتی) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است شماره اول شفق سرخ در تاریخ ۱۱ اسفند سال ۱۳۰۰ انتشار یافته و در سنوات اول و دوم و سوم روزنامه هفته سه شماره و از تاریخ شنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۰٤ شمسی ، اواخر سال سوم‌روزنامه مبدل بیومیه شده و هفته ای ٥ شماره منتشر شده است ۰ سال اول انتشار شفق سرخ در تاریخ ۱۱ حوت ۱۳۰۱ شمسی پایان یافته و برای تنظیم امور داخلی روزنامه مدت یك هفته تعطیل بوده و مجددا در تاریخ یکشنبه هفته بعد انتشار یافته و ازاین تاریخ سال دوم روزنامه شروع گردیده است ۰ روزنامه ایران مورخ ۲٤ حوت ۱۳۰۱ شرحی تحت عنوان (سال دوم روزنامه‌شفق‌سرخ)

بدینقسم نوشته : « جریده شریفه شفق سرخ سومین شماره سال دومش شروع شد . دوره یکسال گذشته این نامه را وقتی از نظر بگذرانیم در خلال مقالات وسبك ورویه آن یك روح فاضلانه و با مزیتی را مشاهده میکنیم که موجد آثار مزبوره بوده‌است شفق سرخ درردیف همان جراید بوده است که همیشه نویسنده اش در موقع انتشار روزنامه مبداء فکری و سبك و رویه خودرا نسبت باشخاص و عقاید ازدست نداده و برای همین است که شفق سرخ جلب توجه و علاقه مندی فضلا را بخود نموده‌وامیدواریم در سال آتیه خدمات بیشتری نماید و موفقیت آقای دشتی را خواهانیم . »

در حقیقت همانقسم که در روزنامه ایران اظهار نظر شده منظور عمده از سر مقاله های روزنامه شفق سرخ تولید انقلاب افکار وتهییج روح وبیداری جامعه بوده و آقای دشتی درمقالات خود حتی‌الامکان در ترویج مدنیت غرب و آگاهی و آشنائی مردم بتمدن وترقی عصر حاضر کوشیده است . قسمت عمده مندرجات آن مقالات ادبی وعلمی است وبهمین جهت روزنامه از بدو تاسیس مورد توجه قرار گرفته است . وقتی آقای دشتی نتوانست آنطور که میخواهد افکار ونظریات خود را در روزنامه منعکس نماید از شغل روزنامه نویسی کناره گرفت وامور روزنامه را چنانکه بعدا یاد آورمی شویم بعهده آقای مایل تویسرکانی واگذار کرد . شفق سرخ از جمله روز نامه های معدودست که در تغییر افکار مردم موثر بوده وقلم جذاب ونیش دار آقای دشتی در مخالفت با دولتهای وقت رل عمده ای را بازی میکرده است مقالات تند و نافذ روزنامه سبب شد که چند بار توقیف مجددا منتشر گردد . در سال ۱۳۰۱ شمسی در کابینه قوام‌السلطنه روزنامه شفق سرخ نیز مانند سایر جراید توقیف ومجددا منتشر شد . در بارهٔ این توقیف شرحی بعنوان (تکذیب) ازطرف رئیس‌الوزرای وقت در روزنامه ایران مورخ ۲۳ جدی ۱۳۰۱ چاپ شده که آنرا عینا نقل مینمائیم : «درشماره ۱۰۷ روزنامه عصر انقلاب شرحی راجع بتوقیف جریده شفق سرخ درج واظهار شده‌است که ازقرار معلوم دولت علت توقیف جریده مزبوره را بتمایلات بندگان اعلیحضرت‌اقدس شاهنشاهی منسوب نموده است ازوم اظهار میشود که توقیف شفق سرخ فقط از نقطه نظر مخالفت با قانون مطبوعات بوده است . ریاست وزراء . »

قبل از این تاریخ نیز یکمرتبه موضوع روزنامه شفق سرخ بهیئت وزراء کشیده شده و این بار مات مقاله بوده که راجع بانتظام‌الملك ؛ معاون وزارت‌خارجه نوشته بوده است . روزنامه ایران مورخ ۹ عقرب ۱۳۰۱ شمسی درضمن اخبار داخله ؛ تحت عنوان (کمسیون درهیئت وزرا) خبرمذکور را چنین نوشته است : « بطوریکه قبلا اطلاع داده بودیم کمسیون منعقده‌درهیئت وزراء عصر روز دو شنبه گذشته برای رسیدگی بمندرجات جریده شفق سرخ نسبت بآقای انتظام‌الملك معاون وزارت امور خارجه مشغول مذاکره و تبادل افکار بوده و در نتیجه راپرتی تهیه نموده بمقام ریاست وزراء تقدیم داشته و خواستار شده اند که ازطرف دولت بآقای مدیر شفق سرخ اخطار شود که نویسنده مقاله را بدولت معرفی نمایند تا با حضور خود صاحب مقاله رسیدگی وتحقیق بعمل‌آید ونویسنده‌مقاله اسنادودلایل خودراابراز واظهارات خودراتوضیح دهد»

و اما مقاله ایکه در روزنامه شفق سرخ علیه آقای انتظام الملك طبع شده ، ومنتهی بتشکیل کمسیون گردیده شرحی است که در شماره ۷۹ روزنامه مورخ ۲۴ میزان بامضای (ت ۰ ف) درج شده و خلاصه آن عبارت از چند فقره اتهام بانتظام الملك میباشد که یکی راجع بتلگرافات رمزیست که بین وثوق‌الدوله ونصرت الدوله شده و دوسیه این تلگرافات نزد متهم بوده و تلگرافات را خواسته اند - نویسنده مقاله آقای مشیرالدوله را شاهد قضیه آورده است ۰ اتهام دوم در باره از بین بردن نامه وزارت امور خارجه راجع بعملیات مرحوم محقق الدوله در رشت است که نویسنده مقاله مدعی است که این دو نامه را انتظام‌الملك از بین برده است ۰ لازم بیاد آوریست که در همین ایام یعنی در میزان ۱۳۰۱ شمسی است که قانون موقتی هیئت منصفه در باره مطبوعات درمجلس شورایملی طرح شده است ۰ لایحه مذکور بامضای « احمد قوام رئیس‌الوزراء » و مشتمل بر سه ماده است که ماده سوم آن این است ۰ « ماده سوم پس از تصویب قانون هیئت منصفه این قانون منسوخ و ازدرجه اعتبارساقط خواهدبود.» ابتدا فوریت لایحه مطرح میشود و شاهزاده سلیمان میرزا وحائری زاده مخالف با فوریت بوده و پس از بیانات رئیس‌الوزراء ومختصر اختلافی که بین مدرس وسلیمان میرزا پیش می آید بفوریت لایحه رای گرفته میشود و تصویب نمیگردد مجلس برای‌چند دقیقه تنفس داده میشود ومجددا تشکیل‌میگردد ۰ ایندفعه باز رئیس‌الوزرا شروع بصحبت مینماید و مطالب خودرا بدینقسم شروع میکند :« گمان میکنم اصرارهای من را جمع بتقاضای فوریت لایحه هیئت منصفه کافی نبود این است که خواستم مجددا توضیحاتی عرض کنم ۰» قوام‌السلطنه پس از آنکه مطالبی راجع بفوریت لایحه ابراز میکند ، دنباله طلب را بدینقسم بیان مینماید : « ۰۰۰ بواسطه تند رویها وزیاده روی بهائی که بر خلاف نص قانون جراید مرتکب میشوند دراین چند وقت هیئتهای مختلفی از هر طبقه آمده‌اند و دولت تظلم کرده اند ، ازطرف علما تظلم شده است که نسبت بدیانت توهین میکنند ، ازطرف ذاکرین تظلم شده است که نسبت بتعزیه داری توهین میکنند نسبت بپادشاه مملکت که بایستی اورا مطابق قوانین اساسی محترم شمرد توهین میکنند بمردم توهین میکنند نسبت بوزراء توهین میکنند ؛ نسبت برئیس دولت ازهیچ نوع هتك شرفی فروگذار نمیکنند مابین وزراء ؛ تفتین میکنند اینها را بعرض میرسانم و ابدا واهمه ندارم که درجراید مرا مورد حمله قراردهند ؛ من وقتی میگویم که دولت دو چار مشکلاتی شده وشما اعتماد نمیکنید «ازطرف یکعده ما اعتماد داریم » حالا لازم می دانم که راپرتی که الان در اطاق‌تنفس رسیده است قرائت نمایم ۰ الان راپرترسید که امشب درمنزل امام جمعه روضه بوده آقای ۰۰۰ واعظ راجع بمندرجات جراید که درحدود دیانت مینویسند اظهاراتی کرده وبعلماحمله کرده اند بعد ازآن علمااجتماعی کرده و رای داده‌اند که مدیران میهن و پژوهش مهد و والد هستند وقرار شده‌است که فردا بازارها را به بندند ۰»

هیچ لازم نبود که من این راپرت را بخوانم ولی چون اظهار عدم اعتماد می کنند مجبور شدم که این مطالب را بعرض برسانم و هیچ غرضی هم ندارم و البته باز

بسته برای آقایان است.» نقل از صورت مذاکرات جلسه روز چهارشنبه ۱۵ میزان ۱۳۰۱ شمسی از شماره ۱۲۴۰ سال ششم روزنامه ایران .

در ۸ عقرب ۱۳۰۱ شمسی یعنی پس از چند روز بعلت فشار علما دولت مجبور میشود لایحه‌ای تحت سه ماده بمجلس شورای ملی تقدیم کند و این لایحه بوسیله منصور السلطنه معاون وزارت عدلیه در تعقیب مذاکراتی که دولت با آقایان علما کرده بمجلس داده میشود مقدمه این لایحه اینطور تنظیم شده است : « مقام محترم مجلس شورایملی شیدالله ارکانه . چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است از چندی قبل آقایان حجج اسلام طهران مطالبی را از هیئت دولت تقاضا نموده اند مطالب مزبور بطور اجمال بدو موضوع است یکی راجع است بموضوع جراید ومطبوعات که اخیرا در بعضی جراید مطالبی بر خلاف اصول مذهب و دیانت انتشار یافته وآقایان حجج اسلام نظر باصل بیستم قانون اساسی اظهار مینمایند اینگونه مطالب باید قبلا بوسیله اشخاص خبره و بصیر در امور شرعیات مداقه شود بعد از آنکه عدم مخالفت آن با موازین شرعی تصدیق شد اجازه طبع وانتشار داده شود وهرگاه مدیران جراید و یا نویسندگان مقالات یا طبع کنندگان مطبوعات بدون مراجعه بمقامات شرعیه مطالبی بر خلاف مذهب و دین اسلام طبع ونشر نمایند اوراق مزبور جمع آوری و توقیف شده و مدیر روزنامه و نویسنده وطبع کننده مطابق قانون مطبوعات مجازات شود . مطلب دیگر راجع بموادی است که در غیاب مجلس شورایملی باسم قانون جزای عرفی تدوین شده و بموقع اجرا گذارده شده است ..»

از سه ماده پیشنهادی دولت دو ماده آن که راجع بمطبوعات بود درجلسه یوم پنجشنبه ۱۰ عقرب ۱۳۰۱ تصویب گردید و ماده سوم آن راجع بالغای قوانین عرفی رد شد .

آقای علی دشتی در سال ۱۳۰۹ شمسی ازعالم مطبوعات کناره گرفته و مدیریت و سردبیری شفق سرخ را بآقای مایل تویسرکانی واگذار نموده است . از این وقت دیگر آقای دشتی در کار روزنامه دخالتی نداشته و اداره روزنامه مستقیما باآقای مایل تویسرکانی است . شفق سرخ از اول فروردین ۱۳۱۳ شمسی وارد سیزدهمین سال خدمت خود شده وشماره ۲۸۹۵ سال سیزدهم آن که صاحب وموسس آن(ع.دشتی) و مدیر مسئول و سردبیر آن (مایل تویسرکانی) معرفی شده ، در چهارصفحه بقطع بزرگ باچاپ سربی در(چاپخانه اتحادیه) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۱۳ مطابق ۱۳ ذیحجه ۱۳۵۳ قمری و ۱۹ مارس ۱۹۳۵ میلادی منتشر شده است . محل اداره : خیابان فردوسی (علاءالدوله) نزدیک میدان سپه . نمره تلفن ۱۳۸۵ . قیمت اشتراک داخله : یکساله ۹۰ ریال ؛ ششماهه ۴۵ ریال . خارجه یکساله ۲۰۰ ریال تکفروشی درطهران ۵ شاهی . درشهرها ۶ شاهی . مندرجات شفق سرخ پس از درج سرمقاله عبارت ازمقالات مختلف و سخنرانیهای دانشمندان واخبار داخله ومذاکرات مجلس شورایملی بتفصیل واخبار وتلگرافات خارجی است . صفحه چهارم روزنامه مخصوص درج اعلانات است . در پاورقی روزنامه رمانهای مفیدی طبع شده و در

در شماره نمونه ترجمه رمان (آشیانه عقاب) چاپ شده است • بر واضح است که اوضاع و احوال مملکت ازمدتی قبل از آنکه روزنامه بعهده آقای مایل تویسرکانی واگذار گردد اجازه نمیداده مقالات انتقادی وتند درروزنامه درج گردد ولذا روزنامه شفق سرخ از این حیث خیلی خشك و کم مغز وبیشتر باخبارداخلی وخارجی روزنامه اهمیت داده شده است •

آقای علی دشتی — آقای علی دشتی صاحب امتیاز وموسس روز نامه شفق از نویسندگان مبرز و سیاستمداران معروف بشمار میروند • شرح احوال ایشان در بازیگران عصر طلائی بتفصیل نوشته شده و ما در اینجا اجمالا یاد آور میشویم که آقای دشتی چند دوره نماینده مجلس شورایملی بوده و در زمان اعلیحضرت فقیدمدتی منزوی، و خانه نشین بود • پس از وقایع شهریور دومرتبه بنمایندگی مجلس انتخاب شد و فعلا هم با سمت سفیر کبیری در قاهره پایتخت مصر بسر میبرد • آقای دشتی کتابی بنام ایام محبس تالیف نموده و در آن وضع زندگانی خویش را در زندان شرح داده است • آقای دشتی علاوه برمعلومات قدیمه از زبانهای فرانسه وعربی بهره ور وکتب نفیسی تالیف و ترجمه نموده • کتبی که مشارالیه ترجمه وطبع نموده است:

۱ ـ اعتماد بنفس تالیف اسمایلز • این ترجمه آن در ایران خیلی شهرت پیدا کرده قبل از آقای دشتی باز هم بطور ناقص ترجمه شده بوده (رجوع شود بجلد اول کتاب ذیل مجله آفتاب) وترجمه آقای دشتی یك مرتبه درسال ۱۳۰۵ شمسی بطبع رسیده و بار دیگر در سال ۱۳۰۸ در ۱۸٤ صفحه در مطبعه شفق طبع گردیده • مندرجات اعتماد بنفس پس از شرح حال اسمایلز ومقدمه مترجم عبارت است از : اعتماد برنفس • ارباب سعی وکوشش ـ مخترعین و مکتشفین ـ سه چینی گر بزرك ـ سعی وثبات • تصادف و فرصت ها ـ نقاشان و حجاران ـ طبقه اشراف وکار ـ پشتکار و شجاعت • تاآخر کتاب

۲ — تفوق انگلوساکسن ـ این کتاب را یکنفر فرانسوی راجع بعلل برتری نژاد انگلوساکسون نوشته و آقای دشتی آنرا بفارسی ترجمه نموده است • ترجمه آقای دشتی یك مرتبه در ۱۳۰۳ شمسی درمطبعه باقر زاده در ٤۰۹ صفحه خشتی چاپ شده وقیمت آن یکتومان است بعد نسخ آن نایاب گردیده و بار دیگر در سال ۱۳۱۱ بطبع رسیده است •

۳ — نوامیس روحیه تطور میل • تالیف گوستاولوبن ترجمه علی دشتی درسال ۱۳۰۲ درمطبعه قشون در ۲٤۲ صفحه پستی طبع شده • این کتاب درموضوع سر تطور ملل نوشته شده است •

آقای میرزا یدالله خان مایل تویسرکانی — پس از آنکه آقای دشتی از کار روزنامه شفق سرخ کناره گرفت آقای مایل تویسرکانی که قبلا مدت دوسال سر دبیری روزنامه یومیه ستاره ایران را عهده دار بود ، شفق سرخ را عهده دار گردید ومدت چند سال روزنامه بمدیری نامبرده منتشرمیشد • آقای مایل که بتحصیلات قدیم و جدید وزبان فرانسه وعربی آشنا بودبیشترعمرخودرا درخدمت بفرهنگ گذرانیده ومن جمله مدرسه‌ملی تویسرکانی ازکارهای فرهنگی ایشان‌است • قریب‌سه سال‌مدرسه‌اتحادایرانیان

بادکوبه) را اداره میکرد و درحدود متجاوز از سه سا ریاست معارف ایالتی مازندران را داشته ؛ سپس بریاست معارف استراباد و صحرا منصوب گردید • پس از وقایع شهریور نیز چندی فرهنگ کرمان را عهده دار بود و زمانی هم در اداره کل نگارش وزارت فرهنگ کار میکرد تا بالاخره در تیرماه ۱۳۲۹ شمسی درطهران زندگانی را بدرود گفت • مرحوم مایل علاوه برنویسندگی شاعری زبردست بود و اشعار او در مجلات مختلف بطبع رسیده است •

(۶۹۸) شکر

روزنامه‌شکر در شهر تبریز بمدیری (محمد علی‌عبدالمناف زاده) تاسیس‌وبطور هفتگی ؛ با چاپ سنگی منتشر شده است . مرحوم تربیت درفهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه شکر مینویسد : « روزنامه هفتگی منتشر درتبریز بمدیریت محمدعلی عبدالمناف زاده در ۱۳۲۵ قمری .» برون در کتاب مطبوعات وشعر فارسی (ص۱۱۱) پس از آنکه شرح بالارا نوشته اضافه میکند که من نمره سوم این روزنامه را دارم و این نمره درتاریخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری در چهار صفحه بقطع ۶ و سه‌چهارم در ۱۱ و سه چهارم اینچ طبع و منتشر گردیده • این شماره با چاپ سنگی و خط تعلیق ریز وبزبان ترکی آذربایجانی است • وجه اشتراك سالیانه روزنامه در تبریز ۵ قران . در سایر شهرهای ایران ۷ قران و در روسیه دو منات است •

(۶۹۹) شکوفه

دومین روزنامه که در طهران بدست بانوان نوشته ومنتشر شده روزنامه‌شکوفه است • روزنامه مصور شکوفه که بمنظور بیداری توده نسوان تاسیس یافته در سال ۱۳۳۱ قمری بمدیریت‌خانم (مزین‌السلطنه) رئیس مدرسه مزینیه منتشر شده است این روزنامه بصاحب امتیازی‌ومدیره مسئوله (در عنوان روزنامه اینطور است) مزین السلطنه ؛ صبیه مرحوم آقا میرزا سید رضی رئیس‌الاطباء تاسیس وشماره چهار سال اول آن در چهار صفحه باچاپ سنگی طبع ودرتاریخ ۱۱ شهر ربیع المولود ۱۳۳۱ قمری انتشار یافته و صفحه چهارم آن مخصوص کاربکانور عروس و داماد ومادر عروس است• محل اداره روزنامه : طهران • خیابان ماشین نمره ۴۱ • محل توزیع خیابان ناصریه کتابخانه ترقی • اسم روزنامه (شکوفه) بخط نسخ نوشته شده وبالای آن این شعر درج است : (باد آمد و بوی عنبر آورد ☆ بادام وشکوفه بر سر آورد •)

قیمت اشتراك روزنامه : طهران یکساله ۵ قران • ششماهه ۲ قران • تکنمره همه جا صد دینار • سایر ولایات یکساله ۸ قران • خارجه یکساله ۶ فرانك اعلانات درستون اول سطری دهشاهی درستون آخر پنجشاهی • روزنامه شکوفه ، درزیرعنوان درضمن دو سطر ، بدینقسم معرفی شده : « روزنامه ایست اخلاقی ادبی ، حفظ الصحه اطفال ، خانه داری بچه داری مسلك مستقیمش تربیت دوشیزگان وتصفیه اخلاقی زنان راجع بمدارس نسوان • مطلا ماهی دو نمره طبع میشود •» بیشتر مندرجات و مقالات

شکوفه راجع بمدارس نسوان و طرز امتحانات آنها و سایر امور مربوط بنسوان و دوشیزگان است • سرمقاله شماره پنجم بعنوان (مدرسه چه نام است) نوشته شده • سال اول با انتشار شماره ۱۷ خاتمه پیدا کرده و تمام نمرات این سال درصفحه چهارم دارای کاریکاتور است •

سال دوم شکوفه بشماره ۱۸ مورخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۳۱ قمری شروع گردیده و این شماره با چاپ سربی طبع شده است • شماره اول سال سوم در چهار صفحه با چاپ سربی طبع و در تاریخ ٦ محرم ۱۳۳۳ منتشر گردیده ، مقاله افتتاحی این شماره بدین عنوان است : « کوشش بی فایده است وسمه بر ابروی کور » • در این شماره مقاله بقلم مرحوم ادیب الممالك راجع بتدبیر منزل درج است • شماره اول سال چهارم بهمان سبك و قطع سال سوم در غره شهر صفر ۱۳۳٤ قمری منتشر شده وشعر زیر درضمن قصیده‌ای از مرحوم ادیب‌الممالك راجع بماده تاریخ سال چهارم شکوفه درج است ماده تاریخ شکوفه .

گفتم با دیب بهر تاریخش زیبا و ستوده مصرعی بر گو
افزود یکی بر آن سپس گفتا گیتی شده ازشکوفه‌چون‌مینو۱۳۳٤

شماره ۱۱ سال چهارم شکوفه در تاریخ ٥ شنبه غره ذیقعده ۱۳۳٤ قمری نشر شده و محل اداره آن در مدرسه مبارکه مزنیه طهران • خیابان ماشین ، در خیابان اسدالدوله نمره ۲۱ معین گردیده است •

در دیوان ادیب‌الممالك چاپ وحید ص ٤۷۸ دو فرد شعر زیر بعنوان (تقریظ جریده شکوفه) چاپ شده •

فروغش گر بتابد برشکوفه شود روی زمین یکسر شکوفه
گل‌ازخارآورد درسنك‌خارا برارد چون زخاك تر شکوفه

و نیز درصفحه ٤٤٤ دیوان مذکور قصیده مفصلی از ادیب‌الممالك تحت عنوان « درآغاز سال چهارم شکوفه ۱۹ محرم ۱۳۳٤ » درج است که مطلع وچند شعرآن چنین است •

گیتی شده از شکوفه چون مینو از لاله لعل واز گل خوشبو
این سال چهارم است کامد باز گل‌درصف‌باغ وآب اندرجو
• • • • • • • •
گر شیر شود حسود نتواند زین نامه دقیقه‌گرفت آهو
زیبا ز قلم مزینی دارد این نامه نغز دلکش دلجو
خاتون بزرگوار با فره بانوی سروشیار با نیرو

(۷۰۰) شمال غرب

روزنامه شمال غرب درشهر تبریز بمدیری آقای باقر نطاق تاسیس‌ومنتشرشده است • مرحوم‌تربیت درفهرست جراید آذربایجان راجع باین روزنامه مینویسد : « روزنامه هفتگی شمال غرب منتشر درتبریز با چاپ سربی بمدیریت و نویسندگی باقر

نطاق درسال ۱۳۰۷ » آقای باقر نطاق علاوه براین روزنامه روزنامه‌های دیگری بنام کلید نجات ؛ عنکبوت و روزنامه طلیعه سعادت را درتبریز منتشر نموده است وما درمحل خود از یك یك این جراید گفتگو خواهیم کرد.

(۷۰۱) شمس

قبل ازآنکه بذکرخصوصیات روزنامه شمس منتشره دراسلامبول بپردازیم،شرحی راکه مرحوم کسروی درجلد سوم تاریخ مشروطه ایران راجع باین روزنامه نوشته نقل میکنیم . مرحوم کسروی در باره روزنامه شمس دراسلامبول مینویسد : « یکی‌ازکارهای ایرانیان دراستانبول ابودکه روزنامه بنام شمس با زبان فارسی بنیاد نهادندکه اگرچه ناشایندگی ازخود نمود ؛ وهمانا دارنده ونویسنده‌آن (سید حسن تبریزی) زود فریب میخورده و بپاس خواهش یا بچشم داشت سود ازهرکسی بستایش میپرداخته با این‌حال درآن هنگام دراستانبول بیك روزنامه فارسی نیاز بسیارمیبود و این روزنامه نیزیاوری به پیشرفت‌کار تبریزکرده است. ص۱۹۷ کتاب مذکور» اکنو نکه بنا برنوشته مرحوم کسروی محقق شد که روز نامه شمس درخارج ایران کمك بزرگی بتاسیس مشروطیت ایران نموده بذکرخصوصیات آن میپردازیم

شماره اول روزنامه شمس بمدیری (سید حسن) درهشت صفحه بقطع پستی‌بزرك ٦ونیم در ۹ اینچ با چاپ سربی (مطبعه جهان ـ سید حسن) طبع و درتاریخ ۸ شعبان ۱۳۲٦ قمری مطابق ۲۲ اغتوس ۱۳۲٤ منتشرشده است . دراین شماره قبل ازسرمقاله عکس شهیدحریت آقامیرزا نصرالله‌ملك‌المتکلمین چاپ شده‌ودرزیرآن‌مقاله‌افتتاحی‌روزنامه بدینقسم شروع میگردد : « بنام یکتا نه بیچون ستایش مر اورا سزاست که دراین مشت خاك روان پاك دمیده و برهمه آفریدگان خود برگزیده. خرد وهوش بخشیده تانیك را از بد وخوب را از رد توانند شناخت . هر آنکو ره براستی پوید رستگار شود وکسی که کجی پیشه سازد سرنگون وگرفتارآید .... (پس از اینمقدمه مینویسد) ما بنشر روزنامه هفتگی که از منافع ونشرمقاصد ملی در او ذکر شود مبادرت ورزیده و بدیهی است که با فداکاری یك تن این مقصد مقدس حاصل نخواهد شد لهذا از پیشگاه منزه وجدان خداوندان افکارصائبه کمك میطلبیم . »

پس از سرمقاله مذکور ، مقاله دیگری بعنوان (مقاله مخصوص) و بعد مقاله (ایران و ایرانیان) سپس‌اخبارداخله وتلگرافات‌مربوط بایران چاپ‌شده‌است .درشماره دوم که در۱٤ شعبان ۱۳۲٦ قمری نشرشده عکس مرحوم‌سید جمال‌الدین واعظ‌اصفهانی درصفحه اول این شماره طبع گردیده است .

طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در بدو تاسیس هرروزجمعه و بعد روزهای پنجشنبه طبع وتوزیع میشده .کلیه امور اداره و تحریریه با مدیر روزنامه (سید حسن تبریزی) ولی مدیرمسؤل (محمد توفیق) است که نامش درانتهای صفحه‌آخردیده‌میشود قیمت اشتراك سالانه روزنامه دراسلامبول ٦۰ غروش ، در ممالك عثمانیه ۷۵ غروش . درایران ۳۵ قران. درروسیه ٦ منات. دراروپا ۱۷ فرانك .قیمت‌یك‌نمره‌یك‌غروش‌است.

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی و مقالات مختلف بیشتر وقایع مربوط بایران و یاترجمه مطالب و اخباریست که روزنامه های خارجی در باره ایران نوشته اند وچون روزنامه در خارج ایران منتشرمیشده ونویسنده آن فکری باز وقلمی آزادداشته ازاین جهت بدون پروا و مانع در قضایا بحث وگفتگو مینماید و ازخائنین ودرباریان بدگوئی میکند . همین حقیقت نویسی و بی باکی مدیر شمس سبب گردیده که روزنامه از همان ابتدا طرف توجه ایرانیان قرار گیرد و برای قرائت مطالب آن روزنامه دست بدست بگردد . دراین باره در شماره ۱۹ سال دوم بعنوان عرض تشکر و اعتذار این طور مینویسد : « در این اواخر ازهم وطنان محترم ومعزز مکاتیب عدیده و اصل و این خادم ملت را نهایت مرتبه بغیر لیاقت تلطیف و مورد انواع محبت فرموده اند اداره شمس از ادای تشکر آنها عاجز است . هموطنان محترم در باره روزنامه شمس در زمان اندك حسن ظنی که حاصل نموده وبخلاف مامول نائل رغبت و مظهر توجه عامه فرموده اند مارا درتوسیع دائره خدمت بوطن نازبانه غیرت خواهد شد . » در جای دیگر همین شماره مینویسد : « دراثر توجه عامه مردم بقرائت روزنامه شمس کار بجائی رسیده که بعضی نمره های آن در طهران و شهرهای دیگر بقیمت یکتومان و زیاد تر خرید و فروش شده است . » و این خود اهمیت روزنامه شمس را در بین مطبوعات فارسی میرساند .

اسم روزنامه (شمس) بخط نسخ درشت واین عبارات درزیر عنوان روزنامه درج است : « دراین جریده هرقسم مقالات تاریخی وسیاسی وعلمی و ادبی درج واز منافع دولتی و مملکتی بحث میشود و کلیه مقالات عام‌المنفعه پذیرفته و در انتشار ش روزنامه آزاد است . قیمت اعلان عادی سطری ۳ و اعلان بانك و امور صرافی و اعلانات مهمه که در جای حوادث درج شود سطری ۱۵ غروش است . » دربعضی شماره های شمس تصاویر سران مشروطیت وعکسهای جمعی چاپ شده که منجمله در صفحه اول شماره ۱۲ سال دوم مورخ ۲۸ شوال ۱۳۲۷ قمری تصویر جمعی ازسران مشروطه طبع گردیده است : (مهندس الممالك ؛ جناب سپهدار ؛ عین‌الدوله ، حضرت عضدالملك پرنس فرمانفرما ؛ مستوفی‌الممالك ، سردار اسعد .) درشماره ۱۳ تصویر (تالار بزرك عمارت بهارستان) چاپ شده . درشماره ۱۹ سال دوم مورخ ۱۶محرم ۱۳۲۸ تحت عنوان (اتحاد روسها با رحیم خان) دوعکس که دریکی تصاویر « رحیم خان ضرغام ـ بلیائف نایب قنسول روس درتبریز » نمره‌گزاری شده ، طبع گردیده است قسمتی ازمقاله شماره ۱۳ سال دوم شمس که باعث توقیف روزنامه درسرحد ایران وجلوگیری ازآن گردیده چنین است :« افتتاح مجلس شورایملی ـ صورت تلگرافیست که ازطهران بسفارت کبری رسید ـ روزدوشنبه غره ذیقعده دوساعت از ظهر گذشته مجلس‌شورایملی درحضور اعلیحضرت همایونی ونایب‌السلطنه وخانواده سلطنت کورد دیپلوماتیك ، علما وزراء ؛ امراء مفتوح خواهد شد . لازم است در آنموقع رسم قبول داده شود . علاءالسلطنه» .

اساس مقدس مشروطه وقانون اساسی را مرحوم خلدآشیان مظفرالدین شاه

وار نمود و ی فرزند ناخلف اومحمد علی میرزا قدر این نعمت جهان قیمت را ندانسته
نکه پس ازامضای قانون مشروطیت ولایتعهدی او از طرف ملت شناخته شده بودوبعد
وت مرحوم مظفرالدین شاه مجدداًسر گند یاد نمود وامضاگذارد تاملت اورابپادشاهی
رفتند ولی همینکه بجای پدر براریکه سلطنت قرارگرفت کجی اندیشه و نادانی و
وت پرستی وفریب برخی مردمان نفس پرست کم خرد بیدانش که در دور او گردآمده
بودند اورا برآن داشت که قدر این نعمت بزرك که برایگان اورا دست داده بو د تقدیر
ننموده بمخالفت ملت برخواسته و در صدد اختلال این اساس مقدس مشروع بر آید شیخ
ری و کوراملی وشیخ‌مردودورامینی‌نیزمو ید خیالات‌او گردیدند وبر گمراهی اوافزود..»
انقسم که یادآورشدیم نمره ۱۳ وهمچنین ۱۲ سال دوم روزنامه‌از ورود بخاك ایران
نوع گردید و دریکی از شماره‌های بعد خطاب بعلاء السلطنه راجع بتوقیف روزنامه
طور مینویسد : « حضرت علاء السلطنه ! از قراریکه درچند مکاتیب نوشته اندگویا
ره‌های ۱۲ و۱۳ روزنامه شمس را امر بتوقیف داده‌اید نمیدانم دراین زمان آزادی و
شروطیت باکدام قانون وکدام وجدان و باحکم کدام محکمه این امراستبدادی ازاداره
آنحضرت صادرشده » مقاله مذکور باین جملات ختم میشود (بلی آشکارا میبینم که‌مارا
مجبور خواهید ساخت که چنانکه امیل زولا درمسئله دریفوس با عنوان (ژاکوز)تمام
خفایای اکابر واعیان فرانسه راکشف نمود ماهم پرده را از روی‌کار برداشته وکشف
حقایق نمائیم ۰)

روزنامه حکمت منطبعه مصر درنمره ۹۲٤ مورخ ۱۵ ذیقعده ۱۳۳٦ قمری پس
از تمهید مقدمه مبنی براینکه اساس آزادی برروزنامه و مدرسه است در باره طلوع
وزنامه شمس اینطورمینویسد : « مارا هم تا جمادی‌الاولی دلخوشی که در جهان بود
ان اول مجلس شورایملی بود و دوم فراوانی روزنامه های فارسی در داخل و خارج که
بنا گاه بارانی وزبد ومجلس شورایملی خراب وجریده نگاران برخی‌شهید و بعضی‌نایاب
شدند تا ناگهانی درهفته‌گذشته سه شماره (۹ر۱۰ر۱۱) شمس از افق استانبول‌تابیده
و باداره حکمت رسید لهذا صاحب امتیاز جریده شمس (آقای سید حسن خوی) صاحب
کتابخانه شمس را تبریك مینمائیم و بقاءآنرا خواهانیم .»

۷۰۲) شمس

روزنامه شمس درطهران بمدیری وصاحب امتیازی (میرزا سلیمان‌خان‌خسروی)
تاسیس ودرسال ۱۳۰۱ شمسی منتشرشده‌است ۰آغاز انتشارشمس‌درسرطان سال مذکور
بوده و شماره اول سال دوم‌آن درچهارصفحه بقطع بزرك ، با چاپ سربی؛ درمطبعه
(سعادت) طبع ودرتاریخ پنجشنبه ۲۵دلو ۱۳۰۲ مطابق ۷ رجب ۱۳٤۲ قمری‌منتشرشده
مندرجات روزنامه شمس پس ازدرج مقاله اساسی عبارت ازمقالات مختلف واخبارولایات
ومرکز میباشد ومن‌جمله مقاله اساسی شماره اول سال دوم تحت عنوان (فکر اساسی
کنید) ومقاله دیگرآن بقلم (محمد علی‌اطمینان) تحت عنوان (انقلاب . انقلاب در
زمینه اقتصاد) نوشته شده است ۰

طارز انتشار شمس هفتگی قید شده و آیه‌الشمس تجری لمستقرلها • بالای اسم روزنامه بعنوان شعار درهر شماره طبع گردیده‌است • قیمت اشتراک درهمه‌جایک‌ساله وشش ماهه ٤ تومان• تك نمره باکاغذ معمولی شش‌شاهی• اعلانات واوایح بقیمت مناسب پذیرفته میشود • محل اداره روزنامه: طهران .بالاخانه شمس‌العماره • شماره دوم سال‌دوم شمس درتاریخ چهارشنبه ۸ حوت ۱۳۰۲ چاپ وتوزیع شده است . در شماره ٦ سال دوم مجله الکمال‌منطبعه خراسان ؛ مورخ ۲۵ سرطان ۱۳۰۱ شمسی شرحی بعنوان (طلوع دیرین درطهران) راجع بروزنامه شمس وروزنامه خورشید نوشته که خلاصه از آنچه راجع بروزنامه شمس است ذیلا نقل مینمائیم :

« درموقع تیرگی افق سیاست و پراکندگی افکارعمومی خورشید جهان افروز جریده فریده شمس که درخاتم سلیمانی نقش نگین خسروانی داشت ازافق طهران طالع. جریده مزبور بقلم ادیب دانشمندآقای میرزا سلیمان‌خان خسروی که در مطبوعات عدیده آثار قلمی ایشان یادگارگذاشته شده نگاشته میشود وموقتاً بطور هفتگی طبع و سالی پنج تومان وجه اشتراك دارد • مقاله شماره اول آن جریده تحت این عنوان است : نهضت اسلام ـ قدم اول) »

(۷۰۳) شمس طالع

روزنامه شمس طالع درطهران در سال ۱۳۲۵ قمری منتشرشده است . برون که شرح مذکور را نوشته (ص ۱۱۲ کتاب مطبوعات‌وشعرفارسی)اضافه میکندکه نمونه‌ای از این روزنامه را در دست ندارم•

(۷۰٤) شورای‌ایران

روزنامه هفتگی‌شورای ایران‌درتبریز ازطرف (انجمن مشورت) تاسیس ودرسال ۱۳۲٦ قمری‌منتشرشده است • نمره دوم این روزنامه درتاریخ ۱۹ ربیع‌الثانی‌سال‌مذکور انتشار یافته ومسلك‌آن سیاسی وطرفدارآزادی ومساوات است• موسسین و نویسندگان اصلی روزنامه سه‌نفرآزادیخواه مقتول مرحومین (میرزاسعید سلماسی ـ سید حسن‌شریف زاده و حاجی‌علی دوا فروش) میباشند• (تاریخ مطبوعات برون ص ۱۱۲)• مرحوم تربیت درفهرست جرایدآذربایجان راجع‌بشورای‌ایران بطوراختصار یادآورشده مینویسد: « روزنامه هفتگی منتشر در تبریز باچاپ سربی ازطرف انجمن مشورت در ۱۳۲٦ • »

سید حسن شریف‌زاده ـ مرحوم سیدحسن شریف‌زاده که ازموسسین‌ونویسندگان شورای‌ایران بوده فرزند مرحوم سیدمحمد شریف‌العلمای تبریزیست• نامبرده‌ازمجاهدین بنام مشروطیت در تبریزاست• پس‌از بمخاطره افتادن مشروطیت و اختلاف بین محمدعلی میرزا و وکلای مجلس شریف زاده از آزادیخواهانی بودکه بیش از سایرین مرام را بحفظ مشروطیت وقانون اساسی تشویق میکرد و با نطقهای آتشین شور آنان را دوصد چندان مینمود• پس ازاعلان مشروطیت ازطرف اهالی تبریز بعضویت انجمن ایالتی‌تبریز منتخب شد و بالاخره در روز ۲۷ رجب ۱۳۲٦ قمری موقعیکه از انجمن بخانه میرفت

هدف گلوله چند تن قرار گرفت وچون بسختی مجروح شده بود پس ازچندساعت درگذشت. شرح احوال مرحوم شریف زاده بتفصیل در تاریخ مشروطه کسروی و شماره دهم سال سوم مجله یادگار مذکوراست •

(۷۰۵) شورای بلدی

روزنامه هفتگی شورای بلدی در ۱۳۲۵ قمری درطهران منتشر شده است• برون که نام این روزنامه‌راضبط کرده (ص ۱۱۲ کتاب برون) اضافه میکندکه من نمونه آن را ندیده‌ام •

(۷۰۶) شوش

درتاریخ ۲٤ تیرماه ۱۳۰٤ امتیاز روزنامه شوش درخوزستان بمدیری (میرزا هدایت‌اله فلسفی)از تصویب شورایعالی معارف گذشته است • روزنامه شوش که‌صاحب امتیاز ومدیرآن (ه. فلسفی‌شیرازی) ثبت شده درشهر محمره از بلاد خوزستان‌انتشار یافته ونگارنده چند شماره‌آنراکه متعلق بمهرماه ۱۳۰۵ شمسی بود سابقاً دیده‌ام ولی فعلا نمونه‌ای ازآنرا دردست ندارم •

(۷۰۷) شوری

روزنامه شوری درطهران بمدیری(ناصرالاسلام گیلانی) تاسیس ودرسال۱۳۳۲ قمری هفته سه بارمنتشرشده است • روزنامه چهره‌نما ، درشماره ۸ سال ۱۱ مورخ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ قمری راجع بانتشار روزنامه شوری اینطورنوشته است:«گرامی‌نامه روزنامه نامی‌شوری منطبعه طهران ازکلك یگانه فاضل دانشمند عزیز وفرزانه‌کامل‌بی نظیرآقای ناصرالاسلام رشتی است‌که سالهای متمادیست درطریق حفظ استقلال ایران و آزادی ایرانیان بانواع مخاطرات وزحمات خودرا دچار ساخته‌که ما بموقع خود ذکر اعمال غیرت اشتمال ایشان را درصفحات گذشته چهره‌نما نموده‌ایم•»

درکتاب مختصر تاریخ مجلس ایران از انتشارات کاوه صفحات ٦۷ و۷۹راجع بمدیر روزنامه شوری مینویسد ؛ سید یحیی رشتی ملقب بناصرالاسلام پسر سید حسن نداماني مدیر روزنامه شوری منطبعه تهران در دوره دوم مجلس شورایملی که‌ازتاریخ دوم ذیقعده ۱۳۲۷ قمری تا ۳ محرم ۱۳۳۰ دائر بوده وکیل (فومن و شفت وکسکر) بوده ومسلك اعتدالی داشته است • دردوره سوم مجلس‌که تاریخ افتتاح آن ۱٦محرم ۱۳۳۳ قمری و تاریخ انفصال آن ۷ محرم ۱۳۳٤ قمری بوده مجدداً ازطرف اهالی فومن وشفت وکسکر انتخاب شده ومسلك اعتدالی داشته است•

مرحوم ناصرالاسلام یکمرتبه درسال۱۳۳۰ قمری از طرف روسها زندانی گردید بدینقسم‌که روسها درسال مذکور پس ازوقایع تبریزوگلوله بستن بحرم حضرت رضا ، درطهران، قریب پنجاه نفررا حبس وزندانی‌نموده‌که من‌جمله سیدعلی‌یزدی ؛ ناصرالاسلام رشتی ، سید محمدرضا مساوات ؛ شریف‌زاده ورفیع‌زاده وسلیمان میرزا بودند روزنامه

شوری در۱٦ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری، سال دوم انتشارش بوده ومرحوم ناصرالاسلام درسال ۱۳۰۱ شمسی درنظرداشته است مجدداً روزنامه را درطهران منتشر نماید ولی نگارنده از انتشارمجدد آن اطلاع قطعی ندارم • طلوع مجدد شوری را در شماره ٦ دوره پنجم روزنامه نوبهار مورخ سه شنبه ۸ عقرب ۱۳۰۱ شمسی بدینقسم خبرداده است : « بقرار اطلاع اخیرروزنامه شوری که ازجراید قدیمی وازموسسات ملی ومهم وبکی ازیادگارهای درخشان دوره سوم مجلس شورایملی است، درتحت مدیریت عنصر آزادیخواه وفاضل آقای ناصرالاسلام مدیرسابق شوری ونماینده دوره سوم مجلس بزودی منتشرخواهدشد• »

(۷۰۸) شهاب

روزنامه شهاب در طهران بمدیری و مؤسسی (فخرالدین وفا) تاسیس و درسال ۱۳۰۱ شمسی منتشرشده است • شماره ۷٤ شهاب باقطع بزرك وباچاپ سربی بمؤسسی ونگارندگی (فخرالدین وفا) طبع و در تاریخ ۱۳ شعبان المعظم ۱۳٤۱ قمری انتشار یافته . شهاب روزنامه‌ایست اخباری و پس ازدرج سرمقاله راجع باوضاع روز ، مقالات مختلف واخبار بتفصیل درآن درج است • درشماره ۷٤ درضمن اخبار روزنامه مینویسد: « آقای میرزا محمد علیخان جاهد که یکی از جوانهای تحصیل کرده است از طرف اعلیحضرت همایونی بلقب بنیل امیرجاهد مفتخر گردید• »

در دوره پنجم مجلس تقنینیه چهارده نفر ازنمایندگان که با رویه‌سردارسپه‌مخالف بوده‌دسته اقلیت را تشکیل میدادند• پیشوای اقلیت درمجلس مرحوم سیدحسن مدرس بود درخارج مجلس نیزعده ازمدیران جراید وابسته بدسیاه اقلیت بوده ومدیران جراید اقلیت عبارت بودند ازآقایان رسا مدیر روزنامه قانون ؛ عباس اسکندری مدیرروزنامه‌سیاست رحیم زاده صفوی مدیر آسیای وسطی و فخر الدین وفا مدیر روزنامه شهاب • مدیران جراید وابسته باقلیت پس ازقتل میرزاده عشقی بعنوان نداشتن تامین جانی از حکومت وقت درمجلس شوری تحصن اختیار کرده ونامه ای برئیس مجلس نوشته‌اند • مدیرروزنامه شهاب علاوه برامضای نامه‌مدیران جراید اقلیت ، ورقه‌بعنوان ضمیمه شماره ۱۳۳روزنامه شهاب مورخ دوشنبه ٤ ذیحجه ۱۳٤۲ قمری‌طبع ومنتشر کرده • دراین ورقه مقاله‌شیوائی بعنوان (مرك شاعر- خون بیگناه) نوشته شده وآن راآقای علی‌اکبر سلیمی درمقدمه دیوان عشقی منطبعه سال ۱۳۲٤ شمسی نقل کرده با این تفاوت که رباعی زیر بعنوان‌ماده تاریخ مرك عشقی درمقاله مندرج درمقدمه دیوان‌چاپ نشده ودرورقه ضمیمه موجوداست:

رباعی

دیومهیب خودسری چون زغضب گرفتدم — امنیت از محیط ما رخت‌به بستوگشت گم
حربه وحشت وترو کشت چومیرزاده را — سال شهادتش بخوان : عشقی قرن بیستم•
(۱۳٤۲)

رباعی مذکور ازطبع شهید راه‌آزادی فرخی یزدی مدیرروزنامه‌طوفان است• ازروزنامه شهاب فعلا تا شماره ۱۳٦ سال‌سوم مورخ سه شنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳٤۲ قمری دردست است •لازم است یادآورشویم که پس از مدتی که ازنشر روزنامه شهاب گذشته

آقای فخرالدین و فاموس و آقای علی افضلی بعنوان مدیر معرفی شده اند درآخرین شماره که از روزنامه در دست است نیز آقای علی افضلی مدیر روزنامه معرفی شده است • آقای فخرالدین و فا همان کسیست که مدتی روزنامه رسمی را عهده داربوده و برای اطلاع از این جهت بحرف ر کتاب رجوع شود •

(۷۰۹) شهاب ثاقب

روزنامه شهاب ثاقب درطهران بمدیری (میرزا احمد نراقی) تاسیس ودرسال ۱۳۳۳ قمری منتشرشده است • شماره اول سال اول شهاب ثاقب درهشت صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی طبع و در تاریخ دوشنبه ۲۵ محرم الحرام ۱۳۳۳ قمری مطابق ۲۲ قوس ۱۲۹۲ شمسی و۱٤ دسامبر ۱۹۱٤ میلادی انتشار یافته • دراین شماره صاحب امتیاز ومدیرمسئول (آقازاده نراقی) ومحل اداره : طهران . جلوخان شمس‌العماره و عنوان تلگرافی : طهران شهاب ، معین گردیده است . طرز انتشار روزنامه هفته‌سه‌نمره وقیمت تك نمره چهارشاهی است • در عنوان روزنامه ، شهاب (روزنامه فارسی ملی مستقل‌الافکار)معرفی گردیده ومندرجات‌آن پس ازدرج مقاله اساسی ، اخبارداخله وبیشتر وقایع واخبار مربوط بجنك بین‌المللی‌است •

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان(پروگرام دولت ایران بمناسبت افتتاح دوره سوم پارلمان) استو بعد متن نطق اعلیحضرت و سپس خلاصه ازمذاکرات مجلس‌شورای ملی وحوادث اخیره جنك بین‌الملل مندرجات شماره اول شهاب ثاقب‌را تشکیل میدهد• قبل از آنکه شماره اول روزنامه طبع و توزیع گردد (بیان نامه) از طرف اداره روزنامه شهاب ثاقب دردوصفحه چاپ ودر تاریخ پنجشنبه ۲۱ محرم ۱۳۳۲ قمری منتشر شده است •

مندرجات بیان نامه بدینقسم شروع میگردد : « روزنامه شهاب ثاقب درهفته آتیه بیاری خداوند متعال با امیدواری بغیرت وحمیت و معارف پرستی هموطنان عزیز درساحت اظهار عامه معروض میگردد • دراین ورقه برای روشن شدن‌مقصد ومرام‌خود نکات زیررا یادآورشده اولا سعی خواهیم‌کرد روزنامه دراوقات معینه منتشر شود ثانیا عجالتا باکمی‌کاغذ بواسطه جنك بین‌المللی هفته سه نمره طبع میکنیم ثالثا منظور تقویت حکومت ملی‌است ٤ تقویت حکومت ایران ٥ انبساط روح عدالت‌وحسن جریان ٦ تحصیل اخبارمعتبره ٥» شماره اول روزنامه درمطبعه ایران طبع شده و همانقسم‌که یادآور شدیم قسمت مهم مندرجات آن وقایع واخبارجنك بین‌المللی‌است •

آبونه سالیانه یکصد و پنجاه نمره درطهران ٤٥ قران ، ولایات داخله ٥٠قران قیمت اعلانات سطری سه قران • صفحات دیگرسطری سی‌شاهی• تك‌نمره پنجشاهی • ازروزنامه شهاب ثاقب فعلا تا شماره ٤٤ مورخ یکشنبه ۲٦ جمادی‌الاول ۱۳۳۳ قمری مطابق ۲۱حمل دردست است •

ولی بطور قطع‌روزنامه تا ذیحجه سال مذکور منتشرمیشده است•قطع وسبك روزنامه درتمام شماره ها مانند شماره اول است

(۷۱۰) شهامت

روزنامه شهامت درشهرمشهد بمدیری وصاحب امتیازی (محمد رضا ـ رهنما) تاسیس ودرسال ۱۳۰۶ شمسی منتشرشده است • امتیاز روزنامه درتاریخ۲۳فروردین ۱۳۰۶ بنام (میرزا محمد رضای رهنما خراسانی) در خراسان از تصویب شورایعالی معارف گذشته است و درهمان سال انتشار یافته • طرز انتشار روزنامه ابتدا هفتگی و بعد یومیه بوده ودر مطبعه (حسینی) طبع شده است •

شماره ۶۳ سال دهم روزنامه یومیه شهامت بصاحب امتیازی وموسسی (م.رهنما روی یك ورق بزرك درمطبعه سربی (حسینی) چاپ ودر تاریخ شنبه چهارم ذیحجه الحرام ۱۳۵۶ قمری مطابق ۱۶ بهمن ۱۳۱۶ شمسی و ۵ فوریه ۱۹۲۷ میلادی منتشر گردیده • جای اداره . خیابان خسروی • آدرس تلگراف : مشهد ، شهامت نمره تلفون ۸۰ • بهای روزنامه : یکساله • داخله ۵۰ ریال ؛ خارجه ۷۰ ریال . ششماهه داخله ۳۰ ریال • خارجه ۴۰ ریال • تکشماره ۲۰ دینار ، پس از دو روز ۵۰ دینار • ارزش آگهی : صفحه اول سطری دو ریال • صفحه دوم سطری یك ریال • شماره مسلسل نمره ۶۳ سال دهم ؛ ۲۶۸ است • هرصفحه روزنامه پنج ستون و مندرجات آن مانند سایر جراید محلی عبارت ازاخبار داخله ومحلی و مختصری از اخبار خارجه و تعداد زیادی آگهیهای ثبتی و غیره است •

(۷۱۱) شهربانی

مجله شهربانی در طهران بمدیر مسئولی (سلطان پارسا) تاسیس وشماره اول سال اول آن در ۶۴ صفحه بقطع پستی درمطبعه سربی (فردوسی) طبع و در تاریخ دیماه ۱۳۱۴ شمسی منتشر شده است • نامه شهربانی مجله ایست ماهیانه و مشتمل بر مطالب (فنی ـ علمی ـ ادبی) راجع بعلت پیدایش ونشرمجله شرحی در ضمن مقاله مقاله افتتاحی تحت عنوان (ترقی و تکامل) ذکر کرده که ما برای مزید اطلاع خوانندگان قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

« در سایه توجهات عالیه شاهنشاهی و در پرتو اشعه زرین همان آفتاب عالم افروز بر گیاهها و گلهای پژمرده بوستان ایران طراوت وروانی تازه بخشیده‌زمستان سرد فساد و خرابی مبدل بهار جانفزای عمران و آبادی گردید • درقلیل زمانی تمام تشکیلات اداری و اجتماعی ما عوض شده و در کلیه مظاهر زندگانی فروغ ترقی و تعالی و اصلاح تابیدن گرفت ••• ازجمله موسسات اداری اداره کل شهربانی است که کارکنان آن باعشقی سرشار در انجام وظیفه محوله کوشیده وسعی میکنند دراین جنبش تکاملی از سایرین عقب نمانده خدمت و فداکاریهای خودرا قابل جلب توجه شاهنشاه عظیم‌الشان خویش بسازند • البته در این موقع که روح تکامل وعلاقه بترقی در کالبد مامورین شهربانی حلول کرده باین درجه کوشش اکتفا ننموده و جدیت‌خواهم نمود بکمال مطلوب خویش نائل گردیم ••• ضمن اصلاحاتی که روسای‌وقت اداره کل

شهربانی در نظر گرفتند درداخله خود عملی نمایند تاسیس مجله پلیس بود • اینك نظر باینکه تشکیلات پلیس تمام ممالك متمدنه دارای مجلات مخصوص هستند ووجود مجله مزبور برای آشنا نمودن مامورین شهربانی باصول جدیدی که در دنیا بمنظور کشف جرائم و جنایات معمول و مجری میگردد از جمله واجبات و ضروریات است اداره کل شهربانی در نظر گرفته مجله فوق‌الذکر را که سابق براین همه ماهه مرتباطبع و منتشر نمیگشت منظما طبع و منتشرسازد(۱) منتهی برای اینکه مورد توجه واستفاده واقع گردیده و وظایف محوله را کماهوحقه ادا نماید تغییراتی در وضع آن داده خواهدشد اولا باسم نامه شهربانی نامیده خواهد شد • ثانیا درقطع و طرز چاپ آن دقت مخصوص بعمل خواهد آمد • ثالثاحاوی مسائل پلیسی ؛ جنائی ؛ معرفت النفسی روان شناسی و یك سلسله مباحث علمیه مهمی بوده و مطالعه آن وسیله فزونی اطلاعات خوانندگان خواهد گشت • در خاتمه تذکر داده میشود مقداری از اوراق اینشماره چندی قبل و پیش از تصویب کابات و اصطلاحات اخیر بطبع رسیده و نظر باینکه تجدید آن موجب خسارت عمده بود بحال سابق باقی ماند والبته ازشماره آینده این منقصت موجود نخواهد بود • ع • پارسا • »

نامه شهربانی همه ماهه مرتبا در ٦٤ صفحه بقطع پستی با کاغذی خوب وطبعی مرغوب و گراورهای متعدد ومطالب بسیار مفید فنی وجنائی منتشر گردید • و شماره ۱۲ سال اول آن در آذر ماه ۱۳۱۵ شمسی در ٦٤ صفحه بقطع مذکور انتشار یافته است • مجله شهربانی دنباله نشریه اداره کل شهربانی بنام مجله پلیس است که‌متجاوز از یکسال و نیم تعطیل بوده ومجددا باین نام منتشر شده است وما بتفصیل در حرف پ کتاب از تاریخچه مجله پلیس گفتگو کرده ایم •

مندرجات مجله شهربانی عبارت از مسائل و حوادث جنائی و اخبار جاسوسی و قوانین و نظامات جنائی‌وغیر جنائیست که درهر شماره بمناسبت این‌وقایع گراورهای متعددی نیز درج شده وفهرست مندرجات درهرشماره درقسمت داخلی پشت جلد مجله طبع گردیده است • وجه اشتراك مجله : یکساله داخله ٦۰ ریال . خارجه ۹۰ ریال ، ششماهه ۳۵ ریال و ۵۰ ریال • درمورد بانوان و دانش آموزان سالی ده ریال تخفیف منظور میشود • نسبت بمامورین شهربانی طبق مقررات متحدالمآل نمره ۱۲ است • مجله شهربانی تاکنون هم بوضع بهتر و بامطالب مفید تری درهر نوبت یکهزار نسخه از آن که قیمت هرنسخه یك ریال است منتشر میگردد .

پاسیار دوم علی پارسا ـ شرح احوال آقای علی پارسا مدیر مسئول مجله شهربانی بدینقرار است : « یکساعت بعداز ظهر روز جمعه سی ام دی ۱۲۲۲ شمسی آقای پاسیار ۲ علی پارسا رئیس شهربانی مشهد پس از چند روز کسالت درسن ۵۰

---

(۱) مجله ای که در اینجا اشاره نموده مجله پلیس است که درجلد دوم کتاب درحرف پ بتفصیل از آن گفتگو کرده‌ایم • خوانندگان گرام میتوانند بدانجا مراجعه فرمایند .

سالکی درگذشت و جنازه با تشریفات و احترامات لازمه بخاك سپرده شد • مرحوم پارسا که از پایوران فاضل و دانشمند اداره کل شهربانی بشمار میرفت پس از اتمام تحصیلات ابتدائی خود در کاشان بتهران عزیمت نموده و درمدرسه الیانس بتحصیل پرداخت متاسفانه بعلت آلودگیهای زندگی وتعهدات وجدانی که برای اداره عائله و برادران کوچك تر از خود بگردن داشت ، ناچار بترك تحصیل شد و در اداره‌شهربانی کل کشور بخدمت مشغول گردید و باحقوق ناچیزی سرپرستی عائله خودرا بعهده گرفت ولی دست از ادامه تحصیل بازنداشت وبمطالعه درعلوم تاریخ ؛ جغرافیا وفلسفه و السنه خارجه پرداخت • پاسیار پارسا مدت سی سال و اندی در دوائر مختلف شهربانی‌مشغول خدمت بود ودرسالهای اخیر درضمن تصدی مشاغل مهم و ریاست دوائر وادارات تنظیم نامه شهربانی را بعهده داشت که دوره چند ساله آن بهترین نمونه ذوق ودانش اوبود.

مرحوم پارسا علاوه برمدیریت‌این مجله نفیس تالیفاتی نیز ازخود بیادگارگذاشته که غالب آنها از زبان‌خارجی ترجمه شده ومشتمل بریك سلسله رمانهای جالب از قبیل (می پرست) ، (شهوت پرست)(مهمانخانه مرك) ، (دست جنایتکاران) ؛ (شبح‌مرموز و (واترلو) میباشد • این مرد دانشمند دررشته های پلیسی وجنائی نیز مطالعات زیاد داشت واغلب‌پایوران جوان شهربانی ازمحضر درس او درآموزشگاه پایوری برخوردار شده اند •

مرحوم پارسا علاوه برمقام علمی ازمکارم اخلاقی نیز بهره فراوان داشت ویکی‌از صفات بارز وی حس تعاون وشفقت اوبود . ازبینوایان دستگیری میکرد واز اطفال خویشا و ندان فقیرش درمنزل خود پرستاری مینمود وگرچه ظاهرا بنظر عصبانی میآمد لیکن آنهائیکه ازنزدیك با اوتماس داشته اند میدانند که وی مردی خوش مشرب و مهربان بود وبهمین جهت دوستان صمیمی بسیار داشت • بهرحال پارسا یکی از خدمت گذاران برجسته وفعال شهربانی ومردی دانش دوست واهل قلم ومطالعه بود وهمواره خدماتش مورد توجه قرار میگرفت • شماره ١٤ سال سوم اطلاعات هفتگی مورخ بهمن ١٣٢٢ •

(٧١٢) شیپور

درتاریخ ٢٣ فروردین ١٣٠٦ شورایعالی معارف امتیاز روزنامه شیپور را در شیراز بنام آقای « میرزا منصور خان خشنود » تصویب نموده است •

(٧١٣) شیخ چغندر

روزنامه شیخ چغندر درطهران بمدیر مسئولی (حاجی نصرت‌الله ابو المعالی) و سردبیری و صاحب امتیازی « میرفتحعلی » تاسیس و درسال ١٣٢٩ قمری منتشر شده است • شماره اول سال اول این روزنامه درچهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی در مطبعه « طهران . باغ مروی مطبعه میرزا علی اصغر » طبع ودرتاریخ چهارشنبه دهم شوال‌المکرم ١٣٢٩ قمری منتشر گردیده . اسم روزنامه « شیخ چغندر » بخط نستعلیق

درست درعنوان روزنامه چاپ شده و عنوان مراسلات : طهران • کوچه پهلوان یزدی نمره ۱۱ معین شده است • طرز انتشار روزنامه هفتگی وقیمت اشتراك آن بدینقرار است : طهران سالیانه ۱۲ قران ، ششماهه ۷ قران سه ماهه ۵ قران • ولایات بترتیب ۲۰ قران ، ۱۲ قران ، ٦ قران • خارجه ۳۰ قران ، ۲۰ قران ؛ ۸ قران ، تکنمره طهران صد دینار • مندرجات صفحه اول وچهارم عبارت ازمقالات اساسی و اخبارمتفرقه و صفحه دوم وسوم مشتمل بر کاریکاتور است بنابراین شیخ چغندر روزنامه ایست مصور هفتگی ، کوچك • مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (وطن در چه حال است) وبدین قسم شروع میگردد :

« از ابتدای دوره مشروطیت تا کنون کسانیکه اوضاع مملکت را مرتبا تعاقب کرده میدانند که این وطن بلادیده ما دوچار چه صدمات شده و چند نجیبش هدف گلوله های خارجی وداخلی گردیده است • ازهمه بالاتر این بود که تمام زخمها ئیکه بواسطه اقراض (!) و جهالت ابناء ناخلف این مملکت به بدن ما در وطن رسیده هر یك ازدیگری کاری تر ودرموقع بروز هریك ازبس مرض مزمن بوده دردهای پدرمان گذشته بکلی فراموش وتوجه عامه بآن مرض آخری جلب میشود ••• (در اینمقاله شرحی راجع بعلت انتشار ومسلك روزنامه ننوشته است •» پس ازسرمقاله مذکور چند سطری بعنوان (اوضاع فلکی) بدینقسم نوشته است : « اوضاع کواکب دراین ماه دلالت دارد بر ترقی عناصر فاسده وملایمت هوا و گرانی ارزاق وپریشانی رعیت و رنجبر وملحق شدن سالارالدوله برشید وارشد وانتظار محمد علی میرزا اقدامات فرمانفرمای آذربایجان را •» و اما دوصفحه کاریکاتور این شماره . در یك صفحه کاریکاتور (شعاع السلطنه و سالارالدوله وارشدالدوله وصمد خان ومجلل » رسم شده که پشت سرهم عقب سر یك نفر اروپائی ایستاده اند و اروپائی بآنها میگوید « اخ دربرو از توکه کاری ساخته نشد من حالا فارس رابکار آوردم » صفحه دیگرقضایای مربوط به بمباردمان تبریز است •

شماره سوم روزنامه نیز مانند شماره اول درچهار صفحه طبع و در تاریخ یاه شنبه ۲۸ شهر شوال المکرم ۱۲۲۹ قمری انتشار یافته ازاین شماره درزیر عنوان روزنامه این سطر اضافه شده است : « جریده ایست مصور طرفدار استقلال ایران جریده آزاد است درهرنمره تاریخ زندگانی معروفین را درج مینماید •» مندرجات این شماره قسمتی از آن مطالب جدی وقسمتی فکاهیست واین قسمت تحت عنوان «خواب دیدن شیخ چغندر» نوشته شده • یك صفحه کاریکاتور این شماره تصویر دونفر اروپائیست که این مذاکرات بین آندو ردو بدل میشود ، مسیو شما اهل کجا هستید ؟ من اهل تازه عالم • اینجا چه میکنی ؟ آمده ام برای جمع آوری بیت المال • بمرغ من هم دانه میدهی • « توضیح آنکه جلوی یکنفر مرغی و جلوی دیگر سکی است » آری • شما که باشید ؟ من اهل هند • زبان انگلیسی میدانی ؟ رعیت انگلیس هم هستم • البته من شما را و مرغهای شما را از خود راضی میکنم• ازروزنامه شیخ چغندر تاشماره سوم دردست است وبرون همین شماره راقط دردست داشته ولی نگارنده شماره اول آنرا نیز دردست دارم چنانچه فوقا خصوصیات آن نقل شد

(۷۱٤) شیدا

روزنامه شیدا بزبان فارسی و ترکی در شهر استانبول تاسیس ودر سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است • شیدا روزنامه ایست مصور و نیمه فکاهی وهر پانزده روز یکبار منتشر میشده • مدیر روزنامه (محمد ضیاءالدین) بوده و روزنامه بوسیله چند تن ازمحصلین ایرانی اداره میشده • منجمله صاحب امتیاز ونویسنده آن (حاجی حسن خان جعفر زاده) و مدیر اداره (مظفرخان اسماعیل زاده) وتصاویر روزنامه بوسیله (میرزا عبدالحسین خان طاهر زاده) رسم شده است • شماره اول روزنامه شیدا درچهار صفحه بقطع ۱۳وسه چهارم اینچ طبع ودر تاریخ ۲۹ شوال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده وصفحات اول و چهارم مخصوص رسم کاریکاتور است • اسم روزنامه شیدا بخط نستعلیق درشت ودر دوطرف آن خصوصیات روزنامه نوشته شده و در زیرعنوان این عبارت درج است : « روزنامه ایست فارسی وترکی مسلك اش بیان حقیقت است • » عنوان مراسلات اسلامبول • محمود پاشا • وجه اشتراك درایران سالیانه ۱۵ قران • در اسلامبول ۳۰ غروش • قیمت یك نمره پنجشاهی • (نسخه سی ۲ پاره) • از روزنامه شیدا جمعا پنج شماره نشر شده وشماره پنجم آن مورخ بتاریخ یکشنبه دوم محرم ۱۳۳۰ قمریست • کاریکاتور صفحه اول این شماره راجع باولتیماتوم دوم روس است که در زیر آن این مذاکرات بین یکنفر روسی وایرانی رد وبدل میشود : «روس این اولتیماتوم دوم را هم قبول کنید دیگر دوستی ما برقرار خواهد بود • دیگر حال تحمل نداریم • شیدا ـ قدری بایست که جوابش را آوردم • »

مرحوم تربیت بطور اختصار راجع بشیدا اینطور مینویسد : « روزنامه نیم ماهه هزلی منتشر دراستامبول بمدیری حاج حسن جعفر زاده تبریزی در ۱۳۲۹ • »

(۷۱۵) شیراز یا اخوت شیراز

روزنامه شیراز درشهر شیراز تاسیس ومنتشر شده است • برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۳) مینویسد من نمونه این روزنامه را دردست ندارم وبا وجود این سال انتشار شیراز را ۱۳۲۸ قمری ضبط کرده درصورتیکه سال مذکور اشتباه است وسال تاسیس وانتشار روزنامه شیراز قبل از شوال ۱۳۲۷ قمریست . مدیر روزنامه حبل المتین خبر انتشار دو روزنامه دار العلم وشیراز را در شماره ۱۸ سال هفدهم مورخ ۲٤ شوال ۱۳۲۷ قمری روزنامه حبل المتین بدینقسم نوشته است : « دواخبار یکی بنام دارالعلم ودیگری باسم شیراز دائر شده خیلی مایه امیدواری گردیده است . » بنابراین مسلم است که شیراز قبل ازشوال سال مذکور انتشار یافته روزنامه دارالعلم نیز بقسمیکه درحرف دال کتاب بتفصیل یادآور شده ایم در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است .

بعقیده نگارنده اسم اصلی وصحیح این روزنامه اخوت شیراز میباشد و اشتباها برون آنرا بنام شیراز ضبط کرده است وجای آن داشت که ما درجلد اول کتاب در

درحرف الف تفصیل این روزنامه را ذکر کرده باشیم ولی برای رفع این اشتباه و اینکه تصور نشود شرح روزنامه (شیراز) ازقلم افتاده باین مجلد موکول کردیم اکنون بتفصیل خصوصیات روزنامه(اخوت شیراز) میپردازیم :

روزنامه اخوت شیراز درشهر شیراز بمدیری (خادم استان فقرای نعمت اللهی عبد الکریم معروفعلی) و معاونت (میرزا سید حسینخان طهرانی دبیر تاج الشعرا) بطور هفتگی تاسیس و شماره اول آن باچاپ سنگی در (مطبعه اسلامیه) طبع و در چهار صفحه بقطع وزیری در تاریخ ١٤ شهر ربیع‌الثانی ١٣٢٦ قمری توزیع گردیده است . اسم روزنامه (اخوت شیراز) با خط نسخ درشت نوشته شده و در بالای آن تصویر دو دست که جمله (یدالله فوق ایدیهم) زیر آن چاپ گردیده ، رسم شده است . عنوان مراسلات : انجمن اخوت شیراز . قیمت اشتراك سالیانهٔ شیراز ١٥ قران ؛ سایر بلاد ایران ١٧ قران . خارجه قیمت پست اضافه میشود .

مقاله افتتاحی روزنامه که در شماره اول طبع گردیده بدینقسم شروع میشود: « بر اخوان بصیر و دانش پژوهان روشن ضمیر که روی گفتار ما با آنان است پوشیده و پنهان نیست که سبب ترقی هرمملکتی ازممالك متمدنه نخست و علت نشر جراید با فواید و افکار بکار صاحبان اخبار است که بدون غرض ومرض مطالب‌مهمه را که مبتنی بر ترقی وطن و رفاهیت ابناء زمن است اشاعه دهند ...» درشماره‌اول علاوه بر سرمقاله مذکور اخبار شیراز تحت عنوان (ورود موکب فیروزی کوکب مسعودی) و نیز اخبار دیگر شهری، راجع باداره نظمیه و غیره وهم چنین در صفحه ٤ مطالبی تحت عنوان (سئوال و جواب) بامضای «معروفعلی» درج است. شماره دوم اخوت شیراز در تاریخ جمعه ٢١ ربیع‌الثانی ١٣٢٦ قمری منتشر شده وازشماره سوم تصویر (تبرزین وکشکولی) درعنوان روزنامه اضافه گردیده است . ازروزنامه اخوت شیراز نگارنده فعلا تا شماره پنجم‌آنرا در دست دارم .

(٧١٦) شیرکوه

روزنامه شیرکوه در شهر یزد بصاحب امتیازی ونگارندگی « شیخ احمد مدیر » تاسیس و در ذیقعده ١٣٤٠ قمری منتشر شده است. اسم روزنامه «شیرکوه» بخط نستعلیق در وسط مربعی چاپ و در چهار زاویه آن کلمات (رنجبر - کارگر دهقان - زارع) درج شده است . شیرکوه روزنامه هفتگی بوده و با چاپ سنگی (مطبعه شیرکوه یزد) طبع میشده . قیمت اشتراك سالیانه آن یزد ٣٠ قران سایربلاد اجرت پست اضافه میشده است تك نمره ٧ شاهی . قیمت اعلانات سطری دو قران و لوایح و مکاتیب خصوصی در حکم اعلان است . محل اداره : یزد . اداره شیرکوه ،

شماره ١٢ سال دوم شیرکوه روی یك ورق بزرك با چاپ سنگی طبع و در تاریخ ٢٩ ربیع‌الاول ١٣٤٢ قمری مطابق ١٦ برج عقرب تنکوزئیل ١٣٠٢ شمسی انتشار یافته سرمقاله این شماره تحت عنوان « تصورات باطل » بدینقسم شروع میگردد «ممکن است بعضی از افراد ملت تصور کنند که فقط لفظ مشروطه درهرمملکتی بزبان ملت‌جاری

شد باید کمال امیدواری را درحسن استقبال و خیر عاقبت آنملت حاصل نموده خوش حال شد که در آن مملکت اساس مشورت بر پا و آثار قانون پیدا میشود وبرای سعادت آن ملت و ترقی آن مملکت دیگر جای شبهه باقی نیست .... » علاوه بر سرمقاله مذکور (اخبار تلگرافی رویتر) و (اخبار داخله) و اشعاری بعنوان (گل زرد) از م.نجاتی و نیز چند خبر راجع بشهر یزد درج شده . این رباعی نیز از مدرس یزدی درصفحه اول چاپ گردیده است .

افسوس که دربی هوا وهوسیم وز جهل گرفتار بهر خارو خسیم
دردا که همیشه‌ازنادانی‌خویش چون مرغ گرفتار بر نج قفسیم

روزنامه شیرکوه در اوائل سال ۱۳۰۶ شمسی پس ازمدتها تعطیل مجددا با بدایره انتشار گذاشته وشماره اول آن که مصادف با ششمین سال تاسیس روز نامه است در اردیبهشت سال ۱۳۰۶ منتشر گردیده است.شماره ششم سال شش شیرکوه درچهار صفحه بقطع کوچك خشتی با چاپ سربی طبع وبصاحب امتیازی ومدیر مسئولی شیخ‌احمد مدیر در تاریخ ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . دراین نوبت روز نامه همه هفته روزهای شنبه توزیع میشده ووجه‌اشتراك سالیانه آن‌بسه تومان ترقی‌داده‌شده است . دراینشماره سرمقاله آن بعنوان مرك وحیات وباین عبارات شروع میگردد :«حب حیات وارتقاء یکی از صفاتی است که دروجود بشرمخمر بلکه درحیوان ونبات هم هویدا است ... » مندرجات اینشماره علاوه برسرمقاله عبارت ازمقاله (حفظ‌الصحه) دنباله شماره قبل ویك مکتوب واخبار واشعاریست تحت عنوان قسمت ادبی مطلع اشعار چنین است :

عقل مسجد رود و عشق رود میخانه عشق عاقل بود و عقل بود دیوانه

علاوه برقسمت ادبی این رباعی نیز درصفحه اول چاپ شده است :

دل آتش‌غم‌برسرخود بیخته دید در کوی توصدهزار خون‌ریخته‌دید
در زلف تو رفت تا پناهی‌طلبد آنجا دوهزار چون‌خودآویخته‌دید

روزنامه استقامت چاپ کرمان درشماره ۹ سال سوم خود مورخ ۷ ارد یبهشت ۱۳۰۶ طلوع مجدد شیرکوه را بدینقسم یادآور شده است.« جریده شریفه شیر کوه منطبعه در یزد که مدتها گرفتار محاق تعطیل شده بود اینك از تعطیل بیرون آمده و شماره اول آن باداره ما رسیده است . موفقیت مدیر وکارکنان آن را از خداوند عالم خواهانیم .»

(۷۱۷) شیر وخورشید سرخ ایران

مجله شیر وخورشید سرخ ایران که ازتاسیسات جمعیت شیر و خور شید سرخ درطهران بوده درسال ۱۳۰٤ شمسی بمدیر مسئولی « آقای میرزا علیمحمد خان‌اویسی» انتشار یافته وشماره اول آن در ٤٤ صفحه بقطع خشتی کوچك درمطبعه سربی مجلس طبع ودرتاریخ خرداد ماه ۱۳۰٤ شمسی توزیع گردیده است . شیر و خورشید سرخ ایران مجله ایست ماهانه ووجه اشتراك آن سالیانه ۲۰ قران وتك شماره دو قران است شمارمجله که روی جلدهرشماره طبع گردیده عبارت ازتصویر شیر وخورشید برنك سرخ

(همان شعار انجمن) میباشد و در بالای آن این آیه قرآن (تعاونوا علی البر) بخط نسخ و در قسمت پائین تر این شعر شیخ سعدی نوشته شده است : بنی آدم اعضای یکدیگرند ✿ که در آفرینش ز یك گوهرند • چو عضوی بدردآورد روزگار دگر عضو ها را نماند قرار ✿ تو کز محنت دیگران بیغمی ✿ نشاید که نامت نهند آدمی . (سعدی)

وچون علامت مخصوص شیر وخورشید هرمملکتی عبارت از زمینه سفیدی است که روی آن شعار مخصوص هرمملکتی نصب شده باشد چنانچه از آن‌مملکت ترکیه بیرق سفیدیست که روی آن هلال احمر نقش شده و از آن مملکت ایران زمینه سفید یست که روی آن شیر و خورشید درفش ایران نقش شده است •

ازاینرو انجمن شیر و خورشید سرخ ایران نیز پشت جلد تمام شماره های مجله را کاغذ سفید قرار داده که روی آن شیر و خورشید سرخ رسم شده است و این نیز شعار مخصوص دوسه شیروخورشید سرخ را میرساند • علاوه بر این خصوصیات شعار مجله در داخل مربع مستطیلیست که اضلاع آن ازخطوط قرمز رسم شده است •

مجله شیر و خورشید سرخ برای نشر عملیات وافکار جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران تاسیس شده توضیح مطلب اینکه دولت ایران پس از قبول و امضاء معاهده بین المللی شیر وخورشید سرخ در ژنو ؛ درسال ۱۹۰۲ میلادی تشکیلات جمعیتهای خیریه شیروخورشید سرخ‌را رسما درمملکت خود پذیرفت ولی بهمان امضای خالی قناعت کرد و جز اسمی در اوراق رسمی وزارت خارجه چیزی درمیان‌نبود تا اینکه در سال۱۳۲۷ قمری برای اولین دفعه بیرق شیر و خورشید با متن سفید باهتزاز درآمد و با جدیت آقای دکتر امیر اعلم رئیس صحیه قشون آن تاریخ مریضخانهای سیاری درتحت لوای شیروخورشید سرخ درجنگهای مختلف پس ازمشروطیت خدماتی بمجروحین جنك می نمود تا اینکه موضوع مهاجرت پیش آمد وکم کم باز اسمی زیاد تر ازشیر و خورشید سرخ باقی نمانده بود • درتاریخ جدید ایران اولین مرتبه که اعضای موسسه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران موفق گردید مجمعی تشکیل دهد درتاریخ پنجم برج اسد ۱۳۰۲ شمسی بود که درعمارت گلستان طهران در تحت ریاست والا حضرت اقدس ولایت عهد (برادر احمد میرزای مخلوع) انجمنی باحضور شاهزادگان عظام وهیئت محترم دولت و جمعی ازاشراف‌واعیان ومبرزین انجمنی تشکیل یافت وپس ازایراد نطق های‌افتتاحیه جمعیت‌هیئتی باسم کمیته مرکزی شیروخورشید سرخ بترتیب زیرانتخاب‌نموده اعلیحضرت پادشاه فقید که در آن وقت‌باسم سردار سپه و رئیس الوزراءومرماند کل قوا بودند بسمت ریاست هیئت برگزیده شدند واعضای دیگر بدینقرار بودند :

۱ ـ آقای دکتر امیر اعلم • نایب رئیس اول • ۲ ـ آقای دکتر سعید خان مالك (لقمان‌الملك) نایب رئیس دوم ۳ ـ آقای میرزا محمود خان جم • خزانه دار ٤ ـ میرزا مجید خان آهنی • منشی ٥ ـ میرزا علی محمد خان اویسی • محاسب ٦ ـ عباسقلی خان قریب (مترجم‌الممالك) منشی •

این هیئت دراولین جلسه خود لوازم کار ازقبیل‌اثاثیه و اوراق وملزومات را

معین نموده و بعداً تشکیل جمعیت را بولایات وایالات ابلاغ نمود وسپس تشکیلات خودرا بکمیته بین‌المللی صلیب احمر اطلاع داد واز این موقع شیروخورشید سرخ رسما درمملکت ما دایر گردید و درهمان سالهای اولیه اعانه‌های زیادی جمع‌آوری نمودوتوانست قدمهای بزرگی به بیماید چنانچه کمکهای گرانبهائی بآسیب دیدگان ترمت و بجنورد و رشت که در سال ۱۳۰۳ شمسی دوچار زلزله و سیل شده بودند نمود و نیز در ولایات مدارس و و مریضخانه هائی از قبیل مدرسه رضوی در خراسان و یکباب مریضخانه در شهر تبریز تاسیس نمود •

من‌جمله از تصمیمهای انجمن شیروخورشید سرخ تاسیس مجله بود بنام انجمن که همه ماهه برای نشریات و تبلیغات خود در داخله و خارجه و نیز برای اطلاع اعضاء جمعیت ازعملیات واقدامات هیئت عامله طبع ومنتشرشود وموضوع انتشارمجله در ص۲۷ و ۲۸ شماره اول سال اول‌درضمن‌مقاله‌ای که راپورت سالیانه جمعیت شیر وخورشید سرخ (از تاریخ هفتم اسد ۱۳۰۲ تاهفتم اسد ۱۳۰۳) نوشته شده است بدینقسم ذکرشده‌است:

تدوین مجله ـ چون لازم بود اعضاء جمعیت شیر و خورشید سرخ از عملیات واقدامات هیئت عامله استحضار حاصل نمایند و بعلاوه جمعیت برای نشریات وتبلیغات‌خود چه درداخله و چه‌درخارجه احتیاج بنشرمجله داشت درهمان جلسات اولیه تصمیم گرفته شد که شرحی بوزارت معارف نوشته شده وامتیاز نشر مجله مزبور تقاضا شود ونظر باینکه امتیاز مزبور بنام آقای دکتر امیر اعلم خواسته شده وایشان هم درطهران نبودند ، صدورامتیازچندی بتاخیرافتاد ـ با اینکه برحسب تصمیم هیئت عامله قرارشد امتیاز مجله باسم آقای اویسی خواسته شود • این بودکه ایشان بسمت مدیرمسئول معرفی شدند واز طرف وزارت جلیله معارف امتیاز طبع مجله بعنوان ایشان صادرگردید و برای شرکت درامور تحریریه مجله برحسب تصویب هیئت عامله ـ آقایان‌دکترجلیل خان ندیم‌السلطان کی استوان و میرزا علیخان معتمدی و آقای امیر احتشام دعوت‌گردیدندکه در ترتیب مقالات وتحریرات شرکت داشته باشند و پس از اینکه مقدمات‌کار فراهم شد شروع به نشرمجله‌گردید •

این بود شرح مختصری از تاریخچه پیدایش مجله شیر وخورشید سرخ ایران‌که ضمناً توضیح مختصری ازتاریخ پیدایش شیروخورشیدسرخ درایران نیزد آن‌ذکرگردیده

اماراجع بمندرجات‌مجله علاوه برآنچه ازمطالب بالا معلوم‌گردید بهتراست‌شرحی که درصفحات ۱ و ۲ شماره اول تحت‌عنوان (افاده مرام) نوشته شده در اینجا نقل‌کنیم وچون قبل از این شرح مقدمه کوچکی که خالی از لطف ادبی نیست درصفحه اول مجله درج شده مناسب است‌آن مقدمه را نیزنقل‌نمائیم :

بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ تعاونوا علی‌البروالتقوی• حمد بیحدوثنای بیمدخداوندی را سزدکه مشتی خاك را از نفخه (نفخت فیه من روحی)گذرگاه جان پاك قرارداده و از پرتو انوار وجود مسعود خواجه‌کائنات و سرورموجودات سید رسل وهادی سبل محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات عرصه‌گیتی‌را روشن‌گردانیده ـ شرافت انسان وسعادت هردوجهان‌را دراطاعت احکام وپیروی شریعت وی بودیعت نهاده چه علم

خاتم رسالت عقل را از ازل‌الازال زیبا ترین پیرایه وعقل او علم را تا ابدا لاباد نیکو ترین سرمایه است •

مهین وخشوری که صدای صدق فحوای (وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی) در شش‌جهت‌آفاق وانفس انداخته ـ گوش هوش بنی نوع بشررا از ابیض واسود واحمر طراً بدر فوایدآبدار و غرور فرائد معجزآثار مخزن گوهرهای اسرار ساخته و هم‌چنین جواهرصلوات بی‌شمار تا بروز شمار نثار ارواح مکرم‌آل واولاد اطهاراو باد که برگزیدگان آدمیان ورحمت عالمیانند• (افاده مرام)

مجله شیر وخورشید سرخ که امروز پای بعرصه وجود نهاده و منتشر میشود ناشر افکار جمعیتی است که در تحت همین نام در سال گذشته تاسیس یافته واکنون میخواهد بدینوسیله خاطرعامه را ازعملیات خودمرتباًمسبوق ومستحضر بدارد•

جمعیت شیروخورشید سرخ بطوریکه درصفحات بعد بنظرخوانندگان گرام‌خواهد رسید (خلاصه از تاریخچه‌آنرا قبلا یادآور شده‌ایم •) نظیر مجامع صلیب احمر وهلال احمراست که ازسالیان دراز درممالك اروپا وامریکا وعثمانی ومصروهندوستان تاسیس یافته ومانند مجامع مزبوره ساعی خواهد بود که درایران نیز نوع پروران‌وخیرخواهان ملت را تحت لوای واحدی درآورده و بکمك ومساعدت عامه وظائفی‌را که داردانجام دهد• این‌جمعیت نوع‌پرور براثرفکر بلند ومساعی ارجمند دانشمند معظم آقای‌دکتر امیراعلم رسما تاسیس شده و افتخاردارد که درتحت ریاست فائقه حضرت اشرف‌آقای رضاخان پهلوی رئیس‌الوزراء و ریاست عالیه‌کل قوای دفاعیه و تامینیه دامت عظمته عملیات خودرا دوام داده و امید میرود که بزودی مقام شایسته درجامعه ملل احراز کند•

مجله شیروخورشید سرخ که درهرماه یکمرتبه طبع وتوزیع میشود اصولامتضمن مسائل ذیل خواهد بود :

۱ـ راپرت عملیات جمعیت شیروخورشید سرخ •

۲ـ اطلاعات راجعه بمؤسسات صلیب احمر و هلال احمر •

۳ـ اخبار راجعه بشیروخورشید سرخ

٤ـ مباحث واطلاعات صحی ٥ ـ صورت مطبوعات واصله ٦ـ صورت محاسبات جمعیت و ثبت اسامی اعضاء و اعانه دهندگان از خداوند منان مسئلت مینمائیم که مارا درایفای این وظیفه یاری فرموده وموفقیت حاصل شود• درخاتمه از دانشمندان و بلند همتان متمنی هستم که همواره این جمعیت نوع پرورومجله را بمساعدتهای مادی‌ومعنوی خود مستظهرومساعدت فرمایندومصداق کلام شیخ‌راهمواره‌درنظرداشته‌باشند که میفرماید:

بنی‌آدم اعضاء یکدیگرند — که درآفرینش زیك گوهرند — چوعضوی بدردآوردروزگار
دگرعضوهارا نماند قرار — توکز محنت دیگران بی‌غمی — نشاید که نامت‌نهند آدمی•

درشماره اول سال اول مقاله مفیدی بعنوان (شیروخورشید چیست ؟) بقلم‌دکتر امیر اعلم ازص ٤ تا ۲۱ مجله درج شده ونویسنده مفصلا تاریخچه پیدایش شیروخورشید دردنیا و درعثمانی ودرایران را شرح داده است • واز صفحه ۲۲ تا ۳۰ راپورت سالیانه جمعیت درج شده • مندرجات صفحات دیگر عبارت ازجریانات انجمن شیر و خورشید و

اسامی اعضاء و اعانه دهندگان بانجمن میباشد .

چهار صفحه کاغذ رنگی ضمیمه مجله است که اعلانات گوناگون صحی در آنها درج است . اداره مرکزی جمعیت و مجله : خیابان ناصریه . طهران و عنوان تلگرافی : شیر و خورشید سرخ . طهران . معین شده است . قیمت اعلانات در مجله سطری ۳ قران و درصورت تکرار تخفیف داده خواهد شد .

مدیر داخلی مجله دکتر علیخان فرهمندی (علیم‌الملك) و منشی مجله آقای میرزا جوادخان مولوی معین گردیده اند .

حرف الصاد

(۷۱۸) صاعقه

روزنامه صاعقه در طهران درداو ۱۳۰۰ شمسی تاسیس وبطور هفتگی منتشر شده است . در شماره ۹ این روزنامه که درحوت سال مذکور انتشار یافته مقاله تحت عنوان (لوح قبر من) درج گردیده که باین‌عبارات شروع میشود : « ایکه برتربت من میگذری دیده گشای ✿ که بخاك قدمت چشم تری دوخته ایم . ای بازرگان کالای بیهوده ، ای فروشندگان مال‌التجاره نا ستوده ، من چون تو برك و بری‌داشتم و با خود نبردم . ای توانگر سرمایه دار . در آن دیار که تو را چون من گذاری است سرمایه و تجملی جز سربلندی از نام نیك بکار نیاید ... »

(۷۱۹) صاعقه شرق

روزنامه صاعقه شرق در شهرمشهد بمدیری (میرزا علی آقا ملکانی) تاسیس و منتشر شده است شورایعالی فرهنك درتاریخ ششم خرداد ۱۳۰٤ شمسی امتیاز روزنامه صاعقه شرق را تصویب نموده و روزنامه دررجب ۱۳٤٤ قمری انتشار یافته است .

روزنامه اختر مسعود درشماره ۲۵ سال ششم مورخ ۱۱ شعبان ۱۳٤٤ قمری‌تحت عنوان (طلوع صاعقه شرق) خبر نشر روزنامه را اینطور نوشته : « جریده شریفه صاعقه شرق که در تحت مدیریت و نگارندگی یگانه دانشمند فرزانه آقای (ع) ملکانی جدیدا از افق مطبوعات خراسان طلوع نموده این اوقات کارکنان اخترمسعود بزیارت شماره های اول ودوم آن نامه مفتخر شده اند . »

(۷۲۰) صبح امید

روزنامه صبح امید درشهر اصفهان بمدیری و محرری (محمد تقی‌ادیب‌خراسانی) تاسیس و در سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است . شماره اول این روز نامه در چهار صفحه بقطع بزرك با چاپ سربی درمطبعه (حبل‌المتین) طبع و در تاریخ ۱۰ رجب المرجب ۱۳۳۹ قمری مطابق ۳۰ برج حوت ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است . اسم روزنامه (صبح امید) بخط نستعلیق درشت و در داخل آن سال تاسیس روزنامه ودر زیر این کلمات که حکایت ازمرام و مسلك روزنامه مینماید درج است : « روزنامه سیاسی ، اجتماعی ؛ علمی ، تاریخی ، ادبی ، اخلاقی . » محل اداره : اصفهان .

چهارباغ • قرائتخانه ملی• قیمت اشتراك داخله یکساله ۵۰ قران •شش‌ماهه ۳۰قران خارجه بترتیب ٦۰ قران و ۳۵ قران • لوایح خصوصی و اعلانات سطری دوقران • بکسبه وزارعین تخفیف داده میشود . طرزانتشار صبح امید ابتدا هفتگی بوده ولی پس از مدتی بطورغیرمرتب انتشار یافته‌است • درشماره اول پس ازآنکه عید سعیدنوروز سلطانی‌را تبریك گفته مینویسد این روزنامه که حاوی مطالب مهمه است هفته یك بار منتشرمیشود قیمتش خیلی ارزان است جمع کنید کتاب کنید در آخرسال یك کتاب جامعی خواهید داشت•

مقاله افتتاحی روزنامه که قسمت عمده صفحه اول شماره اول‌را فراگرفته تحت عنوان (اهمیت مقام جریده نگاری) و قسمتی ازآن بدینقرار است : « روزنامه نویسی یکی ازصناعات مهمه و دردنیای امروزی از بزرگترین مشاغل ارباب سیاست وصاحبان علم و ادب است• مقام یکنفر محررسیاسی در صورتیکه صلاحیت این مقام را حقاً احراز کرده باشد خیلی ارجمند است یعنی او راهنمای ملت و هادی قوم و جماعت شمرده میشود • روزنامه کرسی‌خطابه . منبرموعظه ، مدرسه‌علمی، مکتب اخلاقی‌است وصاحبان آن‌آموزندگان علم وادب ومربیان اخلاق راست کنده کجیها وناهمواریهاهستند•وعلاوه برمقامات علمیه و براعت درصنعت انشاء و نگارش بایستی خود نمونه صفات حسنه و قدو اخلاق پسندیده باشند • تا ملت هم ازتحریرات‌آنها استفاده های علمی کند ،درس های سیاسی و اجتماعی بیاموزد و هم از رفتار و اعمال‌آنها سرمشق های اخلاقی‌فرا گیرد••••••••چطوراست که هرگزدیده نشده بدون مقدمه وسابقه آموزگاری یکنفر دکان نجاری بازکند یا خودرا درمعرض‌کار بستن عملیات میکانیکی درآورد یاکسی‌که صنعت خیاطی را فرا نگرفته خویشتن را خیاط معرفی کند •گویا مسئله خلق الساعه مخصوص صناعت روزنامه نگاری است وبس•مشاهده این سوابق موجب‌گردیده‌که هر قدر دوستان بمن تکلیف میکردند که تاسیس یك جریده بکنیم با اینکه تقریباً بیست سالست که دراین‌صناعت‌زحمت کشیده وکوششهای عملی کرده‌ام همه وقت امتناع میورزیدم و باخود میگفتم دیگران هرقدر میخواهند این‌کار را سهل وکوچك پندارند من که بر اهمیت‌آن واقف هستم چرا خودرا داخل این‌شغل خطیر کنم ویك مسئولیت سنگینی بر دوش خود بگذارم••••• بالاخره اصرار دوستان واظهارحسن ظن ایشان موجب‌گردید که دراین ورطه خطیر وارد شوم ودراین‌کارنخست بجز تاییدات حضرت رب الارباب و توجهات حضرت ختمی مرتبت سیدانبیاء وآل اطهار و اصحاب کبار علیهم‌السلام و بعد مساعدت هواخواهان معارف پشتیبان ندارم ••••»

درشماره اول پس ازسرمقاله مذکور ، مقاله اجتماعی وبعد علمی واخلاقی و در صفحه سوم مقاله ادبی وفکاهی درج است • بعد از این‌مقالات اخبار خارجه و مقاله درباره اصول تعلیم که همه این مقالات بقلم مدیر روزنامه تهیه‌شده درج گردیده است

یا ورقی روزنامه که تحت عنوان (عقل و برد باری) بقلم شیخ محمد حسین قمشه‌ای نوشته شده درصفحات دوم وسوم روزنامه طبع‌شده از اینها گذشته متن تلگراف سید ضیاء الدین رئیس‌الوزراء راجع بباغ هشت وبهشت در همین شماره درج است وما از

لحاظ اهمیت ذیلاً آنرا نقل مینمائیم :

اداره مالیه . کپیه حکومت جلیله - کپیه اداره ژاندا رمری - نظر براینکه باغ و عمارت هشت بهشت که از ید غاصبانه سردار اعظم انتزاع گشته یادگاردوره مجدوعظمت ایران است واینکونه آثارتاریخی که مشاهده آنها احساسات وطن پرستی درخاطرفرزندان مملکت ایجاد مینماید از ذخائری هستند که عامه ملت باید از آنها بهره مند گردند نه اینکه ملك اختصاصی شود لازم است فوراً باغ مزبور را تفرج گاه عمومی قرار داده و بوسیله جشن باشکوهی این نیت دولت را باهالی اصفهان اعلام دارید و برای اینکه باغ هشت بهشت از حالت ملك اختصاصی درآید و بعلاوه عابرین خیابان از مناظر باغ بهره مند شوند تمام دیوارطرف چهارباغ رابرداشته و درعوض بتوسط جمع آوری اعانه طارمی چوبی نصب نمایند عمارت محوطه باغ هشت بهشت را پس از شروع بتشکیلات و اصلاحات بلدی ممکن است موزه آثار نفیسه قرار دهند و برای اداره مالیه محلی معین نموده تلگراف خواهد شده سواد این تلگراف در اعلانی که منتشر خواهید کرد درج نمائید ۲۹ حوت ۹۹ ۰ نمره ۱۲۷۰۷ ۰ سید ضیاء الدین طباطبائی ریاست وزراء

موضوع ملی شدن باغ هشت بهشت که از بناهای معتبرزمان صفویه بوده ازمدتها قبل مطمح نظرآزادیخواهان و مدیران جراید اصفهان بود تا اینکه همانقسم که درتلگراف مذکورملاحظه میفرمایند این کار در زمان ریاست وزرائی آقای سید ضیاءالدین انجام گرفت ونگارنده خوب بخاطردارم که عصرها مردم بداخل عمارت رفته ودر باغ آنجا گردش و تفرج مینمودند ۰ دسته موزیك نیز بترنم نواهای گوناگون مردم را مشغول میکرد ولی دیری نپائید که دومرتبه وضع عوض شد و سردار اعظم باغ را تصرف کرد و برای اینکه مبادا بار دیگر چنین پیش آمدی بنماید آنرا قطعه قطعه نموده وبصورت خانه‌های کوچك درآورده قسمت مرکزی باغ اکنون محل عمارت بانك کشاورزی است روزنامه صبح امید پس‌از مدتی تعطیل مجدداً درشوال ۱۳۴۵ قمری مطابق بهمن ۱۳۰۵ شمسی منتشر گردیده و بطور غیرمنظم مدتی باز انتشار یافته‌است ۰ خبرطلوع مجددصبح امید را درشماره ۹ سال هشتم اخترمسعود بدینقسم نوشته‌است : «گرامی‌نامه مقدس ملی صبح‌امید که چندی بود درمحاق تعطیل بود دو مرتبه منتشر ودو شماره آن بقلم متین آقای ادیب طوسی باداره ما رسیده ما موفقیت آنرا خواهانیم ۰» ونیزروزنامه ارژنك مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۰۵ تجدید انتشارصبح امیدرا تبریك گفته است ۰ طلوع مجددروزنامه دوامی نکرده وتعطیل شده است ۰

میرزا محمدتقی ادیب خراسانی - میرزا محمد تقی معروف بادیب خراسانی برادر مرحوم صدرالافاضل مردی ادیب ودانشمند و مورخ وگوشه نشین بود ۰ کمتر با مردم معاشرت مینمود ولذا شهرتش بیشترنزد خواص بود تا عوام ۰ مرحوم ادیب از اول مشروطیت بعالم مطبوعات خدمات زیادی نموده‌و علاوه بر روزنامه صبح امید که مستقلا آنرا منتشرساخته ، زمانی هم روزنامه زاینده رودرا مینوشت‌ونمرات این‌روزنامه بهترین گواه شجاعت و شهامت اوست ۰ وی علاوه بر روزنامه نویسی ناطقی زبردست بود و وخطابه غرائی که درروزاولتیماتوم روس تزاری درچهلستون ایراد کرد وروح‌مردم‌اصفهان

را منقلب ساخت بهترین شاهد مدعی است • صدای مرك یا استقلال در پایان نطق موثر او از حاضرین بلند شد • روزنامه صدای اصفهان پس از آنکه شرح مفصلی در باره خدمات آنمرحوم بآزادی نوشته اینطور اظهار عقیده مینماید : « ادیب خراسانی یکتا مرد آبرو دوست و مجسمه متانت و عزت نفس است بدلیل اینکه در چندین سال روزنامه نگاری و ایراد نطق وخطابه درمجامع ملی واظهار تهور و رشادت در متینك های عمومی مسلك خودرا بعقلا فهمانید •» نگارنده کرارا اورا در اصفهان ملاقات نموده مردی خلیق و بی آزار و دانشمند بود • وفاتش در اواخر سال ۱۳۲۱ یا اوایل سال ۱۳۲۲ شمسی و قبرش درتخت فولاد اصفهان است •

(۷۲۱) صبح سعادت

روزنامه صبح سعادت در شهر رشت دراوائل سال ۱۳۳٦ قمری منتشرمیشده‌است. اسم این روزنامه در فهرست جراید ولایات در شماره ۵۲ سال پانزدهم چهره نما مورخ غره جمادی‌الثانی ۱۳۳٦ قمری ضبط گردیده است •

(۷۲۲)صبح صادق

روزنامه صبح صادق درطهران بمدیری و صاحب امتیازی (مرتضی قلیخان موید الممالك) تاسیس ودرسال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است • شماره اول صبح صادق در چهارصفحه بقطع وزیری بزرك (٦ سه چهارم در ۱۱ سه چهارم اینچ) با چاپ سربی در مطبعه (شاهنشاهی بمدیری عبدالله قاجار) طبع ودر تاریخ یکشنبه ۲۳ صفر ۱۳۲۵ قمری مطابق ۷ آوریل ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است • قسمتی از مقاله افتتاحی روزنامه در نمره اول وبقیه تا نمره چهار طول کشیده ، آنچه در نمره اول درج شده ذیلا نقل مینمائیم .

« صبح صادق ـ نحمدك لله یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه • صبح شدای صبح را پشت وپناه . هزاران شکر خداوند متعال را که در هنگام طلوع فجر سعادت و ندای اتحاد بین دولت و ملت که هنگام بیداری از خواب گران وطلوع آفتاب توفیق اهالی ایران است مجله (صبح صادق) ازافق سعادت طالع گردید وجهانیان را بشاهراه صداقت و راستی و وظیفه خدا شناسی ووطن پرستی و اطوار دیانت و درستی و رسیدن به نتیجه و فائده خلقت و هستی با ناطقه عزم و همت و بارقه سعادت ارشاد و هدایت می نماید وموجبات ترقیات دنیوی و رسیدن بنقطه علم و آگاهی واشاعه خدمت بابناء وطن و رفع امراض حاصله از بطالت وحزن وتکمیل نواقص معیشت وتحصیل ملکات انسانیت و مدنیت را با بیانی فصیح و روشن میسازد ازخداوند قادر مهربان و دانای ظاهر و نهان با نهایت عجز و مسکنت و افتقار و استکانت خواهنده ایم که آنچه مصالح خیر وترقی دنیوی واخروی برادران عزیز وطن‌ماست برقلم نویسنده این روزنامه جاری فرماید و برروی نظارگان و خوانندگان آن ابواب صبح سعادت گشاید و همه را از خواب گران بیدار کند وازغفلت شام جهالت هشیار نماید انه خیر موفق ومعین والحمد لله الذی

هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله ۰»

سرمقاله نمره دوم روزنامه دنباله همین مقاله وتحت عنوان (بقیه صبح صادق) است ۰ و هم چنین در نمرات سوم و چهارم دنباله همین مقاله است ۰ مندرجات شماره اول پس از سرمقاله (اخبار داخله) و (اخبار خارجه) ویك جدول توقیعات و جدول دیگر (ورود وخروج پستهای ولایات) و جدول دیگر تحت عنوان (نرخ ارزاق ولوازم معیشت) است ۰ در این جدول نرخ گندم ؛ جو ؛ برنج . روغن و غیره بخروار و من تبریز معین گردیده ۰ درصفحه چهارم پس ازیك جدول (صرافیه) که قیمت مسکوکات طلا در آن نوشته شده ، اعلانی راجع بطرز چاپ اعلان درروزنامه ونیز اعلان دیگر راجع به (اسامی وکلای روزنامه درمحلات)چاپ شده است ۰

صبح صادق یکی از روزنامه های بسیار مفید آغاز مشروطیت بوده و بغیر از جمعه هرشب طبع ومرصبح توزیع میگردیده است ۰ عنوان یومیه بودن آن در بالای اسم روزنامه (صبح صادق) قید شده وعلاوه براین عبارت (هوالمو ید) که بمنظور استمداد ازخداوند وضمنا اشاره بلقب مدیر روزنامه (موید الممالك) است در بالا و جمله (صبحکم الله بالخیروالعافیه) در زیر اسم روزنامه چاپ گردیده ۰ اداره مرکزی روزنامه در طهران ۰ خیابان لاله زار شرکت اتفاق ووجه اشتراك آن بدینقرار است: طهران ۰ سه ماهه ۱۲ قران ۰ ششماهه ۲٤ قران ۰ یکساله چهار تومان پنجهزار ۰در سایر ولایات اجرت پست علاوه میشود ۰ درطهران قیمت یك نسخه یکصد دینار ۰ در سایر ولایات سه شاهی ۰ درباره مندرجات ومرام ومسلك روزنامه این سه سطر در زیر عنوان درهرشماره درج است : « این روزنامه آزاد ملی ازحوادث اتفاقات یومیه ومطالبی که راجع بفواید ومنافع عامه است ذکر میکند ومذاکرات مجلس شورایملی را هرروز بمشترکین محترم بطور خلاصه بفاصله یك شب میرساند ۰ اخبار تلگرافی خارجه روز بروز درج خواهد شد نرخ ارزاق واجناس را هفته یکمرتبه معین میکند توقیعات ورود وخروج پست طهران را یومیه مینویسد اعلانات ازهرقبیل پذیرفته مقالات عام المنفعه با امضا قبول خواهد شد ۰»

درحقیقت همانطور که قبلا هم یاد آور شدیم مندرجات صبح صادق پس ازسر مقاله عبارت ازیکی دومکتوب واخبارداخله ومخصوصا مذاکرات مجلس شورایملی و اخبار خارجه است ۰صبح صادق از دوجهت کمال اهمیت را دارد یکی ازلحاظ انتشار مرتب آن که همه روزه صبحها منتشر میشده ودوم ازجهت ذکر وقایع ودرج خلاصه مذاکرات مجلس شورایملی است ۰ برای اطلاع ازسبك مندرجات روزنامه بهترآنست که عنوان بعضی ازسرمقاله های آنرا وهمچنین یکی ازاخبار مجلس شورایملی را نقل نمائیم ۰

عنوان سرمقالات : (مستبد کیست علامات وصفاتش چیست ۰) شماره ٤٢ . (اخبارات شیراز) شماره ٤٥ . (اصلاح امور مملکت وترقی دولت وملت) شماره ٤٦ در اینجا بدنیست خوانندگان گرام ازاعتذاریکه مدیر روزنامه قبل ازسرمقاله شماره ٤٨ سال اول نوشته اطلاع حاصل نمایند : « اعتذار ـ چون درنمره چهل وهشت روز نامه صبح صادق لایحه منسوب بجناب حاجی شیخ فضل‌الله درج شده بود که‌درج وانتشار آن بدون اطلاع

مدیر روزنامه بوده واجزاء اداره بمقتضای خبرنگاری آن لایحه را درضمن روزنامه درج کرده‌اند اینك محض اطلاع مشترکین مینگارد که این نمره چون بخلاف وظیفه وترتیب اداره روزنامه درج شده ومدیر اداره ازآن بکلی بی‌خبر وبی اطلاع بوده است لهذا آن نمره را بکلی ساقط وباطل کرده نمره چهل وهشت را تجدید کردیم وازسهو و اشتباه اداره از آقایان معذرت میخواهیم »

نکته شایان توجه این است که درجه بغض وکینه مردم نسبت بمستبدین تا بدین درجه رسیده که مدیر روزنامه ناچار میشود ازشماره که مقاله شیخ فضل‌الله نوری در آن بچاپ رسیده صرف نظر نماید. دنباله عنوان سرمقالات: « العلم علمان علم الابدان وعلم‌الادیان » شماره ٤٩ . (اتفاقات عجیبه یا بدبختی ملت ایران) شماره ٦١ (مملکت بی ثروت قالب بی روح) شماره ٦٦ (انجمن محترم تجار) شماره ٧٩ (بانك آلمان) نمره ٩٨ . یك قسمت‌عمده ازسرمقاله های روزنامه (اخبار مجلس) است که در حقیقت اخبار مجلس جای سرمقاله را گرفته است ، و اما نمونه از اخبار مجلس روزنامه . « مذاکرات یکشنبه ١٣ ربیع‌الثانی ١٣٢٥ قمری» شب یکشنبه ١٣ تا پنج ساعت ازشب گذشته مجلس منعقد بود ومردم با اجتماع فوق‌العاده رفتند جناب مستطاب آقا سید عبدالله را که بواسطه کسالت مزاج بستری بودند بانهایت ضعف بمجلس آوردند در ورود بمجلس شرحی اظهار داشتند که کسی تصور نکند درموقعیکه برادران ما درخون خود میغلطیدند ماها آسوده نشسته باشیم بلکه باکمال تاسف همدردی خود را با برادران آذربایجانی خود اظهار میداریم مختصرا اشخاصیکه مامور بودند که خدمت جناب وزیر داخله بروند رفتند با جناب محتشم‌السلطنه مراجعت نمودند واینطور خبر آوردند که دردوائر دولتی ازاین اخبار چیزی انتشار ندارد ومنشاء و محرك این اعمال را نمیشناسند و ذات اقدس شاهنشاه بانهایت ملاطفت برای حفظ امنیت آذربایجان وسرکوبی اشرار حاضرند واقدامات لازمه شده است وتقریبا بعدازمذاکرات زیاد استدعا کردند شخص رحیم خان‌را که درطهران‌است گرفتار نموده حبس نمایند تا پسرش را هم بیاورند وبمظالم آنها رسیدگی نمایند.»

نمره دوم صبح صادق بهمان قطع و سبك نمره اول در تاریخ دوشنبه ٢٤ صفر ١٣٢٥ قمری منتشر شده وسرمقاله آن (بقیه صبح صادق) است که باین شعر شروع میگردد :

هنگام سپیده دم خروس سحری — دانی که چرا همی کند نوحه‌گری
یعنی که نمودند در آئینه صبح — کز عمر شبی گذشت وتو بی‌خبری

ازنمره دوم است که (اجمال مذاکرات مجلس ملی بتاریخ ٢٢ شهر صفر) نوشته شده و از آن پس مرتبا خلاصه مذاکرات درج گردیده است ؛ ازنمره ١٧٥ سال اول (مرتضی قلیخان موبدالممالك) بعنوان « مدیر کل وصاحب امتیاز » ونگارنده « میرزا علیخان‌زنجانی» معرفی شده . این شماره درتاریخ پنجشنبه ٧ شهر شوال‌المکرم ١٣٢٥ قمری انتشار یافته وسرمقاله آن پس ازچند سطر بعنوان « اخبار مسرت آثار »

عبارت ازصورت خطابه محمد علیشاه درمجلس شورایملی و بعد صورت قسم‌نامه اوچاپ شده است. از نمره ۲۱۰ سال اول مورخ چهار شنبه ۳ ذی‌الحجة الحرام ۱۳۲۵ قمری مدیر روزنامه‌به (مهدی‌قلیخان موید دیوان) تغییر کرده ولی‌نگارنده همان میرزاعلیخان زنجانی است. در این شماره قبل ازسر مقاله شرحی راجع‌بتغییر مدیر روزنامه بعنوان (اخطار اداره صبح صادق)نوشته که عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم.

«خدمت عموم مشترکین محترم وخوانندگان جریده صبح صادق با کمال احترام تصدیع داده میشود که چون این بنده‌مرتضی‌قلی‌موید‌الممالك‌صاحب‌امتیازجریده‌صبح‌صادق بر حسب صلاحدید جناب مستطاب اجل مخبرالسلطنه وزیر عدیله اعظم دام اقباله بسمت حق گذاری محکمه تجارت انتخاب شده لهذا از تاریخ امروز مدیری اداره صبح صادق را بجناب مهدیقلی خان موید دیوان برادر خویش که مردی تحصیل کرده وبا اطلاع‌است واگذار نموده ومسلم است که جناب معظم له نیز لازمه مراقبت ودقت را در صحت مطالب ومنظم بودن وبموقع رسانیدن جریده خواهند نمود واز طرف خود این بنده نیز لازمه مواظبت وتوجه باین اداره خواهد گردید خاطر محترم خوانندگان محترم ازاین جهت‌آسوده باشد که نقصانی ازاین تبدیل برای اداره حاصل نخواهد شد»

نگارنده مجموعه‌کاملی ازروزنامه صبح صادق از نمره یك تانمره ۲۲۸ مورخ یکشنبه ۲۸ ذی حجه‌الحرام ۱۳۲۵ قمری دردست دارم که الحق مجموعه بسیارنفیس و عالی است وحتی یکشماره هم کسرندارد. ظاهراً صبح صادق بهمین شماره خاتمه پیدا میکند زیرا مجموعه ازاین روزنامه که درکتابخانه مجلس شورایملی است نیز بهمین نمره‌ختم‌گردیده است. شرح‌احوال وعکس‌مرحوم مرتضی‌قلیخان موید‌الممالك بتفصیل در جلد دوم کتاب درذیل روز نامه پلیس ایران طبع‌گردیده خوانندگان گرام برای اطلاع ازآن میتوانند بدانجا مراجعه نمایند.

(۷۲۳) صبح صادق

روزنامه صبح صادق درشیراز بمدیری (سید جوادخان بهشتی) تاسیس‌ودرسال ۱۳۰۴ شمسی منتشرشده است. درچهارم قوس ۱۳۰۳ شمسی شورایعالی معارف‌امتیاز روز نامه صبح صادق را بنام سید محمد جواد بهشتی تصویب نموده ولی روزنامه تا پایان سال مذکور منتشر نشده وطلیعه آن در اول فروردین ۱۳۰۴ نشر شده و بنا بمندرجات سالنامه فارس جریده مزبور چند ماه منتشر و بعد تعطیل شده‌است ولی درنامه‌ای که برادرآنمرحوم‌ازشیرازبنگارنده نوشته‌وذیلاآنرا نقل‌مینمائیم انتشارروزنامه را برای مدت یکسال قید کرده است والله اعلم

آقای محمد رضا دستغیب بهشتی‌کارمند فرهنك فارس برادرارجمند مرحوم‌جواد بهشتی مدیر وصاحب امتیاز روزنامه صبح صادق شرح احوال برادرخودرا برای‌نگارنده بدینقسم نوشته‌اند : « مرحوم سید جواد خان بهشتی (صبح صادق) فرزند مرحوم سید محمد باقر درسال ۱۲۵۷ خورشیدی درشیراز متولد شده ـ فارسی ومقدمات عربی را درشیراز فراگرفته درسن هیجده سالگی برای اکمال تحصیلات ویژه منطق و حکمت

بتهران رهسپار و در آنجا مشغول تحصیل و برای امرار معاش بتجارت اشتغال ورزیده در سن ۲۵ سالگی بقصد تکمیل فقه و اصول بنجف اشرف و کربلای معلی رفته پس از سه سال تحصیل درعتبات از آنجا ببندر عباس نزد عموی خود مرحوم حاج سیدمحسن مجتهد میرود پس ازفوت مرحوم حاج سید محسن ازبندر عباس به بمبئی مسافرت نموده درآنجا بتجارت ودرضمن بموعظه ومنبر میپردازد ازبمبئی سفری بمدرس و کلکته رفته با مرحوم سید جلال‌الدین مدیر روزنامه حبل‌المتین ملاقات ومدتی مشغول نوشتن مقاله برای روزنامه نامبرده بوده واز کلکته بافغانستان مسافرت وبا امیر افغان ملاقات ویك سالی بتدریس فرزندان خاندان سلطنتی مشغول بوده سپس ازافغانستان بکراچی آمده و در سنت مدرسه اسلامی کراچی بتحصیل وتکمیل زبان انگلیسی میپردازد پس‌از فراغ ازتحصیل ازکراچی ببندر عباس آمده مدیری مدرسه جاوید آنجا را عهده دار میشود پس از دوسال مدیری مدرسه جاوید هنگام تشکیل قشون جنوب درایران بسمت منشی‌گری ومترجمی درآن اداره استخدام شده پس از انحلال قشون جنوب بنیابت حکومت آباده اقلید انتخاب وپس ازکناره گیری ازآن‌سمت‌در دادگستری شیراز مشغول کار وکالت میگردد درسال ۱۳۰۳ امتیاز روزنامه صبح صادق را گرفته اول فروردین ۱۳۰٤ طلوع آنرا بشارت داده ویکسال جریده را منتشر ساخته و پس از یکسال بواسطه زیادی کار وکالت وخستگی دماغ و مقتضیات زمان قلم را کنار گذارده بهمان شغل وکالت با پایه یك اکتفا مینماید • دردیماه ۱۳۱۷ در کازرون برحمت ایزدی میپیوندد رحمة‌الله علیه •»

(۷٢٤) صبحنامه

روزنامه هفتگی صبحنامه درطهران با چاپ ژلاتین بمدیری‌ونویسندگی(سیدمحمد رضا شیرازی) تاسیس و درسال ۱۳۲٤ قمری منتشر شده است • برون در کتاب مطبوعات وشعر فارسی (ص ۱۱٤) پس از آنکه توضیح مذکور را در باره این روزنامه مینویسد اضافه میکند که این روزنامه قبل از اعلام مشروطیت وکمی بعد از آن منتشر گردیده وچون درکمال خفا و پنهانی دست بدست میشده بیش از هیجده یانوزده شماره از آن نشر نگردیده سبك روزنامه انقلابی وسیاسی بوده است •

سید محمد رضا شیرازی ـ مدیر ونویسنده روزنامه صبحنامه سید محمد رضا شیرازیست که بعدا بمناسبت انتشار روزنامه مساوات‌معروف بمساوات شده‌مرحوم کسروی درجلد سوم تاریخ مشروطه ایران درباره‌مرحوم مساوات مینویسد سید محمد رضا شیرازی مدیر روزنامه مساوات مردی بی باك وخیره‌سری میبود و درنوشتن این روزنامه نیز بی باکی وخیره‌سری از خود مینمود این نیز همچون مدیر روح‌القدس شاخ بشاخ محمد علی میرزا انداخته زور بتند نویسی میزد چنانکه دریکی ازشمارهای روزنامه خود داستان اوی شانزده‌پادشاه‌فرانسه وگریختن او ازپاریس را نوشته است • شرح زندگانی‌مرحوم مساوات مفصل وداستان مهاجرتش ازایران بقفقاز مبسوط است که امید است بتفصیل‌آنرا در جلد چهارم کتاب درذیل روزنامه مساوات ذکر نمائیم •

(۷۲۵) صحبت

روزنامه صحبت درشهرتبریز بزبان ترکی بمدیری (سید حسین عدالت) تاسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است • این روزنامه چنانچه یادآورشدیم بزبان ترکی بوده و با چاپ سنگی منتشر و پس از نشر چهار شماره توقیف گردیده است• مرحوم تربیت درفهرست جرایدآذربایجان در باره علت‌توقیف صحبت مینویسد :«روزنامه صحبت بواسطه نشریك مقاله بطورلطیفه درشماره چهارم بعنوان (دنده کج) در باره تسترنسوا ن ولزوم اصلاح حال آنان مورد غیظ روحانیون و عوام‌گشته توقیف گردیده است » عنوان ترکی مقاله که باعث توقیف روزنامه شده و مرحوم تربیت‌آنرا دنده کج ترجمه کرده (کج کبور گه) است •

سید حسین عدالت - سید حسین‌مدیرروزنامه صحبت علاوه براین روزنامه،روزنامه های عدالت ، الحدید وخبر وانادیلی راکه روزنامه اخیر نیز بزبان ترکی آذربایجانی است در تبریز منتشر نموده ومرحوم کسروی در چند جای کتاب تاریخ مشروطیت ایران نام اورا ذکر کرده من‌جمله درجلد اول کتاب (ص ۵۸) درجائیکه ازفزونی‌روزنامه‌های مشروطیت گفتگومینماید مینویسد : الحدید• نویسنده‌آن سید حسینخان از نیکا نست و درروزنامه‌اش نیز که سپس‌آنرا بنام‌عدالت نوشت ازچاپلوسی خودداری کرده‌و گفتارهای سودمندی مینوشت در جای دیگر همین مجلد (ص ۲۰۷) که ازکوشندگان مشروطیت تبریز نام میبرد اسم میرزا سید حسنخان عدالت را پهلوی اسامی تقی‌زاده ، سید محمد شبستری ومیرزا محمد علیخان تربیت ذکرکرده و او را درجزو کوشندگان تبریز یاد کرده است • و باز درص ۳۷۳ همین کتاب مینویسد : میرزا سید حسینخان دارنده عدالت که روزنامه اش تا پس ازچند ماه از آغازمشروطیت بیرون‌آمد روزنامه کوچکی بزبان ترکی بنام (انادیلی) بیرون داد که‌آنهم زود ازمیان رفت •

(۷۲۶) صحت

روزنامه صحت درسال ۱۳۲۵ قمری درطهران منتشرشده‌است•(کتاب‌مطبوعات وشعر فارسی ص ۱۱٤)

(۷۲۷) صحت

درسال ۱۳۰۳ شمسی مجله‌صحت درخراسان بطورماهیانه تاسیس‌ومنتشرشده‌است

(۷۲۸) صحت

مجله صحت درشهراصفهان بمدیری (میرزاحسین خان صحت) تاسیس ودرسال ۱۳۰٤ شمسی منتشرشده است • شماره اول این مجله در بیست صفحه بقطع خشتی و با چاپ سربی بمدیری وصاحب امتیازی (ح•صحت) طبع ودر تاریخ فروردین ۱۳۰٤ شمسی انتشار یافته است•مقاله افتتاحی مجله صحت بدین‌قراراست«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم•

طلیعه مجله صحت که چندی پیش انتشار یافت برای تعیین مشی و مرام این مجله کافی است. باحتمال اینکه از نظرها محو نشده باشد برخی خصوصیات آن تکرار میشود. مجله صحت هرچه مینویسد باعبارات ساده و نزدیک بفهم عموم است محتویات این مجله محصور در مطالبی است که بحال طبقات سوم و افراد جوان و ابناء ایران مفید و پس از مطالعه نتیجه و فائده معنوی از آن بدست میتواند آورد. ایران محتاج تربیت است از میان اقسام تربیت و در میان انبوه عوامل تربیت کننده نشریات ساده مفید بیشتر در اعماق جمعیت نافذ است اقتصادیات ما که امروز روح و حقیقت جامعه شده است باز هرچه باشد با انتشار حقایق راجع باین موضوع میتواند یک قدم بطرف تعالی پیش بگذارد همین قدر میتوانیم گفت با اینکه تازه بعالم صحافت قدم گذاشته ایم ولی با ملاحظه اوضاع نگارندگی و با تجربیاتی که دیگران آموخته و ماهم پند گرفته ایم باین امر مهم اقدام نموده و میخواهیم تا اندازه‌ای که ممکن است محتویات مجله صحت را سودمند و مفید قرار داده تا حتی الامکان بخدمتگذاری بافکار عمومی اندک حقیقت و معنی بدهیم چون مجله برای نگاهداشتن و از آن استفاده کردن است لذا مطالب آن باید قابل حفظ و استفاده بوده و کهنگی بر آن مستولی نشود. محتویات مجله صحت نیز با کوشش و اقدامی که بعمل آمده است شامل همین خصوصیت گردید و کهنگی بر آن فائق نمیشود و اگرهم بشود باز چندی را درحال جوانی و نشاط میگذراند. درطبع آن نیز سعی لازم بعمل آمده است که خوانا و بی غلط و روشن باکاغذهای مرغوب و خوش سلیقه طبع شود. درقیمت اشتراک نیز باز رعایت حال طبقات سوم شده و با ارزانترین قیمتی که ممکن بوده است

صفحه (۵۶۷) شماره (۱۰)

سال دوم — اشتراک سالیانه

مجله ملی ماهانه — همه جا ۶۳ قران

صحت

مدیر و صاحب امتیاز حسین صحت

اعلانات سطری یکقران

علمی ادبی سیاسی اجتماعی — برای مشترکین

اقتصادی — وغیره — اعلانها تا دو سطر مجانی

اصفهان دی ماه ۱۳۰۵

قالی ایران

(۳)

رنگ های طبیعی علاوه بر آنکه در اهمیت قالی میافزاید از نقطه نظر اقتصادی نیز استعمالش نافع تر است زیرا که یک قسمت عمده این الوان در خود مملکت تهیه شده و بمقدار زیاد یافت می شوند —

چون اهمیت استعمال الوان طبیعی ذکر شد لازم است که اسامی آنها وطرق استفاده شان را بیان نمود

بطور کلی رنگهای طبیعی بر دو قسمند

۱ — رنگهای نباتی

۲ — رنگ حیوانی

یک صفحه از مجله صحت

آبونمان قرار داده شده • خوانندگان محترم از این قسمت اخیر بیشتر استفاده نموده بمطالعه این مجله بیشتر رغبت مینمایند• در قسمت ترجمه های این مجله ملاحظاتی بعمل آمده است که هر ترجمه از آن که قابل جمع آوریست در یك کتابی مدون گرددو این نکته در هنگام طبع وتجلید رعایت شده است•»

چنانچه از مقاله افتتاحی مذکور واز مطالعه مندرجات شماره‌های دو ساله مجله معلوم میگردد؛ محتویات مجله‌صحت بیشتر ترجمه‌های خارجی‌ومقالاتیست درباره‌ترکیبات غذا وحفظ الصحه بدن وطرز جلوگیری ازامراض مختلف وخواص شیمیائی ادویه‌واجسام و از این نظرتا اندازه مندرجات‌مجله با اسم آن مطابقت‌دارد• مضافا باینکه شغل‌مدیر مجله‌دوا فروشی‌بوده وبا این مطالب کمال تناسب را داشته است• مقالات مربوط‌بتجارت نیز گاهی در مجله چاپ شده • گرچه‌درعنوان مجله؛ صحت مجله علمی؛ ادبی سیاسی اجتماعی ،اقتصادی وغیره معرفی شده ولی قسمتهای ادبی وسیاسی واجتماعی کمتر درآن دیده میشود•

از مختصات مجله صحت قسمتی است که در هر شماره تحت عنوان (ملانصرالدین قرن بیستم) بصورت مذاکره با ملا نوشته شده ومن‌جمله در شماره ششم ملاقات ملارابا علی‌ورجه بدینقسم آورده است:

ملا ـ السلام علیکم ـ آعلی ورجه مدتی بود کجا تشریف داشتید • علی ورجه مسکو رفته بودم • ملا ـ واقع بگو به‌بینم مسکو چطور جائیست؟ علی‌ورجه مسکو مثل بهشت شده‌است• (دراین‌جا دوقسمت دیگرهست که با جو هر خط زده شده‌است)

قسمتی از مقالات مجله صحت بقلم آقایان اطباء اصفهان از قبیل مرحوم میرزا مسیح خان حافظ الصحه ودکتر میرزا احمد خان وغیره میباشد وبقیه بقلم آقایان ضیا و جناب ـ امیر قلی امینی (مدیر روزنامه اخگر) ـعنایت‌الله‌خان،سهراب ، جلال‌الدین‌همائی غلامحسین زیرك‌زاده تدوین شده • برای مزید اطلاع خوانندگان عنوان بعضی‌ازمقالات مجله را نقل مینمائیم: شیر ـ ویتامین ـ فواید میوه ـ فواید شیر ـ سیاه زخم ومعالجه آن میخچه ها ـ عرق هـا ـ ناخنگر ـ تعریف قالی ـ پشم ـتغذیه ـ علم اقتصاد ـ تداوی روحی•

شماره دوم مجله در اردیبهشت ۱۳۰٤ شمسی وشماره سوم در خرداد وچهارم آن در تیر ماه سال مذکور منتشر گردیده و بنا بر این طرز انتشار مجله ماهانه بوده است نشر شماره نهم سال، مصادف با جلوس‌اعلیحضرت پهلوی فقید یعنی آذر ۱۳۰٤ شمسی بوده وبهمین مناسبت در صفحه اول شرحی تبریك بعنوان (طلوع سعادت) نوشته است• سال اول مجله‌با انتشار شماره ۱۲ در ۲٤ صفحه بهمان قطع شماره اول در اسفند۱۳۰٤ پایان یافته واین شمارة در مطبعه سربی (شرکت اتحاد) چاپ شدة است • تمام‌شمارة های سال اول دارای‌یك قطعه وبا چاپ سربی روی کاغذ خوب طبع گردیدة است •دو شمارة اول ودوم سال دوم متعلق بفروردین واردیبهشت ۱۳۰۵ یکجا در ٥٦ صفحه‌بقطع خشتی طبع و منتشر شدة و سال دوم با انتشار شماره نهم که باشمارة هشت در یك

مجله است در آبانماه ۱۳۰۵ منتشر گردیده و دوره مجله صحت خاتمه پیدا کرده واز آن پس تبدیل بروزنامه شده است. وجه اشتراك مجله همه جا ۳۶ قران قیمت اعلانات سطری یك قران وبرای مشترکین تا دو سطر مجانیست. محل اداره: اصفهان. خیابان خوش دواخانه صحت. آدرس تلگرافی: صحت.

(۷۲۹)

صحت

دنباله انتشار مجله صحت روزنامه صحت است که در سال ۱۳۰۶ شمسی مجله عنوان روزنامه پیدا کرده و

نمونه از مجله صحت

تیامنشاهی ایران

نهم ابان ماه

دوره پهلوی

صحت

شماره نهم بتاریخ آذرماه ۱۳۰۴

وجه اشتراك

یکساله همه جا ۳۶ قران

مدیر و صاحب امتیاز ـ حسین ـ صحت

عنوان مراسلات

اصفهان خیابان خوش دواخانه صحت

آدرس تلگرافی

صحت

اصفهان مطبعهٔ شرکت اتحاد

بصورت روزنامه منتشر شده است بنا بر این روزنامه صحت در شهر اصفهان بمدیری (حسین صحت) تاسیس ومنتشر شده است. آنچه در صورت امتیازات وزارت معارف راجع بتصویب امتیاز مجله صحت در جلسه ۵ مهر ۱۳۰۶ شورایعالی معارف ضبط شد مربوط بهین روزنامه صحت است.

شماره ۱۹ سال او روزنامه صحت روی یك ورق بقطع وزیری بزرك با چاپ سربی (اصفهان مطبعه اتحاد) طبع ودر تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است. پس از تبدیل مجله بروزنامه؛ مدیر روزنامه (حسین صحت) وسردبیر (ریشو) معرفی شده

وتصویر ریشو یعنی مردیکه دارای ریش بلندیست در سر لوحه روزنامه چاپ شده • اسم روزنامه بخط نستعلیق درشت ودر بالای آن (السلام علیکم) وآیه (افوض امری الی الله) طبع

السلام علیکم

افوض امری الی الله

صحت

مدیر . حسین صحت — سردبیر ریشو

محل اداره

اصفهان - جنب دواخانه صحت

قیمت سالیانه همه جا بیست قران

از معارف خواهان ده قران علاوه گرفته میشود

تك نمره ٥ شاهی

اجرت اعلانات ازمفت ارزانتر است

یك صفحه از روزنامه صحت

شماره ٤ — ١٧ بهمن ماه — سال اول

عید سعید ولادت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه را بعموم شیعیان دنیا تبریك میگوئیم

عجل علی ظهورك یا صاحب الزمان
از بسکه فتنه گشته و آشوب در جهان
وقتیکه بروز حقیقت و انصاف از میان
یا آنکه گشته احمد مرسل بهر زمان
فرض است کسب علم بمردان و هم زنان
بگذشت خلق جاهل و بیچاره هم عنان
عجل علی ظهورك یا صاحب الزمان
مردم چه کور تر همه از علم بی خبر

گل باشید

از دوستانیکه برای صحت مبارك باد نوشته اند و از نویسندگانیکه با نوشته جات خود ما را تبریك گفته اند ممنون و سپاسگذار بوده صحت

اکادمی ریشو

بشارت

قبول اشتراك جریده صحت با نمره پنج فرستاده می شود
مفتر صحت

بی سیم ریشو

دادن پادشاه افغان ١٢٥ هزار فرانك بفقرای پاریس و بلشویسدن مساعده

گردیده است محل اداره روزنامه: اصفهان • جنب دواخانه صحت وقیمت سالیانه همه جا بیست قران و از معارفخواهان ده قران علاوه گرفته میشود • تك نمره ٢ شاهی • اجرت اعلانات ازمفت ارزانتر است • مندرجات روزنامه صحت پس از درج مقاله اساسی عبارت ازاخبار محلی و داخله و خارجه و اعلانات است • بخصوص اعلانات ثبتی در روزنامه زیاد است درشماره نمونه بعوض سرمقاله (لایحه انحصار تریاك) طبع گردیده درصفحه دوم آگهی های ثبتی و تجارتی چاپ شده است • روزنامه صحت بطور غیر مرتب طبع وتوزیع می شده وظاهرا دوهمین سال هزار وسیصدو هفت شمسی بانتشار آن خاتمه داده شده است

میرزا حسین خان صحت - آقای حسین صحت از خانوادهای گمنام اصفهان است که دراثر لیاقت و جدیت و پشتکار توانسته است درمیان همشهریان خود مقام ارجمندی را حائز گردد؛ نامبرد مدتی در پلیس جنوب مشغول خدمت بود و پس از آن بشغل دواسازی و دوا فروشی مشغول گردید وبعد وارد تجارت شده است واکنون ازسرمایه

بزرك اصفهان محسوب است • آقای صحت برخلاف اغلب همشهریان خود که پس از رسیدن بجاه و مقام دوچار غرور و نخوت و کبر میگردند ؛ مردی ساده و بدون آلایش و با همه کس نشست و برخاست مینماید • آقای حسین صحت در بدو امر مدرسه صارمیه با اینکه هنوز ثروتمند نشده بود مختصر علاقه ملکی خودرا وقف کتابخانه مدرسه مذکور نموده وهمیشه این موضوع را جزو افتخارات خود محسوب میدارد • از آثار خیر آقای صحت مدرسه ایست که ازپول خود درمحله شمس آباد مقابل شاهزاده ابراهیم بنا نموده ومدتی است محصلین در این مدرسه بفرا گرفتن علوم جدیده مشغولند • آقای صحت دراغلب انجمنهای شهری شرکت دارد و از اینراه بشهر وهمشهریان خود خدمت مینماید • مدیر مجله و روز نامه صحت مردی است خوش مشرب وهمیشه خانه اش مرکز اجتماع دوستان و آشنایان است وی بخصوص به اهل فضل و دانش علاقه وافری دارد و بیشتر اوقات خودرا با نان بسر میبرد •

آقای حسین صحت

(۷۳۰) صحت ایران

روزنامه صحت ایران در سال ۱۳۰۱ شمسی درطهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۷۳۱) صحت نمای ایران

مجله صحت نمای ایران در طهران بصاحب امتیازی و موسسی (دکتر ابراتور محمد علی توتیا) تاسیس و درسال ۱۳۱۲ منتشر شده است • شماره اول این مجله در ۲٤ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (دانش) واقع در خیابان ناصریه طهران طبع و در تاریخ فروردین ۱۳۱۲ منتشر گردیده • مندرجات مجله صحت نمای ایران چنانچه از اسم آن نیز پیداست و درعنوان هر شماره نیز معرفی شده (مجله صحی : اخلاقی ، طبی) عبارت از مطالب صحی . اخلاقی و طبی است که برای تندرستی و تکثیر وازدیاد نفوس نوشته میشده •

در شماره اول پس از درج تمثال اعلیحضرت رضا شاه فقید مقاله افتتاحی مجله تحت عنوان (مرام ما) راجع به پیدایش و مندرجات مجله نوشته شده که ما برای مزید اطلاع خوانندگان قسمتی از آنرا نقل مینمائیم • قبل ازنقل مقاله افتتاحی چند سطریکه در ذیل تصویر اعلیحضرت فقید چاپ شده نقل مینمائیم تا خوانندگان به بیگناهی کسانیکه این قبیل اشعار را سروده اند اذعان و اعتراف نمایند :

(نه کرسی فلك نهد اندیشه زیر پای ☆ تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد)

آقای مدیر مجله صحت نمای ایران در زیر تصویر شاه فقید این سطور را نوشته است:

« این نامه که مشحون بمطالب صحی و تعلیمات گرامی مربوط بحفظ صحت عمومیست بنام نامی اعلیحضرت اقدس همایون پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه بتمثال بی مثال ایشان که بتدابیر علمی جسم علیل این مملکت را که سالیان دراز در اثر امراض سیاسی دوچار نا توانی بود و بعقیده اطباء ماهر بنبض شناس سیاست مجال برء و بهبودی برای آن متصور نبود بطور محیرالعقولی بسلامت وصحت سوق داده و ازهرگونه خطری نجات بخشید شروع میشود • و امیدوار است همانطور که جسم علیل مملکت را ازناتوانی رهائی بخشود با اندك توجهی وسائل صحی افراد اهالی مملکت را نیز بیش از آنچه هست امر بتامین فرموده از این حیث هم مملکت باستانی را قوی وتوانا فرمایند وعامه را مرهون این بذل توجه سازند •» و اما مقاله افتتاحی مجله :

« مرام ما — بسیار خوشوقت و مسروریم که بعدازیکسال زحمت و مجاهدت بالاخره موفق بتوزیع و نشر اولین نسخه مجله صحت نمای ایران شدیم و اینك در سر لوحه اولین شمارهٔ آن ، مرام ؛ مقصد ، مسلك ؛ هدف و کمال مطلوب خودرا برای استحضار خاطر خوانندگان بیان مینمائیم : صحت نمای ایران چنانکه از عنوان آن مستفاد میگردد مجله ایست طبی که کلیه مندرجات آن در دائره این سه موضوع ومسائل مربوط بانها محدود و با سیاست و پلتیك که بنیاد و پایه جراید یومیه را تشکیل میدهد سرو کاری نخواهد داشت • منظور ما ازانتشار صحت نمای ایران این نیست که تنها مجموعه ای از تحقیقات علمی و تطبیقات صحی ازخود باقی بگذاریم بلکه ما میخواهیم نتایج و تجربیات وتدقیقات مسلم مدت متمادی را مطابق آنچه برای العین دیده وازطرف مولفین مختلفه متفقا قبول شده است درطی صفحات این مجله بعرض خوانندگان برسانیم کمال مطلوب و امید قلبی ما این است که با ارائه طرق علمی وسهل العبور دوازده ملیون جمعیت علیل وناتوان کنونی را درمدت قلیل مبدل بملتی بیست ملیونی متین عاقل سالم تندرست نموده وبقدر قوه و درحدود توانائی خویش برای جلوگیری از فساد نسل از بذل هیچگونه مساعی وفداکاری دریغ نداریم •» دراینجا مدیر مجله شرحی ازاین که مصمم است تا آخرین حد امکان درمنظور خود ایستادگی نماید واینکه ایران کنونی تا چه اندازه محتاج بافراد تندرست وتکثیر نفوس میباشد شرح داده وپس از آن مقایسه مختصری بین جمعیتهای ایران وممالك فرانسه ؛انگلیس،آلمان،ایطالیا نموده وتوضیح داده که تاچه اندازه جمعیت فعلی ایران نسبت بان ممالك کم است بعد دنباله مطالب و مقاله را اینطور مینویسد : « صحت نمای ایران مصمم است که تمام علل وموجبات این وقفه را که بطور قطع ومسلما ناشی ازعدم رعایت حفظ الصحه است یکی یکی ارائه داده و راه علاج قطعی آنرا نشان دهد • بنابراین وظیفه صحت نمای ایران عبارت خواهد بود ازفهماندن معنای حقیقی و راه حصول عملی صحت حقیقت وماهیت علت ومرض و ارائه طرق عملی وسهل برای جلوگیری از آن • صحت نمای ایران میخواهد علم مجاهدت به

دست گرفته وبرای تامین صحت عمومی با امراض خصوصا امراض تناسلی که از هر بلای آسمانی هم خطر ناکتراست اعلان جهاد بدهد زیرا ایمان قطعی آن این است که با وضعیت فعلی و برای مشتی مردم علیل و نا توان مراعات صحت از رعایت روزه و نماز واجب تر است زیرا اداء این فرایض بدون داشتن صحت امکان پذیر نتواند بود ... درقسمت طبی این مجله آخرین کشفیات جدید طبی را با زبانی ساده مشاهده و مطالعه خواهید نمود صحت نمای ایران تمام دکترهای حاذق ایران رابوسیله گراور کردن عکسهای آنها بهمه معرفی نموده و وظایفی را که آنها نسبت به خود و نسبت بعموم دارند با بیانی صریح و آشکار تذکر خواهد داد . صحت‌نمای ایران بنوبه خود طرقی را که برای اکمال و ترقی مدرسه طب دارد نشان خواهد داد . صحت نمای ایران برای تعیین وظایف حتمی و ضروری والدین نسبت باطفال خود ، برای تامین صحت عمومی وبرای‌جلوگیری از انحطاط سریع خواهد کوشید و برعله فساد اخلاق که یکی ازعوامل شیوع امراض مسریه است فداکاری‌خواهد نمود ...» . سرمقاله مذکور که اصول مطالب آنرا نقل کردیم شش صفحه مجله را اشغال کرده وپس از آن مقاله شرح حال زکریای رازی بتفصیل تاصفحه ۱۲ مجله سپس مقالات کوچك دیگر از قبیل اوضاع مدرسه طب ایران وشخصی که یك عمل جراحی در باره خود نموده است و در(قسمت طبی) مقاله ای تحت‌عنوان (سل‌قابل شفاست یانه) چاپ شده است .

طرز انتشار مجله ماهانه بوده و وجه اشتراك آن سالیانه ۱۲ ریال ؛ ولایات ۱٤ ریال ، خارجه یك دولار وبهاء تکشماره یکریال معین شده است . دفتر اداره : میدان پهلوی ، مریضخانه توتیا . اطاق صحت نمای ایران . آدرس تلگرافی :توتیا. مجله صحت نمای ایران از حیث طبع وکاغذ وجلد بسیار زیبا وخوب است گرچه تعداد صفحات آن کم میباشد ولی درهمین مختصر دقت زیاد بکار برده شده است شماره دوم آن بهمان قطع وسبك شماره اول‌در اردی بهشت ماه ۱۳۱۲ منتشر شده ومختصر تغییری که‌دراین‌شماره‌داده‌شده عبارت از این است که فهرست مندرجات دریکطرف‌روی جلد فارسی وطرف دیگر بفرانسه نوشته شده . درشماره دوم گراور این آقایان پزشکان (دکتر امیر اعلم ؛ دکتر محمدخان علاء ، دکتر لقمان‌السلطان) طبع گردیده و نیزعکس مدیر مجله درهمن شماره گراور شده است .

آقای دکتر محمد علیخان توتیا ـ آقای دکتر توتیا مدیر مجله و رئیس مریض خانه توتیا علاوه برطبع ونشر مجله این کتب را نیز تالیف وطبع نموده اند : ۱ امراض زهروی (مقاربتی) دراین کتاب از تدابیر احتیاطی برای مبتلی نشدن بامراض سوزاك و سفلیس وطرزمعالجه قطعی این دومرض گفتگو نموده . کتاب مذکور درسال ۱۳۱۰ شمسی درمطبعه (فردین وبرادر) در ۱۷٤ صفحه بستی طبع شده . قیمت آن هفتریال است . ۲ ـ استمناء بالید واستشهاء بالید ومعالجه آن (جلق) کتاب مذکور در سال ۱۳۱۰ شمسی در چاپخانه اتحادیه در ۱۰۱ صفحه بستی طبع شده . قیمت آن سه قران است ۳ ـ مالش وتماس .

آقای دکتر توتیا درسال ۱۳۰۹ شمسی درطهران مریضخانه بنام (بیمارستان توتیا) در تحت ریاست خود تاسیس نموده و این عملیات در آنجا اجری میشده است : جراحی وعملیات کبیره ـ معاینه ومعالجه برق ـ امراض مقاربتی امراض زنانه و قابلگی زایشگاه خصوصی ـ دارالتجزیه •

(۷۳۲) صحیه وامور خیریه

مجله صحیه وامور خیریه که از انتشارات (وزارت صحیه وامور خیریه) است درطهران چاپ ومنتشر شده • شماره اول این مجله در ۳٤ صفحه بقطع کوچك در مطبعه سربی (فاروس طهران) طبع ودراسد تخاقوی نیل ۱۳۰۰ شمسی مطابق ذیقعده ۱۳۳۹ قمری انتشار یافته است •

شعار مجله تصویر شیروخورشیدی است که علامت دولتی بودن مجله است و درزیر آن جمله (وزارت صحیه و امور خیریه) چاپ شده • ودریکطرف آن تصویر (ابوبکر محمدبن زکریا الرازی وفات ۳۲۰ هجری) درحالیکه با قرع وانبیق مشغول آزمایش میباشد و درطرف دیگر تصویر (الشیخ الرئیس ابوعلی سینا وفات ۳۷۹) است این تصاویر رویهمرفته شعار مجله را تشکیل میدهد • در بالای اسم مجله عبارت (نعمتان مجهولتان الصحة والامان) و در زیر آن فهرست مندرجات هر شماره طبع گردیده است • مقاله افتتاحی مجله که بعنوان (مجله صحیه وامور خیریه) نوشته شده بدین قرار است :

« وزارت صحیه وامور خیریه که بعون وباری خداوند قادر متعال ودر تحت توجهات عالیه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فداه برای برآوردن یکرشته از حوائج روحانی وجسمانی این کشور جدیدا تاسیس شده است درمراحل اولیه حیات خویش ایجاد یك مجله صحی را بر ذمه خود لازم شمرد واینك شماره نخستین آنرا منتشر میسازد •

این مجله چنانکه اسم آن بخوبی میرساند دردو رشته مهم حفظ صحت عامه و امور خیریه بحث خواهد کرد یکی ازمباهاتی که برای خود قائل میباشد این است که موضوع مندرجات آن تفسیر یك قسمت ازکلام حکیمانه وحدیث یگانه است که میفرماید : نعمتان مجهولتان الصحه والامان ••• درقسمت دوم از وظایف خود یعنی درامور خیریه این مجله برعهده خود میداند ازاقداماتی که درمعاونت عمومی ازقبیل تاسیس دارالعجزه ودارالمساکین وسایر تاسیسات خیریه وعام المنفعه و غیره میشود خوانندگان خودرا آگاه سازد و ازنتایج وفواید این اقدامات عموم را واقف نماید • چون بدایت هرکار خالی ازنقصت وقصوری نیست البته خوانندگان این مجله مترقب و منتظر نخواهند بود که مندرجات آن ازقدم اول خالی ازهرگونه نقص و بکلی جامع و حاوی اطراف وجوانب باشد ••• ازیزدان توانا موفقیت خودرا درپیشرفت مقصود آرزوداشته و تنها معاضدتی را که ازخارج چشم دارد حسن توجه اهالی مملکت است که بهترین پشتیبان برای نگاهداری وپیشرفت این مجله خواهد بود • وزارت صحیه وامور خیریه »

درشماره اول پس از سرمقاله مذکور ، مقاله دیگر بعنوان مرض ما ریا یا (نوبه) درج

است • فهرست مندرجات این شماره بدین قرار است : مجله صحیه و امور خیریه - مرض مالاریا یا نوبه - حفظ‌الصحه یومیه دهان - مرض گریپ .. تعیین جنس نرینه و مادینه - جلوگیری از حصبه - اخبار صحیه مرکز و ولایات - مریضخانه دولتی- مریضخانه نسوان - مرض مسری درسرخس - احصائیه نفوس شهر تهران - احصائیه آبله کوبی شهر تهران - احصائیه آبله کوبی اطراف طهران •

وجه اشتراك مجله در داخله سالیانه ٢٤ قران • ششماهه دوازده قران • در خارجه سالیانه ٣٠ فرانك • ششماهه ١٥ فرانك • قیمت اعلانات سطری یك قران و در صورت تکرار تخفیف داده میشود • قیمت تکنمره دوقران • خصوصیات دیگر مجله‌روی جلد بعنوان (اخطار) اینطور ثبت شده است : یك -مجله‌صحیه وامور خیریه محتوی مقالات عام‌المنفعه‌راجع بحفظ‌الصحه عمومی ومقالات‌علمی راجع بطب وجراحی وبیطاری و احصائیه و راپورتهای ولایات وغیره ماهیانه یکبار نشر وفعلا برای اغلب آقایان اطبا ارسال گردیده است • دو -آقایان دکترها و اطباء محترمیکه مایل باشند ممکن است مقالات مفیدی بوزارت صحیه و امور خیریه ارسال دارند مقالات آنها با قید امضا درمجله‌صحیه درج خواهد گردید • سه- کلیه مراسلات راجع بمجله باید بعنوان وزارت صحیه وامور خیریه باشد •

(٧٣٣) صداقت

روزنامه صداقت در طهران با چاپ سنگی تاسیس ودر سال هزار وسیصد وبیست وشش قمری منتشر شده است • (کتاب مطبوعات وشعر فارسی بر و ن ص ١١٥)

(٧٣٤) صداقت

روزنامه صداقت در شهر شیراز تاسیس و درسال هزار و سیصد و پنج‌شمسی بطور هفتگی منتشر شده است •

(٧٣٥) صدای اسلام

روزنامه صدای اسلام درطهران بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (افتخار اشتیانی) تاسیس ودرسال هزار وسیصد ویك شمسی‌منتشر شده است • شماره اول سال اول صدای اسلام در چهار صفحه بزرك با چاپ سربی درمطبعه برادران باقر زاده طبع و در تاریخ سه شنبه بیست ودو رجب‌المرجب ١٣٤١ قمری مطابق ٢٢ حوت هزار و سیصد ویك‌شمسی و ١٣ مارس ١٩٢٣ میلادی انتشار یافته • سرمقاله شماره اول و یامقاله افتتاحی آن تحت عنوان (مقصد و مرام ما) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد : « در وقتیکه احترام قلم و اعتبار مطبوعات که یکی از عوامل مهمه اصلاحات مملکتی است بد بختانه در ایران لکه دار گردیده است ما برای چه مقصود متحمل زحمت انتشار جریده صدای اسلام شده ؛ چه‌محرك واحساسی‌ما رابااین مقصد واداشته است •»

در شماره اول‌پس ازسرمقاله مذکور ؛ مقاله ای بعنوان (پارازیتهای اجتماعی)

ودر صفحه دوم اخبار دارالشورای ملی و در پاورقی صفحات دوم وسوم ترجمه کتاب (برژیا تالیف الکساندر دوما پر ۱۵۰۷-۱۴۹۲ مترجم آقا میرزا ابوتراب خان نظم الدوله) چاپ شده و نیز اخبار داخله وخارجه در روزنامه درج است • طرز انتشار صدای اسلام هفته دو بار در روزهای سه شنبه و جمعه بوده • محل اداره : طهران • خیابان علاءالدوله . آدرس تلگرافی : صدای اسلام ، آبونمان : طهران ۸ تومان • داخله ۹ و خارجه ۱۰ تومان ، تکشماره تا سه ماه پنجشاهی • شماره دوم روز نامه بعلت تصادف پنجشنبه با روز مبعث وتعطیل مطبعه بتاخیر افتاده وجمعه منتشر نشده است • شماره هشتم سال اول در تاریخ جمعه ۸ شوال ۱۳۴۱ قمری مطابق جوزای ۱۳۰۲ شمسی منتشر گردیده واین تاریخ میرساند که روزنامه مرتب هفته دو شماره نشر نشده است • سرمقاله شماره اخیر بعنوان (آقای مستوفی الممالک)است •

شورایعالی معارف در جلسه هفدهم خرداد هزار وسیصد و شش شمسی تصویب نمود که اسم جریده صدای اسلام به (نامه امروز) تغییر یابد و بنابراین صدای اسلام بعدا باین نام منتشر شده است

(۷۳۶) صدای آسیا

روزنامه صدای آسیا درسال هزار وسیصد و یك شمسی درطهران بطورهفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۷۳۷) صدای اصفهان

روزنامه صدای اصفهان بمدیری وسردبیری (میرزا محمد علی مکرم) در شهر اصفهان تاسیس ودرسال هزاروسیصد وسی ونه قمری منتشر شده است • شماره اول این روزنامه بقسمیکه درعنوان هر شماره قید شده درجمادی‌الثانی هزار سیصد و سی و نه انتشار یافته و طرز انتشار آن غیر مرتب گاهی هفتگی و زمانی پانزده روز یکبار ومدتی هم هرچند ماه یکمرتبه منتشر گردیده است • قبل ازانتشار صدای اصفهان طلیعه روزنامه دردلو هزار ودویست و نود و نه شمسی با مطالب زیر انتشار یافته :

« طلیعه صدای اصفهان - بمشیت وخواست خداوند یکتا وتوسل بائمه هدی و امام عصرواجازه مقام‌منیع وزارت جلیله معارف ومعارف‌پرورا نقریبا روزنامه صدای اصفهان تحت نگارش این بنده منتشر خواهد شد • پروگرام جریده مذکوربقرار ذیل است : ۱ - یك قسمت‌این روزنامه راجع باخبارات خارجه و داخله است بطور خلاصه ۲ - مسلك جریده مرقومه طرفداری مظلومین وتقاضای اجرای قانون وقت است بطورمساوات ۳- بهیچ وجه من‌الوجوه نثرا وشعرا درشخصیات و نسبت حرفی و کلمه درج نمیشود۴- یکقسمت دیگر این روزنامه از ادبیات واشعار وسرود های ملی اثر طبع خوداین جانب است • توضیحا اشعار شعرای دیگر هم درج میشود • میرزا محمد علی مکرم حبیب آبادی » صدای اصفهان روزنامه (اخلاقی ، ادبی ، اخباری فکاهی) معرفی شده ولی قسمت عمده مندرجات آن مبارزهائیست که‌مدیر روزنامه بر

ملا نماها وخرافات و موهومات نموده و آنها را بصورت نظم و نثر در روزنامه بچاپ رسانده است • با همه نفوذ روحانیون در اصفهان آقای مکرم با کمال شهامت و شجاعت و بدون واهمه وترس برضد اوهام وخرافات مذهبی مقالات و اشعار متعددی در روزنامه درج نموده و بهمین جهت هم یکبار ازطرف روحانیون مورد سوء قصد قرار گرفت و یکی دو بار تعزیر شد مع‌ذلك از رویه و سبك خود در نگارش دست بر نداشت و تا کنون هم همان روش را ادامه داده است •

مندرجات صدای اصفهان از دو قسمت متمایز تشکیل میگردد اول مقالات فکاهی و غیر فکاهی و اشعار و دوم اخبار محلی که غالبا جنبه تعریف دارد •

من جمله از مقالات روزنامه مقالاتیست بعنوان (زیج) که ازجملات فارسی و عربی تلفیق شده و رعایت سجع در آنها گردیده‌است• برای نمونه یکی از این نوع مقالات را نقل مینمائیم . (زیج)

« اوضاع الفلك الدوار فی تلك الهفوات والاسابیع الکرار تدل علی رفور م شد ن مدرسه سلطانی وشاد شدن روح مرحوم بانی از اخراج آخوند ملاهانی واستحکام فصول و مبانی و رواج منطق ومعانی واضمحلال اصول تعلیمات ممقانی ومحترم شد ن عـا لم ربانی و مضمحل شدن غول بیابانی ـ قال‌الله تعالی کل شیئی فانی ـ ویبقی وجه‌الربانی وحی‌السبحانی الالعنته‌الله علی کل‌لاط وزانی من‌الان الی یوم دارالثانی ـ ظاهر شد ن توفیر و فرق میان سیمهای برق ولایکون ذلك‌البرق فی‌الغرب‌والشرق ـ شدست میان‌امواج برق مکرم غرق ـ علاج نیست که این موج غم گذشته زفرق ـ فراوان شدن اجناس الا متقال والکرباس لانما من البـه‌الخناس ـ الذی یوسوس فی صدورالناس ـ من الجنته والناس ـ نشستن فسق بجای وسواس وتلؤلؤ شیشه بجای الماس مضمحل شدن قبضهای بی اساس وشایع شدن آقای اسکناس ـ مگردر جیب این احقر البنهاس ـ الهم ارزقنی ذلك القرطاس بحق ابی‌الفضل‌العباس ـ الهم‌التـسك هذاالاتماس ـ بعد غسل الار تماس یا موسس کل اساس ـ اسـنی‌اساس الاسکناس خارجا عند الحد والقیاس وخلصنی من الافلاس بحق قل اعوذ رب الناس معاینه مومنین ومومنات وظاهر شدن بثورات‌وجراحات ومصرف شدن محلول پرمنگنات و اشتباه شدن بعضی از معاینات وبکار افتادن ازیکانور جهت بعضی از جهات ـ وپشت هم افتادن چهارلکات ـ وخاموش شدن بعضی ازاصوات ـ ومتروك شدن آواز بیات ـ انماالاعمال بالنیات ـ برمحمد وآل او صلوات ـ بکارافتادن اعضای بلدیه وجریان امور ازروی رویه ـ وظاهر شدن امور خفیه و تاسیس شعبه نشریه وتنظیم شدن نظامنامه نقلیه ـ ومعمول شدن شیوه مرضیه ـ برطرف شدن قضایای‌فرضیه وظاهر شدن علامات حتمیه ـ الهم ارزقنی مسکوك‌الذهبیه ـ بحق یا دائم‌الفضل علی‌البریه تحریرا فی شوال الفشنا — من‌الهجریه النبویه = صل‌علی محمد واله خیر الوری‌سجیه »

نقل ازشماره ٤ سال ١٢ نمونه ازفکاهیات مذهبی روزنامه :

« وزوجنی من الحور العین ـ درخیلی از ادعیه نوشته شده که هرکس فلان دعا را بخواند چنین و چنان میشود جمله وزوجنی‌من‌الحورالعین هم درآندعا اشاره شده است این دعا را واین خواهش وزوجنی من‌الحورالعین را هرمرد مسلم و هر زن

مسلمه میخواند ولی تا حال کسی این سئوال را از دعا نویس ما نکرده است واینك بنده میپرسم زنها که میگویند وزوجنی من الحورالعین زن حوری میخواهد چه کند در هیچ خبری نیست که زن در بهشت مرد میشود ومرد در بهشت زن میشود ودر بهشت همزن اززن استفاده نمیبردوفعل حرام آنجانیست پس این دعا باید تصحیح شود که مرد بگوید وزوجنی من الحورالعین وزن بگوید وزوجنی من الغلمان » ونیز ازفکاهیات روزنامه است:

«اختراع ثانی - یکی از مخترعات دیگر این شخص! منظور عطاء الملك دهش موسس چراغ برق اصفهان است نازنین این است که گاهی اوقات میشود چراغهای چهار باغ تا محاذی مدرسه چهارباغ روشن ولیکن چراغهای زیر دست مدرسه بدون قطع شدن سیم خاموش میشود قوه قطع البرق بنظر بنده کمتر از طی الارض نیست یاصاحب الزمان بظهورت شتاب کن - این برق بی تقلب ما را خراب کن.»

روزنامه صدای اصفهان معمولا در چهار صفحه بقطعهای مختلف با چاپ سر بی در مطابع مختلف اصفهان از قبیل حبل المتین؛ عرفان، سعادت وغیره چاپ شده. اموراداره روزنامه مدتی بعهده میرزا باقر و زمانی بدست محمد حسین کامیاب و چندی هم بعهده عباسعلی محب بوده است . محل دفتر روزنامه : اصفهان خیابان خوش - قیمت اشتراك در اصفهان ٦٠ قران. در خارج شهر ٧٠ قران . اعلانات سطری یك قران ویك شماره سیصد دینار است . امتیاز روزنامه صدای اصفهان بمدیری (میرزا محمدعلی مکرم) یك مرتبه در تاریخ ٨ آذر ١٣٠٤ شمسی ازتصویب شورایعالی معارف گذشته واین تصویب البته پس از آن بوده که مدتی روزنامه منتشر میشده است. بار دوم نیز پس ازوقایع شهریور در کابینه قوام السلطنه که تمام امتیازات لغو شد ومدیران جراید ناچاربتجدید امتیاز گردیدند؛ شورایعالی فرهنك دو مرتبه امتیاز صدای اصفهان را تصویب نموده. روزنامه صدای اصفهان تا حین تحریر این سطور بطور غیر مرتب هرنوبت دویست تا سیصد شماره منتشر میگردد. شرح احوال آقای مکرم بضمیمه عکس ایشان در حرف سین کتاب ذیل (سپاهان) طبع گردیده خوانندگان بآنجا مراجعه فرمایند.

(٧٣٨) صدای ایران

روزنامه صدای ایران درطهران بصاحب امتیازی وموسسی (نیرالسلطان) و مدیری (اجلال السلطان) تاسیس و شماره ٦٤ سال اول آن در چهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سری (طهران - مطبعه دولتی) طبع ودر تاریخ چهارشنبه ١٩ ذیحجة الحرام ١٣٢٥ قمری منتشر شده است. صدای ایران، از روزنامه های ورق بزرگی است که مانند وطن، کوکب ایران؛ ستاره ایران ، رعد ،ایران دارای سرمقاله های انتقادی و اخبار خارجه وداخله درآن بتفصیل نوشته شده واز حیث مندرجات درردیف بهترین جراید آن ایام است بخصوص که تمام اخبار راجع بجنك اول وحوادث داخلی در آن درج گردیده است. چنانچه پس از تشکیل کابینه عین الدوله جراید تهران مانند ستاره ایران وهمین صدای ایران از عدم تجانس وزراء کابینه بنای نقادی گذاردند و کابینه جدید عین الدوله متزلزل شد وقوام السلطنه استعفا نمود وچهار روز کابینه در بحران افتاد

وجراید هر یك مقالاتی نوشتند. آخرالامر روزنامه (کوکب ایران) و(وطن) و(رعد) که از جراید بزرك مرکز بودند از کابینه تقویت کردند وقرار شد وزراء از عین الدوله درخواست سفر نمایند ولی عین‌الدوله این درخواست را نپذیرفت ومثمر ثمر نشد تا اینکه متفقا پیش شاه رفتند وکابینه کما کان برقرار ماند.

توقیف صدای ایران - پس از آنکه هیئت‌وزراء از نزد شاه مراجعت کردند جلسه تشکیل داده وباکثریت آراءروزنامه‌صدای‌ایران توقیف گردید پس‌ازنشرشماره۷۳ مورخ دو شنبه دهم صفر ۱۳۲۶ قمری بود که بدون محاکمه و بازپرسی از مدیران هیئت وزراء امر بتوقیف روزنامه داد.

شماره ۶۰ صدای ایران در تاریخ دو شنبه۱۲ ذیحجةالحرام ۱۳۲۵ قمری‌منتشر شده ومندرجات این شماره عبارت از یك سرمقاله تحت عنوان (هرج ومرج ماراتهدید میکند. نقشه چیست؟ نتیجه کدام است؟) ومقاله بعنوان (نزاکت ما را کشت) و بعد (اخبار طهران) و(تلگرافات خصوصی) و(اخبار داخله)و(آژانس‌رویتر) و(مطبوعات خارجه) و(مقالات متنوعه) است. از مندرجات صدای ایران اخبار خصوصی است که‌تحت عنوان (اژانس غیبی) نوشته شده وابتدای آن مینویسد: (توسط تلفن بی سیم اطلاع میدهد که...). غزلیاتی نیز از خواجه وسعدی درصفحه چهارم روزنامه گاهی‌درج است. پاورقی روزنامه که معمولا در صفحات دو وسه و چهار چاپ شده یك قسمت (پلیس سری امریکا ترجمه میرزا اسحق‌خان کرمانی) وقسمت دیگر وزمان یا داستان (نتیجه سوء اخلاق) تالیف غلامحسین کاشف است.

در عنوان روزنامه صدای ایران؛ نامه ملی که (برای خدمت باین آب و خاك تاسیس شده است) معرفی شده وطرز انتشار آن هفته سه نمره روزهای دو شنبه ؛ چهار شنبه وجمعه بوده است. محل اداره : طهران . خیابان ناصریه . عنوان تلگرافی:طهران صدای ایران. قیمت‌اشتراك: طهران یکساله ۶۰ ریال . شش‌ماهه ۳۵ ریال . سه‌ماهه۲۰ ریال . داخله بترتیب : ۶۵ . ۳۸ ، ۲۲ ریال وخارجه نیز بترتیب ۷۰ ریال و۴۰ ریال سه ماهه ندارد تك نمره هشت شاهی . بعدازیك هفته یکقران .قیمت اعلانات صفحه‌اول سه قران و دوم وسوم دوقران و چهارم یکقران . کلیه اعلانات راجع بمعارف نصف گرفته میشود .

آقای مصطفی نوائی ملقب به نیرالسلطان - آقای نیرالسلطان ازمردان شریف ونیکخواه وازخدمتگذاران صدیق دولت بوده . نامبرده دردوره دوم مجلس شورایملی سمت نمایندگی را داشت . چندی هم کفیل وزارت کشور ومدتی در وزارت فوایدعامه سابق وبعدا بفرمانداری گیلان اشتغال داشت . هنگامیکه نیرالسلطان حکومت گیلان را داشت جمعی علم مخالفت برافراشتند ودرجراید مطالبی برعلیه او نوشتند . درشماره ۱۶ سال دوم روزنامه طوفان مورخ ۱۸ میزان هزار وسیصد و یك شمسی تحت عنوان (نیرالسلطان را بشناسید) شرحی درباره خدمات اونوشته که‌چون تااندازه مارا بسه زندگانی‌اوآشنا میسازد خلاصه آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

« نیرالسلطان با یك متانت و شهامت اخلاقی قبلا علل بدبختی ونکبت یکجامعه را حس کرده برای بسط وتوسعه معارف بتاسیس وافتتاح مدرسه سیروس قیام و اقدام نمود • این مدرسه متوسطه شامل دوقسمت فرانسه و فارسی وهم شبانه روزی بود • محصلینی که آنوقت در این مدرسه تحصیل مینودند بخوبی از پروگرام وتنظیم دروس آن مطلع ولی بالاخره این محیط جهل بروز جز هفت هزار تومان ضرر فایده دیگری عاید موسس آن مدرسه نگردید • دو سه سال پس از تاسیس مدرسه نیرالسلطان برای خدمت بفکر و رشد جامعه روزنامه صدای ایران را منتشر ومندوجات بی آلایش آن روزنامه باکمامنی وعدم بستگی باجانب را برای مدیران مسجل ومفید نمود از این مدرسه نیز انتفاع نیرالسلطان قریب سه هزار تومان خسارت بود • در کابینه وثوق الدوله نیرالسلطان را با یك عده دیگر بقزوین تبعید نمودند • سه ماه در قزوین بود و از آنجا با زحمات بسیار موفق شد که باقیمانده ایام تبعید را در اروپا بسر برد • یکمرتبه دیگر در واقعه اخیر مشارالملك درضمن دستگیری اشخاص دیگر نیرالسلطان را بیگناه تعقیب و توقیف نمودند • بالاخره باتحمل اینهمه خسارات و صدمات پس از مدتی مدید بیکاری و انزوا یکبار وزارت فواید عامه بایشان محول گردید از موقعیکه بحکومت گیلان رفته اند تا کنون که قریب سه ماه است جز رعایت قوانین و اجرای اصول مشروطیت خلاف قانونی از ایشان مشهود نشده • در «ذیل این شرح اداره روزنامه طوفان اینطور اظهار نظر کرده است: « آزادیخواهی آقای نیرالسلطان بر احدی پوشیده نیست و قولیست که جملگی بر آنند •»

مرحوم نیرالسلطان در تاریخ سوم فروردین ۱۳۲۰ شمسی در طهران فوت نمود و از او چند فرزند بنامهای آقایان غلامعلی نوائی، جعفر قلی نوائی و حسن نوائی باقیمانده است •

(۷۲۹) صدای ایران

روزنامه صدای ایران بزبان فارسی وترکی درشهر باکو بمدیری (خدا داد عزیز) در حدود جمادی‌الاخر ۱۳۳۸ قمری تاسیس و منتشر شده است . روزنامه‌اختر مسعود چاپ اصفهان در شماره ۱۳ سال اول خود مورخ ۸ شعبان ۱۳۳۸ قمری بعنوان تقریظ راجع بروزنامه صدای ایران اینطور مینویسد : « گرامی نامه صدای ایران که با طرز خوب وعبارتی مرغوب بلسان فارسی وزبان ترکی در مطبوعات بادکوبه بطبع و بولایات ایران و قفقاز و بلاد دیگر ارسال داشته میشود این اوقات با دار ه ما واصل و از طلوع این کوکب درخشان فوق‌العاده مسرت حاصل گردید .» نگارنده بیش از این فعلا راجع بروزنامه صدای ایران اطلاعی ندارم.

(۷۳۰) صدای جنوب

درسال ۱۲۹۹ شمسی آقای (شیخ محمدامین)طلیعه روزنامه‌صدای جنوب‌رادر شیراز انتشار میدهد ولی موفق بطبع ونشرروزنامه مزبورنمیگردد(سالنامه۱۴۰ـ۱۳۱۵ معارف‌فارس •)

(۷۴۱) صدای رشت

روزنامه صدای رشت بمدیر مسئولی (ع. احمدزاده) در شهر رشت تاسیس ودر سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. شماره ۱۹ سال اول این روزنامه در چهارصفحه با چاپ سربی (رشت. مطبعه سعادت) طبع ودر تاریخ یکشنبه دوم شهر ربیع‌الثانی ایتئیل ۱۳۲۹ قمری توزیع گردیده. عنوان مراسلات: رشت اداره صدای رشت. آبونمان: رشت سالیانه ۲۵ قران. ولایات داخله ۳۰ قران. ولایات خارجه ۳۵قران تك‌نمره در همه جا سه شاهی. قیمت اعلانات صفحه اول سطری یك قران. صفحه آخر سطری دهشاهی. طرز انتشار روزنامه هفته دو نمره طبع ونشر میشده و پس از ارسال سه نسخه وجه آبونه دریافت میشده است.

در عنوان هر شماره در زیر اسم روزنامه این سه کلمه (حریت. مساوات. عدالت) هر کدام جداگانه درمربعی طبع شده ونیز این عبارات درطرف راست عنوان هرشماره درج است: (مکاتیب بی امضاء . روف درج نخواهد شد. اداره در جرح و تعدیل مکاتیب ومقالات آزاد است. درصورت عدم درج بصاحبش مسترد نخواهد شد.)

هرصفحه روزنامه صدای رشت مشتمل برسه ستون ومعمولا نام مدیرمسئول (ع احمد زاده) درانتهای صفحه چهار درج است.

مندرجات روزنامه علاوه بر سرمقاله، مقالات مختلف و اخبارمحلی گیلان‌است قبل ازنشر روزنامه، مدیرروزنامه خیرالکلام منطبعه رشت در شماره ۵۵ سال سوم مورخ ۷ شهر محرم ۱۳۲۹ قمری طلوع روزنامه را تحت عنوان (معارف خواهان را بشارت) بدینقسم خبرداده است: «جریده‌ای باسم صدای رشت بهمت جمعی از احرار دایر شده‌است عنقریب بطلوع‌خود روز معارف خواهان را روشن خواهدنمود»

برون که شرح مختصری ازاین روزنامه نوشته (ص ۱۱۵ کتاب برون) مینویسد شماره اول صدای رشت درتاریخ ۱۵ محرم ۱۳۲۹ قمری انتشاو یافته و من ازشماره یك تا ۱۶ آنرا دردست دارم ولی همانقسم که درابتدای این‌شرح یادآورشدیم‌نگارنده نمره ۱۹ آن‌را نیز دردست دارم.

(۷۴۲) صدای شرق

روزنامه ملی صدای شرق درشهرمشهد بموسسی ونگارندگی (س.م.خواجوی) تاسیس ودرسال ۱۳۴۲ قمری منتشرشده است. شماره ۲۰ سال هفتم صدای شرق‌روی یك‌ورق بقطع وزیری بزرك درمطبعه سربی (مشهد - مطبعه ایران) طبع ودرتاریخ چهارشنبه بیستم جمادی‌الثانی ۱۳۴۹ قمری مطابق بیست و یك ابان۱۳۰۹شمسی‌توزیع گردیده است. در زیر اسم روزنامه که بخط نستعلیق درشت نوشته شده سال تاسیس روزنامه (۱۳۴۲- طبع گردیده ونمره مسلسل شماره مذکور ۲۹۶ است و بنا بر این روزنامه صدای شرق درمدت هفت سال بیش‌از۲۹۶ شماره منتشرنشده‌است.

روزنامه صدای شرق هفتگی بوده و قیمت اشتراك آن که نوشته است قبلا دریافت میشود بدینقرار است : داخله سالیانه ۵۰ ریال. خارجه ۶۰ ریال و ۳۰ ریال اعلانات صفحه اول سطری دو قران ، صفحات بعد سطری یك قران • تك نمره ۸ شاهی محل اداره : مشهد • سرای وزیر نظام • عنوان تلگرافی : صدای شرق • مندرجات صدای شرق مانند سایر جراید محلی پس از درج سرمقاله عبارت از اخبار محلی خراسان و مختصری اخبار داخله و خارجه است • آگهیهای ثبتی و غیر ثبتی نیز در روزنامه درج است •

(۷۴۳) صدای طهران

روزنامه صدای طهران بصاحب امتیازی و مدیری « سید محمد تدین » در طهران تاسیس ودرسال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است • شماره اول روزنامه صدای طهران در چهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سربی « طهران » طبع ودر تاریخ دو شنبه ۲۲ ربیع‌الاول ۳۳۸ قمری مطابق ۲۸ قوس ۱۲۹۸ شمسی انتشار یافته . مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد :

« خدا ما را کمك کند ـ در این لحظه که برای خدمت بافکار عامه حاضرشده و قلم برداشته ایم متاسفانه طغیان هولناکی در فکر و تعقل انسان پدیدار گشته و بر اثر غلیان وجدان و عاطفه های عمومی یك جریان سخت وتندی در مرکز مهمه عالم حکمفرماست .» درشماره اول پس از سرمقاله مذکور اخبار داخله و بعد تلگرافات داخله و همچنین اخبار رویتر چاپ شده . در پاورقی صفحات دوم وسوم ترجمه کتاب « درروح حکومت دموکراسی تالیف الف پرنس بلزیکی » طبع و این ترجمه چندی بعنوان پاورقی روزنامه چاپ شده است .

مندرجات صدای طهران را علاوه برمطالب مذکور مقالات و ترجمه های متعدد تشکیل میدهد . شماره دوم روزنامه در تاریخ جمعه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۸ قمری مطابق ۲۹ قوس ۱۲۹۸ منتشر گردیده .

طرز انتشار صدای طهران ابتدا روزهای دو شنبه و جمعه منتشر میشده و پس از مدتی هفته سه شماره روزهای دوشنبه ، چهار شنبه رجمعه انتشار یافته است . محل اداره روزنامه : طهران . خیابان علاءالدوله . نمره تلفون ۲۲۴ آدرس تلگرافی : صدای طهران . قیمت اشتراك : یکساله داخله ۶۰ قران خارجه ۷۰ قران ، ششماهه بترتیب ۳۵ قران و ۴۰ قران . تك نمره با کاغذ زردشش شاهی . درعنوان هر شماره درزیراسم روزنامه سال تاسیس (۱۳۳۸) و بالای آن « خدا و قانون » چاپ شده است .

صدای طهران از روزنامه های خوب ومفید و کثیرالانتشار است و نگارنده فعلا تا شماره ۶۰ سال اول مورخ چهارشنبه ۲۷ شوال مطابق ۲۳ سرطان ۱۲۹۹ آنرا در دست دارم . صدای طهران قبل از این تاریخ یعنی دربرج اسد سال مذکور یکبار از طرف دولت توقیف گردیده وروزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان ازتوقیف آن اظهار تاسف نموده‌است . مدیر مجله ادبی طلوع صدای طهران‌را درشماره چهار سال سوم

مجله بدینقسم یاد آور شده است : « شماره اول جریده فریده صدای طهران که بمدیریت وکیل محترم طهران آقای میرزا سید محمد تدین زینت بخش عالم مطبوعات شده است بما رسیده ما یکدنیا امیدواری بدان نامه ملی داشته وموفقیش را صمیمانه از درگاه حضرت احدیت مسئلت مینمائیم . » قبل از آنکه شرح راجع بروزنامه صدای طهران را خاتمه دهیم لازم است از روزنامه بهمین نام (صدای تهران) که در نجف اشرف بمدیری (میرزا حسین تهرانی) منتشر میشده یاد آوری نمائیم . شرح این روزنامه در اطلاعات هفتگی متعلق بخرداد ماه ۱۳۱۶ شمسی چاپ شده بانجا مراجعه فرمایند .

سید محمد تدین- آقای تدین از اهالی بیرجند خراسان وازسیاستمداران معروف ایران بشمار میروند . نامبرده تحصیلات خودرا در خراسان بپایان رسانید ودر آغاز مشروطیت بطهران آمد و چند دوره بنمایندگی مجلس انتخاب گردید . قسمت عمده زمان شاه فقید را خانه نشین بود و بهمان تدریس در دانشرایعالی قناعت میکرد . درهمین ایام بود که نگارنده مدتی درنزد ایشان تلمذ مینمود . آقای تدین در دانش سرایعالی استاد زبان وادبیات عرب بودند تا پس از وقایع شهریور که دو مرتبه بکار های مهم کشوری ازقبیل وزارت ونمایندگی مجلس سنا مشغول گردیدند ودر حین تحریر این سطور ایشان سناتور خراسان درمجلس سنا میباشند . آقای تدین با همه گرفتاریهای سیاسی چند کتاب نیز تالیف ومنتشر نموده اند : ۱ - پلبر در ۱۷۲ صفحه پستی برای کلاسهای ۵ و ٦ ابتدائی . ۲- جامع محمدی در ۱۰۳ صفحه کوچك برای ۵ و ٦ ابتدائی ۳- تعلیمات مدنی در ٥٤ صفحه کوچك برای کلاس ششم ابتدائی ٤- رساله تحقیقی در فن خطابه .

(۷٤٤) صدای کرمان

روزنامه صدای کرمان بمدیریت آقای (آقا میرزا عباس سعید ملا باشی) در شهر کرمان تاسیس ودرسال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است . شورایعالی معارف امتیاز این روزنامه را در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰٤ بمدیری میرزا عباس ملا باشی تصویب نمود . و روزنامه از فروردین ۱۳۰۵ شمسی نشر گردیده . شماره ۳۵ سال هفدهم این روزنامه روی یك ورق با چاپ سربی طبع و درتاریخ ۲٦ دیماه ۱۳۲۲ شمسی توزیع گردیده صدای کرمان روزنامه اجتماعی . ادبی ، سیاسی ، فکاهی معرفی شده ومندرجات آن پس از یك سرمقاله ، اخبار کرمان وایران ومقالات مختلف و اعلانات است . سرمقاله شماره نمونه تحت عنوان (فداکاری) و باین عبارات شروع میگردد : (یگانه جوانمردیکه به فداکاری خود جهانی را متزلزل وعالمی را مضطرب نموده وملت بزرگی مانند ملت اسلام بلکه عالم ادیان را ازمحو ونابودی نجات داده وحقیقت فداکاری وجوانمردی وعزت نفس و علو همت را درگیتی نشان داده حضرت حسین است ...) درصفحه اول علاوه بر این سرمقاله ، اخبار کرمان ، اخبار کشور واخبار جنك چاپ شده ودر گوشه چپ صفحه مستطیل کوچکی سفید گذاشته شده وبالای آن نوشته است (اصلاحات) وبدین ترتیب نشان داده که اصلاحاتی

در کشور صورت نگرفته است • در صفحه دوم یك مقاله انتقادی تحت عنوان (وقتیکه گدا بودم) بامضای (بیکس و بیجا) و نیز اشعاری بعنوان (اشعار زمان جنت) اثر طبع آقای حایری وهم چنین قانون کیفر گرانفروشان درج شده است • در همین شماره چند اعلان حصر وراثت درج است •

طرز انتشار صدای کرمان مانند جراید محلی دیگر مرتب نبوده وچون بشرحی که بعدا یاد آور میشویم مدیر روزنامه در مهرماه ۱۳۲٤ فوت کرده لذا انتشار روزنامه در اواسط سال نوزدهم برای همیشه موقوف گردیده و تعطیل شده است •

محل اداره روزنامه : عمارت فوقانی دبستان ملی سعید • عنوان تلگرافی : صدای کرمان • بهای اشتراك روزنامه ابتدا : شش ماهه ۲۵ ریال و سالیانه ٤۰ریال تك شماره ۵۰ دینار ؛ پس ازمدتی وجه اشتراك سالیانه بیکصد ریال ترقی داده شده است •

آقا میرزا عباس سعید — آقای عباس سعید در پاسخ نامه نگارنده راجع بشرح احوال ایشان در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۱۸ شمسی شرح زیر را که پس از حذف تعارفات آن بعینه نقل میگردد ارسال داشته اند .

نام و نشان وزایچه = عباس سعید متولد سال ۱۲۷۰ خورشیدی پسر مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم ملا باشی ساکن بخش دو • در سن بیست سالگی ازتحصیلات قدیمه در کرمان فارغ‌التحصیل وبا داشتن اجازه ازعلماء مرجع تقلید نظر به بستگی خانوادگی با مرحوم میرزا خان شهیر کرمانی وآشنائی بامکاتبات و معارفه با رو قته این مرد نامی داخل اجتماعات اصلاحی و از ۱۳۲۲ قمری درطبقه آزادیخواهان خود را مفتخر ساختم • ازسوم اسفند ۱۲۹۹ دراثر تعقیب ازم اصلی خود در کوران‌جریانات اصلاحی بامواجهه بامشکلات آن دور خودرا مفتخر دانسته وبرای شکر گزاری ازنیل بمرام قبول نمایندگی موسسان را درملازمت جناب آیةالله کرمانی (آقای حاج میرزا محمد رضا کرمانی) یگانه روحانی ایران وآقای یحیی روحی نجل مرحوم بحر العلوم و برادر زاده مرحوم شیخ احمد روحی کرمانی افتخار خود دانستم •

ازسال ۱۳۰۵ روزنامه صدای کرمان را فقط برای وسیله نشر واشاعه اصول اصلاحی تاسیس وباهرمشکلاتی تاامروز با همان روش ثابت منتشر ودائر داشت • نظر باینکه یکی ازمهمترین عوامل پیدایش افکار وزراعت بذر اصلاحات را درموسسه تعلیم و تربیتی دانسته درسال ۱۳۱٦ دبستان سعید را شخصا افتتاح وتاحال هم دائر میباشد)

این بود متن نامه آقای سعید • نامبرده چنانکه درهمین نامه مذکور افتاده‌علاوه برانتشار صدای کرمان . دبستان سعادت کرمان‌را نیز تاسیس ودائر نموده که تاکنون هم برپاست • مرحوم سعید پس‌از نوزده سال خدمت بعالم مطبوعات وفرهنك‌درتاریخ پنجشنبه ۵ مهرماه ۱۳۲٤ شمسی درتربه ماهان کرمان بدرود زندگی گفت •

ازمکاران صمیمی مرحوم‌سعید آقای‌حسین عبدالرحمنی است که درزمان حیات آن‌فقید بسردبیری‌روزنامه ومدیریت‌داخلی‌دبستان‌سعید مشغول‌کار بوده‌است .

ازمرحوم‌سعیددوعکس‌یکی‌باعمامه‌ودیگری باکراوات نزد نگارنده موجوداست که بعلت‌تهیه نشدن کلیشه‌عکس‌ازچاپ‌آن صرفنظر گردید•

(۷٤٥) صدای مازندران

در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی شورایعالی معارف امتیاز روزنامه صدای مازندران را بمدیری (میرزا غلامحسین خان وحیدی) درمازندران تصویب نمود است.

(۷٤٦) صراط الصنایع

روزنامه صراط الصنایع در طهران درسال ۱۳۲٦ قمری طبع ومنتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون ص ۱۱۵)

(۷٤۷) صراط المستقیم

روزنامه صراط المستقیم در شهر تبریز در سال ۱۲۲٤ قمری طبع ومنتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۵) مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان بطور اختصار راجع بروزنامه صراط المستقیم اینطور مینویسد : « روزنامه منتشر در تبریز با چاپ سنگی درسال ۱۳۲٦ قمری .» بنا بضبط تربیت انتشار روزنامه دو سال بعد از تاریخی است که برون ثبت نموده است.

(۷٤۸) صراط المستقیم

روزنامه صراط المستقیم در شهر طهران در سال ۱۳۲۵ قمری طبع ومنتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص۱۱۵) برون در باره هرسه این روزنامه ها مینویسد نمونه از آنها را ندیده ام .

(۷٤۹) صلاح

روزنامه صلاح یکمرتبه ظاهرا در ۱۱۹۸ شمسی در طهران تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است . در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰٤ شمسی نیز شورایعالی معارف امتیاز روزنامه صلاح را بمدیری (میرزا احمد خان شیرازی) تصویب نموده و درسال مذکور روزنامه صلاح مجددا پا بدایره انتشار گذاشته وهفته دو مرتبه منتشر شده است . متاسفانه نگارنده با همه جدیتی که نمودم تا کنون نمونه از آنرا بدست نیاورده ام .

(۷۵۰) صلاح بشر

روزنامه صلاح بشر در طهران بصاحب امتیازی مجابی ومدیر مسئولی( )حجازی تاسیس و در سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است . شماره اول روزنامه صلاح بشر که در آن علاوه برصاحب امتیاز ومدیر مسئول . آقای حافظی بعنوان مدیر داخلی معرفی شده ، درچهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی طبع ودر تاریخ یکشنبه ۵ شهر شوال المکرم ۱۳٤۲ قمری مطابق ۲۲ ثور ۱۳۰۳ شمسی منتشر گردیده ، سرمقاله اینشماره و یا مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (هوالقادر) نوشته وباین عبارات شروع شده است:

« ما هم آمدیم • خواست خداوند و حوادث جاریه ما را از مامن و مسکن و رویه اولیه خودمان بازداشت • دست و چنگال قوی طبیعت گریبان ما را گرفت. ما نمیخواهیم بگوئیم آنچه را انبیا بموجب اوامر لازم الاطاعه گفته اند و اقوی یا مانع از رسیدن آن احکام به بشر ضعیف بوده اند ما برسانیم...» پس از سر مقاله مذکور ، مقاله دیگری بعنوان (صلاح اسلام • قابل توجه مسلمین عالم) چاپ شده • قسمتی از تفسیر قانون اساسی و مطالبی بعنوان (زیچ) و اخبار داخله و در صفحه چهار چکامه اثر طبع آقای ملک الشعرای بهار ؛ تمام مندرجات شماره اول را تشکیل میدهد • چکامه آقای بهار باین شعر شروع میگردد :

صاحب خانه اگر باز نبندد در خویش گله ای نیست اگر دزد در آید از

درصفحه اول شماره دوم مقاله ای بعنوان (آخرین علاج) بعقیده ما باید تابع قرآن شد ، با حروف درشت چاپ شده . مقالات صلاح ایران بامضای (حجازی) و صلاح اسلام بامضای مجابی است . از روزنامه صلاح بشر بطور نمونه تا شماره سوم در دست است . محل اداره روزنامه : خیابان شاه آباد . قیمت روزنامه : سالیانه ۸ تومان . تکشماره ۷ شاهی • لازم است یاد آور شویم که در مجله معارف درجزو روزنامه های قزوین اسم روزنامه صلاح بشر را نیز ذکر کرده در شماره ۱۱ سال سوم دوره پنجم مورخ مرداد ۱۳۰۸ مینویسد« چیزیکه خیلی مایه تاسف است مطبوعات قزوین بی اندازه رو بضعف و انحطاط گذاشته فقط دوروزنامه یکی بازپرس ودیگری نوروز منتشر میشود و روزنامه رعد که یکی ازمطبوعات مهم ایران بشمار میرود تعطیل است و هکذا جراید دیگر از قبیل دنیای امروزه ، تمدن اسلام ، صلاح بشر ، وغیره » از اینجا معلوم میشود در شهر قزوین نیز روزنامه بنام صلاح بشر منتشر میشده است • ولی نگارنده تا کنون نمونه آنرا بدست نیاورده ام وظاهراضبط اسم این روزنامه در جزو جراید قزوین اشتباه است .

(۷۵۱) صنایع آلمان وشرق

مجله صنایع آلمان و شرق در شهر برلین بموسس ومدیر مسئولی «سیف آزاد» تاسیس وشماره اول آن در ماه مه ۱۹۲۱ میلادی بزبانهای فارسی ، عربی ، ترکی هندی و آلمانی نوشته شده همه ماهه یك شماره از آن با کاغذ وچاپی بسیار عالی طبع و انتشار یافته • مجله صنایع آلمان وشرق درهر شماره زیر اسم مجله ، بدین قسم معرفی شده « مجله ایست مصور برای معرفی تجارت صنایع و فابریکهای مهم دنیا و آلمان باهل مشرق زمین و معرفی مواد خام مشرق برای فابریکهای آلمانی و رابطه بین تجار محترم مشرق وآلمان • مقالات سیاسی وعلمی ادبی و تفریحی را هم دارا خواهد بود » همانقسم که درسطور فوق ذکر شده مجله صنایع آلمان وشرق دردرجه اول بمنظور معرفی کارخانه های آلمان واروپا باهالی مشرق زمین تاسیس یافته وبهمین جهت درهر شماره علاوه براعلانات بزرك ورنگی راجع بمحصولات کارخانه‌های مهم

آلمان؛ شرح مفصلی از این کارخانه‌ها و صنایع اروپا و آلمان ذکر گردیده وپرواضح است که این قبیل مقالات محتاج بتصاویر مختلف مربوط بموضوعات میباشد. از باب مثال، باد آور میشویم که شرح تشکیلات وعظمت کارخانه لوکومتیوواتومبیل سازی هنشل وپسران درآلمان ونیز تفصیل کارخانه «آئه گه» در آلمان قسمی از مندرجات این مجله راتشکیل میدهد. بعدا در جائیکه فهرست مندرجات دو سه شماره مجله را نقل مینمائیم این قسمت بیشتر واضح میگردد. و نیز چنانکه یاد آور شدیم علاوه بر این نوع مقالات مقالات اجتماعی وعلمی گاهی در مجله چاپ‌شده است. بطور کلی باید در باره انتشار این مجله ونظایر آن در نظر داشت که آلمانها بعد از جنك اول دست بکار یك رشته تبلیغات دامنه‌دار ووسیعی برای معرفی صنایع خود بدنیا وبشرق زدند ویکی از طرق تبلیغات نشر همین مجله بوده‌است. مجله‌صنایع آلمان‌وشرق بمدیری سیف آزاد ظاهرا در اواسط سال ۱۳۰۲ تاسیس شده ومدت‌چندسال‌یعنی تاسال ۱۳۰۵ دوام داشته منتهی مرتب همه‌ماهه‌منتشر نمیشده‌است. درباره‌تاسیس‌ونشر مجله‌درسال‌مذکوراعلانی درشماره ۹سال‌اول روزنامه طلوع مورخ ۲۹دلو ۱۳۰۲ شمسی‌بدینقسم طبع گردیده: «مجله صنایع‌آلمان وشرق‌ونامه‌آزادی‌شرق که در برلن باکاغذهای خیلی اعلا ومصور طبع وبایران‌می‌آید در رشت وکالت آن راجع باین بنده است. کسانیکه مایل باشتراك آنها میباشندباین باین جانب رجوع کنند. ابوالقاسم کسمائی» از اعلان مذکور ثابت میشود که مجله در سال ۱۳۰۲ منتشر میشده است.

مجله صنایع آلمان وشرق از حیث ظرافت و زیبائی طبع وکاغذ وتصاویر دست کمی از مجلات خارجی ندارد واکنون با اینکه بیست وچند سال از انتشار آن‌میگذرد هنوز نظیر آن در بین مطبوعات فارسی نیست. شماره ۶۵ سال ششم مجله دارای عدهٔ صفحات اصلی وچند صفحه اعلانات رنگی، بقطع خشتی، در ماه دسامبر ۱۹۲۶میلادی مطابق سال ۱۳۴۵ قمری منتشر شده. مندرجات این شماره بیك مقاله تحت عنوان «صناعةاللبنی ودوره توسطه الطرق الفنیةالحدیثه» بقلم دکتر مارتینی شروع میگردد پس از آن مقاله‌اهمیة اقتراب‌المریخ من‌الارض‌والاکتشافات‌التی تربتت‌عن‌ذلك» وصفحات ۱۱ و ۱۲ مجله که قسمت عربی آن خاتمه پیدا میکند «احصائیات‌واخبار صناعةمتنوعة» چاپ شده است. از صفحه سیزدهم مجله قسمت فارسی آن شروع میشود واین‌قسمت با «ترجمه مکتوب مدیر مجله صنایع آلمان وشرق بآقای دکتر اشتر زمان وزیر امور خارجه آلمان» آغاز میگردد. پس از آن مقاله «اهمیت وفواید راه آهن برای تجارت وواردات صادرات‌ایران. بقیه از شماره قبل بقلم. مدیر جریده‌استخر» ومقاله (تجارت وطرز ساخت کبریت جدید) و مقاله «مجمع اطلاعات نیسه» و مقاله «طرق موتور کار در داخله آسیا» ومقاله «بقیه از شماره قبل مجمع از تشکیلات وعظمت کارخانه لوکومتیو واتومبیل سازی هنشل وپسران در آلمان» ومقاله «تفصیل کارخانه آئه گه در آلمان» ومقاله (طوفان در یکی از بهترین شهرهای تشنك امریکا» ومقاله «دخالت شخصیت در اکونومی و خانه داری امریکائی» وقسمت «مراسله اطاق تجارتی آلمان» ومقاله «مدرسه اتحادیة ایرانیان در بحرین» ومقاله

«تولیدالکتریسته بوسیله موتورهای بادی» بقیه از شماره قبل » مجموع این مقالات تا صفحه ۲٤ مجله قسمت فارسی آنرا تشکیل میدهد .

پس از آن قسمت ترکی مجله (ترکجه قسمی) وبمقاله (آلمان اوطومبیل‌سر کیسی) شروع میگردد . مقاله دوم قسمت ترکی مجله تحت عنوان (نوربز غـد ه) (شوان) قورشون قلم فا بریقه سنی زیارت ایدن محرریمزك انطباعاتندن) میباشد و بهمین مقاله قسمت ترکی مجله پایان یافته است . بعد از قسمت ترکی ، قسمت (هندوستانی) مجله و باین مقاله (کوئله پکهلا تی کی ایجاد) شروع میگـردد . مقاله دوم تحت عنوان مفید کهره ومقاله سوم تحت عنوان (جزائر هند) نوشته شده است . بقیه مندرجات مجله بزبان آلمانی است که احتیاجی بنقل عناوین مطالب آن نیست .

اعلانات مجله که اغلب همراه با تصویر است و گاهی تمام‌یانصف صفحه‌مجله‌را گرفته بزبانهای آلمانی و فارسی و عربی است . درباره اعلان و قیمت آن در مجله روی جلد مجله اینطور نوشته است : « هرگاه مایلید که تجارتخانه های خودتان را بفابریکهای آلمانی معرفی نمائید ؛ هرگاه مایلید اجناس و مواد خام خودرا مستقیما بتجارتخانه های بزرك و فابریکها بفروشید درمجله صنایع اعلان کنید . مجله صنایع را برای هزار و پانصد فابریك و تجارتخانه های عمده میفرستیم وکوشش ما این است که تا سال آینده دو هزار فابریك وادارات و تجار بزرك مجله صنایع را آبونه شوند قیمت اعلانات :یك صفحه ٦ لیره انگلیسی . نیم صفحه سه لیره ونیم . چهار یك صفحه یك لیره ونیم . هشت یك صفحه یك لیره . » قیمت وجه اشتراك سالیانه در ایران سه تومان ، سایر ممالك ۳ دولار ؛ برای معلمین ومحصلین وکارگران زائر عین دو دولار . محل اداره : برلین . و ۵۰

سیف آزاد ــ آقای سیف آزاد مدیر مجله وروز نامه ایـران باستان شرح احوال‌ایشان را بتفصیل در جلد اول کتاب ذکر کرده ایم . خوانندگان برای اطلاع بذیل روزنامه ایران باستان مراجعه فرمائید .

(۷۵۲) صور اسرافیل

روزنامه صور اسرافیل در طهران بمدیری (میرزا جهانگیرخان شیرازی ومیرزا قاسم خان تبریزی) تاسیس ودرسال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول صوراسرافیل درهشت صفحه بقطع وزیری باچاپ سربی درمطبعه (پارسیان) مطبع رسیده ودر تاریخ پنجشنبه ۱۷ ماه ربیع‌الاخر ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱٤ دی‌ماه سال ۱۲۷٦ یزدگردی پارسی و ۳۰ ماه مه سال ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است .

صور اسرافیل معمولا درهشت صفحه بقطع وزیری وبا چاپ سربی مطبعه‌پارسیان طبع گردیده و سرلوحه آن که برنگهای مختلف قرمز ، آبی . سیاه وغیره چاپ شده عبارت از فرشته آزادیست که درصور میدمد وگروه انبوهی اورا بیکدیگر نشان می

دهند • در داخل سرلوحه اسم روزنامه (صور اسرافیل) بخط نسخ درشت وبا خط ریز کلمات حریت ـ مساوات ـ اخوت) نوشته شده • در بالای سرلوحه آیه (و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون) و در پائین آن آیه (فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم) درج گردیده • و نیز خصوصیات روزنامه درزیر سرلوحه بدینقسم ثبت شده است : قیمت اشتراك سالیانه طهران ۱۲ قران • سایر بلادایران هفده قران • ممالك خارجه دو تومان • قیمت تك نمره طهران ٤ شاهی • سایر بلاد ایران ۵ شاهی • عنوان مراسلات . میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسمخان تبریزی • طهران • خیابان ناصری • کتابخانه تربیت • هفتگی • سیاسی • تاریخی اخلاقی • مقالات و لوایحی که موافقت بامسلك ما داشته باشد با امضا پذیرفته میشود در طبع وعدم طبع اداره مختار است •

روزنامه صور اسرافیل یکی از روزنامه‌های مهمی است که در آغاز مشروطیت ایران تاسیس شده و با مسلك و روش انتقادی خود کمك بزرگی بی بیداری وآزادی ایرانیان نموده است • روزنامه هفتگی صوراسرافیل روزنامه ایست سیاسی ، تاریخی اخلاقی و بیشتر سرمقاله های آن مربوط باوضاع سیاسی و انتقاد شدید از اوضاع استبدادی دربار است • ازلحاظ ابتکار سبك جدید نثر فارسی که در ستون مخصوص بعنوان (چرند وپرند) بقلم (دخو) دراین روزنامه چاپ شده ، تاکنون نیز نظیر آ درجراید فارسی دیده نشده است . برون مستشرق معروف در کتاب تاریخ ادبیات ایران « جلد چهارم ص ۳۱۵ ترجمه » روزنامه صور اسرافیل را یکی از بهترین و مفید ترین جراید بعد از انقلاب دانسته ومخصوصا از این جهت که درستونهای چرند و پرند آثار بسیار خوب ومفید ازنثر فارسی درآن مندرج است . قبل از آنکه بتفصیل در باره این نثر ابتکاری وستون چرند وپرند صور اسرافیل گفتگو نمائیم لازم است مقاله افتتاحی روزنامه را بعینه نقل نمائیم :

« بسم الله الرحمن الرحیم •حمد خدیرا کهما ایرانیان ذلت ورقیت خودرا احساس کرده و فهمیدیم که باید بیش از این بنده عمر وزید ومملوك این و آن نباشیم که تا قیامت بارکش خویش و بیگانه نباید بود . لهذا بایك جنبش مردانه درچهاردهم جمادی الاخر سال ۱۳۲٤ هجری قمری مملکت خویش را مشروطه و دارای مجلس شورایملی (پارلمان) نموده . وبهمت غیورانه برادران محترم آذربایجانی ما دربیست وهفتم ذیحجه ۱۳۲٤ دولت علیه‌ایران رسما درعداد دول مشروطه وصاحب کنستیتیسیون قرار گرفت • دوره خوف ووحشت باخر رسید وزمان سعادت وترقی گردید عصرنکبت وفترت منتهی‌شد وتجدید تاریخ واول عمرایران گشت . زبان وقلم در مصالح امور ملت و ملت آزادشد وجراید ومطبوعات برای انتشار نیك و بد مملکت حریت یافت • روزنامه های عدیده مثل ستارگان درخشان بامسلکهای تازه افق طهران را روشن کرد . وسران معظم بنای نوشتن وگفتن گذاشتند • ما نیز باعدم لیاقت وبضاعت مزجات قلم بر داشته که بخواست خدا شاید بتوانیم بدین ودولت‌ووطن وملت خود خدمتی کنم وبابنای

این آب و خاك موروثی که با خون پدران و نیاکان ما عجین و سرشته است ابراز ارادتی نمائیم • درتکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورایملی و معاونت روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین امیدواریم تا آخرین نفس ثابت قدم باشیم • و از این نیت مقدس تا زنده ایم دست نکشیم و با صدای رسا بگوئیم که ز تهدید و هلاکت بیم و خوفی نداریم و بزندگی بدون حریت ومساوات و شرف وقعی نمیگذاریم و بجز ذات پروردگار و احکام الهیه و قوانین ملکیه از احدی نمیترسیم و ازاین عقیده راسخ و محکم تخطی نمیکنیم . تملق ازکسی نمیگوئیم • وبرشوه گول نمیخوریم • قدح ومدح بیجا ازهیچکس نمیکنیم و اغراض نفسانی بکار نمیبریم بعبارةاخری در ابد وخوبراخوب مینویسیم • درنگارش‌این‌روزنامه انتفاع وسود شخصی را منظور نمینمائیم‌و این کار را کسب و شغل خود قرار نمیدهیم وبفریاد بلند تمام برادران ایرانی وارانی نژاد خود عرض میکنیم که اگر خدای نخواسته‌ازما نسبت بوطن خلافی مشاهده فرمایند ما را متنبه نموده و از راه کج باز دارند و تاخیر آنان را میخواهیم ما را از خوددانند بمنه وکرمه والصلوه والسلام علی محمد واله الطاهرین المعصومین • »

در شماره اول پس از سرمقاله مذکور بمقاله بعنوان (دو کلمه خیانت) و بعد مقاله (شورش عملجات) و مقاله (ایران تغییر کرده) ومقاله (مسئولیت قلم) و در ستون دوم صفحه پنجم خلاصه(نطق جناب حاج میرزا نصرالله ملك‌المتکلمین اصفهانی در انجمن اتحادیه طلاب) و ستون چرند وپرند بقلم دخو ودرپایان مقاله(حرف گفتنی) ودو اعلان درج است •

ستون چرند وپرند روزنامه = از ابتکاراتیکه در روزنامه صور اسرافیل کار رده شده درج ستون چرند و پرند است که درهرشماره با امضای دخو که نام‌مستعار آقای میرزا علی اکبر دهخدای قزوینی‌است درج شده • در ستون چرند و پرند صور اسرافیل بزبان فکاهی و با آوردن امثال وحکایات بشدت از اوضاع اجتماعی و نا عدالتی های آن انتقاد نموده و با کمال بی باکی بمعیبین اوضاع بدگوئی کرده است • از لحاظ نثر فارسی ستون چرند وپرند خیلی تازگی دارد وچنانکه برون درجلد چهارم کتاب تاریخ ادبیات فارسی در جائی که از بهترین جریده بعد از انقلاب گفتگو نموده ص۳۱۵ مینویسد از نمونه های ابتکاری نثر فارسی است • عبارتی که برون نوشته چنین است « درستون چرند وپرند صوراسرافیل هم نمونه های بسیار خوب ومبتکری ازنثر فارسی مندرج بود که ذیلا چند سطری ازآنرا نقل میکنیم « بعدازچندین سال مسافرت هندوستان و دیدن ابدال ••» زیرا که من تا بحال نظیری برای آن درایران ندیده ام• این‌قطعه درنمره یك صوراسرافیل چاپ شده‌است • ونیز برون درصفحه ۲۱۷ همین کتاب‌تحت عنوان « ابتکار دخو درنظم ونثر » نوشته است : این مقالات هرچند با امضاهای مجهول ومختلف است اما گمان میکنم تمام بقلم دهخدا باشد وبعقیده من دهخدا را باستبداد همین آثار قلیل نثری وچند قطعه شعری قطعه‌ای که برگشتش آکبلای‌است ومرثیه ای که برای‌میرزا جهانگیرخان سروده هردوخوب‌است خاصه مرثیه‌اخیر الذکر که در زیبائی

و تاثیر قلیل النظیر است) که از او بنظر رسیده بایستی در رتبه نخستین ادبا و نویسندگان معاصر ایران جایداد • »

و چون ممکن است خوانندگان گرام برای قرائت یکی از ستونهای چرند و پرند دسترسی بنمونه های صور اسرافیل نداشته باشند . ما ذیلا یکی از آنهارا بدون تفحص در انتخاب آن نقل مینمائیم • در اینجا باید اذعان کرد که اگر خواننده ستون های چرند و پرند بخواهد یکی را انتخاب کند دوچار حیرت وسرگردانی میگردد چه همانقسم که یاد آور شدیم همه آنها نمونه نثر ساده و فصیح زبان فارسی است •

چرند و پرند

« مکتوب شهری - کبلائی دخو . توقدیمها گاهی بدرد مردم میخوردی ، مشکلی بدوستانت رو میداد حل میکردی • این اخرها که سر وصدائی ازتو نبود می گفتم بلکه تو هم تریاکی شده ای • درگوشه اطاق پای منقل لم داده ای اما نگو که تو ناقلای حقه همان طور که توی صور اسرافیل نوشته بودی یواشکی بی خبر نمیدانم برای تحصیل علم کیمیا و لیمیا و سیمیا گذاشتی در رفتی بهند • حکما گنج نامه هم پیدا کرده‌ای • درهرحال اگر سوء ظنی درحق تو برده ام باید خیلی‌خیلی ببخشی عذرمی خواهم • باز الحمد لله بسلامت آمدی جای شکرش باقی است چرا که خوب سروقتش رسیدی . برای اینکه کارها خیلی شلوق وپلوق است .

خدا رفتگان همه را بیامرزد خاك براش خبر نبرد • درقافازان مایك ملااینکملی داشتیم روضه خوان خیلی شوخ بود . حالا نداشته باشد بامن هم خیلی میانه داشت وقتی که میرفت روضه بخواند اول یك مقدمه دورودرازی می‌چید . هرچند بی ادبی است می گفت مطلب اینطور خرفهم ترمیشود درمثل مناقشه نیست بنظرم می آید برای شما هم محض اینکه درست بمطلب پی ببرید یکمقدمه بچینم بد نیست •

درقدیم‌الایام دردنیا یك دولت ایران بود درهمسایگی ایران هم دولت یونان بود • دولت ایران آنوقت دماغش پرباد بود. ازخودش خیلی راضی بود . یعنی بی ادبی میشود اولهنگش خیلی آب میگرفت . کبادهٔ ملك‌الملوکی دنیا را می کشید . بلی آنوقت در ایران معشوق‌السلطنه . محبوب الدوله . عزیزالایاله . خوشگل خاوت . قشنگ حضور . ملوس‌الملك نبود . درقصرهاهم سرسره نساخته بودند . ملاهای آنوقت هم چماق‌الشریعه حاجب‌الشریعه . پارك الشریعه نداشتند . خلاصه آنوقت کالسکه‌الاسلام . میز وصندلی المذهب . اسب روسی‌الدین وجود نداشت . خوش آنروزها واقعه که درست عهدپادشاه وزوزك بود . مخلص کلام . یکروز دولت ایران لشکرهای خودش را جمع کرد یواش یواش رفت تا پشت دیوار یونان . برای داخل شدن ونان یکراه بیشتر نبود که لشکر ایران حکما باید از آن راه عبور کنند . بلی پشت این راه هم یك کوچه آشتی کنان مسجد آقا سید عزیزالله یعنی یکراه باریك دیگر بود ولی لشکر ایران آن راه را بلد نبود همینکه لشکرایران پشت دیوار یونان رسید این یونانیهای بدذات هفت خط با قشون جلو راه را گرفته‌اند • خوب‌حالاایران چه‌خاك بسرش کند ؟ برود چطور برود برگردد چطور برگردد مانده سفیل وسرگردان خدارحمت کندشاعررا خوب گفته است

نه درغربت دلم شاد و نه روئی در وطن دارم الخ . از آنجا که باید کار ها راست بیاید یکدفعه لشکر ایران دیدند یوا شکی یکنفر از آن جمعر تای آقا ها پسر بیگلر آقا های قزاق یعنی یکنفر غریب نواز یکنفر نوع پرست یکنفر مهماندوست از لشکر یونان جدا شد . وهمه جا پاورچین پاورچین آمد تا اردوی ایرانی ها وگفت سلام‌علیکم خیر مقدم خوش آمدید صفا آوردید سفر بی‌خطر ضمنا آهسته با انگشت شهادت آن کوچه آشتی کنان را بایرانیها نشان داد گفت ما یونانیها آنجا لشکر نداریم اگر شما از آن راه بروید میتوانید مملکت مارا بگیرید وایرانیها هم قبول کرده و از آن راه رفته داخل خاك یونان شدند . حالا مطلب اینجا نیست . راستی تا یادم نرفته اسم آن غریب نواز را هم عرض کنم : هرچند قدری بزبان ما سنگین است اما چه می‌شود کرد . اسمش (افیالتس) بود خدا لعنت کند شیطان را نمیدانم چرا هر وقت من این اسم را می شنوم بعضی سفرای ایران یادم می افتد . باری برویم سرمطلب در آن وقت که جناب چکیده غیرت نتیجه علم وسیاست معلم مدرسه قزاقخانه جناب میرزا عبد الرزاق خان مهندس بعد ازسه ماه پیاده روی نقشه جنگی مازندران را برای روسها کشیدند ما دوستان گفتیم چنین آدم با وجود حیف است که لقب نداشته باشد بیست نفر سه شبانه روز هی نشستیم فکر کردیم که چه لقبی برای اشان بگیریم چیزی بقلمان نرسید حالا ازهمه بدتر خوش سلیقه هم هستند . میگویند لقبی که برای من میگیرید باید بکر باشد یعنی پیش ازمن کس دیگر نگرفته باشد . ازمستوفی ها پرسیدم گفتند دیگر لقب بکر نیست کتاب‌های لغت‌را باز کردیم دیدیم در زبان فارسی عربی ترکی فرنگی ازالف تایاك کلمه نیست که انلاده دفعه لقب نشده باشد . خوب حالاچه کنیم یعنی خدا را خوش میاید این آدم همین طور بی‌لقب بماند .

از آنجا که کارها باید راست بیاید یکروز من درکمال اوقات تلخی کتاب تاریخی که جلوی دستم بود برداشتم که خودم را مشغول کنم همینکه کتاب را باز کردم در صفحه دست راست سطر اول دیدم نوشته است (از آن روز به بعد یونانی ها به افیالتس خائن گفتند و خونش را هدر کردند) ای لعنت بشما یونانی هامگر افیالتس بشما چه کرده بود که شما اورا خائن بگوئید . مگر مهمان نوازی درمذهب شما کفر بود . مگر بغریب پرستی شما اعتقاد نداشتید؟ خلاصه همینکه این اسم‌را دیدم گفتم هیچ بهتر از این نیست که این اسم را برای جناب میرزا عبدالرزاق خان لقب بگیریم . چرا که هم بکر بود هم این دو نفر شباهت کامل بهمدا شتند . این غریب نواز بود او هم بود . این مهمان پرست بود او هم بود . این میگفت اگر من اینکار را نمیکردم دیگری نمیکرد، او هم میگفت تنها یك فرق در میانه بود که تکمه های سرداری افیالتس از چوب جنگل وطن نبود . خوب نباشد این جزئیات قابل ملاحظه نیست . مخلص کلام . ما دوستان جمع شدیم یك میهمانی دادیم شادیها کردیم فورا یك تلگراف هم بکاشان زدیم . که پنج شیشه گلاب قمصر و دو جعبه جوز قند زود بفرستند که بدهیم لقب را بگیریم . درهمین حیث ووبث جناب حاجی ملك‌التجار راه آستارا بروس ها واگذار کردند نمیدانم کدام نامرد حکایت این لقب راهم باو گفت دو پاش را

توی یك کفش کرد که از آسمان افتاده ام این لقب حق و مال من است . حالاچند ماه است نمیدانی چه الم سرائی راه افتاده از یکطرف میرزا عبدالرزاقخان بقو • علم هندسه • از یك طرف حاجی ملك‌التجار بزور فصاحت و بلاغت و شعرهای، ا مر لقیس و ناصر خسرو علوی کبلائی دخو نمیدانی در چه انشر ومنشری گیر کرده‌ایم •

اگر بتوانی ما را از این بلیه خلاص کنی مثل این است که یك بنده در راه خدا آزاد کرده خدا انشاءالله پسرهات را ببخشد •

خدا یك روز عمرت را صد سال کند • امروز روز غیرت است د یگر خودمی دانی زیاده عرضی ندارم خادم با وفای شما • « خر مگس »

توقیف صور اسرافیل

قبل ازآنکه بشرح توقیف روزنامه بپردازیم لا ز م است از تغییرا تی که در اداره روزنامه پیش آمده شمه یاد آور شویم • روزنامه صور اسرافیل از شماره اول تا شماره هفتم و هشتم که یکجا طبع ومنتشر شده تحت نظرو بمدیری میرزا جهانگیر خان شیرزای و میرزا قاسمخان تبریزی بوده است وهردو نفر مدیر و موسس ودخیل در انتشار روزنامه بوده اند • ازشماره هفتم و هشتم تا شماره پانزدهم اسم جها نگیر خان شیرازی از عنوان روزنامه حذف شده ومدیر فقط (میرزا قاسمخان تبریزی) معرفی شده است • علت این تغییر یعنی حذف اسم جهانگیرخان درصورتیکه نامبر د ه درحقیقت همه‌کاره روزنامه بوده برنگارنده مجهول است •

ازشماره ۱۵ مجددا نام هردو (میرزا جهانگیر خان ومیرزا قاسمخان) ذکر شده و علاوه اسم (میرزا علی اکبر خان قزوینی) بعنوان دبیر ونگارند ه در عنوان روزنامه اضافه شده است • واین وضع تاآخرین شماره منتشره‌یعنی شمار ه ۳۲ سال‌اول ادامه داشته است • در باره محل اداره صوراسرافیل در بدو تاسیس طهران ؛ خیا با ن ناصری کتابخانه تربیت و مدتی خیابان علاءالدوله ، محاذی مهمانخانه مرکز ی و د ر اواخر انتشار محل اداره : طهران • نزدیك امامزاده یحیی کو چه مسجد فاضل خلخالی بود است •

احضار مدیر صور اسرافیل در دارالفنو ن

پس ازنشر شماره اول صوراسرافیل ودرج مقاله (مسئو لیت قلم) که د ر آن نویسنده باداره‌انطباعات حمله سخت نموده‌و آنرا یك اداره‌پوسید قلمداد کرده وتفتیش درمطبوعات را مخالف با آزادی ومشروطیت دانسته . از وزارت معارف و اوقاف‌اداره جراید، اخطاری بدینقسم برای مدیر صور اسرافیل فرستاد شده است :

« نمره۱۷ ، مورخه ۱۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ • جناب میرزا جهانگیر خا ن مدیر روزنامه صور اسرافیل دام مجده لزوما زحمت میدهم صبح یکشنبه بیستم د ر مدرسه مبارکه دارالفنون تشریف بیاورید که ملاقات شما لازم است • مخبر سلطنه » پس از دریافت اخطاریه مینویسد : « چهارساعت قبل ازظهر یکشنبه وارد مدرسه شر یفه د ا ر الفنون‌شده و باطاق کوچك مخصوص وزارت علوم و اوقاف که درضلع شمالی و متصل بدالان زاویه شمال شرقی مدرسه است داخل گردیده •جمعی ازسادات قمی د ر خصو ص

عمل موقوفات قم صحبت میکردند . بعد از لمحه جناب وزیر علوم با بگارنده بنای صحبت را گذاشتند که بعرض خوانندگان محترم میرسد .

سوال ـ من دیروز رفتم بمجلس شورا ملی و درخصوص جریده صور اسرافیل صحبت کردم وقرار شد شما را سیاست کنیم . ولی بشمامیگویم که بعد از این اینطور چیز نوشتن را ترك کنید .

جواب ـ همان آن که در مجلس خصوصی صحبت شد رجال الغیب و ارواح مجرد صورت مجلس را بجهت بنده نقل کردند . چیزی نوشته نشده که سیاست بشوم و در راه آسایش و آزادی ملت وخیرخواهی دولت اگرهم سیاست بشوم کمال افتخار را دارم جریده ما تاریخی است آنچه نوشته شده ازوقایع مهمه عالم است .

سوال ـ از این ماده میگذریم چرند و پرند یعنی چه ؟

جواب ـ چرند پرند قسمت اخلاقی صور اسرافیل است .

سوال ـ مگر اخلاق را نمیشود بطرز دیگر نوشت .

جواب ـ اخلاق را بطرزهای مخصوص نوشته و مینویسند طباع بشری باینگونه سخنان بیشتر راغب است .

سوال ـ در اینخصوص هم خود دانید . مطلب دیگر راجع بمسئولیت قلم است هن اگر چه خوب نخوانده ام ولی شنیده ام که چه نوشته اید ونمیدانم در کدام ستون درج شده (هفتگی صور اسرافیل را به بنده دادند) پیدا کنید . ستونی را که مقصود بود خواندم که دیو سیاه گنده مهیب بازوی مرا گرفت وگفت شیرینی مرا بده .

سوال ـ برای چه نوشته اید شیرینی خواستند مگر ازشما یاسایر مدیران جراید چیزی گرفته شده . »

این سوال وجواب مفصل و تمام صفحات هفت وهشت شماره دوم را فرا گرفته است . برای اطلاع از تمام آن بخود شماره دوم مراجعه شود . پس از انتشار شماره ۱٤ سال اول مورخ پنجشنبه ۱۰ شعبان ۱۳۲۵ قمری صور اسرافیل برای مدتی توقیف و شماره ۱۵ درتاریخ چهارشنبه ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ قمری منتشر گردیده است . علت توقیف روزنامه ارتباطی با شماره ۱٤ نداشته وبلکه بعلت درج سرمقاله شماره ۱۲ بوده است . این سرمقاله تحت عنوان « آیا برای کمال وترقی بشری سرحدی هست ؟ آیا درمرتبه ازمراتب کمال انسان متوقف میشود ؟ آیا میتوان گفت خط سیر فرزند آدم بفلان نقطه منتهی خواهد شد ؟ » نوشته شده وقسمت اول آن چنین است : « موافق عقاید کهنه پرستان مملکت یعنی آن دسته ازمردم که اوهام آباء کرام خودرا بهر درجه از کثافت که باشد دو دستی چسبیده وحفظ آنرا از وظایف مقدسه خود میشمارند نقطه عزیمت انسان چند سال پیش ازیعرب بن قحطان با تسخیر وتصرف رمه های گوسفند وشتر و خانه بر دوش ایلات وقبائل نواحی بین النهرین شروع شده وبکسالت و تنبلی و تن پروری و بیعاری کنونی ایران منتهی میشود . مقصودقدرت کلیه از اختراع این آخرین شاهکار کارخانه هستی . خلقت اشرف مخلوقات ، ایجاد مسجود ملائك ، وابداع مصادیق (انا خلقنا الانسان فی احسن التقویم) فقط عرض یك جنگل هرج ومرج ویك مزبله اوهام و

خرافات در نمایشگاه دنیاست ...»

انتشار مقاله مذکور که با اصول مسلم ادیان مخالف است جار و جنجالی در محافل مذهبی طهران برپا نمود بقسمیکه مدیر روزنامه درشماره بعد (شماره ۱۳)تحت عنوان (اخطار) ناچار بعذرخواهی گردید.

در این اخطار مینویسد: «بنا بر مذکور جمعی از برادران دینی واخوان اسلامی ما در مندرجات مقاله اول نمره ۱۲ سوء ظنی برده و العیاذبالله در مسلورات آن بواسطه الهام واغلاق پاره از کلمات وعبارات یا بملت تازگی مسلك اشاء حسن نیت خودشان را از ما سلب فرموده ونسبت خطای فکر یا عقیده بنگارنده داده‌اند در صورتیکه ما کرارا شرح عقاید حقه اسلامیه خود را داده و تا آن حد که اسقاط تکالیف شرعیه خون ایمانی ما نسبت بما بشود تصریح بمعتقدات حقه خود کرده‌ایم درهرحال توضیح مبهمات این مقاله را انشاءالله برای نمره بعد کاملا بعهده میگیریم ودر این نمره فقط ثبت شکوای خود را بندای اسلام مینمائیم.» با این اخطار ومعذرت طلبی همان قسم که یاد آور شدیم روزنامه متجاوز از یکماه توقیف بوده وپس از خروج از توقیف ونشر شماره ۱۵ قبل از سرمقاله بعنوان (تشکر) اینطور مینویسد: «از عموم برادران وطنی که در موقع توقیف روزنامه اظهار همراهی فرموده‌اند کمال امتنان را حاصل نموده و مخصوصا از اخوان غیور آذربایجانی وگیلانی و کرمانی وفارسی خود و پاره انجمنهای محترمه پایتخت که اجازه اقدامات مجدانه در رفع توقیف اوراق نالایق صور خواسته بودند نهایت متشکر و ممنونیم ولی همانطور که کتبا و تلگرافا خدمت همه معروض داشته ایم چون حکم ازمجلس مقدس شوری صادر شد بود و امر مجلس عجالتا درحکم قانون است مخالفت با آن با تقوای دوره آزادی مباینت دارد و حب قانون و وطن راهی برای تشبثات مخالفانه نمیگذارد.»

از روزنامه صور اسرافیل مجموعا ۳۲ شماره منتشر گردید و آخرین شماره آن در تاریخ شنبه ۲۰ جمادی اولی ۱۳۲۶ قمری یعنی سه روز قبل از فاجعه مشر وطیت و خرابی مجلس شورایملی توزیع شده و سرمقاله این شماره تحت عنوان « ملت و دربار» نوشته شده وقبل از درج سرمقاله این اعلام چاپ گردیده است : اعلام .

۱ ـ ضامن وجوه آبونه مشترکین صور اسرافیل در بلاد داخله و خارجه وکلای محترم اداره اند . ۲ ـ اجرت اعلان سطری دوقران. درصورت تکرار تخفیف داده میشود

مدیر صور اسرافیل اعلام مذکور را در شماره اخری روز نامه چاپ کرده غافل از اینکه چه سرنوشت شومی در انتظار خود او و روزنامه اش میبا شد . سر مقاله آخرین شماره روزنامه خیلی تند و شدید نوشده و باکمال خشونت بدربار حمله شده است . قسمت اول این سرمقاله چنین است : « چند نفر درد پیاله وجود و سفل ثمرات هستی یعنی معدودی از روسی نژادان که ملت آدم پرست روس نیز وجودآنها را ننك هیئت و لکه دامن قومیت خود میشمارد چنان دوردربار دولت ایران را احاطه کرده اند که برای نفوذ کمترین رائحه احساسات انسانیت سرسوزنی هم منفذ و مدخل باقی

نمانده است ۰۰۰۰ » درهمین سرمقاله بشدت بقزاقان روسی حمله کرده مینویسد :
« دولت روس آندسته ازقزاقها را که درجلو آزادی ملت خود سد قرار میداد درمیان رختخوابهای فواحش روسی تخم‌گیری کرده وازنطفه های سر راه تربیت نموده بود قزاق روسی پدر خودرا نمیشناخت قزاق روسی دین وآئین خودرا نمیدانست؛ قزاق روسی خدای آسمان وزمین امپراطور را تصور میکرد ۰۰۰۰ » و شاید همین اهانتها و بدگوئیها ازقزاقان روسی سبب عداوت(شاپشال)بامدیرصور اسرافیل گردیده و این سرکرده قزاقان روسی کینه وعداوت میرزا جهانگیرخان را دردل گرفته است خود شاپشال بیکی ازمحترمین گفته بود شاه باصرار من میرزا جهانگیرخان و ملك‌المتکلمین‌را کشت ۰ بعضی نوشته‌اند « کتاب حکومت‌تزار ومحمد علی میرزا ص۱۰۶ » صور اسرافیل گفته بودشاپشال یهودی است وازاین جهت کینه او را در دل گرفته بود ۰

مندرجات صور اسرافیل بغیرازسرمقاله وستون چرندپرند عبارت از مقالات مختلف و اخبار مرکز وولایات است ۰

مرحوم کسروی در باره روزنامه صوراسرافیل اینطور مینویسد : «اما صور اسرافیل آنرا میرزا قاسمخان تبریزی و میرزا جهانگیر خان شیرازی بنیاد نهادند و میرزا علی اکبرخان قزوینی (دهخدا) یکی از نویسندگان او بود . این روزنامه هم با کاغذ حروف خوب چاپ میشد و راهبران آن مایه میداشتند و تا زمان توپ بستن مجلس برپا میبود ۰ در این روزنامه یك بخش شوخی آمیزی زیر عنوان (چرند پرند) نوشته میشد که دهخدا آنرا مینوشت و از اینرو صور اسرافیل بملا نصر الدین و آذربایجان مانندگی پیدا میکرد ۰ خوانندگان باین بخش بیشتر رومیآوردند و انگیزه رواج روزنامه بیش ازهمه این بخش می‌بود ۰

صور اسرافیل بآرزوهای مردم نزدیك میشد و در پیش آمدها پا بمیان نهاده گفتارها مینوشت ؛ همان بخش چرند وپرند آن بیشتر درزمینه پیش آمدها میبود مثلا درهمان روزها درتهران ، همچون تبریز ، نان کمیاب شده و مردم سختی‌میکشیدند و نان فروشان فرصت بدست آورده بآرد خاك می‌آمیختند ، صوراسرافیل این عنوان را کرده یك چرند و پرندی نوشت ۰ بازگردانیدن دختران قوچانی یکی ازآرزوهای آزادیخواهان بود ، صور اسرافیل آنرا بشعر در آورده گفت : هفده وهیجده ونوزده چون نویسندگان آن آگهی از تاریخ اروپا وکشورهای آنجا داشته مطالب تازه راجع بمشروطه مینوشتند و برسر همین نو اندیشی دشمنیها با وی پدید آمد تا آنجا که شاد روان طباطبائی از آن ازردگی نمود و یکبار نیز با دستور وزیر علوم جلو گیری از بیرون امدن ان شد ولی دوباره راه انرا باز نمودند (اشاره بتوقیف روزنامه است که انرا یاد اور شده‌ایم ۰ مولف) و صوراسرافیل می‌بود تا داستان توپ بستن بدارالشوری پیش امد ۰) صفحات ۳۸۲ و ۳۸۳ بخش اول تاریخ مشروطه ایران ۰

روزنامه که صبح بقیمت چهارشاهی منتشر می‌شد عصر بچند تومان خرید وفروش

می گردید • در باره نفوذ و اهمیت صور اسرافیل شرحی از قول آقای دهخدا درشماره ۱۱ سال اول مجله اطلاعات ماهیانه ؛ در ضمن مقاله نوشته که عین آنرا نقل می نمائیم « آقای دهخدا نقل می کنند که در اداره روزنامه که دو اطاق بیشتر نبود روزی نشسته بودم که پیر مرد پارچه فروشی برای خرید روزنامه آمد ویك عباسی روی میز میرزا جهانگیرخان گذاشت و یکشماره روزنامه خرید • من چون میدانستم این پیر مرد هر روز بابار سنگین خود ازپله‌های بالاخانه بالا می آید دلم سوخت و گفتم شما زحمت نکشید ، خود من روزنامه را پائین آورده بشما میدهم پیرمرد با قیافه متاثری گفت (پس توابش چلور میشود) آقای دهخدا میگوید من هنوز نمیدانم آن پیر مرد چگونه فکر میکرد و شاید میپنداشت که خرید صور اسرافیل ازفرایض و واجبات است و مطالعه آن چون اقامه نماز ثوابی دارد •» همین نفوذ فوق‌العاده در میان طبقات مختلفت بوده که محمد علیشاه را نسبت بمدیران بدبین ساخته بقسمیکه تصمیم بقتل وی و همکارانش گرفته بود •

راجع بعلاقه و اعتقاد مردم بروزنامه صور اسرافیل مرحوم دولت آبادی در کتاب حیات یحیی ص ۳۲۶ در جائیکه از میرزا اسدالله خان نامی که جوانی بیست و پنجساله است و با اصابت گلوله به پیشانی او در روز فاجعه بمباران مجلس از پا در می آید گفتگو میکند مینویسد : « میرزا اسدالله خان در ایام تحصن بهارستان اغلب با نگارنده بود • روزها زحمت روزنامه صوراسرافیل تحمل میکرد و شب ها تا نزدیك صبح بنوبت در بالای بام کشیك میکشید شب دوشنبه ۲۲ جمادی الاول که نگارنده در بهارستان بودم این جوان را درنیمه شب دیدم خورجین بردوش دارد باطاقی که متحصنین دراند وارد میشود دراین خورجین اوراق طبع شده روزنامه صور است که ازمطبعه گرفته آورده است در بهارستان توزیع کند واین آخرشماره صور است که در طهران طبع‌شده نگارنده‌استراحت میکند وآن جوان به‌بستن بسته های روزنامه میپردازد تصورمیشود باهمه‌زحمت وخستگی بعد از فراغت‌ازکارروزنامه استراحت‌خواهد کرد ولی بین الطلوعین است نزدیك گوش من‌صدائی مرا بیدارمیکند که » سانیکه تاریخ‌مشروطیت ایران رانوشته‌در باره گرفتاری‌وقتل‌مدیر صوراسرافیل کم‌وبیش‌مطالبی نوشته‌اند‌من جمله در کتاب زندگانی ملك‌المتکلمین ازصفحه ۲۶۲ آنطرف ونیز مرحوم کسروی ومرحوم حاج‌میرزا یحیی دولت آبادی هرکدام مطالبی نوشته اند که قتل آنمرحوم را روشن وآشکارمیسازد و ما ذیلا بنقل گفتار مرحوم کسروی و حاج میرزا یحیی دولت آبادی که دقیق تر از دیگران نوشته و درحقیقت خیلی ازمطالب هردو هم‌شبیه بیکدیگر است میپردازیم‌مرحوم کسروی سرگذشت جهانگیر خان و دیگران را ازقول میرزا علی اکبرخان اردا قی ، برادر قاضی ارداقی ؛ که درقید حیات بوده بخلاصه اینطور مینویسد :« چون برادرم همراه میرزا جهانگیر خان وملك و دیگران شب وروز درمجلس مجازیست برای بردن ناهار و شام من در روز چند بار بآنجا میرفتم تا روز دوم تیرماه بشیوه هروز روانه شدم ولی قزاقان مانع ورودم شدند ولی دراین‌بین درشکه بهبهانی آمد بهمراه او

وارد مجلس شدم و در آنجا می بودم تا جنك آغاز شد و چون آقایان بیرون رفتند من نیز بیرون رفته ومارا یك بالاخانه درپارك امین‌الدوله جا دادند • امین الدوله نزد ما آمد و مهربانی کرد وچون رفت نوکرش آمد وگفت آقا میگویند چون ممکن است خبر شما برسد که اینجائید بهتر این است بجای دیگری بروید ازاینجهت ما را بنوکری سپرد • نوکر ما را تا دم در آورد ودر آنطرف خیابان عمارت‌نیمه سازی را نشان داد وگفت آنجا بروید • اینرا گفت ودر را روی ما بست • ماآهنك عمارت نیمه ساز کردیم‌ولی آنجا که رسیدیم دیدیم همه جای آن باز است وهمگی مارا می بینند فهمیدیم مقصود امین‌الدوله بیرون کردن ما بوده • خانه سید حسن مدرس حبل المتین تهران درآن نزدیکی می بود ، کسی دنبال او فرستادیم . وچون آمد ما رادر آنحال دید سخت غمگین گردید وما را همراه برداشته بخانه خود برد در آنجا که اندك ایمنی پیدا کردیم ملك ومیرزا جهانگیر وبرادرم بچاره جوئی پرداختند ، هرکس چیزی میگفت . پس از گفتگوی بسیار اینطور بناشد که تاغروب آفتاب آنجا بمانیم وهنگام شب یکی‌یکی بیرون رفته ازخندق گذشته ازبیراهه بحضرت عبد العظیم برویم و درآنجا بست بنشینیم ، اندکی آرام شدیم ، ولی چیزی نگذشت که هیاهو بلند شد وخبر آوردند که قزاقان اطراف خانه را گرفتند ؛ ملك ومیرزا جهانگیر خان وبرادرم گفتند اینها برای گرفتن ما آمده وروانیست خانه بریزندوزنان‌وبچه هابلرزند ازاینجهت همگی برخاسته ازخانه بیرون شدند • سرکرده قزاقان امیر پنجه قاسم آقا بود دستور داد ملك ومیرزا جهانگیرخان وبرادرم هریکیرا یك قزاق بترك اسب خودسوار برگیرد ومارا بپادگانی سپرد وبدین ترتیب قزاقان با آن سه تن ازپیش وما با این دسته ازپشت سر ایشان راه افتادیم • درجلو سفارت انگلیس یکدسته ارمنی واروپائی ایستاده بودند • میرزا جهانگیرخان اینانرا دیده خواست گفتاری راند ولی همینکه آوازی برداشت « ما آزادی خواهانیم ••• » قزاقی‌ازپشت سرشوشکه برپشت سراو فرودآورد که خون شدت روان گردید وگفتار ناانجام ماند • بدین ترتیب مارا بقزاقخانه‌رسانیدند هنگامی بود که قزاقان کار مجلس‌راتمام کرده بآنجابرمی گشتند وچون خیلی تلفات داده بودند همینکه مارا دیدند باشوشکه های برهنه برسر آن سه تن تاختند ، قزاقانی که مارا آورده بجلوگیری برخاستند ولی کی میتوانست جلوی ایشان را بگیرند وهمه ریز ریز میشدیم اگرنبودی که‌سرکردگان‌ازاطاقها چگونگی را دیده خودرا بپائین رسانیدند و به قزاقان دادزدند (اینهارا اعلیحضرت خواسته باید بباغ شاه ببریم کاری نداشته باشید» ولی قزاقان دست برنداشته وپیوسته آزار رسانیده دشنام میدادند ، برادرم فریاد زد ما اداره قزاقخانه را مرتب ترین ادارات میدانستیم این بی‌ترتیبی‌برای چه مارا بفرمان شاه دستگیر کرده‌اید وبباغ شاه خواهید برد وما نمیدانیم شاه مارا خواهد کشت یا خواهد بخشید ، هرچه هست باشد • این را که بعضی ازسرکردگان شنیده قزاقان را از ما دور وپاسبان گماشتندونیزکسانی آمده رخم سرمیرزا جهانگیرخان را که‌همچنان خون‌می‌آمدبستند ومهربانیها کرده . چای‌وسیگارآوردند ساعتها بدین سان گذشت ویکساعت بغروب مانده‌آمدندبرخیزید؛ شمارا بباغ شاه ببریم چون‌برخاستیم ما را

بمیان قزاقخانه بردند در آنجا توپهائی بود و مارا دو تن دو تن بر روی آنهاسوار کرده و زنجیرهای گردنما ن را بآنها بستند وقزاقها می گفتند با این توپ هامجلس را خراب کردیم و شما را نیز دم آنها خواهیم گذاشت • وقتی میخواستند مارا روانه کنند یك سر کرده روسی رسید برآشفت و دستور داد مارا ازروی توپ پائین آورنده با دستور او مارا بیك عده قزاق سپرده روانه کردند، ازخیابانها که میگذشتیم مردم دشنام داده آب دهان می انداختند خاکروبه می ریختند ، در باغشا ه ما را بچادر ی رسانیدند که کسان بسیاری ازپیروان بهبهانی وطباطبائی و دیگران درآنجا می‌بودند ما نیز در میان ایشان جایگرفتیم ولی هیچکس با دیگری سخن نمیگفت و هر یکی بخود فرو رفته بیم جان خویش را میداشت . پس ازدیری کـه هوا تاریـك شد ه بود کسی آمده ملك‌المتکلمین ومیرزا جهانگیر خان وبرادرم قاضی را جدا کرد ه بـرد • یقین کرده برای کشتن بردند و همه غمگین شدیم ولی سه ربع نگذشت که هر سه را باز گردانیدند • آنکس که ایشان را برده بود گفت فرماندهٔ تیپ میگوید اینهـا گرفتار شده و اینجا در امان من می باشند ونیز میگویند کار این سه کس‌جداست و با دیگران یکجا نباشند •

دیری نگذشت که یکدسته قزاق آمد وما را بیك عمارتی درآنجا برد وسپس هرهشت تن را دریك زنجیر گرداگرد اطاق نشانیدمیخ ها را بمیان اطاق کوبیده و گفتند بخابید هر کس ازجای خود برخیزد با گلوله زده خواهد شد •

سید محمد رضا مساوات که گفتیم یکی ازهشت نفری بود که محمد علـی شاه خواسته بود (درص ٢٤ کتاب مینویسد پس از آنکه مجلس انجمنها را پراکنده کرد تصور نمود شاه ازخشم فروآمده ولی او بگستا خی افزود و فردای آنروز بیرون کردن هشت تن ازسران آزادی را خواستار شد که یا از ایران بیرون رفتـه و یـا سپردن بدست او میبود • از آن هشت تن یکی‌میرزا جهانگیر خان دیگری سید محمد رضا شیرازی مدیر مساوات ، ملك‌المتکلمین ؛ سید جمال واعظ بودند) واگر بد ست افتادی بکیفر سخنان تند خرد شکنجه های سخت دیدی ، وی ازبیش ازجنك د ر جائی نهان شده بود وسپس بارخت ناشناس از راه مازندان خودرا بباکو میرساند که از آن جا نیز در تبریز آمد •

امروز (منظور روز چهارشنبه سوم تیر ماه مطابق ٢٤ جمادی الاولی ا ست) ملك‌المتکلمین و میرزا جهانگیر خان را بی آنکه بازپرسی کنند و یا بداو ر ی کشند نابود گردانیدند • در این باره سخنان بسیار است ولی ماچون داستان را ازمیرزا علی اکبرخان ارداقی که خود در باغشاه باآن دوتن‌و با دیگران هم زنجیر بوده پرسیده‌ایم همان گفته های اورا می آوریم • میگوید :

شب چهارشنبه را که با آن سختی بسربردیم ، بامدادان از خواب برخاستیـم و قزاقان هرهشت تن را که بیك زنجیر بسته بیرون می بردند وچون آنها را می‌آوردند هشت تن دیگری را می بردند وچون اندکی گذشت دوتن فراش برای بردن ملك‌و میرزا جهانگیرخان آمدند وایشان را ازقطار بیرون آورده بگردن هر یکی زنجیـر

دستی (شکاری) زده گفتند : « برخیزید بیائید » گویا هردو دا نستند که برای کشتن میبرندشان • ملك‌دهدربا آواز دلکش و بلند این شعر را خواند : مابار که دادیم این رفت ستم برما ✿ بربارگه عدوان آیا چه رسد خذلان •

این شعررا خواند و پا ازدر بیرون گذاشت • ما همگی اندوهگین شدیم • و این اندوه چند برابر شد وقتی دیدیم آن دو فراش زنجیرهائی را که بگردن ملك و جهانگیر خان زده وبرده بودند برگرد نیده درجلوی اطاق بر روی دیگر زنجیر ها انداخته و مابیگمان شدیم که کار آندو بپایان رسیده • این داستانیست که میرزا علی اکبر خان یاد می کند و ما از هرجهت آنرا درست می شماریم • ما مونتیف نیز مینویسد : سرگذشت این دو تن بسیار ساده بود • امروز ایشان را بباغ بردند و پهلوی فواره نگاه داشتند دو دژخیم طناب بگردن ایشان انداخته از دو سو کشیدند خون از دهان ایشان آمد و این زمان دژخیم سومی خنجر بدلهای ایشان فرو کرد مدیر روزنامه را هم‌بدینسان کشتند » بخش سوم تاریخ مشروطه ایران تالیف کسروی صفحات ۱۱٦ بآنطرف و اما آنچه مرحوم دولت آبادی در کتاب‌حیات‌من، فصل سی و ششم کتاب نوشته بدینقرار است : « درفصل سی وپنجم نوشته شد ملك‌المتکلمین‌وپسرش محمد علی و سید جمال‌الدین واعظ و میرزا جهانگیر خان و میرزا داودخان و قاضی قزوینی و برادرش و سید نورالدین و بعضی دیگر درخانه میرزا سید حسن کاشانی که متصل بپارك امین‌الدوله است مخفی میشوند اینك شرح گرفتاری آنها را مینویسم بعد از آنکه انجمع بخانه مزبور میروند مادر پیر میر سید حسن کاشانی بنای گریه و زاری را گذارده میگوید شما باین‌خانه آمده اید خانه ما را خراب خواهند کردواموال ما یغما میشود ملك‌المتکلمین بمیرزا جهانگیرخان میگوید مارا که دستگیر خواهندکرد بهتر این است که دل این زن را بدست آورده رفع اضطراب او را بکنیم چند نفر مخالفت کرده انجا مخفی میشوند بطوری که خود آن زن هم نمیدانسته است باین‌ترتیب که خودرا در آب انبار خانه انداخته درمیان آب چند ساعت میماننـد تا شب میشود و فرار میکنند وازآنهاست‌میرزاقاسمخان تبریزی ازکارکنان روز نامه صور اسرافیل مایقی بیرون آمده وارد خیابان میشوند سید جمال‌الدین خودرا درخانه پنهان میکند و عاقبت کار او در جای خود نوشته میشود دیگران گرفتار میشوند باین ترتیب ملك المتکلمین چشمش درست نمی‌بیند قاضی هم نابیناست هردو را باید عصاکشی نمایند از این جهت نمیتوانند فرار کنند بعضی دیگر هم آنها را متابعت مینمایند همینکه وارد خیابان‌میشوند قزاقان اول میرزا جهانگیر خان و بعد دیگران‌را دستگیر کرده آنها را بی نهایت کتك میزنند و مجروح ساخته سرو پای برهنه همه را بقزاقخانه میبرند در راه که این جمع را میبردند بعضی ازمردم نادان بآنها ناسزا گفته نسبتهای ناشایسته میدهند میرزا جهانگیرخان پی درپی نطق میکند و ازکتك و زخم کارد اندیشه نکرده میگوید ایمردم ما رفتیم اما شما دست ازمشروطه برندارید وبقزاقان میگوید ما مقصر بولتیکی هستیم کسی مقصر بلتیکی را آزار نمیکند این یگانه فدائی وطن از آن هنگام که گرفتارمی شود دست از جان شسته هرچه دردل دارد میگوید بلی روز اول آن مرد وطن پرست

جان عزیز را با قلم نگارش صور اسرافیل بگرتبه بکف گرفته نوشت آنچه نوشتنی بود و اینک چند ساعت بقیه عمر خود را غنیمت میداند که ناگفته مانده ها را بگوید تا در خدمت بملت کوتاهی نشده باشد • همین حال آنها رامیبرندتاولرد قزاقخانه می کنند و آنجا محبوس میشوند صاحب منصبان قزاقخانه پی درپی بمحبس آنها آمده آن ها را نعش داده آزار میکنند میرزا جهانگیر خان در این حال بازاز نطقهای وطن خواهانه دست بر نمیدارد و دقیقه آرام نمیگیرد بالاخره از بس حرف میزند محبس او را جدا میکنند • ملك المتکلمین گرسنه و تشنه است چون اورا برهنه نکرده اند پولی دارد یکی از قزاقان میدهد برای او نان و نان خورش و آبی بیاورد و خواهش میکند میرزا جهانگیر خان را هم بیاورند با او غذا بخورد میگویند او زیاد حرف میزند میگوید میسپارم حرف نزند اورا هم می آورند غذا خورده بجای خود بر میگردانند این چند نفر با جمعی دیگر که گرفتار شده اند یا بتدریج تا عصر گرفتار میشوند در قزاقخانه هستند طرف عصر آنها را بباغشاه میبرند و همه را در یك زنجیر میبندند در بردن آنها بباغشاه و هنگام ورود بمحبس و درمحبس آنها را آزار بسیار میکنند دست ملك المتکلمین جراحت برمیدارد شبانه پولکنیك لیاخوف و شاپشال و علی بیك بدیدن آنها میروند ملك المتکلمین به پولکنیك از بابت کتك بسیار که بآنها میزنند شکایت میکند و او میسپرد که دیگر آنها را نزنند شاپشال با ملك المتکلمین صحبت داشته میگوید چرا اینقدر ازمن بدگفتی میگوید شما رامی گویند بمصلحت روس و برضد صلاح دولت وملت ما کار میکنید بمیرزا جهانگیرخان میگوید تو ازکجا دانستی من یهودی هستم جواب میدهد اینطور شنیدم تکلیف روز نامه نویس این است هرچه بگویند بنویسند اگر دروغ است بعد تردید میکند بالجمله شماتت بسیار بآنها میکنند و میگویند فردا شما را بدار خواهند زد و میروند دراین وقت میرزا محمد علی پسر ملك المتکلمین از پدرش دور است بعد از زمانی آنها را بیرون برده چون برمیگردانند اتفاقا اورا نزدیك پدر زنجیر میکنند ملك ازاین اتفاق مسرور است • محبوسین آنشب را با کمال سختی میگذرانند فردا صبح که میشود پاسی از روز برآمده دو نفر قزاق بمحبس آمده ملك المتکلمین ومیرزا جهانگیرخان را با زنجیر میبرند ساعتی طول نمیکشد که زنجیرهای آنها را آورده آنجا می اندازند • خلاصه آنها را میبرند درگوشه باغ شاه در میان فوج قزاق اول طناب به گردن ملك المتکلمین افکنده مدتی اورا عذاب میدهند و بالاخره میرغضبان با کاردروی شکم او افتاده شکمش را پاره میکنند وبسختی جان میدهد بعداز آن میرزاجهانگیر خان را می آورند چون کشتن رفیق خود را دیده است رمقی برای او باقی نمانده به پای خود نمی تواند بیاید اورا می‌آورند طناب برگردنش انداخته بفشار کمی جان میدهد نعش هردو را میان خندق شهر می اندازند نعشها آنروز وآنشب درخندق است و بعد بهمت یکی ازوطن‌خواهان هرچه ازآن‌ها باقی مانده بخاك سپرده میشود •»

این بود شرحی که مرحوم دولت آبادی درصفحات ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ کتاب حیات یحیی درباره قتل مدیر صوراسرافیل نوشته است •

قبرجهانگیرخان تا چندی زیارتگاه احرار و آزادیخواهان بود و مردم طهران برسرقبر این جوان شهید حاضرشده بیاد اومیگریستند .

روزنامه تدین چاپ طهران مورخ سه شنبه ٥ شوال‌المکرم ١٣٢٧ قمری جزو وقایع هفته ، در شماره ١٣ سال سوم روزنامه مینویسد : « درعید سعید فطر اهالی طهران بعد از ادای مراسم وعبادت مقرره عید دوساعت ازروز گذشته الی غروب‌جمیع طبقات وادارات رسمی‌وغیره مثل وزیر عدلیه با اجزاء ورئیس نظمیه بااجزاء وامنیه با اجزاء باکمال شکوه ازقبیل دسته سینه‌زن و غیره بزیارت قبور مظلومین و مقتولین ظلم محمد علی‌میرزا اعنی ملك‌المتکلمین وجهانگیرخان صاحب صور ومیرزا اسمعیل‌خان وسایرین که در پشت باغ شاه مدفون بوده‌اند رفتند مجلس ختم قرآن وروضه وموعظه ونطقهای موثر و قرائت لوایح مفصله که مافوق‌آن متصورنیست بعمل‌آمد وهرکس که میرسید احترام ظاهری با تقدیم دسته‌گل و باطنی بفاتحه خوانی مینمود . شیرینی‌صرف مینمودند وجمعیت غیرمحصور بود حتی کلبیها وارامنه . »

میرزا قاسم خان تبریزی ـ همکارمیرزا جهانگیرخان میرزاقاسمخان‌تبریزیست که درضمن شرح حال مدیرصور یادآورشدیم که برای عدم گرفتاری خود چند ساعت در آب انبار بسر میبرد و بدین ترتیب نجات پیدا میکند . میرزا قاسمخان که بعداً نام خانوادگی صوراسرافیل را برای خود انتخاب نموده بود ، مردی کاردان وفعال و چندی وزیرواستاندار وشهردارطهران بود بخصوص خدماتش درموقع استانداری‌اصفهان شایان توجه میباشد . مردم اصفهان هنوز نام اورا بنیکی یاد میکنند . اغلب کارخانه‌های اصفهان بهمت او تاسیس و برپا گردیده هنگام عروسی اعلیحضرت فعلی با والاحضرت فوزیه صور اسرافیل شهردار طهران بود و پیش‌آمد خاموش شدن برق طهران در یکی ازشبها اورا درنظر شاه مبغوض نمود و ازآن پس خانه نشین شد و بعد از چند سال فوت نموده .

(٧٥٣)صوراسرافیل

پس ازآنکه میرزا علی‌اکبرخان دهخدا دبیرروزنامه صور اسرافیل ازایران باروپا رفت ، درشهر ابوردن از بلاد سویس روزنامه بنام صوراسرافیل نظیرروزنامه صوراسرافیل طهران ؛ تاسیس ومنتشرنموده ازاین روزنامه صوراسرافیل مجموعاً چهار نمره که نمره اول آن در اول محرم ١٣٢٧ قمری و نمره سوم آن در تاریخ ١٥ صفر سال مذکور انتشار یافته است . قیمت اشتراك روزنامه در تبریز ١٥ فرانك درسایر شهرهای ایران ٢٠ فرانك ودرممالك خارجه ٢٥ فرانك

روزنامه چهره نما منطبعه مصر در شماره ٦٤ سال پنجم خود مورخ ٢٠ ذیحجه ١٣٢٦ قمری طلوع صور اسرافیل را بدینقسم اعلان نموده است : « اعلان روزنامه صوراسرافیل ـ گرامی نامه نامی وروزنامه گرامی صوراسرافیل که یکسال واندی باچهره معرفت پاش ودرخشنده ورخساری تربیت ریز و حریت بخشنده دروسط سمای‌آمال‌وامانی وطن پرتو فشانی مینمود وازدلهای جهالت مالامال ملت ستمدیده زنك بیدانشی میزدود

وگم گشتگان وادی غفلت را شاهراه ترقی و عمران مینمود تا در روز ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ در طهران نخستین مدیر صائب الندبیرش سرصف شهدای راه حریت و فدائی استقلال وطن و ملت (میرزا جهانگیر خان شیرازی تنش بدار بیداد آویخته و خاك ندامت و حریت بر سر آرزومندانش بیخته شد و اوراق حیاتبخشش که اثر خامه مشکین ختامه یگانه دبیر دانا و فرزانه ادیب توانا میرزا علی اکبر خان قزوینی بود یکجا سوخت که حالا از آن دریای قضیه فاجعه نمی واز آن خرمن فجیعه کمی نتوانم نگاشت • عجالتا آنروز نامه گرامی (صور اسرافیل) مجددا با قلم همین میرزا علی اکبرخان کما فی السابق در شهر (ابوردون) که یکی ازشهر های سویس است رونق افروز میگردد • البته هموطنان گرامی قدر این در گرانبها را که بیادگار شهدای راه حریت علم میگردد مغتنم دانسته وبآدرس ذیل طلب فرمایند تا کامیاب گردند : ابوردون • سویس • اداره روزنامه گرامی صور اسرافیل •»

تفصیل تاسیس وانتشار و طبع روزنامه صوراسرافیل را در سویس درضمن یك مقاله تحت عنوان « اقدامات مشروطه خواهان ایران درفرانسه و سویس) در مجله ماهانه اطلاعات ؛ شماره ۱۱ بهمن ۱۳۲۷ ؛ ذکر نموده که از آن مقاله آنچه مربوط باین موضوع است عیناً نقل مینمائیم :

« مرحوم معاضدالسلطنه (۱) پس از مراجعت از انگلستان بفکر می افتد که مرکزی برای قوای متشتت ملیون ایرانی که دراقطار واکناف دنیا پراکنده شده بودند فراهم نماید وبرای این منظور انتشار روزنامه ای را واجب می بیند بهمین نظر پس از مشورت با میرزا علی اکبر خان دهخدا شروع بکار مینمایند وتصمیم میگیرند که روز نامه صوراسرافیل را منتشر نمایند •••• مرحوم معاضدالسلطنه تصمیم گرفته بود که روزنامه را بهمان اسم صوراسرافیل منتشر کند و خواهیم گفت چگونه با مخالفت سیاسیون میانه رو مواجه شد • برای مرکز انتشار روزنامه ابتدا شهر پاریس را در نظرگرفتندولی روزی که بهمراهی آقای دهخدابیست و دو مطبعه پاریس که حروف فارسی (باصطلاح اروپائیان حروف عربی) داشتند مراجعه نمودند هیچیك حاضر به طبع روزنامه نشدند وعلت آن این بود که صمدخان ممتازالسلطنه سفیر ایران درپاریس با مراجعه بادارات دولتی فرانسه طوری ذهن فرانسویان را مشوب کرده و ایرانیان آزادیخواه را انارشیست جلوه داده بود که دوائردولتی بتمام مطابع دستور داده بودند که از چاپ نشریه متعلق بآنها خودداری کنند • این یك سنك بزرگی بود که از بدخواهی ممتازالسلطنه درجلوی پای ملیون انداخته بود ولی هوش وسرعت انتقال یك ایرانی پاك و شریف این نقیصه را برطرف کرد بدین معنی که آقای شیخ محمد خان « علامه معاصر جناب آقای محمد قزوینی » (۲) که در آن تاریخ در پاریس بودند

«۱» نامبرده از کسانیست که باتفاق تقی زاده و دهخدا و مرحوم تربیت وحسین آقا از ایران تبعید شده و بپاریس رفته و پس از چندی آقایان تقی زاده و معاضد السلطنه و تربیت بلندن رفتند •

«۲» این قسمت را مرحوم قزوینی دریکی دوشماره بعد مجله تکذیب نموده اند

پیشنهاد نمودند که چون دکتر جلیل خان « مرحوم دکتر جلیل خان ثقفی » را در مرحوم اعلم الدوله ثقفی » کتابی چاپ میکند قسمتهای مختلف روزنامه را بعنوان کتاب ایشان در همان مطبعه بچاپ برسانند این راه عملی بود چه صاحب مطبعه که فارسی نمیدانست ملتفت این تردستی و با هوشی ایرانیان نشد .

آقای معاضدالسلطنه مرکز کار روزنامه را بسویس در شهر کوچکی بنام ایوردن منتقل کرد چه با کیفیاتی که ذکر شد پاریس برای مرکز فعالیت های ایرانیان تند رو صلاح نمیدانست . و علت این انتخاب این بود که ایشان چند وقت در آنشهر تمیز و بی سر وصدا اقامت کرده بودند و آن نقطه را بی مزاحم و بی دردسر را بهتر از هرجا میدانستند . بهمین جهت درهتل دولاپرری همانجا که چند ماه محل سکونت اثابت بود چند اطاق برای آقای دهخدا وحاجی میر پنج برادر حکیم الملك و آقای میرزا قاسمخان « میرزا قاسمخان صور همکار میرزا جهانگیرخان در صور اسرافیل » بروزی پنج فرانك سویس معادل ۱۱ قران ایران تهیه و سالونی نیز برای دفتر کار روزنامه در همان هتل اجاره نموده و قرار شد که آقای دهخدا مطالب را تهیه و بتدریج بپاریس بفرستد تا بهمت و نظارت شیخ محمد خان باسم کتاب دکترجلیل خان بچاپ برسد . آقای دهخدا نویسنده مقالات معروف « چرند پرند » صوراسرافیل درپاریس بهسویس منتقل شده بودند باید دانست که مقالات چرند پرند ایشان انعکاس فراوانی در اروپا نموده بود وبطوری که ایشان خود میگویند آن مقالات در دو مجله عالم اسلامی و مجله دو دنیا ترجمه شده بود و درهمان ایام اقامت در پاریس نیزروز نامه های لوژورنال و پتی ژورنال وا کسلسیور از ایشان درخواست نوشتن چرند پرند را نموده بودند که در آن روزنامه ها ترجمه وطبع شود امامرحوم معاضدالسلطنه ایشان را ازاین کار باز داشته و بعنوان آنکه این فعالیتها باید در روزنامه صور اسرافیل شود ایشانرا بسویس بردند . اما اینکه چرا در لندن روزنامه را منتشر نکردند شاید غیر ازعلتی که در سطور گذشته نوشته شد عدم اطمینانی بود که آزادیخواهان ایران بدولت انگلستان داشتند ... پرفسور ادوارد برون سعی داشت در اینکه مرکز روزنامه در لندن باشد و حتی درمکتوبی که بعد از انتشار صور اسرافیل بمرحوم معاضد السلطنه فرستاده نوشته بود که (در اینجا مسمتی ازنامه برون نقل شده که برای اطلاع ازآن باصل مجله مراجعه شود با این اصرار پرفسور براون معاضدالسلطنه ایوردون را ترجیح داد چه از دولت انگلستان ظنین بود ... انتشار صور اسرافیل در ایوردون وتجدید حملات سخت و تند بشاه چه درپاریس و چه در طهران ایرانیانی که هنوز امیدوار بودند با محمد علی شاه کنار بیایند یا آنکه وزارت وسفارت را بر اصلاح حال مردم ترجیح میدادند واداشت تا بدین کار اعتراض کنند وحتی اگر بتوانند مانع از انتشار آن شوندچه روزنامه صور اسرافیل در اندك مدتی انتشار فراوان یافت و ایرانیان از اطراف دنیا با این روزنامه مربوط شدند و سبك صوراسرافیل سویس همانبود که در زمان مرحوم جهانگیرخان بود وآقای دهخدا بتنهائی تمام مطالب روز نامه را تهیه مینمود و مقالات چرند پرند را نیز کمافی السابق بنام دخو مینوشت .» علت آنکه

عمده این مقاله را از مجله اطلاعات ماهیانه نقل کردیم این است که نویسنده مقاله از مطلعین و کسانیکه دخالت در انتشار روزنامه داشته و یا آن ایام در ارو پا بوده مطالبی شنیده و کسب کرده و از این جهت مقاله مذکور ازهر حیث قابل دقت است . نویسنده مقاله در این شماره وعده داده که « در شماره آینده خواهیم گفت که چگونه آزادیخواهان با همه اشکالتراشی معتدلین روزنامه را چاپ کردند و عمل آنها چه انعکاسی نمود .» خوانندگان برای مزید اطلاع میتوانند باصل شماره های مجله مراجعه فرمایند .

آقای میرزا علی اکبرخان دهخدا - نویسنده ستون چرند و پرند که ضمنا دبیر روزنامه نیز بوده آقای میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف بدهخدا است . نامبرده بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت پس از فاجعه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری و تخریب مجلس شورایملی و گرفتاری میرزا جهانگیر خان شیرازی وسایر آزادی خواهان ؛ از ایران بجانب اروپا فرار نمود و در آنجا درکشور سویس مجددا روزنامه صوراسرافیل رادایر کرد ؛ درهمین سفر بود که در مراجعت ؛ در اسلامبول به کمک جمعی دیگرازآزادیخواهان روزنامه هفتگی سروش را دایر نمود و ما شرح آنرا در حرف سین کتاب یاد آور شده ایم.

روزنامه چهره نما در شماره ۳ سال ششم خود مورخ غره صفر ۱۳۲۷ مقدمه روزنامه صور اسرافیل منطبعه اوردن را بدینقسم نقل مینماید : « روزنامه‌صوراسرافیل پس از وقایع ۲۳ جمادی‌الثانیه و قبایح‌اعمال چنگیز عصر جدید و شهادت مدیر روشن ضمیر آنمرحوم میرزاجهانگیر خان طاب ثراه اینک با قلم دبیر سابق خود میرزا علی اکبر خان دهخدای قزوینی دنباله مسئولیت وطن خویش را ازنو گرفته وباقوتی‌ضعف قوای سابق برادران دینی ووطنی خودرا ازاین گوشه انزوای دنیا بانتقام خون پاک شهیدان راه حریت وترمیم خرابیهای قلمرو داریوش واردشیر صلا میزند واعانت وکمک برادران ایمانی خودوا (برخلاف سال اول) پس از آنهمه خسارتهای جانی و مالی امروز ازروی کمال ناچاری طلب میکند و امیدوار است که عن قریب بهمت شیر مردان آذربایجان دوره این دوری ومهجوری ازوطن نیز بسرآید و زردی چنانکه‌پیش آمد کار وعده میدهد کواکب معارف عموما واین شب تاب ضعیف نیز از افق طهران طلوع نماید و ازمزایای سال دوم روزنامه تزیینی آنست که هرهفته صورت یکی دونفر ازشهدای راه آزادی و پیشقدمان طریق حریت باشرح حال ودرجه خدمتشان تا حدی که در اینجا بدست آید وبعد مسافت و دوری ازمرکز ما را بدان مجاز نماید . و السلام » برگردیم بنیه شرح احوال دهخدا . ادوارد برون در جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران صفحه ۳۱۷ تحت عنوان « ابتکار دخو در نظم و نثر » مینویسد : « این مقالات « منظور مقالات چرند وپرند صوراسرافیل است » هرچند بامضای های مجهول ومختلف است اما گمان میکنم تمام بقلم دهخدا باشد و بعقیده من دهخدا را باستناد همین آثار قابل نثری وچندقطعه شعری (قطعه‌ای که برگشتش آکبلای است ومرثیه که برای میرزا جهانگیرخان سروده دردر خوب است خاصه مرثیه اخیرالذکر که درز بیائی و

تاثیر قلیل النظیر است ؛ که از او بنظر رسیده بایستی در رتبه نخستین ادبا و نویسندگان معاصر ایران جایداد • جای تاسف است که دهخدا با اینکه جوانسدر این ده دوازده سال اخیر علی‌الظاهر هیچ اثری بمنصه ظهور نیاورده است • »

اظهار تاسف برون درباره آقای دهخدا چندان صحیح نیست زیرا که ایشان قسمت عمده اوقات خود را صرف تهیه وتدوین کتاب لغت جامعی بنام فرهنگ دهخدا نموده و درحقیقت با نوشتن این کتاب دائرة المعارفی برای زبان فارسی تنظیم نموده اند • لغت نامه دهخدا درچند مجلد نوشته شده وچون طبع کتاب مذکور از عهده مولف خارج بود و احتیاج بسرمایه فراوانی داشت طبق قانونی که‌ازمجلس شورای ملی گذشت وزارت فرهنگ طبع آنرا بعهده گرفت و اکنون که چند سال ازتصویب قانون میگذرد شش جلد کتاب طبع ومنتشر شده است • این کتاب درچاپخانه مجلس طبع میشو و از این جهت از حیث طبع بسیار زیبا ولی قدری باکندی پیش میرود •

هنگامیکه درمجلس شورایملی ازطرف وزیر فرهنگ پیشنهاد طبع کتاب دهخدا داده شد ؛ عده ازنمایندگان بتجلیل این مرد دانشمند پرداخته و باتفاق آراء چاپ کتاب او تصویب گردید • دهخدا علاوه برکتاب مذکور ، کتاب دیگری بنام امثال وحکم دهخدا نیز تالیف ومنتشر نموده است •

قطع نظر از فعالیتهای علمی وادبی دهخدا‌زمانی ریاست کابینه وزارت و چند سال متوالی هم ریاست دانشکده حقوق را بعهده داشت تاقضایای شهریور پیش آمد و دراواخر آبان ۱۳۲۰ شمسی از ریاست دانشکده حقوق کناره گرفت • آقای ملک‌الشعرای بهار در شماره ۴۲ سال چهارم نوبهار مورخ ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری موقعیکه آقای دهخدا بریاست کابینه وزارت معارف منصوب گردیده او را اینطور میستاید • « آقای میرزا علی اکبر خان ازفرزندان نجیب دانشور ایران است قلم آقای دهخدا را درعصر انقلاب ایران اثراتی است که از آفتاب روشن تر است اگر تاریخ ادبی و روحی انقلاب ایران را بنویسند خواهند دید که یك بند برجسته آن را مشعشع دارد و آن بند ، ؛ بند قلم دهخدا ست • »

(۷۵۴) صورت

روزنامه صورت درشهر رشت مدیری و صاحب امتیازی (نیك روان) بطور هفتگی و مکاهی تاسیس ودر سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است • این روزنامه‌معمولا هر شماره آن در ۱۲ صفحه بقطع وزیری وبا چاپ سربی (شرکت چاپخانه جاوید) طبع و توزیع گردیده ووجه اشراك در داخله سالیانه ۴۰ ران ، ششماهه ۲۲ قران ، خارجه باضافه اجرت پست و تك شماره یکقران است • محل اداره : رشت • سبزه‌میدان عنوان تلگرافی : رشت • صورت •

صفحه اول روزنامه دارای سراوحه زرگیست که بدینقسم آنرا میتوان‌خلاصه نمود : درگوشه سراوحه صورت خورشیدیست که در روی آن چشم وابرو ودهان انسان نقش شده و درنصف پائین سراوله منظره دشت و کوهستان وسیعی دیده میشود که در

گوشه از آن ارباب تنومندی نشسته و در مقابل او غلیانی گذاشته شده وبکشیدن آن مشغول است • در مقابل این ارباب نو کری که بیش از اسکلتی از او باقی نمانده ایستاده است • در وسط دشت وسیع نیز زارعی بصورت اسکلت دیده میشود که باگاو خود مشغول شیار کردن زمین است•

منظور از ترسیم سرلوحه مذکور انتقاد از سرمایه داری واصول مالکیت میباشد که چگونه مالك وارباب بافراغ خاطر وآسودگی خیال با لباسهای فاخر نشسته وبعیش ونوش مشغول است در صورتیکه کارگر و کشاورز با اندام لاغر وضعیف کمر خدمت او را بسته وآن یکی بکارخانه ودومی در دشت وصحرا مشغول بذر افشانی و خدمت بمالك است • وبادر نظر گرفتن باینکه در آن ایام تبلیغات همسایه شمالی برضداصول سرمایه داری وتملك شخصی بشدت اجرا میشده معلوم میگردد که روز نامه صورت نیز بهمین منظور تاسیس ومنتشر میشده است• در عنوان روزنامه ، صورت بدینقسم معرفی شده : اخلاقی ، فکاهی ، اجتماعی؛ کاریکاتوری • ومندرجات آن بیشتر مطالب راجع باصول کار واینکه بالاترین تنکها بکاربست ، میباشد• علاوه براینها اخبار داخله و خارجه نیز در روزنامه درج است •

روزنامه صورت تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد متجاوز از شش سال منتشر شده وفعلا تا شماره ۵۷ سال ششم مورخ ۳۰ دی ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۳۰ شعبان ۱۳۴۹ قمری در دست است •

(۷۵۵) صیحه

در سال ۱۳۰۱ شمسی روزنامه صیحه در طهران بطور هفتگی تاسیس ومنتشر شده است

(۷۵۶) صیحه آسمانی

روزنامه صیحه آسمانی بمدیری آقای (محمد جناب‌زاده) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است• آقای محمد جناب زاده از نویسندگان مشهور و کتاب اوراق پراکنده ایشان معروف است•

«۷۵۷» صیحه تمدن

سابقا نمونه‌ای از این روزنامه را در دست داشته‌ام که مدیر آن (باقرجعفری) معرفی شده بود ولی فعلا برای نقل خصوصیات آن موجود نیست•

حرف الضاء

(۷۵۸) ضیاء شرق

روزنامه ضیاء شرق بمدیری (حسین ضیائی) تاسیس ومنتشر شده • انتشار این روزنامه بعد از جوزای ۱۳۰۳ شمسی بوده است•

حرف الطاء

(۷۵۹) طاق بستان

روزنامه طاق بستان در شهر کرمانشاه بطور هفتگی تاسیس و در سال۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است .

(۷۶۰) طب

مجله طب در سال ۱۳۰۱ شمسی در طهران بطور ماهیانه تاسیس ومنتشرشده است . بار دیگر مجله طب در سال ۱۳۰٤ شمسی در طهران بطور پانزده روزه تاسیس و انتشار یافته و در این نوبت مجله بمدیری (میرزا احمد خان محصل طب) تاسیس شده و در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰٤ شمسی امتیاز آن از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۷۶۱) طبابت

روزنامه طبابت در طهران بمدیری و نگارندگی میرزا ابراهیم خان(معتمد الاطباء) تاسیس و در سال ۱۳۳٦ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن هفتگی بوده ووجه اشتراك سالیانه باینقسم معین شده است : طهران ۱٤ قران . سایرولایات بعلاوه اجرت پست . وجه آبونه به سه قسط باید پرداخت شود . بعداز قبول دو نمره باید قسط اول رابپردازند . قیمت درطهران سه شاهی . درخارج چهار شاهی . عنوان مراسلات : خیابان جلیل آباد . قورخانه کهنه . جنب حمام آقا باشی . منزل نگارنده

روزنامه طبابت درهشت صفحه بقطع کوچك خشتی وبا چاپ سربی در مطبعه (دارالطباعه شرقی) بطبع رسیده و در هر شماره بالای عنوان آن اینعبارت (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه) درج است . اسم روزنامه « طبابت » بخط نسخ و بالای آن « مجلس طبی » نوشته شده است . در زیر عنوان درضمن یکسطر تاریخ انتشار و در زیر تاریخ انتشارروزنامه بدینقسم معرفی شده : « این روزنامه‌مصور و علمی و صنعتی است دواسازی ومطالب حفظ‌الصحه و نطقهای مجلس طبی ونسخه‌های مفیده وتاریخ فلاسفه و مردمان بزرك درج میشود که هرسال کتابی مفصل خواهدبود»

شماره دوم روزنامه طبابت با خصوصیات مذکور در تاریخ شنبه ۱۱ شهر صفرالمظفر۱۳۲٦مطابق۳ مارس ماه فرنگی ۱۹۰۸ انتشار یافته . مندرجات این‌شماره عبارت است از « اخطار واعتذار » راجع باغلاط نمره اول ومقاله « اشتباه دراوزان و « فریاد از دست وطن » و « بقیه از دواسازی » و بقیه مندرجات روزنامه عبارت است ازمذاکرات مجلس طبی متعلق به (دوشنبه ۲۸ محرم » و این مذاکرات بعبارات زیر خاتمه پیدا میکند :

« شرحی جناب مودب‌الدوله در باب ماست وکفیر و کمیز صحبت کردندگفتگو دراین بود که حالا ماست را از ماست میسازند آن ماست اول را از چه ساخته اند

گفته شد که وقتی هم مرحوم حکیم طولزان دربن باب کوشش داشته اند در مجلس حفظ‌الصحه دولتی آنعهد که بوجود اطبای ایرانی و فرنگی آراسته بود بعضی گفتند که اگر مس یا نقره را در آتش سرخ کرده درظرف شیر بیندازند می بندد و چون او شیر بسته را مایه قرار داده سه دفعه شیر را تجدیدنمایند ماست حاصل میشود • برخی حکایت کردند که هم اکنون چوپانها در بیابان با علف موسوم بشیرواره شیرمایه کرده و ماست میسازند و هم گفته شد که چون شیر ترش شده و بسته را مایه قراردهندماست حاصل میشود • جناب نیرالحکما گفتند که هم اکنون هم درگروس و کردستان طرف های بزرك پر ازشیر را درتنور نهاده ودر بستن آنها بدون ما یه ماست‌بدست‌می‌آورند»

جای بسی تعجب است که ادوارد برون نامی از این روزنامه در کتاب خو د بمیان نیاورده و از آن ذکری نکرده است • دراینجا لازم است از آقای علی اکبر شیبانی که ازطهران نمونه ازاین روزنامه را برای‌اینجانب ارسال فرموده اند وهمچنین ازیاد آوریهای مفیدی که درضمن دونامه مرقوم داشته‌اند سپاسگذاری نمایم • بااینکه محضر ایشان را درك ننموده ام با وجود این چنانچه از نامه ها یشان مستفا د می شو د احاطه ایشان از تاریخ روزنامه نگاری کمال اهمیت را داراست • قدرزرزر کر شناسد قدر گوهر کوهری •

طبق •رقومه آقای شیبانی ظاهرا ازروزنامه طبابت بیش از سه شماره منتشر نشده وشماره اول آن در ۲۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۶ قمری بوده ا ست •

(۷۶۲) طب جدید

مجله طب جدید در سال ۱۳۰۲ شمسی درطهران بطور ماهیانه تاسیس ومنتشر شده است •

(۷۶۳) طبرستان

طلیعه روزنامه طبرستان در شهریور ۱۳۰۹ شمسی بصاحب امتیازی (صدرآراء) درشهر (بارفروش) که بعدا بنام آمل موسوم گردیده ؛ منتشر شده است • روزنامه ایران آزاد در شما ر ه ۲۲ سال دهم خود مورخ ۳۰ شهریو ر ۱۳۰۹ شمسی د ر جزو اخبار بار فروش اینطور مینویسد :« طلیعه جریده طبرستان که صاحب ا متیا ز آن (صدر آراء) است منتشر گردیده وعن قریب روز نامه مزبور منتشرخواهدشد» نگارنده از روزنامه طبرستان بیش ازاین اطلاعی ندارم •

(۷۶۴) طب کنونی

مجله طب کنونی درشهر مشهد بمدیری و صاحب امتیازی (د کتر فتحعلی خان مسیح‌السلطنه) تاسیس وشماره اول آن در ۳۱ صفحه بقطع خشتی کوچك ، در مطبعه سربی « مطبعه خراسان » چاپ ودرجمادی الثانی ۱۳۲۹ قمری منتشر میشده است.

وجه اشتراك مجله در تمام بلاد ایران سالیانه ۲٤ قران ؛ تك نمره دو قران ، اعلانات سطری یکقران است • مطالب عام المنفعه مجانا قبول و درج میشود • مجله طب کنونی که اسم فرانسه آن نیز در هر شماره در زیر اسم فارسی آن چاپ شده در هرماه یکشماره از آن طبع و توزیع گردیده • در شماره اول این جمله « قال رسول الله العلم علمان علم الابدان وعلم الادیان » و از شماره دوم بجای جمله مذکور این دو شعر : « علم ابدان را بادیان داد سبقت زان رسول ☆ تا که تن آباد گردد دین در او سازد مکان • » روی جلد مجله چاپ شده است •

در عنوان هر شماره ، طب کنونی بدین قسم معرفی شده : « مجله ایست علمی و طبی • برای حفظ الصحه عامه و ترویج فنون جدید طب و جراحی و قابلگی وصنعت معالجه و پرستاری مریضها و علم بچه داری و آنچه متعلق بصحت وجود و تربیت بدن و روح انسان است • » قسمتی از مقاله افتتاحی مجله بدینقرار است :

« نظری بصحیه عمومی • همکاران محترم من • هموطنان عزیزم • تنها چیزی که مرا بنوشتن این مجله واداشت همانا نواقصی است که در طبابت و حفظ الصحه مملکت احساس نموده ام و بخیال افتادم با همان سرمایه طبی و عایدات طبابتی مجله نوشته انتشار دهم تا خدمتی بعالم طب و طبابت و حفظ الصحه عمومی در ایران که مملکت عزیز ماست کرده باشیم •

امراض وطن و امراض بدن ـ امراض وطن وامراض بدن ما زیاد است واسباب زیادی امراض همانا زیادی امراض وطن است که ما را ناخوش و رنجور ساخته ما اطباء باید زحمت زیاد با نداشتن اسباب لوازم جراحی امراض مملکت اسلامی خود را تهیه نمائیم ••• مجله طب کنونی کارکنان بعالم طبابت و خدمتگذاران بعالم انسانیت و فداکاران را تشویق مینماید و مزد میدهد و بالعکس تنبلها و خود پسند ها و شارلاتانها را مجازات میدهد تا امراض مملکت نقصان یافته میکربها در ابدان اهالی راهی نیابند •••• طب کنونی مقارئین خود میفهماند که عدم رعایت قوانین حفظ الصحه اسلامی موجب ضررهای عدیده و خودرا مسموم نمودن وخودرا کشتن است ••• طب کنونی مطالب خودرا ازجراید طبیه و کتب علمیه اروپا اخذ نموده درایران منتشر میسازد و هرنوع مطالب علمیه را که خدمت بطب و طبابت و صحت عمومی باشد قبول و درج میکند وهرنوع اوایح طبی را میپذیرد و در انتشارش خود داری نمی نماید • » این مقاله سه صفحه مجله را فرا گرفته که هرصفحه ازآن دوستون است •

طب کنونی مجله ایست بتمام معنی طبی برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات شماره اول آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

امراض وطن و امراض بدن ـ سلامتی وصدسال عمر = آرزوی داشتن اولاد حفظ الصحه و معالجه آبله با نور قرمز • مسمومیت و جنون بواسطه کوکائین ادرنارنالین واثرات آن ـ معالجه امراض باسرم • سرم ضد شاربون ـ سرم ضد دیفتری ـ سرم ضد د ب

نطری - سرم ضد سر سام - سرم ضد طاعون - سرم ضد بادسرخ - سرم ضد حمای نفاس سرم ضد کزاز - سرم ضد مار وافعی - سرمهای خشك شده - سرم ضد فلج - سرم ضد قانقرایا - سرم طبیعی - سرم ضد بی خونی - معالجه امراض با سرمی که از خود ش گرفته میشود - سرم مصنوعی - معالجه امراض بوسیله واکسن - واکسن ضد طاعون واکسن ضد کلب الکلاب - واکسن ضد مرض حصبه ومطبقه - واکسن ضد آبله ، مکتوب شهری شوخی - علم پرستاری - تکالیف پرستار - قابله - دختر حامله - اطباء جوان و دوا فروشان - دواهای تازه - قابلگی ومعالجه سقط بچه - عجائب طبیعت در مردان وزنان - قسمت غیر چدی

این فهرست از پشت جلد شماره اول مجله نقل شده وعناوین مطالب است ، در تمام شماره‌ها فهرست مندرجات پشت مجله چاپ شده است شماره دوم طب کنونی در تاریخ رجب المرجب ۱۳۳۹ قمری در ۳۲ صفحه بهمان قطع و نوع مطالب شماره اول منتشر گردیده وقسمتی از مقاله‌های شماره اول در شماره‌های بعد دنبال شده است مندرجات مجله تمام بقلم مدیر مجله است ، از مجله طب کنونی فعلا تا شماره ٤ سال اول مورخ رمضان المبارك ۱۳۳۹ قمری در دست است ،

در شماره سوم سال اول طب کنونی مورخ شعبان ۱۳۳۹ قمری شرحی راجع بپیدایش مجلات طبی در ایران نوشته که گرچه تا اندازه اشتباهاتی اما بی‌مناسبت نیست برای اطلاع خوانندگان آنرا نقل نموده سپس بذکر مورد اشتباه بپردازیم ، در شماره مذکور مینویسد: « وزارت صحیه ، چنانچه در نمره ثانی مجله طب کنونی تاسیس وایجاد وزارت صحیه را مژده داده وبقارئین محترم خودوعده کرده بودیم در این زمینه شرحی معروض داریم ، بدوا لازم است که اهالی را مستحضر نمائیم که آقای دکتر مودب الدوله وزیر صحیه ما که از علما واطباء جلیل القدر ایران واز خانواده طبابت میباشند اول شخصی هستند که در پانزده سال قبل در اولین دفعه برای خدمت بعامه یك مجله باسم حفظ الصحة چند ماهی در طهران تاسیس و تشکیل دادند و مخارج طبع آنرا از خود متضرر شدندوبعد از یازده سال مرحوم مزین السلطان موفق بنوشتن مجله ماهیانه طب مصور گردید ولیکن بواسطه نامساعدتی اهالی وهمکاران محترم هر دو مجله‌های علمی تعطیل نمودند » اشتباهی که در این تاریخچه رخ نموده این است که نویسنده آن روزنامه طبابت را که دومین روزنامه طبی بوده از قلم انداخته وبنا بر این طبابت دومین نشریه طبی است نه مجله طب مصور ، (رجوع شود بکلمه طبابت) دکتر فتحعلی خان مسیح السلطنه نامبرده تا سال ۱۲٤۳ قمری در شهر مشهد مشغول طبابت بوده و روزنامه آزاد چاپ خراسان از این پزشك عالیقدر اظهار قدردانی کرده است ،

(۷٦۵) طب مصور

مجله طب مصور بمدیری وصاحب امتیازی آقای (مزین السلطان) درطهران تاسیس

و درسال ۱۳۳۵ قمری بطور ماهیانه منتشر شده است • این مجله بواسطه نا مساعدتی مردم پس ازچندی تعطیل گردیده است •

(۷۶۶) طبی

مجله طبی در طهران بمدیری (محمود خان علیم‌الدوله) تاسیس و منتشرشده است • روزنامه کاوه چاپ برلین در فهرست جرا ید و مجلا تیکه از اول سال ۱۳۳۸ قمری باینطرف ظهور کرده و یا دایر بوده ، نام این مجله را ضبط کرده و در مقابل ستون ابتدای انتشار خط افقی که علامت مجهول بودن آنست قرار داده است • این فهرست در شمار • چهار سال دوم دوره جدید کاوه چاپ شده است •

(۷۶۷) طبیعت

روزنامه طبیعت درطهران بمدیری (میرزا تقی خان بهرامی) تاسیس ودرسال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است• شماره اول این روزنامه دربرج جدی وشماره دوم آن دربرج دلو ۱۳۹۹ شمسی انتشار یافته و از اینروطرز انتشار آن ماهیانه بوده است • طبیعت پس از نشر چندشماره تعطیل میگردد ومجددا در جدی سال ۱۳۰۱ شمسی بکمك عده از جوانان تحصیل کرده بطور هفتگی با مندرجات جالب تری اشاعت می‌یابد • شرحی که ذیلا نقل میشود از شماره ٤ سال دوم و مربوط باینددوره است •

طبیعت که در عنوان آن موجد (تقی بهرامی) و سردبیر (سید علی آقای عظامی) و صاحب ومدیر ومسئول «ع • کافی» معرفی گردیده معمولا در چهار صفحه بقطع وزیری و با چاپ عربی « مطبعه سعادت » طبع و منتشر شده در سر لوحه روز نامه کلمه « طبیعت » با خط نسخ و در بالای آن آیه « هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون » و در زیر آن سال (۱۳۳۹) که‌سال تاسیس روزنامه است ، نوشته شده در دوطرف آن این دو فرد شعر : نرك درختان سبز درنظر هوشیار ✿ هر ورقش دفتر یست معرفت کردگار • درج گردیده است • وجه اشتراك روزنامه سالیانه ۷ تومان شش ماهه ٤ تومان • برای محصلین و کارگران قیمت نصف خواهد بود • تکشماره شش شاهی است •

سیاق مطالب روزنامه ادبی ومشتمل براشعار فکاهی نظیر « گل زرد » و «نسیم شمال » و « امید » است برای نمونه قسمتی از اشعار روزنامه را بنقل ازشماره چهار سال‌دوم مورخ یکشنبه ۲٦ رمضان ۱۳٤۱ قمری مطابق ۱٦ ثور ۱۳۰۲ شمسی ذکرمینمائیم

در این شماره درستون اول اشعاری تحت عنوان « عجل علی ظهورك یا صاحب الزمان » چاپ شده که چند شعر آن این است

بگرفت ظلم وجور سراسر همه جهان رحمی نمانده بردل پیر و نه برجوان
بازآی ای‌شهنشه‌دین‌شاه‌انس وجان آتش بزن زتیغ توبرخرمن خسان
عجل علی ظهورك یا صاحب‌الزمان

دو فرد آخر اشعار چنین است :

یارب بحق حرمت طه و یس یارب بحق شاه‌زمان خسروزمین

برمن عیان نماتوشهنشاه‌انس‌وجان عجل علی‌ظهورك یاصاحب الزمان

اشعار مذکور بامضای « یوسف‌الحسینی » است . بعد ازاین اشعار ، اشعار دیگری بعنوان « مسجد شاه » چاپ شده که بیت اول آنها این است :

ساحت دلگشای مسجد شاه باز شد خلق را تفرج گاه

این اشعار بامضای « خلیفه رضای کفاش » است . در ستون دوم صفحه دوم اشعاری بعنوان « غوغای وکالت » چاپ شده که اینطور شروع میگردد ،

باز از بهر وکالت هر طرف غوغا شده موقع آراء شده

انتخابات جدیدی بهر ما پیدا شده موقع آراء شده

این اشعار نیز بامضای « یوسف‌الحسینی » است . اشعار دیگری درهمین شماره بعنوان حاجی آقا ورشکسته . بامضای عمو یادگار طبع گردیده که قسمت اول آن ها چنین است :

حجره خودرا بسته حاجی آقا ورشکسته ازغم ورنج روزگار دست کشیده‌زکار

رفته اندرین بهار کنج سرا نشسته حاجی آقا ورشکسته

علاوه براین اشعار چند اخطار مربوط بمعرفی اشخاص برای انتخابات مجلس شورایملی در این شماره درج است .

تقی بهرامی — آقای دکتر تقی بهرامی فرزند مرحوم دکتر مهذب السلطنه درجائی خودرا فارغ‌التحصیل دارالفنون معرفی نموده است . نامبرده در سال ۱۳۱۲ شمسی در تشکیلات اداره کل صناعت و فلاحت رئیس دایره موسسات فلاحتی بوده‌است.

(۷۶۸)طریقة الفلاح

روزنامه طریقة الفلاح درسال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است . (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون ص ۱۱۷)

(۷۶۹) طریق نجات

روزنامه طریق نجات در سال ۱۳۰۳ شمسی درطهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۷۷۰)طلوع

روزنامه مصور و کمیك طلوع بمدیری و موسسی (عبد الحمید خان متین السلطنه) در شهر بوشهر تاسیس و با چاپ سنگی طبع و در سال ۱۳۱۸ قمری‌منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۷) نوشته اضافه میکند که من نمونه این روزنامه را ندیده ام .

عبدالحمید خان متین‌السلطنه علاوه بر روزنامه طلوع روزنامه مظفری را در بوشهر و عصر جدید را در طهران تاسیس و منتشر نمود لذا بمورد است که شرح احوال او را بتفصیل در این جا ذکر نمائیم •

عبدالحمید خان متین‌السلطنه — نامبرده فرزند حاجی میرزا عبد الباقی طبیب و برادر دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله است • در دوره دوم مجلس شورایملی از خراسان انتخاب شد و درمجلس مسلك هیئت موتلفه را داشت . در شماره ۱۰۳ سال اول روزنامه ایران نو مورخ یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۷ قمری بنقل از روز نامه طلوع شرح احوال متین‌السلطنه را که در آنوقتم وکیل خراسان بوده بدینقسم درج کرده است « جناب آقا میرزا عبدالحمید خان متین‌السلطنه از بدو طفولیت در طهران مشغول تحصیل مقدمات و در سنه ۱۳۰۸ عزیمت فرنگستان کرده درلندن مشغول تحصیل علوم عالیه بودند اقسام حکمت ریاضیه وطبیعیه را بادقت کامل تحصیل کرده‌اند ومخصوصا در علم حقوق دارای معلومات کامله میباشند . ازالسنه اروپائی انگلیسی وفرانسه را بالادبیات آنها تکمیل کرده‌اند بعد از ۹ سال اقامت وتحصیل در اروپا در سنه ۱۳۱۷ قمری بایران مراجعت کرده بسمت معاون ریاست گمرکات بنادرخلیج‌فارس وامیرالبحری وریاست جهاز پرسپلیس مقرر ومامور شدند درمدت اقامت در بوشهر مطبعه مظفری را تاسیس نمود و روز نامه طلوع را که اولین روزنامه کاریکاتور در ایران بود ومسلك آن با اصل استبدادآن دوره مبارزت مینمود تاسیس وانتشار دادند وجریده مظفری را موسس شدند چندی بعد معاون ریاست گمرکات خراسان گردیده ومدت پنج سال دراین سامان مشغول خدمات بزرك بملت بودند ازآنجمله تاسیس انجمن خیریه سعادت است که مدارس علمیه سعادت و (رحیمیه سعادت)و(اتحادیه سعادت) و(معرفت سعادت) ازمآثر آن اداره خیریه است ومیتوان گفت مدارسیکه بتوسط اداره مزبوردائرشده منظم‌ترین‌مدارس‌بود تا زمانی که تشریف داشتند آنی غفلت ازترتیب مدارس نمیفرمودند .»

شرح حالی را که نقل کردیم مفصل تر ومبسوط تر دکترخلیل‌خان ثقفی اعلم‌الدوله برادر مرحوم متین‌السلطنه در کتاب صد و پنجاه مقاله نوشته و ما برای تکمیل اطلاعات راجع بمدیر روزنامه طلوع این شرح را نیز بعینه نقل مینمائیم : « متین‌السلطنه عبد الحمید خان ولد حاج میرزا عبدالباقی اعتضادالاطباء ابن حاج محمد اسمعیل بیك بن حاج آقا بابا بیك بن علی نقی بیك بن حسین بیك بن مختار علی بیك بن ابراهیم خلیل بن محمد جلال‌الدین بن جلیل بن خلیل بن اسماعیل بن ابراهیم بن احمد مختار جلال الدین بن عبدالحمید بن عبدالمجید بن مختار علی بن محمود کمال الدین بن اسماعیل بن‌اسدالله بن حسین بن ابراهیم بن حسن بن علی بن عبدالله بن اسد بن راشد بن احمد مختار بن ابو عبید ثقفی •

چهارمین برادر کوچکم متین‌السلطنه نایب رئیس مجلس شورایملی در سنه ۱۲۹۶ هجری در طهران متولد شد و در سنه ۱۳۳۵ در اول شب چهارشنبه غره شعبان در

طهران در اطاق دفتری که درمنزل خود روبروی مدرسه امریکائی داشت درسن سی و نه سالگی مفقود شده ازعالم جسمی بعالم روحی انتقال یافت .

عبدالحمید خان ازطفولیت درطهران مشغول تحصیل شد در دارالفنون مقدمات علوم جدیده و درمدرسه امریکائی طهران زبان انگلیسی آموخته درسن سیزده سالگی بپاریس که من در آنجا بودم آمده وازآنجا بلندن رفت ومدت هفت هشت سال تحصیلات خودرا در لندن ادامه داد . درسن بیست سالگی ازلندن باستامبول رفت و در سفارت ایران بسمت مترجمی ونیابت سفارت برقرار گشت ، متین‌السلطنه علاوه بر آنکه زبان انگلیسی را خوب آموخته ودرلندن جزو نویسندگان جوان محسوب میشد زبان فرانسه را نیز صحیح حرف زده وصحیح مینوشت . عربی وترکی را نیز تا حدی تحصیل کرده بود . متین‌السلطنه درشعب علوم‌حقوقی وسیاسی ومالیه کار کرده از مدرسه اکسفرد انگلستان و غیره تصدیقنامه ها داشت . درلندن چند بازی بزبان انگلیسی که از تواریخ قدیم ایران اقتباس کرده بود ساخته وبعضی از آن بازیها را بمعرض نمایش در آورده در روزنامه های انگلیسی نیز بعضی مقالات قیمت دارمینوشت عبدالحمید خان از استامبول بطهران آمد و ازطهران بلا فاصله ماموریت گمرکات بنادر باو داده شد در آنجا مترجم و نایب رئیس گمرکات بود وکشتی دولتی ایران موسوم به پرسپولیس باو سپرده شد سمت امیرالبحری را داشت وباصطلاح دریا بیگی بود . برای آن کشتی دستجات نظامی وموزیك ترتیب داد وچند سفر مکرر برای تشکیل و اداره کردن گمرکات باطراف رفته بتمام بنادر مسافرت کرد بعدن وبسواحل رفته بااغلب روسا ومشایخ آن اطراف دوستی وخصوصیت داشت .

متین‌السلطنه در بوشهر اول روزنامه طلوع وبعد در اوایل ۱۳۱۹ روزنامه موسوم بمظفری را که ازحیث اقدمیت اولین روزنامه ملی داخلی ایران محسوب میشود تاسیس نمود . پس از چند سال بطهران مراجعت کرد ومامور گمرکات خراسان شد ودر مشهد راه شوسه عشق آباد را شروع نموده وبعضی مدارس ملی تاسیس کرده انجمن سعادت مشهد ازموسسات او بود . متین‌السلطنه در دوره دوم تقنینیه ازجانب اهالی مشهد بسمت نمایندگی انتخاب شده بطهران آمد ودرمجلس شورایملی از وکلای فعال و جزو بهترین نطاقها و نایب رئیس بود ، بعد از انقضاء مجلس دوسالی در خزانه داری بود ، مختصر شرح خاتمه این یکنو سال در شماره ۷۲ ازسال دوم روزنامه عصر جدید طبع شده است . متین‌السلطنه درسه سال آخرعمر روزنامه عصرجدید را تاسیس نمود . متین السلطنه چند جلد کتاب ترجمه وتالیف نموده بعضی ازآن کتب نیز بطبع رسیده ومنتشر شده است وی ازمعرفه‌الروح جدید یعنی معرفه‌الروح تجربتی بهره‌مند بود و محب علم و آگاهی وطن پرست وملیت دوست ودارای رشد سیاسی وجرات بود دارائی‌ومتروکات‌او کمی بیشتر ازقروض اوبود ؛ چهاراولاددوپسر ودودختراز اوباقی ماند که درموقع‌قتل او کوچکترتقریبا یکسال و بزرگتر هشت نه سال داشته جسد اورا در قبرستان ابن بابویه بخاك سپردند و تمام کسانیکه اورا میشناختند افسوس خوردند .»

پس از شرح مذکور مقاله ای که تحت عنوان (فداکاری درمواقع سخت)در

شماره ۵۲ از سال دوم عصر جدید بتاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳٤ قمری نوشته ، نقل کرده و با این مقاله شرح حال خاتمه پیدا میکند ۰ در آخر کتاب صد وپنجاه مقاله عکس متین السلطنه گراور شده است ۰

(۷۷۱) طلوع

روزنامه طلوع در طهران بطور هفتگی تاسیس و در سال ۱۲۹٤ شمسی منتشر شده است ۰

(۷۷۲) طلوع

روزنامه طلوع در شهر رشت بصاحب امتیازی ومدیری (محمود ۰ رضا) و سر دبیری (ابراهیم فخرائی) تاسیس وشماره اول سال اول آن در چهار صفحه به قطع بزرك در مطبعه سربی « مطبعه عروة الوثقی رشت » طبع ودر تاریخ دو شنبه دوم جدی ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۱۵ جمادی الاول ۱۳٤۲ قمری منتشر شده است ۰

درعنوان روزنامه طرز انتشار طلوع را هفته دوبار روز های دو شنبه و پنجشنبه نوشته ولی درهمان شماره اول تحت عنوان (اخطار مهم اداری) اینطور یاد آورشده است : « چنانچه درسرلوحه روزنامه ملاحظه میفرمائید این روزنامه هرهفته در ایام دو شنبه و پنجشنبه منتشر میشود ولی نظر باینکه حسن جریان امور اداری گرفتاری های مقدماتی را در بر داشت این است برای مدت قلیلی هفته یك مرتبه انتشار خواهیم داد» ازاین جهت از شماره ده سال اول بهآنطرف مدتی هفته دوشماره در روزهای مذکور روزنامه منتشر و مدتی دو مرتبه هفته یکشماره نشر یافته است و باستثنای دونوبت که روزنامه توقیف گردیده وبعدا راجع بتوقیف آن گفتگو خواهیم کرد . مرتبا طلوع روز های دو شنبه طبع و توزیع گردیده است .

راجع بسردبیر روزنامه ، آقای ابراهیم فخرائی نیز یاد آور میشویم که از شماره ٤۹ سال اول مورخ ۲۱ میزان ۱۳۰۳ شمسی تمام امور اداره روز نامه به عهده صاحب امتیاز و مدیر ، محمود ؛ رضا واگذار گردیده وآقای ابراهیم فخرائی چنانچه در همین شماره شرحی بعنوان اعتذار نوشته از سردبیری روزنامه کناره گرفته است در ذیل اعتذار اینطور مینویسد : « چون ایفای وظائف تدریسیه با ادارا بودن سمت سر دبیری نامه طلوع خالی از اشکال نیست ازروما بخدمات اجتماعی خود در قسمت تدریس اشتغال جسته و ازسمت سردبیری نامه طلوع معذور است . ابراهیم فخرائی »

اسم روزنامه طلوع بخط نسخ درشت چاپ شده ودریکطرف آن این شعر (چنان طلوع کند آفتاب هستی ما) ودرطرف دیگر ، فرد دوم شعر) که یادکس نکند اززمان پستی ما) درج است . وجه اشتراك روزنامه : داخله سالیانه ۵۰ قران . شش ماهه ۳۰ قران . خارجه بضمیمه اجرت پست . اعلانات صفحه اول سطری ٤ قران . صفحه دو سه قران ۰ سوم دوقران ۰ چهارم یکقران ۰ تك نمره شش شاهی است ۰

قسمتهائی ازمقاله افتتاحی روزنامه که تحت عنوان (ایران آزادی)نوشته

شده وچهارستون صفحه اول روزنامه را فرا گرفته بدینقرار است : « پرگار قدرت پروردگار از وقتیکه بادست طبیعت خطوط سرحدی این کشور را بر صفحه جنوب غربی آسیا مرتسم ساخت دشت پهناور آنرا با مقدرات حیرت انگیزی نقش و نگار داد • فرشته رحمت عفریت نقمت هر کدام بنوبه خود ساکنین آنرا دستخوش اندیشه های متباینه قرار دادند • از زمان پیدایش تاریخ ونزاع دیو وانسان ••• بدبختانه در عصری داخل شدیم که با قرون ماضیه بسیار متفاوت و ترمیم عظمت ازدست رفته امری مشکل است اگر در ازمنه قدیمه نابغ و قائدی ما را از کابوس غفلت وسست عنصری تکان میداد رشادت ملی ما میتوانست درمقابل دیگران عرض اندام با غلبه جوید ولی امروز که دنیا شکل دیگر بخود گرفته و ترقیات محیرالعقولی را حائز گشته است آیا می توان بوجود نابغی امیدوار بود آیا در حیز امکان نادر امروزی هست که در آن واحد خرسواری ما را بزندگانی و تجهیزات هوائی و زمینی وبحری و تحت الارضی مبدل نمود و در مقابل تعدیات خارجی چون نادر دیروزی احیاز موفقیت کند؟ آیا تشکیلات اقتصادی واجتماعی ما وجود خارجی یافته است• نه••••• ما که دربحبوحه این سفالت قلم بدست گرفته مجدد میرویم نبرد سیاسی را شمار خرد قرار دهیم آیا میتوانیم هدایت افکار راعهده گرفته طریقی برای نجات مملکت ازفلاکت حاضر ارائه دهیم • ما نمیخواهیم قلم و فکر خود را بمعرض آزمایش ملت بگذاریم با ادعاهای مندرسه معمولی را تکرار کنیم • زیرا زندگی هول انگیز وخواطره های تلخ ناگوار قربانی های صمیمانه نیات صادقانه ما را بمورد عمل گذاشته ودیر زمانی است هویت خود را نشان داده ایم• ما بعد از عبور از مهالک و غور در مسالک وگذشتن ازپیچ وخمهای سیاست متلونه داخلی وخارجی وگداخته شدن در کوره های آمال متنفذین ووجیه الملهها و سیاست بافان ، بدون غل وغش ازبوته امتحان در آمده اینک بر روی تجربیات خود استواریم • ما در مواقعی که با مرگ سهمناک دست و گریبان بودیم دو گوهر نفیس را در زوایای قلب پرورانیده وجانهای خود را حرز آن قرار دادیم : ایران - آزادی ••••» سر مقاله مذکور که چهار ستون صفحه اول روزنامه را فرا گرفته باین عبارات خاتمه پیدا میکند : «هر چه هست در ملت است وآنچه آرزوی ملت است این است• ایران - آزادی» مندرجات روزنامه طلوع در هر شماره پس از درج مقاله اساسی که معمولا دوسه ستون صفحه اول را گرفته وبیشتر راجع باوضاع سیاسی و اجتماعی ایران وگاهی راجع باوضاع سیاسی ممالک خارجی و کشورهای همسایه نوشته شده، عبارت از اخبار محلی گیلان ومختصری از اخبار خارجی که معمولا از روزنامه های خارجی ترجمه شده است در اغلب شماره ها مطالبی که در نوع خود تازگی داردوانتقاد از اوضاع اجتماعی است تحت عنوان «بیخ گوشی» درج گردیده وما برای مزیداطلاع خوانندگان یکی از این مقالات را از شماره اول روزنامه نقل مینمائیم•

«بیخ گوشی - پیر مردها ودنیا دیده ها آنهائیکه چندین پیراهن بیشتر از جوانها پاره کرده اند گاهگاه صحبتهای خیلی شیرین وخوش مزه ایراد میکنند• خاطر

های ایام گذشته وخوش مزه وتجارب فراوانی که در طی زندگی خود دیده اند حکایات وامثال جاذبی را در حافظه‌شان ذخیره نموده است هر چند که در موقع برخورد ومکالمه چندان اختصار کلام را رعایت نمیکنند ومانند جوانها آنقدر مضر نیستند که بیك مرسی خشك وخالی یا یك قربان تو میان تو سر چشمه محبت را یك مرتبه کور کنند وباصطلاح امروز قمیش را بردارند ولی اگر دقیقانه توجه شود بیانات والماظشان آمیخته بنصایح و اندرزهای دل چسبی است که چنانچه باسحك امتحان درست تشخیص شود و حقیقت آن گفتارها مبرهن خواهد گشت ۰۰۰۰ دائی رحیم یك سالخورده دنیا دیده است که غالبا مطالب مهم اخلاقی وسیاسی را بلباس مثل وحکایت آرایش داده برای دوستان خود نقل میکند ۰ صحبتهایش بفیلم سینما شبیه‌تر است تا بچیزهای دیگر زیرا در هر ثانیه ودقیقه موضوعی تازه وبکر از دولبش جاری میشود ـ جائی از ایران نمانده است که دائی رحیم‌قدم نگذارده ومردمی سراغ نمیرود که از کم و کیف احوال وطرز زندگانیشان اطلاع بهم نزده باشد ۰ دوازده ایالت قدیم مملکت را که از غم وغصه مشروطیت بچهار ایالت تحدیدشده مانند یك جغرافی‌دان متخصص مرتبا تشریح مینماید از کباب بره اصفهان حلیم کرمان وکله‌پاچه کرماشاه ودم پخت طهران و دبزی زنجان و شله قلمکار قزوین بقدری گفتنی بخاطردارد که انسان هاج‌و واج شده متحیر میماند ۰۰۰۰ درباره مندرجات روزنامه طلوع باید اضافه نمود که در بعضی از شماره‌های این روزنامه قطعات وغزلیاتی درج شده که از نظر اهمیت یکی دو تای آنها را نقل مینمائیم ۰ من‌جمله قطعه‌ایست به‌بحرنا مطبوع اثر طبع (ادیب‌السلطنه سمیعی) که در شماره ۸ سال اول ورخ ۱۲ دلو ۱۳۰۲ شمسی طبع گردید ۰ وچون متجاوز از پنجاه شعر است قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم

(ادبیات)

در دیده من عیب و علتی است یا منظره ها را نقیصتی است
هر چیز که آید بچشم من بینم که بنا خواه صورتی است
اشیاء همه بر رنك دیگرند ۰ برحال طبیعی نمانده هیچ ۰ هر صورت زیبا که بنگرم
گیتی بدگرگونه حالتی است ۰ یانوق طبیعت طبیعتی است ۰ گویم که نشان‌ازحقیقتی است
هر گفته شیوا که بشنوم ۰ هرجا که شود مجمعی بپا ۰ هر نامه که گردید منتشر
گویم که بیان نصیحتی است ۰ گویم که بخیر جماعتی است ۰ گویم که در آن حسن نیتی است
چون پرده برافتد زروی کار ۰ گر نامی از ایران کسی شنید ۰ پنداشت که این مرز وبوم نیز
بینم که تمامی فضیحتی است ۰ کورانه‌از این ملك خبرتی است ۰ ملکی ودر آن ملك ملتی است
یا بهر نظامات داخلی ۰ یا در بدن اهل مملکت ۰ یا در طبقات عدیده اش
قانونی وطرز حکومتی است ۰ روح ادب وخون غیرتی است ۰ تمیزی و علمی وصنعتی است
یا مدرك و رجحان وامتیاز ۰ یا مردم دانش بژوه را ۰ یا اهل صلاح و صواب را
تقوی وصلاح فضیلتی است ۰ بر زمره نادان مزیتی است ۰ در جامعه قدری و قیمتی است
یاآنکه کسی رادراین محیط ۰ یا از مدنیت شبانه روز ۰ یاجانب خیر و صلاح خویش

دردی واز آن دردزحمتی است. درحوضه اصحاب صحبتی است. کس رازهمه خلق رغبتی است
یا از پی بهبود مملکت. یا از بد و نیك گذشتگان. یا طایفه نیك بخت را
فکری و تلاشی و همتی است. در مردم آینده عبرتی است. بر زمره بد بخت شفقتی است
یا از پی هر کار اجرتی. یا بهر خطاهیچ کیفری است. هر کس که از ایران خبر نداشت
یادر پی هر رنج راحتی است. یا جائزه بهر خدمتی است. پنداشت که ملك ودولتی است
گویا که تصور نمیکنند. یا دیدن این هرج و مرج. یك مرد نباشد که یك قدم
بر عهده هر یك وظیفه ای است. و آرام نشستن خیانتی است. بردار: تا وقت وفرصتی است
ورنه بخدای رفع این عیوب گرمرد بود کار ساعتی است

و نیز در شماره ٤٧ سال اول طلوع مورخه دو شنبه ٩ سنبله ١٣٠٣ شمسی = استامبر ١٩٢٤ قصیده از لاهوتی معروف که هنگام توقفش در مسکو سروده درج نموده که قسمتی از آنرا در اینجا نقل می کنیم:

(قصر کرمل)

تا چند کنی گریه بر مسند نوشیروان درقصر (کرمل) ایدل اسرار نهان برخوان
در داخل هر دیوار با دیده سر بنگر پیکر بسر پیکر ستخوان بسر ستخوان
ازخون دل خلق است هر نقش دراین گنبد خاك تن مزدور است هر خشت دراین ایوان
از آه شهیدانست هر دود دراین برپا از اشك یتیمانست هردر که در آن غلطان
این خانه بیداداست با دیده سر بنگر زیر پی هر پایه خون دو هزار انسان
این قصر که می بینی برروی تو میگرید بر کشته مظلومان بسیار شده خندان
اینجا و (مدائن) را مزدور بپا کرده این قصر (رمانوف) شد آن مسند (بن ساسان)
تا پایه هر برجی زین کاخ شود آباد صد سلسله شد معدوم صد ناحیه شد ویران
زاینجاست که میگردید هرروز بنفع شاه بر قتل دو صد مزدور امضای دو صد فرمان
نهانه همین اینجاست کز خون بشر برپا است بنیان وی از بیداد ارکان وی از عدوان
ستند بدین منوال دارای همین احوال گر قصر بریتان است یا قلعه واتیکان
از رنج کشاورز است آسایش هر دارا از کوشش مزدور است سرمایه بازرگان
ای دیده بیننده غافل منگر اینجا اشك است در این پایه خون است دراین پایان
دندانه هر برجی چشمی است که میگرید بر مسانم مزدوران بر ذلت دهقانان
تا منظار این درگاه دلخواه شهان گردد چندین تن مظلومان گردیده در آن بیجان
بسیار ستمکاران از رنجبران کشتند تا آنکه در این ایوان راحت بکند سلطان
آنان که بخون دل این کاخ بپا کردند یك آب ننوشیدند با راحت جان در آن
شوری ستم کشها فرمان حکومت را بنوشت بخط سرخ بر قلعه شادروان
ایدوده نذر افشان یکرنك شوید ایندم ایکومه زحمت کش همدست شوید الان
یکدسته نامردند زحمت ده و مستشمر یك کومه همدردند زحمتکش و بنرافشان
دین و وطن (دارا) سیم وزر مسکوك است دامی است وطن خواهی بر منفعت دونان

در روی زمین بیچیز نه دین نه وطن دارد زحمت وطن فعله است باز وی قوی ایمان
روزی که بپیر وزی با مرکز امروزی بکرنك شود گیتی هم سنك شود دوران
جز رنك نه کس آمر جز کار نه کس حاکم آدم شود آسوده عالم شود آبادان
جهل افتد و علم آید اقلیم بیار آید تن پروری و شاهی نابود شود انسان
(لاهوتی)• مسکو •

روزنامه طلوع در طول مدت انتشار یعنی تا شماره ٦٩ سال دوم آن مورخ پنجشنبه ٧ آبانماه ١٣٠٤ شمسی = ١١ ربیع الثانی ١٣٤٤ قمری دومرتبه دوچار توقیف گردیده است• یك بار پس از انتشار شماره ٤٨ سال اول مورخ ١٦ سنبله ١٣٠٣ شمسی = ٧ صفر ١٣٤٢ که برای مدت خیلی کوتاهی یعنی تا تاریخ ٢١ میزان ١٣٠٣ دوچار توقیف گردیده ودر تاریخ مذکور مجددا شماره ٤٩ سال اول آن منتشر شده است ودر همین شماره مقاله تحت عنوان (شوخی ناگوار) آورده که خلاصه آن اظهار تاسف از توقیف روزنامه طلوع است قسمتی از آن مقاله اینست :

«••• با چنین وضعیتی شماره ٤٨ طلوع دستخوش یك شوخی ناگوار گردیده واز تاریخ ٢٦ سنبله ١٣٠٣ علاقه‌مندان به خود را در حیرت وتعجب منتظر گذاشته است که برای چه این نامه محبوب به را کیسون و عکس العمل دچار وهنوز آملی از آمال ومرام خود را انجام نداده غروب نموده است• خوش بختانه دامنه قضیه کوتاه و شبهات قضیه مرتفع وخسارت وارده قابل جبران وایك نامه محبوب ما س باز چندی تعطیل منتشر وبعلاقه مندان خود مژده خدمت میدهد»

بار دیگر پس از انتشار شماره ٦٨ سال دوم مورخه جمعه ٢٤ شعبان ١٣٤٣ = ٣٠ حوت ١٣٠٣ روزنامه توقیف گردیده واین بار مدت ٧ ماه روزنامه توقیف بوده است وشماره ٦٩ سال دوم در تاریخ پنجشنبه ٧ آبان ١٣٠٤ = ١١ ربیع الثانی ١٣٤٤ قمری منتشر شده است•

عنوان مقاله افتتاحی این شماره (پس از هفت ماه) است که باین سطور شروع میشود: یك منظره فجیع و یك دوره مخوفی که از خاطر افسرده گیلانی محو شدنی نیست در هفت ماه قبل مارا بمبارزه کشانید• آنروزهای سیاه و مهیب آن ایامی که قیافه‌های هول انگیز در محلها وکوچها طبل رعب وهراس کوفته•••

درهمین شماره تحت عنوان (تشکر) مدیر روزنامه از جراید محترم مرکز وایالات واحرار وطبقات مختلفه محلی که از توقیف روزنامه طلوع اظهار هم‌دردی نموده اظهار تشکر نموده است •

نگارنده فعلا تا شماره ٦٩ سال دوم این روزنامه را در دست دارم و گویا تا همین شماره بیشتر منتشر نشده است •

محمود رضا طلوع- شرح احوال مرحوم محمود رضا طلوع مشهور بطلوع در شماره ٣١١ سال بیستم دوره سوم روزنامه فکر جوان منطبعه رشت مورخ ٧ فروردین ١٣٢٣ شمسی بدینقسم نوشته شده است. « شادروان محمود رضا مشهور بطلوع فرزند

مرحوم حاج آقا رضا مجتهد معروف وآزادیخواه مشهوردر سال۱۲٦۷ خورشیدی درشهر رشت متولد شد .

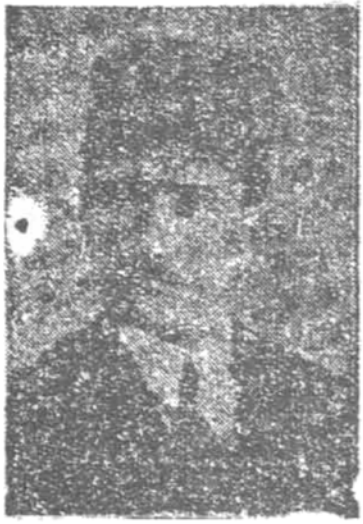

محمود رضا طلوع

مرحوم طلوع از آزاد یخواهان حقیقی ویکی از فرزندان خلف انقلاب ایران میباشد که همیشه مبارزه با بیداد وستمگر واستبدادرا از وظایف اولیه خویش میدانست از روز های اول جوانی طلوع سری پر شور از عشق بآزادی وسیهن پرستی داشت واز اینرو از طرفداران جدی مشروطیت بشمارمیرفت . در زمان روسهای تزاری بایران ودستگیری واعدام آزادیخوان در تبریز ورشت جلای وطن اختیار نموده باروپا حرکت کرده ومدتی در سر زمین آزادی پرور فرانسه وزمانی نیز در سویس و آلمان واطریش بسر برده بتحصیل ومطالعه مشغول بودتا در اوایل جنگ جهانی گذشته بایران بازگشت نموده اتفاقا بازگشت آنمرحوم مصادف با نهضت مقدس جنگل گردید و طلوع که از اول تشنه آزادی وحقیقت بود در صف مجاهدین قرار گرفت و از بدو ورود بواسطه حقیقتی که در وطن‌پرستی و آزادیخواهی از خود نشان داده بود از دوستان صمیمی وفداکار مرحوم میرزا بشمار آمد . وبعد از خاتمه نهضت جنگل و شهادت مرحوم میرزا بکمك چند تن از دوستان آزادیخواه خویش موفق باخذامتیاز روزنامه‌ای بنام طلوع گردید که همیشه در ردیف بهترین روزنامه‌های وقت بوده .

علت اشتهار مرحوم رضا بطلوع نیز برای انتشار نامه طلوع بوده است . پس از مدتی در اثر ابراز حقایق ونشر افکار آزاد یخواهی مورد غضب حکومت وقت واقع واز انتشاد روزنامه اش جلوگیری و مشارالیه را تبعید کردند . مرحوم طلوع دررمان تغییرسلطنت بنمایندگی در مجلس موسسان انتخاب شدهودر طهران دوستان آزادیخواهش او را متقاعد ساختند که سردار سپه منظوری جز خدمت بایران و ملت ایران ندارد از اینرو نظر موافقت او را نسبت برضاخان جلب کردند .

طلوع در ازای خدمتی که طی چند سال زندگی اجتماعی بمردم قدرشناس گیلان کرده بود در دوره ششم بنمایندگی پارلمان انتخاب شد وچون عملیات وحرکات دولت وقت را مخالف شئون آزادیخواهی دید از در مخالفت با دولت درآمد ومبارزه سختی بین او وحکومت مستبده پهلوی در گرفت . در دوره هفتم نیز علی‌رغم تمایل دولت باتکاء میل مردم وفداکاری طرفدارانش از حوزه لاهیجان انتخاب و بمجلس ملی رفت در این دوره مخالفت خود را شدیدترنمود تا اینکه باهم فکری وکمك شاد روان فرخی یزدی اقلیت خطرناك مجلس را دو نفره تشکیل دادند وتا آخرین روز نمایندگی وظیفه

واقعی یك نماینده ملت را بتمام معنی انجام داده و دردوره هشتم نیز باز ازطرف مردم نامزد نمایندگی بود که تهدید ها و مخالفتهای دولت اورا مجبور ساخت تا انصراف از نمایندگی را اعلام و ازموکلین خود بعذر بیماری معذرت بخواهد وچون زندگی مرحوم طلوع تحت نظر مامورین مخفی شهربانی بوده است و از طرف دیگر میل بخدمت خلق آنمرحوم را دقیقه ای راحت نمیگذاشت باصرار مرحوم داور و چند تن از دوستان پروانه وکالت دادگستری گرفته و از اینراه توانست هم بامردم آمیزش کند و هم خدمتی بخلق نماید . تا اینکه در روز ۱٦ دی ماه سال ۱۳۱۹ بدون مقدمه بیماری بتغییر حالت نا گهانی درگذشت ومستبعد نمیدانیم که بدست عمال حکومت جنایتکار رضا خان و کارکنان روسیاه شهربانی مختاری مخفیانه شهید شده باشد .»

روزنامه اطلاعات مورخ ۱٦ دیماه ۱۳۱۹ شمسی تحت عنوان (فوت تاثر آور) مینویسد : « موافق تلگرافی که امروز از نماینده اداره درشت رسید آقای محمودرضا طلوع دیروز غروب غفلتا بمرض سکته دارفانی را وداع گفته اند . مرحوم محمودرضا طلوع صرفنظر از اینکه مردی روشن فکر ، میهن پرست بود ، دارای صفات اخلاقی بسیاری بود که ازهر حیث او را شایستگی داده بود .»

(۷۷۳) طلوع ایران

روزنامه طلوع ایران در سال ۱۳۰٦ شمسی درطهران بطور هفتگی تاسیس ومنتشر شده است .

(۷۷٤) طلیعه آینه افکار

روزنامه طلیعه آئینه افکار در طهران بمدیری (علیمحمد خان فخام السلطان مستوفی) تاسیس و منتشر شده است . موقعیکه مرحوم فرخی شماره ۳۷ سال سوم طوفان را منتشر نمود بعلت مقاله که در آن تحت عنوان (امنیت چیست ؟) درج شده بود ، طوفان توقیف گردید وچون مرحوم فخام السلطان امتیاز روزنامه طلیعه آئینه افکاررا در اختیار مرحوم فرخی گذاشته بود ، این روزنامه‌را بجای طوفان منتشر ساخت سرمقاله روزنامه طلیعه افکار ، مقاله شدیداللحنی برعلیه دولت وقت (کابینه سردار سپه بوده است) و تجاوزات غیر قانونی این دولت میباشد و انتشار همین مقاله باعث تبعید مرحوم فرخی به کرمان گردید وسبب شد که روزنامه توقیف وصاحب امتیازآن نیز حبس موقتی گردید مقاله افتتاحی طلیعه افکار تحت عنوان «حکومت فشار » و باین عبارات شروع میگردد « بر اعمال نا مشروع و خلاف قانونهای صریح و روشن خود لباس قانون نپوشانید زیرا که آنوقت ما و دیگران را با شما بحثی نیست ... » مقاله مذکور باین جملات پایان مییابد « این بود عقاید ما و مطالبی را که لازم میدانیم قبل ازانتشار روز نامه تقدیم افکار آزاد بنمائیم و البته اگر روزگار مجالی دادوبااین‌عقایدی که حاضریم برای اثبات آن در هر محکمه قانونی حاضربشویم ما را بحال خود گذارند ازاین پس هر هفته

سه شماره در مباحث عمیق تری داخل خواهیم شد • مدیر مسئول علیمحمد خان نظام السلطان مستوفی • »

آقای حسین مکی در مقدمه دیوان فرخی یزدی مینویسد پس از نشر مقاله فوق فرخی را گرفتند و بکرمان فرستادند • بمحض ورود بکرمان در سر بازخانه کرمان ویرا زندانی کردند • تقریبا مدت دو ماه در زندان کرمان بسر برد • (برای اطلاع مفصل از شرح احوال فرخی بحرف ط کتاب کلمه طوفان رجوع فرمائید • »

(۷۷۵) طلیعه سعادت

روزنامه طلیعه سعادت در سال ۱۲۹۰ شمسی در طهران بطور ده روزه تاسیس ومنتشرشده است•

(۷۷۶) طلیعه سعادت

روزنامه چهره نما درفهرستی که از جرایند ایران در سال ۱۳۳۶ قمری منتشر نموده نام روزنامه طلیعه سعادت را که در کرمانشاه منتشر میشده ضبط کرده ولی نگارنده تا کنون نه نمونه آنرا دیده و نه خبر انتشار آنرا خوانده ام • چهره نما درهمین فهرست اسمی از روزنامه طلیعه سعادت برده که در اصفهان منتشر میشد • و تصور میکنم آنهم اشتباه باشد ودرسال مذکور که مصادف با قحطی اصفهان بود • چنین روزنامه ای منتشر نمیشده است •

(۷۷۷) طلیعه قدس

روزنامه طلیعه قدس در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر رشت بطور هفتگی تاسیس ومنتشر شده است •

(۷۷۸) طنین

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰٤ شمسی شورایعالی معارف امتیاز روز نامه طنین را در طهران بمدیری « میرزا فتح‌الله خان قزل ایاغ » تصویب نمود است •

(۷۷۹) طوس

روزنامه طوس در شهر مشهد بمدیری « میرزا هاشمخان قزوینی » وسردبیری « شیخ ابوالقاسم نحوی » در بدو تاسیس هفته دوبار طبع ومنتشر گردیده و شماره اول سال اول آن در تاریخ شنبه ششم ذیقعده ۱۳۲۷ قمری مطابق ۲۰ نوامبر ماه ۱۹۰۹ میلادی در مطبعه سربی « مطبعه طوس بمدیری میر مرتضی الموسوی » طبع و توزیع گردیده است •

روزنامه طوس ازشماره اول تا شماره ۱۸ بقطع بزرگ انتشار یافته • محل تحریر و اداره روزنامه : مشهد مقدس • بالا خیابان • عنوان تلگرافی «جریده‌طوس

است • شرایط اشتراك روزنامه بدینقرار است : مشهد مقدس ۳۰ قران ، سایر ولایات داخله ۳۵ قران • قفقاز و روسیه ۷ منات ، مخارج پست همه جا بعهده اداره است ، تك نمره سه شاهی درعنوان روزنامه بالای کلمه طوس این جمله « درظل حمایت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا » و در زیر آن سال تاسیس روزنامه « ۱۳۱۷ » نوشته شده ونیز در زیر عنوان، در ضمن یك سطر ، روز نامه طوس بدینقسم معرفی گردیده. «روزنامه آزاد سیاسی؛ اخباری، اقتصادی؛ تاریخی ؛ تلگرافی؛ طرفدار ترقی ایران•»

مقاله افتتاحی روزنامه با این عبارات شروع میشود: «بنام خداوند روان بخش و آفریننده دوگیتی • ستایش ونیایش ویژه بزرك داداریست که هردو جهان رابی‌استعانت ومعاونت از کسی خلق فرمودوبهر یك از مخلوق‌خود درخوراستعدادوماهیتش‌ماموریتی بخشود• پس برای انتظام عالم ویژه برای تربیت زندگانی بنی آدم پیغمبران فرستاد که این یك مشت ظلوم وجهول را هادیان سبل گردانند قامت با قابلیت پیغمبر ما محمد مصطفی را بخلقت زیبای ماکان محمدابااحد من‌رجالکم ولکن‌رسول‌الله وخاتم‌النبیین‌مخلع وتاج افتخار مرسلین نمود• درود نامحدود بر اولاد طیبین وطاهرینش باد که راسخون فی‌العلم وروح معانی وبیانند••••••»

مندرجات روزنامه طوس پس ازدرج سر مقاله عبارت از وقایع مملکتی بطور اختصار وگذارشات خراسان مخصوصا مشهد مقدس میباشد • من‌جمله‌از مندرجات‌روزنامه (ترجمه حال وکلای خراسان) است که در بعضی از شماره‌های روزنامه چاپ شده• برای نمونه ترجمه حال آقا میرزا محمد صادق طباطبائی مدیر روزنامه مجلس را بنقل از شماره ۱۸ سال اول طوس نقل مینمائیم: «در سال ۱۲۹۷ در طهران متولد شده درسال ۱۳۰۰ با خانواده خود بعتبات مشرف وده سال در سرمن رای در حجر والد ماجدش تربیت شده • در سال ۱۳۱۱ با خانواد خودشان بطهران معاودت کرده علوم ادبیة و مقدمات را در سرمن رای وحساب‌وهندسه وجغرافی رادرطهران تحصیل نموده •معلومات کافیة در فقه واصول را نزد پدر بزگوارش حجة‌الاسلام طباطبائی و سایر اساتیدطهران تلمذ نموده‌اند• زبان فرانسه را بقدر لزوم بطور مخفی تحصیل کردند• زبان سریانی و مقداری از زبان عبری نزد فخرالاسلام آموخته‌اند همواره در امور سیاسی و تمدنی و مخالفت با اساس استبداد در محافل سری و علنی مذاکره میکردند برای اشاعه معارف اقدامات عالیه نموده‌اند• مدرسه اسلام در سال ۱۳۱۷ بتایید وتحریك ایشان واقدام‌والد ماجدش تاسیس شده • در ۱۳۱۸ کارخانه قالی بافی‌عبابافی در طهران تاسیس کرده در سال ۱۳۱۹ شرکت منسوجات وطنیة را دایر وتاسیس نمود که فعلا هرسه کارخانه دایر است ونیز در همین‌سال مجلس از آخه شبهات دینیه باسم حوزه اسلامیة تاسیس کرد تالیات متعدد از این مجلس بیاد گار باقی است• در سال ۱۳۲۳ با والدش در زاویه عبدالعظیم متحصن ودر سال ۱۳۲٤ به‌بلده قم مهاجرت نمودند واز آنجاجزو نمایندگان

آقایان برای پیشنهاد مقاصد ملت خواهانه نزد مرحوم مظفرالدین شاه فرستاده‌شد در سال ۱۳۲۵ روزنامه مجلس را تاسیس نمود. ایجادو ابتکار روز نامه یومیه و ترتیب آن بطرز ممالك خارجه ونشر روزنامه بوسیله اطفال در کوچه وبازار ازآثار ایشان است در سال ۱۳۲۶ با جمعی از علما از طرف لشگر استبداد دستگیر و چند روز در باغ شاه حبس وچند روزی در شمیران توقیف ومورد صدمات اشرار بود تا اینکه بامر محمد علی‌میرزا از ایران‌تبعید شده یکسال‌در ممالك خارجه درجمعیتهای ایرانی وغیر ایرانی شامل و مشغول خدمت بود در سال ۱۳۲۷ مقارن فتح طهران از راه روسیه بایران معاودت ودر مشهد مقدس بخانواده خود ملحق شده چند روزیهم‌در مشهد بخدمات ملیه اشتغال داشت و بعد از فتح طهران باخانواده خود بطهران مراجعت نمود بعد از ورود بطهران از طرف اهالی خراسان بسمت وکالت انتخاب و شامل اعضاء محترم مجلس شورایملی گردیدند. مزید توفیقات ایشان راخواستاریم.» شماره‌ای که‌شرح حال مذکور را از آن نقل کردیم شماره ۱۸ سال اول و بتاریخ ۵ شنبه ۱۵ محرم ۱۳۲۸ قمریست.

سبك روزنامه در طول مدت انتشار بیك نحو است. از روزنامه طوس جمعا ۵۸ شماره منتشرشده‌وآخرین‌شماره منتشره آن‌شماره۵۸درتاریخ‌پنجشنبه۱۹شعبان‌المعظم۱۳۲۸ بوده است. برون درکتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص۱۱۷)آخرین شماره منتشره طوس را شماره ۵۷مورخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۸ ضبط کرده درصورتیکه طبق نمونه‌موجود آخرین شماره نمره۵۸است. پس از نشر شماره۵۸روزنامه ظاهرا بدستور حکمران خراسان، شاهزاده نیرالدوله توقیف گردیده ودر هنگام بمباران‌مشهد از طرف‌روسهای تزاری طوس توقیف بوده ومنتشر نمیشده است. (واقعه بمباران صحن وحرم حضرت رضا علیه‌السلم در سال ۱۳۳۰ قمری بوده است).

روزنامه طوس تا ربیع‌الاول ۱۳۳۲ قمری منتشر نمیشده ودر این سال مجددا با بدایره انتشار گذاشته است. نگارنده نمونه از این دوره روزنامه طوس را در دست ندارم ولی روزنامه چهره‌نما مطبعه مصر در شماره ٤ سال۱۱ خود مورخ غره‌ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ قمری‌بعنوان تقریظ در باره تجدید انتشار طوس‌اینطور مینویسد:« روزنامه گرامی طوس منطبه مشهد نگارش ارجمند یگانه دانشور فرزانه (م.هاشم) میباشد. این‌روزنامه نامی چند گاهی بود در سحاب عطالت رخسار معارف بار فرو برده بود وما در شماره پنجم‌سال‌دهم‌چهره نما تحت‌عنوان (جرایدمظفری وطوس) ازحرمان او شطری‌نگاشتیم.»

آنچه مدیر چهره‌نما در شماره مذکور نوشته این است: « جراید مظفری و طوس. هنوز جانها از فرقت حجاب احتجاب نامه نامی مظفری‌بوشهر در التهابست که میشنویم روز نامه طوس هم در مشهد بحکم شاهزاده نیرالدوله توقیف گردیده. ما علت‌العلل توقیف این دو جریده را آنهم در این دو سرحد معتبر ندانسته‌ایم ازچیست‌و جلوگیرنده آنها کیست.» پس از تجدید انتشار،روزنامه طوس تا سال ۱۳۳٤قمری

منتشر میشده ودر این سال بزور روسهای تزاری طوس توقیف وبنام وطن انتشاریافته.
در اواخر سال ۱۳۳٤ قمری وطن در مشهد تعطیل و پس از تبعید مدیر آن بطهران روزنامه در طهران منتشر شده است برای اطلاع از روزنامه وطن رجوع شودبحرف واو کتاب کلمه وطن.

میرزاهاشم‌خان محیط . میرزا هاشم خان محیط یکی از نویسندگان مبرز و از خدمتگذاران فرهنگ ومطبوعات ایران بوده. پس از صدمات وزحماتی که ازروسهای تزاری در خراسان متحمل شد بطهران تبعید گردید ودر طهران نیز در سال ۱۳۳۸قمری باتفاق برادرش آقای پاشاخان بزندان افتاد وپس از چندی آزاد گردید. نامبرده‌علاوه بر روزنامه طوس؛ در طهران نیز روزنامه یومیه وطن را منتشر میکرد. بعدهم بانتشار روزنامه هفتگی (تشریق) پرداخت . در اواخر عمر بنگارش تاریخی بنام تاریخ‌مشروطیت ایران مشغول بود که اجل او را مهلت نداد ودر هفته آخر بهمن ۱۳۲۱ شمسی درطهران دار فانی را وداع گفت . مجلس تذکری‌در مسجد محمودیه برای آنمرحوم بر پانمودند که عده از نویسندگان وکارکنان مطبوعات ودوستان آنمرحوم درآنجا حضورداشتند.

(۷۸۰) طوس

روزنامه طوس بصاحب امتیازی (مرتضی موسوی) ومدیری(حسن‌حمید) در شهر مشهد ؛ در سال ۱۳۱۳ شمسی تاسیس ومنتشر شده. این‌روزنامه بطور هفتگی ودرمطبعه سربی (طوس) طبع ویك شماره آن ۳۰ دینار ووجه اشتراك سالیانه آن در داخله۶۰ ودر خارجه یکصد ریال معین شده‌است. شماره اول روزنامه در مهر ماه۱۳۱۳ وشماره ۸۳ سال چهارم آن که دارای شماره مسلسل ٤۹٦ است، در چهار صفحه قطع بزرك‌در مطبعه سربی (چاپخانه طوس) طبع ودر تاریخ یکشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۱۷شمسی مطابق ۲۳ صفر ۱۳۵۷ قمری و ۲٤ اوریل ۱۹۳۸ میلادی منتشر شده است . محل اداره: مشهد . بازار. چاپخانه طوس . وجه اشتراك : داخله ؛ یکساله ٦۰ ریال‌وخارجه یکساله ۱۰۰ ریال ، تك شماره ۵۰ دینار. بعد از سه روز یکریال . اعلانات صفحه اول سطری‌دوریال. باقی صفحات یکریال.

روزنامه طوس هفته سه شماره منتشر میشده ومندرجات آن مانند سایر جرایدمحلی آن تاریخ عبارت از اخبار محلی واخبار داخله ومختصری از اخبار خارجه است که‌پس از باز دید دقیق از طرف شهربانی محل اجازه طبع داده میشده . بیشتر صفحات‌سوم وچهارم‌روزنامه آگهیهای ثبتی است ودر بعضی از شماره‌های مقالاتی‌از زبانهای‌خارجی ترجمه وچاپ شده است.

روزنامه‌طوس سبك مذکور تا چهار ماه قبل از شهریور ۱۳۱۹ طبع‌وتوزیع میشده وپس از چهار ماه تعطیل که‌بمنظور تکمیل لوازم چاپخانه روزنامه بوده‌مجددا در دوم شهریور ماه سال مذکور با بدایره انتشار گذاشته وتا سال ۱۳۲۳ شمسی که مدیر روزنامه فوت نموده طوس منتشر میشده است. قبل ازانتشار مجدد طلیعه‌روزنامه

روی یك صفحه وزیری در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۱۹ شمسی نشر یافته قسمتی از مطالب طلیعه روزنامه بدینقرار است :

« در این روزگار فرخنده که نیروی اراده توانای شاهنشاه عظیم‌الشان ایرا ن ترقیات شایانی در شئون حیاتی کشور پدیدار گشته و گامهای بلندی در راه عظمت و سعادت میهن بر داشته شدهٔ مطبوعات که وظیفه بزرك ومهمی را بعهده دارند از این جنبش عقب نمانده ... روزنامه های خراسان نیز از چندی پیش بر آن بـود ند کـه تغییرات کلی در اوضاع خود داده و روزنامه هائی متناسب با این عصر درخشان ا نتشار بدهند ... اینك روزنامه طوس پس از چهار ماه تعطیل که مشغول تکمیل لوازم خود بود بار دیگر با مزایای نوینی شروع بانجام وظیفه و خدمتگذاری مینماید . ا ین تجدید انتشار با تغییرات بسیاری در وضع روزنامه و مزایای جالب توجه همراه میباشد روزنامه همه روزه با چاپ و کاغذ خوب در چهار صفحه منتشر میشود . اخبار روز نامه بوسیله خبرگذاری پارس و نمایندگان مخصوص روزنامه همه روزه تلگرافی دریافت و درج میشود . مقالات سیاسی ، اجتماعی ؛ اقتصادی و گفتار های سودمند علمی و ادبی و چیزهای خواندنی و افسانه های شیرین نیز در بخشهای جداگانه وستونهای مخصوص درج میشود . آبونمان روزنامه سالی صد ریال و بهای تکشماره آن ۳۰ دینار تعیین شده . »

آقای میرمرتضی موسوی-آقای میر مرتضی موسوی (رو ئین تن) مو سس چاپخانه و مدیر روزنامه طوس از خدمتگذاران بمعارف خراسان محسوب است . نامبرده اولین چاپخانه حروف سربی را درخراسان تاسیس نموده و روزنامه طوس قدیم درهمین چاپخانه ایشان طبع میشده است . ایشان برای تاسیس اولین مدرسه درمشهد مسا عدت های شایانی کرده ومدتی روزنامه طوس وجریده نوبهار بخرج ایشان طبع ونشر گردیده است . مرحوم میرمرتضی موسوی پس ازیکعمر خدمت بمعارف روز جمعه ٦ مرداد ۱۳۲۳ درمشهد مقدس بدرود زندگانی گفت وبسرای جاودانی شتافت . روزنامه دادگستر چاپ خراسان درشماره ٦۱ سال اول خود مورخ پنجشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۲۳ شمسی راجع بفوت مدیر روزنامه طوس اینطور نوشته است : « ضایعه تاسف انگیز - آقا ی میر مر تضی روئین تن مدیر محترم روزنامه طوس روز جمعه ٦ مرداد بدرود زندگانی گفته و ر خت بدار دیگر کشیدند . فقید شادروان بویژه درخراسان پدر مطبوعات خوا نده میشد . شیخوخیت ومقام ارجمند ایشان در روزنامه نگاری مورد قبول و تقدیر همگان بو د . ما ازفوت این مرد محترم شریف نهایت تاثر وبیازماندگانشان مخصوصا باقای میرمجید روئین تن صمیمانه تسلیت میگوئیم . » پس از فوت موسوی دیگر روزنامه طوس منتشر نشده است .

(۷۸۱) طوفان

روزنامه طوفان درطهران بصاحب امتیازی وموسسی (فرخی) و مدیر مسئو لی موسوی زاده تاسیس وشمارهٔ اول آن درتاریخ جمعه ۲ ذیحجه مطا بق با ۲ سنبله ۳۰۰ شمسی انتشار یافته است . روزنامه طوفان باکلیشه سرخ که حکایت از انقلابی بودن آن مینموده وبطرفداری ازتوده رنجبر ودهقان وهواداری کارگران منتشر میشده و

بهمین جهت بشرحیکه ذیلا خواهیم نوشت مدیر آن ، مرحوم فرخی ؛ در اغلب کابینها یا حبس و یا تبعید شده است • مع ذلك بعلت ثبات و پایداری در عقیده خود بمحضیکه از زندان نجات پیدا میکرد و یا از تبعید برمیگشت روزنامه راباهمان روش سابق منتشر میساخت و هر وقت روزنامه توقیف میشد ، با در دست داشتن امتیازات روزنامه‌های دیگر ، عقاید سیاسی و نظریات خودرا در آن روزنامه ها منعکس مینمود • چنانچه روزنامه پیکار ، قیام ، طلیعه آئینه افکار و ستاره شرق ، روزنامه هائی بودند که پس از توقیف طوفان هر نوبت منتشر گردیده اند • طوفان در طول مدت انتشار بیش از پانزده مرتبه توقیف گردیده و باز منتشر شده است تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۰۷ شمسی که فرخی بعنوان نمایندگی مجلس شورایملی ، در دوره هفتم تقنینیه ، از طرف مردم یزد انتخاب گردید و درمجلس جزو اقلیت بود . بناچار ایرلن را ترك و طوفان برای همیشه تعطیل شد •

طوفان عنوان یومیه داشته ودرسال اول هفته دو روز جمعه ودو شنبه و در سالهای‌بعد هفته سه نوبت روزهای دو شنبه و چهار شنبه وجمعه منتشر میشده است • محل اداره روزنامه : طهران • خیابان لاله زار • نمره تلفون ۲۹۰ آدرس تلگرافی (طوفان) قیمت اشتراك روزنامه : داخله ، سالیانه ۸۰ قران • شش ماهه ٤۰ قران در ولایات باضافه اجرت پست • خارجه سالیانه یکصد قران • شش ماهه ۵۰ قران • تکنمره ۸ شاهی ؛ قیمت اعلانات صفحه اول سطری ۳ قران • صفحه ۲ و ۳ سطری دو قران • صفحه چهار سطری یکقران • سرلوحه روزنامه در ابتدا دریای متلاطمی است که در وسط آن کشتی در حال غرق شدن است • این سرلوحه برنك قرمز میبا شده بعدا این سرلوحه برداشته شده و فقط کلمه طوفان برنك سرخ چاپ شده است

اولین مرتبه توقیف روزنامه طوفان شماره ۲۲ سال اول روزنامه بود • که بجای آنمرحوم فرخی روزنامه ستاره شرقرا منتشر ساخته است • آقای حسین مکی در مقدمه دیوان فرخی که بهمت ایشان چاپ شده در باره اولین توقیف طوفان اینطور می نویسد : « اولین مرتبه توقیف روزنامه طوفان در سال نخست شماره ۲۲ مورخ ۲۷ ربیع الاول میباشد که فرخی شماره معمول و آینده خودرا بنام روزنامه ستاره شرق (۱) و شماره ۲۲ طوفان و رباعی زیرکه در سرمقاله آن درج کرده بود منتشرساخت

شد خرمن ما دستخوش برق ببین طوفان بخلاف رسم شد غرق ببین
خواهی اگر آن‌نکات طوفانی را در آئینه از ستاره شرق ببین

و درصفحه سوم همین شماره روزنامه روی کلیشه طوفان رباعی ذیل را درج کرده بود

هرخامه نگفت ناکسان را توصیف هر نامه نکرد خائنان را تعریف
آن خامه ز پافشاری ظلم شکست آن نامه بدست ظالمین شد توقیف

و در صفحه آخر همین شماره غزلی‌درج کرده که بیتی ازآن این است :

«۱» شماره هائیکه تا سال سوم درموقع توقیف طوفان بعوض آن منتشر شده نایاب فقط مرتب آن ضمیمه سه سال طوفان در یك جلد میباشد که مرحوم فرخی برای خود مرتب و جلد کرده است و آنرا بآقای حائری‌زاده یزدی ریاست اداره‌سرپرستی بعنوان یاد بود سپرده است • ح • مکی

آزادی است ومجلس وهر روزنامه را + هر روز بی محاکمه توقیف میکنند.»
این بود آنچه آقای حسین مکی در باره توقیف طوفان در سال اول آن نوشته‌اند. اکنون بذکر بقیه توضیحات راجع بدوره روزنامه میپردازیم. مندرجات طوفان در سال اول عبارت از سرمقاله ومقالات مختلف واخبار مجلس وداخله و خارجه است. شماره ۱۲ سال اول در چهار صفحه بزرگ در تاریخ جمعه ۵ صفر ۱۳۴۰ مطابق ۱۴ میزان ۱۳۰۰ شمسی منتشر گردیده. یك قسمت از پاورقی روزنامه در سال اول عبارت از (پیشنهاد کمسیون مطالعات نظام انگلیسی و ایرانی) است که در چند شماره بترتیب چاپ شده است.

سال دوم روزنامه طوفان

شماره اول سال دوم طوفان بصاحب امتیازی ومدیری (فرخی) در چهار صفحه بقطع بزرگ با کلیشه سرخ؛ در مطبعه سربی (روشنائی) طبع ودر تاریخ چهار شنبه ۲۹ ذیحجة‌الحرام ۱۳۴۰ قمری مطابق ۳۱ اسد ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. این شماره پس از توقیف روزنامه و تحصن فرخی مدیران در سفارتخانه روس انتشار یافته و سر مقاله آن بعنوان (تجدید طوفان) نوشته شده است. ما بواسطه اهمیت این مقاله و اینکه از قرائت آن خوانندگان اطلاعات بیشتری راجع بروزنامه طوفان بدست می آورند عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم:

« تجدید طوفان ـ همانطور که بشر در زندگانی کوتاه خود بحوادث وموانع سخت وهولناك دوچار میشودهوسات انسانی‌ومخلوق فکر بشر نیز در حیات خودبلطمات وصدماتی تصادف مینمایند که اگر قدرت بنی آدم نبود زوال آنها در مقابل تند باد حادثات مسلم ومحقق بود. طوفان در ایام قلیل عمر خویش برای چهار مین دفعه محاق توقیف را جایگاه شش‌ماه خود ساخت (گناهش کدام و جرمش چه بود)

اگر قوانین مشروطیت که با پارلمان کنونی‌فاقد وجودخارجی است بقای‌حکومت نظامی‌را برای‌همیشه تصویب‌ویا تثبیت کرده بودطوفان هرگز اعتراض نکرده‌ومجنونانه هدف تیرهای جانسوز نمیگردید.

اگر ما میدانستیم که درمملکت ایران اصول پارلمانی جلوه مظالم استبدادی‌است قدم فداکاری وجانبازی در میدان مبارزه ارتجاع نمی‌نهادیم. آری ما تصدیق میکنیم‌در این محیط بخطا رفته وبا چنین پارلمانی که علنا از وظیفه حتمیه خود که طرفداری اجرای قانون اساسی است مضایقه مینماید بوالهوسانه طرفدار اجرای قوانین مشروطیت میباشیم؟!

زیرا ما ازهمت وکلای دوره چهارم تقنینیه کاملا آگاه بوده افکار کوچك و امیدهای دراز آنها را برای هوی وهوس شخصی دانسته وحتی امروز فاصله بین خوب وبد ایشان قائل نمیباشیم. در اینگروه متفرق که یکجا جمع‌شده ونام آنرا پارلمان نهاده‌اند گذشته از آن دسته وکلائی که بهیچ وجه صلاحیت اشغال کرسی مقدس‌پارلمان

را ندارند فرقه نیز یافت میشود که هرلحظه بادماگوژی وظاهری فریبنده تعرفه‌صلاحیت خویش را بملت ارائه میدهند • بعقیده‌ما ایندسته اخیر که میگویند مسئولیت‌نوع راعهده میباشیم بیشتر تقصیرکار بشمار میروند•••

بالاخره مظالم ارتجاع وخود سریهای حکومت وقت که مشیرالدوله وجیه الملة(!) در راس آن قرار گرفته بود ما را مجبور نمود برای حفظ جان وبنام مسئولیت وجدان‌و ومصونیت اصول آزادی بتحصن توسل جوئیم• این یك نبردومبارزه بود که آمال‌متحصن در قبال آن با موفقیت مستجات میگردید ولی نتیجه معلوم نبود زیرا در این محیط‌هیچ اقدامی را نمیتوان با شرط کامیابی وحصول مقصود تضمین کرد• در این کشمکش کار کنان طوفان تا آخرین درجه امکان ایستادگی واستقامت بخرج داده با هر گونه نیرنك وآنتریك جنك کرده سنگر خود را محافظت نمودند • شاید جمعی از ابتدا تحصن ما را مخالف اصول وطن پرستی میدانستند اما آنهائیکه‌با نظر نیك بینی و حسن ظن بما نگاه میکردند معترف بودند که اگرتحصن در مقابل فشار های استبدادی عناصر مرتجع موجود نمیگشت صدمات خشن و جان گداز تری بروح آزادی وارد می‌آمد • با اینهمه در نتیجه عدم‌مساعدت مبرزین قوم که مبادا این‌گوی افتخاررا طوفان برباید وخونسردی مرگبارا کثریت‌جامعه تحصن‌جزو مسائل عادی محسوب‌گشته وبی‌اهمیت‌گردیده•

این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که نماینده کنونی دولت روسیه درروزهای‌اخیر تحصن بنا بر مصلحتی که بر ما معلوم نیست برای پیشرفت مقاصد نوعی ما مطابق‌اطمینا ناتیکه رفیق وتشتین داده بود مساعی خود را مبذو ل نداشت زیرا که ما تصمیم گرفته بودیم یا برای ملت ایران آزادی گرفته یا در فضای سفا رت دولت حامی ملل مظلوم مرك را در آغوش گیریم• اما با حسن ظنی که ما نسبت بشارژ دافر مذ کور داشته و خدماتیرا که از ایشان در راه انقلاب سراغ داریم تصور کردیم شاید در این مسئله صلاح دو ملت هم جوار ایران وروس ملحوظ شده باشد بعلاوه چون ما در مبارزه با کاپیتیالیزم دنیا پناهگاهی برای ملل ضعیفه غیر از بین‌الملل سوم وحکومت کارگران ودهاقین سراغ نداریم عجالتا از این گونه گله گذاری‌ها صرف نظر میکنیم تا مبادا از این گله های دوستانه ما دیپلوماسی انگلیس موقع را غنیمت شمرده استفاده نماید•

با بیان این مقدمات البته تصدیق مینمائید که‌ادامه تحصن وپافشاری جزافسردگی روح وخفگی احساسات نتیجه نداشت • وچون پیوسته اقدامات ما مبنی بر عقیده مسلکی بوده ومیباشد ملاحظه کردیم با وضعیات‌اخیرتحصن روزنامه طوفان بهتر میتواندموقعیت از دست رفته ما را احراز نماید• اگر چه در این کشمکش‌حیاتی ما اقرار واعتراف بمغلوبیت خود نمودیم ولی بارها موقعیت بما اجازه داده وممکن بود مغلوبیت نوعی را تبدیل بفتح ونصرت شخصی کرده از تحصن خارج شویم چنانکه در تعقیب وعده‌های حضوری امیدوار کننده وزیر جنك اگر عمر تحصن تمام میشد علاوه بر آنکه مانند امروز بتامین منافع عمومی موفق‌نشده بودیم منافع شخصی‌مالااقل بهتر تضمین‌می‌شد

وشاید همین آزادیخواهان لفظی ما را بکوتاه کردن زندگانی تحصن سرزنش وملامت میکردند اما روح آزادیخواهی بما اجازه نمیداد که قبل از مسدود شدن طرق موفقیت با تامینات شخصی تسلیم کردیم تا بالاخره نیز مجبور شدیم که حیات معنوی طوفان را تامین نموده ومانند یکنفر نظامی بدون از دست دادن استحکامات عقیده یا تسلیم نمودن قوای فکری خود بدشمن با کمال متانت عقب نشسته خویشتن را برای حمله ثانوی حاضر نمائیم اینك با همان مرام و سیر تغییر ناپذیر خود برای نبرد باارتجاع مهیا وآماده میباشیم .

افکار ما همانست وبدبختیهای جامعه نیز متاسفانه تخفیف وتسکین نیافته است و وما سعی می کنیم که با تمام قوا بیرق آزادی را بدوش گرفته در میدان عمل بدویم شاید روزی این قافله گم گشته بحقوق خود پی برده شاهد اقبال ونیك بختی را درآغوش گیرند باز میرویم که یا مرك را با توقیف مکرر طوفان استقبال کرده یا نفحه آزادی وصور انقلاب در پیکر این گروه بی‌روح بدمیم.»

در همین شماره یك رباعی در صفحه اول و یك غزل در صفحه چهارم از مدیر روزنامه که وصف‌الحال خود را بیان نموده درج است . رباعی اینست:

روزی به‌نبردصف شکستن باید — بر خصم ره فرار بستن باید
روزدیگری بقصدیك حمله‌سخت — از موقع خود عقب نشستن باید

غزلیکه در صفحه چهارم تحت عنوان (قسمت ادبی) نوشته شده است:

گرچه ما از دست برد دشمنان افتاده‌ایم — باز بهر جنك از سرتا بپا آماده‌ایم
در طریق بندگی روزیکه بنهادیم پای — بر خلاف نوع‌خواهی یك قدم ننهاده ایم
افترائی گر بما بستند ارباب ریا — پیش وجدان راستی با جبهه بگشاده‌ایم
قلب‌ماتسخیرشد ازمهر جمعی‌خود پرست — آه‌از این بتها که‌مادرقلب‌خودجاداده‌ایم
پیشه ما راستی وبین تا درستان حسود — در پی تنقید ما کاندر سیاست ساده ایم
این اسیری‌تابکی ای ملت بی‌دست و پا — گر برای حفظ آزادی زمادرزاده‌ایم
فرخی چندیست ماهم در پی صید عوام — روز تا شب درخیال سبحه وسجاده‌ایم

فرخی مطابق مرام ومسلك بین‌المللی خود که طرفدار کار گر و رنجبر بوده و اصول بین‌المللی سوم را ترویج مینموده ومخالف سرمایه‌داری بوده است از همین شماره اول سال دوم (قانون اساسی جمهوری اجتماعی متحده شوروی روسیه) را شروع بدرج نموده وبتدریج در شماره‌های بعد بیشتر آنرا منتشر نموده است.

مندرجات روزنامه طوفان در سال دوم مانند سال اول پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار داخله مشتمل بر حوادث واوضاع پایتخت وشهرستانها واخبارخارجه که بیشتر آنها از پرسیم مسکو نقل شده است و نیز تلگرافات رویتر و مختصری ترجمه از مطبوعات خارجه نیز در صفحات دوم و سوم روزنامه درج است . در صفحه چهارم گاهی اعلانات مختلف نیز چاپ‌شده است.

در سال دوم دوره مبارزه شدید طوفان برعایه دولت وهیئت حاکمه ومجلس میباشد

اغلب شماره‌های سال دوم دارای سرمقاله‌های تند وشدید اللحن است و فرخی مانند یك سرباز فداکار خود را بمیدان مبارزه افکنده است. برای نمونه عنوان بعضی از سرمقاله های این سال را نقل مینمائیم :

(نهضت ملی لازم است)؛(مجازات بشر ناقص است) (مدفن سیروس میارزد) (صفوف متقابله) ، (تذکر بمجلس چهارم) ، (فجایع انگلیسها در بین النهرین)، (اولین محاکمه مهم) (۱) (باید تسلیم قانون شد) ، (وزراء در پیشگاه پارلمان)«متواضع بقانون محترم است» ؛ «در پارلمان» ، «قوانین آسمانی ومدنی ، تذکر بروحانیون محترم » ، «اسلام و آزادی»، «مترنیخ ایران»، «خانواده خیانت»

«در سال دوم پس از نشر شماره ٤ مورخ ۷ سنبله ۱۳۰۱ شمسی طوفان توقیف گردید. قبل از توقیف طوفان، جرایدحقیقت شفق سرخ ـ عصر انقلاب در طهران، وراه نجات در اصفهان، و خراسان در مشهد ، از طرف رئیس دولت توقیف گردیده ودر همین شماره طوفان بتوقیف آنها اعتراض کرده است.

توقیف طوفان خیلی طول نمیکشد وشماره ۵ آن در تاریخ ۲۲ سنبله منتشر میگردد وبهمین مناسبت این رباعی درصفحه اول شماره مذکور درج است:

طوفان که زتوقیف برزن می‌آید جان در تن ارباب جنون می‌آید
زین سرخ کلیشه کن حذر ایخدتن اینجاست که فاش بوی خون می‌آید

در صفحه چهار این شماره تحت عنوان (تبریکات رفقا) تلگرافات ونامه‌هائی که حکایت ازخوشوقتی از آزادی طوفان میکند ؛ چاپ شده،این نامه‌ها وتلگرافات تمام(بغیر از یك ستون) صفحه ٤ را فرا گرفته است.

بار دوم که در این سال طوفان توقیف گردیده پس از انتشار شماره ۳۱ سال دوم مورخ ۲۸ عقرب ۱۳۰۱ شمسی بوده وبجای آن مرحوم فرخی روزنامه پیکار که صاحب امتیاز آن موسوی‌زاده بوده منتشر ساخته است. از روزنامه پیکار بشرحیکه در جلد دوم کتاب، ذیل روزنامه پیکار بتفصیل یاد آور شده‌ایم بیش از یك شماره منتشر نگردیده است. علت توقیف شماره ۳۱ طوفان سرمقاله شدیداللحن آن تحت عنوان «خیر مقدم» بوده این سرمقاله بدینقسم شروع میگردد : « بالاخره پس از آنهمه انتظار وامید شب یکشنبه دکتر میلسپو بهمراهی شوق وشعف قلبی آرزومندان اصلاحات ...» قسمتهای دیگر این سرمقاله بدینقرار است . «بازهم توام السلطنه مانند جغد شومی در این ویرانه بتخت نشسته ومنتظر است که اضمحلال وانهدام ایران باستانی را باچشم حریص ومرك بار خود مشاهده نماید.» در پایان سر مقاله خطاب بدکتر میلسپو مینویسد : «و ما شمارا بحفظ این نکته وحقیقت مهم توصیه کرده وامیدواریم که

«۱»در این سرمقاله فرخی آمادگی خود را برای محاکمه باسردارسپه که تقاضای محاکمه او را از مجلس شورایملی نموده ، اعلام داشته واز فتح این باب اظهارخورسندی میکند. در پایان سرمقاله نوشته اینك ما ومجلس محاکمه.

پیوسته این دو اصل مسلم را فراموش نمائید • اول صحت عمل ـ دوم وظیفه شناسی»
بجای شماره ۳۲ سال دوم طوفان بیکار منتشر شده وآنهم توقیف گردیده است شماره ۳۳ سال دوم در تاریخ ۸ دلو ۱۳۰۱ انتشار یافته است• سر مقاله این شماره بعنوان (حقیقت فنا ناپذیر است) میباشد• در این شماره در ذیل عنوان (آئین طوفان) مینویسد : «ازاین پس چنانکه‌معلوم میشود سروکارطوفان بامستوفی‌الممالك‌خواهدبود••»
سر مقاله شماره ۳٤ بعنوان (وظیفه کابینه آینده) است وبدینقسم شروع میگردد «آخرالامر تمایلات عامه واکثریت پارلمان گو یا مقدرات پیچ در پیچ کشور ایران را یکمرتبه‌دیگر درآغوش مستوفی‌الممالك انداخت• اکنون اوضاع مملکت پریشان‌مشکلات از حد افزون ـ غارتگران و مفتخوران مسلط بسر خزانه ملت ـ سیاست داخلی و خارجی تاریك•••»

پس‌از سقوط کابینه قوام‌السلطنه ، فرخی بخیال آنکه طوفان از توقیف خارج شده‌روزنامه را چاپ و میخواهد منتشر کند که نظمیه از انتشار آن جلوگیری میکند و ازمطابع التزام عدم چاپ آنرا میگیرد • در شماره ۳۵ شرح این مبارزه‌را بعنوان « دفاع • در اطراف توقیف‌طوفان » اینطور نوشته‌است :
«واقعه غریبی است طوفان منتشر میشود و نظمیه از انتشار آن جلوگیری‌میکند• کابینه قوام‌السلطنه بدون مدرك قانونی و برخلاف مواد قانون اساسی و مطبوعات بصرف‌اراده شخصی طوفان‌را توقیف نمود • مسلم است‌که‌ما برای مدافعه از حقوق خود می‌خواستیم طوفان را منتشر نمائیم ولی چون قوه مجریه مملکت بدست کسی بود که آنرا سوء استعمال میکرد ما از انتشار طوفان معذور بودیم • پس از سقوط کابینه گذشته‌برای‌اینکه‌توقیف‌طوفان‌قانونی‌نبود یعنی ماتا موقعی احکام مجریان قانون را محترم میشماریم که با مواد قانون مطابقه کند و درغیر این مورد نقض آن حکم حقیقتا اجرای قانون محسوب میگردد سعی نمودیم که طوفان را منتشر کنیم •
ما بکمك رفقاباین مقصود موفق شدیم ولی نظمیه چه میگوید حکمیکه رئیس‌دولت گذشته نموده است ولو آنکه قانونی نباشد تا موقعیکه رئیس الوزراء فعلی نا سخ آنرا صادر ننموده مجری است • لهذا ما مراسله ذیل را بوزارت داخله نوشته و سواد آنرا نیز کپیه ریاست مجلس ارسال داشتیم • » در ذیل این شرح متن نامه را فرخی چاپ نموده و خلاصه آن اعتراض بعمل نظمیه است •
در شماره ۳٦ فرخی نامه هائی را که بعنوان شکایت بهیئت دولت . مجلس ، ریاست مجلس : وزارت پست و تلگراف و بعضی از نمایندگان نوشته چاپ کرده است من جمله نامه ای مورخ ۱ برج قوس توسط حائری زاده ، نماینده مجلس ؛ بریاست مجلس ؛ نوشته که چنین است .
« دیر گاهی است که مبارزه و کشمکش بین قوام‌السلطنه و کارکنان‌طوفان صورت جدی بخود گرفته اولی در پایمال کردن قانون و اجرای اوامر استبداد خویش

لجوج ودسته اخیر برای دفاع از حقوق حقه خود مصرو جسور میباشند • برطبق تصمیم طوفان در تعقیب مراسله نمره ۳۱۱ که برای حفظ حقوق خوداز هیچگونه تشبث مشروعی خود داری نخواهند کرد دیروز عبارت ذیل بر پارچه نگاشته شده و در عمارت طوفان نصب گردید (دست خون آلود خیانت کار قوام السلطنه آزادی کش بدون مجوز قانونی طوفان پیکار را توقیف نمود) پس از ساعتی ناگهان بامر قوام السلطنه گروهی پلیس سواره وپیاده اداره طوفان را محاصره کرده وبعقب آن جلوه حقایق را ربودند• برای استحضار خاطر شریف و آگاهی آنهائی که میخواهند بنمایندگی ملت معرفی شوند باز تذکر میدهیم که توسل وتشبث بهر اقدام مشروعی تا توقیف طوفان فرض وجدانی ما محسوب شده وتا وقتی که قوام السلطنه پس از آنهمه اختلاس در برج خود سری متهاجم وجسور است وطوفان در غرفه کوچك خود اجبارا آزادی را ترك گفته و بحفظ خویش نیز ایمن نمیباشد و ظیفه خود را ناچار با تشبث بهر اقدام تدافعی عملا اجرا خواهدنمود» شماره ۵۹ سال دوم در تاریخ ۲۳ حمل ۱۳۰۲ منتشر شده است محاکمه موسوی زاده و شاه ایران وهمچنین تبعید ضیاء الواعظین وموسوی زاده ، همکار ان فرخی مصادف باسال دوم انتشار روزنامه طوفان بوده است•

شماره ۳۳ سال سوم طوفان در چهار صفحه بقطع بزرك بهمان سبك سابق ، در تاریخ پنجشنبه ٦ ربیع الثانی مطابق ۲۳ برج عقرب ۱۳۰۲ شمسی منتشر گردیده است• در این سال یك قسمت از ترجمه کتاب «بسوی اصفهان» تالیف «پیرلوتی» که آنرا «فتح الله تقفی» ترجمه نموده، چاپ شده ونیز بعنوان پاورقی درصفحات دوم وسوم روزنامه «انقلاب کبیر روسیه» طبع گردیده است•

گرفتاریها وکشمکشها وتبعیدهای متوالی دیگر بفرخی مجال نشر روزنامه رانداد تا سال ۱۳۰۷ شمسی که از طرف اهالی یزد برای نمایندگی دوره هفتم مجلس انتخاب گردید وپس از تصویب اعتبارنامه او در صدد برآمد که طوفان را منتشر سازد طوفان برای مدت کمی منتشرشد ودر همین ایام یعنی در شب ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۷ بمناسبت الغاء کاپیتولاسیون مجلس جشنی در اداره جریده طوفان منعقد نمود ودر این جشن عده از مدیران جراید طهران شرکت نمودند• ولی اتفاق کتك خوردن فرخی در مجلس شورای ملی وتحصن او در مجلس ونداشتن آزادی برای خروج از مجلس اوراوادار بفرار مخفیانه از تهران نمود • پس از چندی ناگهان از مسکو سر بدرآورده وبهمین جاانتشارروزنامه طوفان خاتمه پیدا کرده

شرح احوال فرخی

میرزا محمد متخلص بفرخی فرزند محمد ابراهیم یزدی در سال ۱۳۰٦ قمری در شهر یزد بدنیا آمده وزبان فارسی ومقدمات عربی را در آنشهر فرا گرفته است• فرخی از همان اوان جوانی دارای ذوقی سرشار و طبعی بلند بوده وذهن وقار اوسبب گردیده که از ابتدا آنچه را برخلاف میلش یافته بزبان شعر خرده گیرد واز این جهت در سن ۱۵ سالگی اولیای مدرسه مرسلین انگلیسها را هجو کرده است• فرخی پس از آنکه

مدتی در یزد زندانی بود در اواخر سال ۱۳۲۸ قمری بطهران آمد ودر این شهر شروع بسرودن اشعاری راجع بآزادی نمود واز آنجا شهرت او آغاز گردید • یکمرتبه در طهران مورد حمله ترور قفقازیها گشت ولی تیر باو اصابت نکرده در اوایل کود تا هم مدت کمی در باغ سردار همایون زندانی شد و بعد رها گردیده از آن پس حیات فرخی بستگی بروزنامه طوفان پیدا کرد و اغلب گرفتاریهای او با سرنوشت طوفان پیوستگی دارد پس از آنکه چند سال در زندان قصر بسر میبرد بالاخره در خرداد ۱۳۱۸ ویادر تاریخ ۲۵ مهر ماه سال مذکور شربت شهادت نوشید ورخت از این جهان بربست• زندگانی فرخی در ماههای آخری که در زندان بسر میبرده خیلی رقت‌انگیز است ودرباره قتل او روایات مختلف گفته شده • فصل زندانی شدن او در جرایدیکه پس ازشهریور ۱۳۲۰ منتشر گردیده وتفصیل محاکمه قاتلین فرخی وسایرزندانیان دوره دیکتاتوری درآنهادرج گردیده ، نوشته شده است وما خلاصه از آنچه یکی از این روزنامه‌ها تحت عنوان (چه قسم فرخی‌را کشتند)نوشته ، نقل مینمائیم• این خلاصه از شماره ۱۱۹۲ سال پنجم‌روزنامه ستاره چاپ طهران مورخ چهار شنبه ۱٤ آبان ۱۳۲۰ شمسی انتباس‌شده است: « چه قسم فرخی را کشتند؟»

روزی فرخی‌در محبس پشت پنجره که بحیاط نگاه میکرد آمد وباصدای‌بلند گفت: ای محبوسین محترم من فرخی یزدی لب دوخته‌ام مدیر سابق روزنامه یومیه طوفان که بجرم حقگوئی وحق نویسی ظالمانه توقیف شده نماینده دارالشورای ملی هستم • بگناه اعتراض وتکلم بر علیه یك قانون جابرانه‌وزیان‌بخش مغضوب ومتعاقب شدم• چند سال‌از کشور خود متواری بودم بمن امان دادند که اگر برگردی ••••

در این اثنا کسی باصدای خشنی گفت فرخی از پشت پنجره بیاپائین واگر نیائی بجبرتوراپائین‌خواهم آورد • فرخی جواب داد هرکار میخواهید بکنید• پس از چندثانیه صدای فرخی خاموش شد ودیگر کسی از فرخی اطلاع نداشت تا اینکه از این محبس بمحبس قصر افتادیم • در محبس قصر در اطاقهای کوچکی که گنجایش یك نفر رادارد ولی محل زندگی ده ساله ویا ابدی پنج یا شش نفر است منزل کردیم• توی یکی‌ازاطاق های این محبس که من درآنجامنزل داشتم فرخی‌هم منزل داشت•

فرخی را همان روزیکه آن حرفها را زده بود بقول خودش از زندان شهر بقصر قاجار منتقل کرده بودندوچون کسی رانداشت که برای اوچیزی بیاورد ووسائل‌زندگیش آرا فراهم نماید وضع بدی دوچار شده بود ولباسهای روی خود را فروخته بود • پیراهن وزیر شلوارش پاره وصله دار وسیمایش مکدر وحزن انگیز بود • فرخی آنجا برای ما نقل کرد که چطور گرفتار شده است که چطور یکنفر از طلبکارانش راتحریك کردند که برای پنجاه تومان از او شکایت کند • آنوقت توقیفش کردند• در زندان ثبت‌اسناد بلاتکلیف نگاهش داشتند• او عصبانی شده سپس بقصد خودکشی سم خورده وپیش از اینکار دو بیت ذیل را سرود ونزد اولیاء زندان فرستاد • زین محبس تنك‌درگشودم‌رفتم زنجیر ستم پاره نمودم رفتم• بی‌چیزو گرسنه و تهی دست وفقیر • زانسان که نخست مده بودم رفتم • ولی آنموقع او را از مرك نجات دادند ولی دوسیه اسائه ادب‌برایش

درست کرده وبمحکمه‌اش بردند وبه (۲۷) ماه حبس محکو مش ساختند • پس از این واقعه به باز داشتگاه تهران منتقل شد وآنجا پس از آن نطق ناقص بقصرش آوردند• در قصر فرخی آرام وآسوده نمی‌نشست طبعش که آزاد وخودسر وخشمگین بود هرآن در اشعاری آبدار و پرشور بنحوی دلپذیر خود نمائی میکرده هر وقت شعری میساخت برای ما سوختگان میخواند وجاسوسهای پست فطرت که از جرکه خود محبوسین بودند مخفیانه گوش داده ویادداشت میکردند • فرخی پشت رختخواب خودش توی اطاق مخفی میشد وشعر میگفت ویادداشت میکرد (شعر ومطالعه وچیز نوشتن کاملا در محبس ممنوع بوده است•) وآنها را برای محبوسین سیاسی میخواند• مثلا در ورود خود بزندان سروده است: بایداین دور اگرعالی وگردون باشد گنك وکور وکروسرگشته چوگردون باشد در محیطی که پسند همه دیوانه گری است لایق ••• بود قصر نه هر زندانی •

بالا خره فرخی در سال ۱۳۱۹ شمسی (گویا) بوسیله انژکیسون خالی درمریض خانه بقتل رسیده است •

جامع‌ترین شرح احوالی که تا کنون راجع بفرخی نوشته شده شرحی است که آقای حسین مکی در مقدمه دیوان آنمرحوم که بهمت ایشان جمع شده وانتشار یافته، نوشته‌اند• وچون دیوان مذکور در دسترس همه میباشد لذا خوانندگان را برای اطلاع ازجزئیات زندگانی این شعر بمقدمه دیوان احاله مینمائیم• آنچه لازم است در اینجا یادآور شویم اشتباهات وغفلتهائی است که آقای مکی در تدوین این شرح حال مرتکب شده ومادر ضمن مطالعه دوره‌های مختلف روزنامه طوفان وطوفان هفتگی بدانها واقف گردیده وبرای رفع اشتباه از خوانندگان آنشرح ناچار بتذکار این اشتباهات میباشیم• لازم بیادآوریست که پس ازنشر دیوان فرخی انتقادات خود را درضمن چند صفحه برای انتشار باداره اطلاعات هفتگی ارسال داشتیم• متاسفانه اداره مجله از چاپ آن خودداری کرد فعلا بطور اجمال بذکر اشتباهات عمده آقای حسین مکی میپردازیم•

انتقاد بر مقدمه دیوان فرخی بقلم حسین مکی

آقای حسین مکی در مقدمه دیوان مینویسد: «خلاصه نامه طوفان تا سال هفتم خود بیش ازپانزده مرتبه توقیف میشود• در سال هشتم مجله هفتگی طوفان را بعوض روزنامه اش منتشر ساخت که آنهم بدبختانه بیش از یکسال دوام نکرد•»

آقای حسین مکی در این دو سطر دوچار چند اشتباه شده اند یکی آنکه انتشار مجله هفتگی طوفان را بعوض روزنامه طوفان دانسته‌اند در صورتیکه این مطلب اشتباه محض است و طوفان هفتگی در هنگامیکه روز نامه طوفان منتشر میشده آنهم منتشر میشده است• بچند دلیل: ۱ــ در صفحه دوم شماره ٤ طوفان هفتگی تحت عنوان (اخطار اداری) این آگهی درج شده است: (اخطار اداری بمشترکین محترم طوفان روزانه• برای طوفان هفتگی آبونمان علیحده تعلق نمیگیرد • فقط اشخاصی که میخواهند طوفان هفتگی را تنها داشته باشند میتوانند با سه تومان اسامی خود را در دفتر مشترکین ثبت نمایند • بمعلمین ومحصلین یك تومان تخفیف داده میشود• دفتر طوفان) ونیز این اعلان

درصفحه ۸ همین شماره چاپ شده است : « بعموم مشترکین محترم • آقایانیکه وجه آبونمان خودرا در طهران مدت یکهفته ، ولایات و ایالات در ظرف سه هفته نرسانند اداره ازفرستادن روزنامه برای آنها خودداری خواهد کرد • طوفان هفتگی هم آبونمانش جزء طوفان روزانه ووجه علیحده برای قیمت آن ازمشترکین محترم مطالبه نخواهد شد • » ونیز درصفحه هشتم شماره هشتم طوفان هفتگی اخطاری درج شده که خلاصه آن اینست : « چون اخیرا مراسلات زیادی برای اشتراك روزنامه و مخصوصا طوفان هفتگی باین اداره رسیده که بواسطه عدم ارسال وجه ترتیب اثر داده نشده اطلاعا به کسانیکه مایل باشتراك طوفان یومیه یا هفتگی میباشند تذکر داده میشود که تقاضای بدون ارسال وجه پذیرفته نمیشود • »

دواعلان واخطار مذکور بخوبی واضح میسازد که انتشار طوفان هفتگی مربوط بطوفان روزانه نبوده و هرکدام جداگانه مشترکین ووجه اشتراك مخصوصی داشته اند •

۲ ـ دلیل دوم که طوفان هفتگی بعوض طوفان یومیه نبوده مقاله ایست که در شماره سوم طوفان هفتگی مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۰۷ شمسی تحت عنوان (انتقاد بجا) از اصفهان ، بامضای (گمنام) درج شده و خلاصه این مقاله انتقادی از اینقرار است که در این اواخر طوفان یومیه محسنات مخصوص بخودش را از قبیل سرمقاله های عالی و پاورقیهای مفید و رباعیات و غزلیات مخصوص بخودرا از دست داده است • عین عبارت قسمتی از مقاله این است : « تااین ایام که بکلی علاوه بر نداشتن هیچ گونه قسمتهای فوق الذکر باندازه غلط و ناصحیح بطبع میرسید که بنده باهمه دلدادگی مجبور شدم باکمال تاسف ازاین نایه ممتاز صرف نظر نمایم • شاید صدق عرایضم به نمرات اخیر مخصوصا قسمتهای مختاری شخصا مراجعه فرمائید مطلب کاملا بر حضرتعالی مکشوف خواهد شد گویا مصحح این روزنامه مهم لازم دانسته اند بالمره بوظیفه خودشان عمل نفرمایند و الا چگونه در دو سه ستون مطلب اینهه غلط و افتاده و جملات غیرمرتب داشته باشد تنها دلخوشی که میتوانست باهمه این مطالب بنده وامثالهم را بطوفان دلخوش داشته و نگذارد بالمره قطع علاقه نمائیم طوفان هفتگی بوده که نمیدانم چه شده آنهم چند هفته است تعطیل گردیده •» فرخی پاسخ این انتقادرا با این بیت شعر عرفی داده است :

چون زخم تازه دوخته ازخون لبالبم ایوای اگر بشکوه شود آشنا لبم •

انتقاد مذکور بخوبی واضح میسازد که طوفان هفتگی بعوض طوفان یومیه نبوده است

آقای حسین مکی مینویسند : « درسال هشتم مجله هفتگی طوفان بعوض روزنامه منتشر شد •» اگر آقای حسین مکی آغاز سال تاسیس طوفان یومیه را باطوفان هفتگی مقایسه میکردند برایشان واضح میشد که انتشار طوفان هفتگی در سال هشتم نبوده و بلکه در سال هفتم بوده است » توضیح مطلب آنکه شماره اول طوفان یومیه در تاریخ جمعه ۲ سنبله ۱۳۰۰ انتشار یافته و بنا بر این تا سنبله ۱۳۰۶ شمسی شش سال تمام از انتشار طوفان گذشته ؛ ازطرفی شماره اول طوفان هفتگی دربهمن ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده وازاینرو آغاز انتشار طوفان هفتگی مصادف با سال هفتم طوفان بوده نه

سال هشتم چنانچه آقای مکی نوشته اند .

آقای مکی راجع بطوفان هفتگی اظهار تاسف نموده مینویسند : « بدبختانه طوفان هفتگی بیش از یکسال دوام نکرد .» برای کسیکه شماره های مرتب طوفان هفتگی را در دست داشته باشد این اظهار آقای مکی خیلی مایه تعجب است زیرا که طوفان هفتگی ، بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت ، با بهترین مطالب و با طبع و کاغذی خوب ، مدت دوسال منتشر شده است .

موضوع تبعید فرخی بکرمان و آقای موسوی زاده بیزد که آقای حسین مکی در مقدمه دیوان با آب و تاب تمام آنرا نقل میکند باز از اشتباهات ایشانست . آقای مکی مینویسند : « مقاله شدیداللحن (حکومت فشار) برعلیه دولت وقت (کابینه سردار سپه) در روزنامه طلیعه افکار موجبات تبعید و حبس فرخی را بکرمان وآقای موسوی زاده مدیر روزنامه قیام را بیزد فراهم ساخت .» درقسمت تبعید موسوی زاده بیزد حق بجانب آقای مکی است ولی اشتباه ایشان درهمسفر موسوی زاده میباشد که مرحوم ضیاءالواعظین مدیر روزنامه ایران آزاد بوده نه فرخی مدیر طوفان و تعجب است که تفصیل تبعیداین دو نفر مدیر روزنامه را از آغاز تا انتهی فرخی درصفحات روزنامه طوفان نوشته و جزئیات آنرا درج کرده و باز آقای مکی اشتباه نموده اند . تبعید ضیاء الواعظین و موسوی زاده پس از یك محاکمه طولانی انجام گرفته که شرح آنرا فرخی در شماره ۳۶ سال دوم طوفان مورخ ۱۵ دلو ۱۳۰۱ تحت عنوان (پادشاه و موسوی زاده) درج نموده و ایندو از قم و اصفهان و یزد ورود خودرا بفرخی اطلاع داده و فرخی متن تلگرافات آندو را در روزنامه چاپ کرده است و ما برای اینکه دراین قسمت تردیدی برای خوانندگان باقی نماند آنچه مربوط بمحاکمه و تبعید موسوی زاده وضیاءالواعظین است ازشماره های طوفان نقل مینمائیم . من جمله در شماره ۳۸ سال دوم طوفان تحت عنوان « در راه آزادی » مینویسد : « دیروز سه بعداز ظهر رفقای محترم ما ضیاء الواعظین مدیر جریده شریفه ایران آزاد وموسوی زاده مدیر سابق طوفان صاحب امتیاز پیکار ، مدیر مسئول قیام بسمت اصفهان و یزد حرکت نمودند . بما میگویند مصالح مملکت و مقتضیات کنونی حرکت آنها را ایجاب نموده است برای ملت ایران که جوان های نیرومندی در راه مصالح مملکت شهید دیده است وبرای ما که آماده شده ایم خود و هزاران نفر امثال ضیاءالواعظین و موسوی زاده را بقربانگاه آزادی تقدیم نمائیم این هدایا و تحف باستان حریت قیمتی ندارد ولی آیا این قربانیها برای مصالح مملکت میباشد یا نه برما پوشیده است .»

فرخی در همین شماره طوفان رباعی زیر را بمناسبت تسلیم نشدن رفقایش در محکمه درج نموده است :

هر کز دل ما ز خصم در بیم نشد افسرده ز صاحبان دیهیم نشد
جانم بفدای آنکه در پیش عدو تسلیم نمود جان وتسلیم نشد

درشماره ۳۹ سال دوم طوفان فرخی متن تلفونیکه ضیاءالواعظین و موسوی زاده

باو نموده‌اند چاپ کرده است ونیز در شماره ۴۰ سال دوم طوفان مینویسد از قم اطلاع میرسد که آقای موسوی زاده و آقای ضیاءالواعظین دو روز قبل با دستگاه پست وارد و از قرار مذکور بطرف کاشان یا اصفهان عزیمت نموده‌اند. در شماره ۴۳ تلگرا ف آندو را از اصفهان بدینقسم درج نموده: «اصفهان ۲ حوت . طوفان ـ حضرت آقا ی فرخی سلامت وارده موسوی زاده . ضیاءالواعظین.»

خیلی باعث تعجب است که آقا ی مکی تبعید ضیاء الواعظین را با فرخی اشتباه کرده‌اند . اصولا باید در نظر داشت که تبعید موسوی زاده وضیاء الواعظین هیچگونه ارتباطی بافرخی نداشته وتبعید این دو نفربصورت ظاهر پس از محاکمه بوده که تفصیل آنرا فرخی در شماره‌های طوفان نوشته است. من جمله در مقاله تحت عنوان (پادشاه و موسوی‌زاده) مینویسد: «امروز اولین روزیست که پس از هفده سال مشرو طیت بسمت تساوی حقوق افراد پیش میرویم آغاز سعادت خوشبختی ایران امروز است زیرا اصل‌هشتم قانون اساسی در محکمه قضاوت عملی میگردد.... امروز دو ساعت ونیم قبل از ظهر در یکی از محاکم استیناف پادشاه ایران وموسوی‌زاده مدیر قیام محاکمه خوا هند شد. اگر شماره سوم قیام وسطوری که در صفحه دوم آنروز نامه در ذیل کلیشه ایران آزاد پادشاه ایران بدبختی‌های ملت را تذکر داده بود از نظرها گذشته باشد خواهیددانست که محاکمه برای چیست ؟.... ما رفقای آزادیخواه خود ضیاء الواعظین وموسوی‌زاده را باین محاکمه روانه وافتخار عدالت را بدرقه راه ایشان مینمائیم. اگر این محا کمه بضرر ماهم تمام شده ورفقای ما محکوم شوند باز ما خرسندیم که راه قضاوت ورسیدگی بهمت آزادی مفتوح میگردد . ما نمیدانیم رفقای ما کدامیك مسئولیت محاکمه را قبول نموده واقبال خواب‌آلود عدل ونصفت را بیدار خواهند نمود بدیهی است در این محاکمه که قانون علنی بودن‌آنرا ایجاب مینماید وجوه آزادیخواهان‌حضور داشته وهیئت منصفین وحاکمه نیز بنام خداوند وانتقام سهمگین ملت بمسئولیت وجدانی وقضاوت عادلانه متوجه شده رای‌محکمه را بر پایه بیطرفی‌وعزت نفس خواهند نهاد.» بادقت در مطالب مذکور بخوبی واضح میگردد که در این محاکمه نامی از فرخی بمیان نیست تا اینکه بتوان ادعا نمود که‌بجا موسوی زده بکرمان تبعید شده باشند. چنانکه بیشتر خطای آقای مکی را واضح میسازد این است که‌نامبرده‌مینویسد: «تاآنکه‌والی کرمان که‌دراین‌موقع سردارمعظم خراسانی (تیمور تاش)بود بتهران احضار میشود . وی نیز در موقع حرکت تلگرافا از مرکز تقاضای عفو واستخلاص فرخی را خواستار میشود . این درخواست مورد قبول‌واقع گردید وفرخی باتفاق تیمورتاش تقریبا پس از سه ماه‌وکسری بتهران ورود مینماید.»

با توجه باینکه ضیاء الواعظین وموسوی‌زاده در سال ۱۳۰۱ شمسی از طهران‌تبعید شده ودر این هنگام اسمی از تبعید فرخی در بین نیست ونامبرده در این تاریخ درطهران بانتشارسال دوم روزنامه طوفان مشغول بوده واخبار تبعید رفقای خود را مرتبادرروزنامه درج نموده، از طرفی درسال ۱۳۰۱ شمسی واوائل سال ۱۳۰۲ والی ایالت کرمان‌سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) بوده اشتباه آقای حسین مکی در باره وساطت تیمور تاش واضح میگردد. موید این گفتار آنکه فرخی در شماره ۴۷ سال دوم طوفان مورخ ۱۸

حمل ۱۳۰۲ شمسی یعنی درست همان موقعیکه ضیاء الواعظین وموسوی زاده در تبعید بسر میبرده درضمن اخبار داخله راجع بوالی کرمان مینویسد: از قرار یکه اطلاع حاصل گردیده دولت تصمیم در تغییر سردار معظم والی کرمان کرده‌اندومحتمل است نیرالملك بآن سمت تعیین شوند» از شرح مذکور معلوم میگردد که فرخی وتیمور تاش هیچگاه یکدیگر را در کرمان ملاقات نموده تا چه رسد باینکه تلگرافا درخواست عفو او را کرده باشد. اگر موضوع در خواست استخلاص صحیح باشد چنانکه آقای حسین مکی نوشته‌اند باید مربوط بضیاء الواعظین باشد نه فرخی و بنابراین یادآوری آن در شرح احوال فرخی اشتباه‌محض است.

ممکن است تیمور تاش نزد اولیای امور راجع بفرخی درخواست عفو کرده باشد ولی این امر در کرمان اتفاق نیفتاده و بلکه احتمال‌میرود درگیلان رخ‌داده باشد. توضیح آنکه تیمور تاش‌پس از احضار از کرمان وورود بپایتخت بحکومت‌گیلان منصوب‌میشود ومدتی حکمران گیلان بوده است. فجایع دوران حکومت او در گیلان در روزنامه‌های آن ایام بخصوص روزنامه محلی طلوع درج است. وچون موقعیکه فرخی بارو پا تبعید میشود از راه گیلان وبندر انزلی قصد مسافرت داشته وپس از رسیدن بانزلی ازحرکتش ممانعت بعمل می‌آید ممکن است ورود او بگیلان با بودن تیمورتاش مصادف شده باشد وتیمورتاش درخواست لغو حکم تبعید فرخی را نزد اولیای امور نموده باشد وبدین‌نحو توجیهی در باره استخلاص فرخی بدست تیمور تاش بعمل آمده است

این توجیه وقتی درست در می‌آید که تیمور تاش تاجدی ۱۳۰۳ شمسی درگیلان بسر برده باشد، چه توقف فرخی درگیلان درتاریخ مذکور بوده است.

واما موضوع عزیمت فرخی باروپا ازاینقرار بوده که نامبرده درجدی سال۱۳۰۳ شمسی باجبار در صدد مهاجرت باروپا برمی‌آید ولی وقتی بانزلی (بندر پهلوی)میرسداز حرکت او جلوگیری میشود ومجددا بطهران عودت مینماید. هنگام ورود برشت، فرخی اعلان زیر را در شماره ٦١ سال دوم روزنامه طلوع چاپ رشت مورخ ۲۱ جدی ۱۳۰۳ چاپ ومنتشر نموده است: «تودیع بعموم رفقاوعلاقه‌مندان بانتشار طوفان ـ با اینکه‌همیشه ساعی بودم که بوسیله انتشار طوفان خدمات ملی خود را ادامه دهم متاسفانه موانعی که اظهار آنرا لازم نمیدانم سد راه امیدوار زو گردیده. اینك بایك عالم تحسر ویك دنیا تاثر بطرف اروپا رهسپار وامیدوارم در یك فضای آزادی بخدمات ملی خود موفقیت حاصل نمایم و نیز از اینکه بواسطه کمی وقت از زیارت رفقاء محترم محروم ماندم متاسف وپوزش میطلبم فرخی.» در زیر تودیع مذکور، مدیر روزنامه طلوع شرحی نوشته که خلاصه‌آن این است: «ماخیلی تاسف داریم که اشخاص بااراده مانند آقای فرخی‌ترك این دیار گفته ودرصدد مهاجرت برمی‌آیند ولی نظر باینکه در انزلی ازحرکتشان ممانعت بعمل آمده‌ومجددا بطهران‌مراجعت کردند امیدواریم نگرانی‌ایشان مرتفع شود ومجددا روزنامه طوفان منتشر گردد.»

زندگی فرخی‌درسنوات اخیر وپایان عمر او ـ برای‌شرح این قسمت‌اززندگی فرخی بهتر بنظرآن‌رسید که‌عین‌شرحی‌راکه آقای حسین‌مکی درمقدمه‌دیوان آنمرحوم

نوشته نقل نمائیم و بگفتار راجع بروزنامه طوفان وفرخی را خاتمه بدهیم :

« دراین گیرودار تیمور تاش باروپا رفت • (منظور گرفتاری فرخی ومحاکمه او است در برلن) و در برلن با فرخی ملاقات کرد • و بوی ازطرف شاه سابق اطمینان اکید داد که بایران بازگشته و بدون دغدغه بسر برد • بیچاره شاعر فریب خورد و از طرفی هم بعلت تهی دستی نتوانست درخارجه بسر برد • ازطریق ترکیه وبغداد بایران بازگشت و با پای خود بسیاه چال رفت ، وهم چو تصوری را میکرد که شیری را که در طفلی از پستان مادر نوشیده باناخن از پنجه اش بیرون خواهند کشید • فرخی تقریبا بسال ۱۳۱۱ و یا ۱۳۱۲ خورشیدی بتهران ورود کرد ؛ و بمنزل یکی از دوستان صمیمی خود (آقای توکلی) وارد شد ، وچندی درآنجا بسر برد تا آنکه در عمارت فوقانی یکی از گاراژها واقعه در سه راه امین حضور برای خود منزل شخصی انتخاب کرد و از همان تاریخ برحسب دستور تحت نظر مامورین محرمانه شعبه اطلاعات شهربانی قرار گرفت • پایان عمر و سر انجام زندگی شاعر •

با وضعیت فوق فرخی بیش از یکسال در تهران بسر نبرد ؛ که بعمارت معروف کلاه فرنگی واقع در دربند شمیران نقل مکان کرد آنجا نیز وضعیتش دشوار تر شد و حبس نظر قرار گرفت و غزلی در آنجا بسرود که چند بیتش بدین مضمون است :

ایکه پرسی تا بکی در بند در بند یم ما ☆ تا که آزادی بود در بند در بند یم ما
خوار وروزار وبیکس وبیخانمان ودربدر ☆ با وجود این همه غم شاد و خرسندیم ما

پس ازمدتی باتهام آنکه ۳۰۰۰ ریال آقا رضای کاغذ فروش مدیون است رعلیه وی اجرائیه صادر شد(۱) فرخی چون اندوخته نداشت برایش اجرائیه صادر کردند • دراین موقع چند ازدوستانش خواستند قرض اورا بدهند قبول نکرد ومدتها در زندان ثبت اسناد بسر برد •

سخنانی بدون پروا ودرشت بزبان میراند که در حقیقت همین امر وعلل دیگری موجبات زندانی ابدی ویرا بزندان شهربانی تهران وقصر فراهم ساخت •

---

(۱) درحقیقت اصل قضیه بدین شرح بوده است که فرخی مراسله ای بطرز بخشنامه به تمام دوستان صمیمی خود مینگارد که چون فعلا بیکار وتهی دست میباشم هر یك در حدود استطاعت مبلغی بعنوان قرض بمن وام دهید تا دراین موقع مقتضی بپردازم • این موضوع طرف توجه رئیس شهربانی وقت (سرلشکر آیرم) واقع شد وفرخی را شخصا ملاقات کرده بوی چنین گفت که از دوستان وام گرفتن صورت خوشی ندارد من شخصا ماهیانه از دارائی خود مبلغ ۵۰۰ ریال بتو کمك خواهم کرد ولی فرخی بکلی زیر بار نرفت سپس بوی پیشنهاد شد که در تشکیلات شهربانی شغلی بپذیرد این مرد بزرك برای شغل هم حاضر نشد تاآنجا که اطرافیان پست نظریات فرخی را درمقابل شاه سابق مملل بغرض وانمود کردند وموجبات زندان وبدبختی ومرك وی را فراهم ساختند ناگفته نماند که درهمین موقع فرخی بوسیله نامه ازنخست وزیر وقت درخواست کرد که یکی از دهات خالصه را بوی اجازه بدهند تادرگوشه بفراغت بال زراعت کند مغرضین موضوع را گوشزد شاه سابق نکردند •

تا اینکه یکروز بزندان بان خود میگوید که (من درفروردین ۱۳۱۶ خواهم رفت) زندانیان بتصور اینکه فرخی خیال فرار دارد دراطراف وی مراقبت را شدید مینماید تا بالنتیجه در شب ۱۴ فروردین ۱۳۱۶ بقصد انتحارمقداری تریاك میخوردوقصیده بدیوار بخط خود مینویسد : میروم درمجلس روحانیون آخرت ☆ وندر آنجا بی کتك طرح قوانین میکنم .

پاسی از شب گذشته زندانیان از وضع تنفس فرخی آگهی پیدا نموده که تریاك خورده است وچیزی نگذشته است که پزشك قانونی ودادستان ویکنفر دیگر ببالین وی حاضر میشوند و بهرنحوی بود ویرا ازخطر مرك نجات دادند رخی درزندان شهربانی .

در این موقع پرونده ای سیاسی بنام اساسه ادب بمقام سلطنت برایش تهیه کردند واورا بزندان شهربانی (توقیفگاه متوقف کریدور شماره یك اطاق شماره یك و بعد ا باطاق شماره ۲۸ میبرند) درمحاکمه بدوا به ۲۷ ماه و بعد بسی ماه حبس محکوم میکنند . فرخی درتمام محاکمات سکوت اختیار میکرد ودرآخر هرجلسه محاکمه فقط این جمله را میگفت : قضاوت نهائی با ملت است وحکم محکمه را رویت وامضانکرد فرخی مدتی درزندان شهربانی تهران بسربرد تااینکه یکروز دراطاق خود بصدای بلند بطوریکه زندانیان اورا نمی دیدند ولی صدای اورا بخوبی تشخیص میدادند شروع به معرفی خود وصحبت کرد . دراین اثنا عده‌ای بسر او ریخته وباکتك ولگد کشان کشان اورا بزندان قصر بردند و درکریدور شماره ٤ باطاق مرطوب ۲۳ زندانی نمودند . زندگانی فرخی درزندان قصر فوق‌العاده مرموز وجان خراش است بعد اززندان قصر بزندان موقت تهران انتقالش دادند و درمحبس انفرادی جایش میدهند ولباس و حمام و سلمانی و خوراك صحیح و سیگار را برای وی حرام مینمایند که شاید بدین کیفیت هلاك شود .

با وجود اینهمه نتوانسته بدین وسیله هلاکش کنند تا یکروز در غذایش سم ریختند ولی فرخی استنباط کرد و ازخوردن آن امتناع کرد باز دست ازسر او بر نداشتند و اورا بیمارستان بردند و در آنجا بطور اسرار آمیزی که تا کنون حقیقت وکیفیت آن تااندازه ای برنگارنده معلوم نشده بزندگی شاعر خاتمه دادند (گویا خرداد ۱۳۱۸) ولی رئیس زندان وقت (یاور نیرومند) بوسیله نامه شماره ۱۷۲۳۳ مورخه ۹ر۸ر۱۸ باداره آگاهی تاریخ مرك وعلت آنرا چنین اطلاع داده است محمد فرخی فرزند ابراهیم درتاریخ ۲۵ر۷ر۱۸ بمرض مالاریا و نفریت فوت کرده است) ازطرفی هم شنیده میشود که پزشك مجاز احمدی بوسیله آمپول هوابا کمك عده‌ای ویرا بقتل رسانیده است ولی تصور نمیکند این موضوع حقیقت داشته باشد آنقدر میتوان است که ویرا مسموم کرده باشند بچه کیفیت معلوم نیست . »

حسن آقای علوی ـ ازهمکاران مرحوم فرخی درنشر روزنامه طوفان که مدتی سمت مدیر داخلی روزنامه را داشته آقا حسن آقای علوی است . نامبرده تاسال ۱۳۰۷ شمسی درقید حیات بوده ودرسال مذکور درقزوین در موقع انجام ماموریت عدلیه وفات نموده است . فرخی بپاس خدمات آنمرحوم مجلس تذکر با شکوهی در اداره

روزنامه طوفان منعقد نموده و جمع زیادی در مجلس مذکور شرکت نمودند •

قرائت خانه طوفان - مرحوم فرخی علاوه بر اداره روزنامه طوفان قرائت خانه و کتابخانه ای نیز تاسیس و دائر کرده بود که همه روزه ازچهار قبل از ظهر تا ظهر وازچهار بعد از ظهر تا ساعت ۸ برای استفاد عموم دائر بوده‌است• محل‌قرائتخانه و کتابخانه‌مجاوراداره‌روزنامه‌بوده‌است•

(۷۸۲) طوفان هفتگی

یکی از جراید بسیار مفید وپرمغز زبان فارسی طوفان هفتگی است • بعقیده نگارنده همان مقام وموقعیتی را که طوفان‌یومیه ازلحاظ اشتمال برمقالات‌سیاسی و اجتماعی داراست ، طوفان هفتگی بعینه از جهت اشتمال برمقالات تاریخی ، ادبی و اشعار نغز دارد •

طوفان هفتگی بصاحب امتیازی و مدیری (فرخی) ودرسال اول با مساعدت (سید فخرالدین شادمان) درطهران تاسیس ودرسال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است • اولین شماره طوفان هفتگی که بدون مساعدت آقای شادمان ومستقلا بنام فرخی انتشار یافته شماره مورخ ۱۳ شهریور ماه ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۹ شهر ربیع الاول ۱۳۴۷ قمریست • طوفان هفتگی دراسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی مطابق شعبان ۱۳۴۶ قمری تاسیس وشماره اول آن درماه مذکور منتشر شده است • طرز انتشار آن هفتگی بوده وهمه هفته روزهای سه شنبه طبع و توزیع گردیده است • محل اداره آن : طهران • خیابان علاءالدوله و عنوان تلگرافی • طوفان است • بهای سالیانه طوفان ۱۰۰ قران شش ماهه ۵۵ قران • در ولایات خارجه اجرت پست اضافه‌میشود • تکشماره ۸شاهی

طوفان هفتگی نامه ادبی و اجتماعی معرفی شده مندرجات آن بقلم نویسندگان و شعرای مبرز آنزمان تهیه و تدوین گردیده است • ازکسانیکه مقالات واشعار زیاد از او چاپ شده آقای ملك‌الشعرای بهار است • از مقالات مهم ایشان یکی مقاله (شعر پهلویست) در شماره دوم • ودرهمین شماره (چکامه) در زیر تمثال استاد بزرگوار فردوسی طوسی ازآقای ملك‌الشعرای بهار درج است • این چکامه‌بمطلع زیر شروع میگردد :

سخن بزرك شود چون درست باشد و راست
کس از بزرك شد از گفته بزرك رواست

وختام آن شعر این است :

ز پخته کاری اغیار و خام طبعی قوم
چنان بسوخت دماغم که دود از آن بر خاست

چکامه مذکور را آقای ملك‌الشعرای بهار در سال (۱۳۰۰ شمسی) سروده‌اند

دیگر ازمقالات فاضلانه آقای بهار سلسله مقالاتی است که در چند شماره طوفان هفتگی تحت عنوان (نقاشی وتذهیب در ایران) چاپ شده و دریکی از همین شماره ها یعنی شماره ۱۱ است که این قصیده آقای بهار طبع گردیده است

ز تقوی عمر ضایع شد خوشا مستی و خودکامی
دل ازشهرت بتنك آمد ، زهی رندی و گمنامی
بآزادی و گمنامی و خودکامی برم حسرت
که فردوسی است آزادی و گمنامی و خودکامی •
ز عمر نوح کاندر محنت طوفان بپایان شد
بکیش من مبارك تر بود یك لحظه بدرامی

از آثار نغز آقای ملك‌الشعرای بهار (چکامه ایست در وصف درکه) که باین شعر شروع میشود : چون اوج گرفت مهر ازسرطان بگشاد تموز چون شیر دهان • از دانشمندانیکه آثار او در طوفان هفتگی زیاد دیده میشود مرحوم عبدالحسین هژیر است که در اغلب شماره ها تحت عنوان (ازهرچمن گلی) داستان ویا قسمتی ازآثار نویسندگان خارجی را ترجمه کرده است •

ازفضلائی که باز مقالاتشان درطوفان هفتگی زیاد است یکی (آقای میرزا اسماعیل خان یکانی) است که اغلب بجای سرمقاله گذاشته شده ومنجمله از مقالات ایشان مقاله (آیا کدامیك ازصنایع مستظرفه موثر تر است) ونیزمقالات (تاریخ‌صنعت) که درچند شماره مسلسل چاپ شده •

مرحوم کسروی وسید عبدالرحیم خلخالی و مهدی بهرامی نیز از نویسندگان طوفان هفتگی بشمارند • نویسنده اخیر مقالات مسلسلی تحت عنوان (خرابه های شهر ری) درباره تاریخ جغرافیائی این شهر نوشته است •

آقای عمیدی ازنویسندگانی است که مقالات اجتماعی در روزنامه زیاد نوشته است ومنجمله ازمقالات ایشان مقالات مسلسلی است تحت عنوان (کلید علوم اجتماعی — چگونه باید دراعمال اجتماعی مطالعه کرد ؟)

آقای طاهر زاده بهزاد نیز مقالاتی تحت عنوان (معماری در مملکت) نوشته است آقای رسام ارژنگی نیز مقالاتی بعنوان (صنایع مستظرفه درایران) دارد • مخصوصا مقالات ایشان راجع بصحافی وجلد سازی درایران قابل توجه است ابوالقاسم سحاب نیز چندمقاله‌راجع‌به (ایوان کسری) نوشته است ، علی جواهرالکلام‌وع‌خسرو پور نیز کم وبیش مقالاتی درطوفان هفتگی دارند •

بغیر از اشعار آقای ملك‌الشعرای بهار وسرمد ، وفرخی وادیب‌الممالك ، از شعرای گذشته نیز مانند نشاط مرحوم شیخ‌الرئیس قاجار هدایت طبرستانی ها تف ، فروغی بسطامی ؛ وحشی بافقی آذربیگدلی وامثال‌اینها ، اشعاری چاپ شده است • اگر بخواهیم فهرست تمام مقالات واشعار طوفان را نقل کنیم کتاب طولانی میشود بهترآنست برای استفاده ازمقالات ادبی ، تاریخی ، اجتماعی روزنامه باصل شمارهٔ های آن مراجعه شود • رویهمرفته طوفان هفتگی ازحیث مطلب‌وچاپ وکاغذ از بهترین روزنامه‌های‌هفتگی است که‌تاکنون درایران منتشر شده و شاید ازلحاظ تنوع مقالات بهتر ازنوبهار باشد •

گاهی اخبارمجلس واخبارکشور بمندرجات طوفان هفتگی افزوده میگردد و در این قسمت مطالب باکمال اختصار نوشته شده‌است• صفحه هشتم که صفحه آخرروزنامه

میباشد معمولا اختصاص بدرج اعلانات دارد .

آخرین شماره که نگارنده از طوفان هفتگی دردست دارد شماره ۲۳ سال دوم که شماره مسلسل ۱۳۳ و مورخ بتاریخ سه شنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۰۷ است . سر مقاله این شماره بعنوان (مقاله بی اساس) و بقلم (سید فخرالدین شادمان) است. قطع وسبك روزنامه مانند شماره های سابق است .

(۷۸۳) طهران

روزنامه طهران بمدیری و صاحب امتیازی (حاجی میرزا حسن تبریزی ملقب رشدیه) در طهران تاسیس ودرسال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است . شماره اول روزنامه طهران در تاریخ ۷ ربیع‌الاول سال مذکور انتشار یافته وطرز انتشار آن یکروز درمیان بوده است. هرشماره آن درچهار صفحه بقطع ٦ و سه چهارم در یازده و سه چهارم اینچ است . وجه اشتراك سالیانه روزنامه درطهران ۱۲ قران ، در سایر شهرهای ایران ۱۷ قران . در خارج ایران چهار منات . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۷) مینویسد من شماره دوم و چهارم روزنامه را دردست‌دارم.

حاج میرزا حسن رشدیه - مدیر وموسس روزنامه طهران حاج میرزا حسن تبریزی ملقب برشدیه معروف است که درحق او نوشته اند : (نخستین وجودیکه‌مکتب گشود ✿ بایران زمین شخص رشدیه بود) در شماره ۱۰ سال چهاردهم مجله آموزش و پرورش مورخ دیماه ۱۳۲۳ شمسی بمناسبت فوت رشدیه عکس آنمرحوم را درلباس عمامه روی جلد مجله طبع نموده وشرح احوال اورا تحت عنوان (رشدیه پیر معارف) ذکر کرده است . ذیلا این شرح بعینه نقل میشود :

« حاج میرزا حسن رشدیه در ۱۲٦۷ هجری در تبریز متولد شده در آغاز جوانی برای فرا گرفتن روش تعلیم ببیروت مسافرت کرده وپس ازسه سال با موفقیت بایروان بازگشته و درآنجا مطابق اصول تعلیم جدید دستانی بنام (رشدیه) تاسیس نموده است . بعد ازچندی که بایران آمده درتبریز چند بار بتاسیس دبستان اقدام کرده ولی هربار با مخالفت گروهی رو برو و دستانش منحل شده است وقتیکه محل‌یکی از دبستانهای او در مسجد مخروبه ای (مسجد شیخ‌الاسلام) بوده اتفاقا روزی ولیعهد زمان (مرحوم مظفرالدین شاه) در مراجعت ازشکار بعزم خواندن نماز بدان مسجد می رود واوای دلنواز کودکان فرشته مانند که بدرس خواندن مشغول بوده اند توجهش را جلب میکند ؛ کودکانرا مینوازد و رشدیه را مورد لطف قرار میدهد .

زمانیکه مظفرالدین شاه در طهران بپادشاهی مینشیند رشدیه نیز بمرکز میآید و با حمایت شاه مدرسه (رشدیه) را در ۱۳۱۵ هجری تاسیس میکند . در این عصر که آغاز ظهور مشروطیت است طبیعی است که شخصی مانند رشدیه نمیتواند آرام بنشیند . با آزادیخواهان همفکری و همکاری میکند . با مستبدین پنجه در پنجه می افکند . روزنامه می نویسد . بکلات تهدید میشود . رنجها میبرد اما هیچگاه رشته کار اساسی خودرا که تعلیم وتربیت است از دست نمیدهد . استقرار مشروطیت و

آرامشی که بعد از آن سالهای پرآشوب در کشور پدید آمد برشدیه مجال داد که بخدمت وزارت معارف درآید و با تمام همت بتعلیم و تالیف کتابهای دبستانی بپردازد تالیفات رشدیه به ۲۷ جلد میرسد که از آنجمله است : بدایه‌التعلیم ؛ کفایه التعلیم ، نهایه‌التعلیم و دیگر کتابی است موسوم بصد درس که بیشتر مردمان تحصیل کرده این عصر درمدارس ابتدائی خوانده اند وشاید نخستین درس آنرا بخاطر داشته باشند از سال ۱۳۰۵ شمسی رشدیه درقم اقامت گزید و دوران پیری را درآنجا گذراند و تا آخرین روز عمر از دبستان پای نکشید وازکار تعلیم وتربیت نوباوگان دست بر نداشت . وفات او دردیماه ۱۳۲۳ شمسی در ۹۷ سالگی اتفاق افتاد رحمت‌الله‌علیه .»

پس از شرح مذکور ، شرح حال مرحوم رشدیه بقلم خودش بضمیمه گراورنامه ای که آنمرحوم بمدیر مجله نوشته چاپ شده است . برای اطلاع از آن باصل مجله آموزش و پرورش مراجعه شود . درشماره اول سال هفتم چهره نما منطبعه مصرمورخ اول محرم ۱۳۲۸ قمری در زیر عکسیکه ازمرحوم رشدیه چاپ کرده مینویسد : «اولین موسس مدارس جدیده ایران یگانه عالم وطن‌خواه غیور حاج میرزا محمد حسن رشدیه تبریزی .» پس ازآن شرحی بدینقرار نوشته است : « اواخر صدارت امین السلطان رشدیه در طهران درصدد تعمیم معارف ومدارس برآمد وخودرا بآتش استبداد امین السلطان میسوزانید وبمناسبت ارادت آشکارانه بامین‌الدوله بیشتر زحمت میدید پس‌از عزل امین‌السلطان و صدارت عین‌الدوله درصدد افتتاح مدرسه شبانه روزی بجهت ایتام بود . عین‌الدوله بجرم مشروطه طلبی گرفتار وبکلاتش فرستادند . (شرح گرفتاری و تبعید مرحوم رشدیه بکلات باتفاق مجدالاسلام‌درذیل روزنامه ندای وطن ذکر خواهدشد خوانندگان گرام بآنجا مراجعه فرمایند . مولف) پس از عزل عین الدوله و صدارت مشیرالدوله از حکومت خراسان ویرا خواستند وبا احترام بمشهد آمدند باز درفکر مدرسه بودند و تلگرافات مفصل کردند اولیای امور موافقت نکردند بروسیه‌درتمرخان شوره خدمت استاد کل جناب طالب بوف رفتند ومدتی آنجا بودند پس از ماه و مضان ۱۳۲٤ طهران رفتند و در ربیع ۱۳۲۵ که گمنام بسیاحت ایران رفته بودم (منظور مدیر چهره نماست که این شرح را نوشته است . مولف) درطهران مکرر خدمتشان رسیدم .» لازم است یاد آور شویم که درشماره اول سال پنجم چهره نما ؛ درفهرست جراید منتشر در ایران . علاوه بر روزنامه طهران که بمدیری رشدیه ضبط کرده روز نامه دیگری نیز بنام (مکتب) بانمرحوم نسبت داده ونوشته است که بمدیری رشدیه منتشر شده‌است .

(۷۸٤) طهران‌مصور

مجله طهران مصور بصاحب امتیازی « ع . نعمت » درطهران تاسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است . طهران مصور معمولا در ۱٦ صفحه بقطع وزیری بزرگ ، هفته یکبار ؛ روزهای شنبه طبع وشماره دوم سال اول آن در تاریخ شنبه ۲۳ آذر ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است . محل اداره مجله : طهران

لاله زار • کوچه حاجی باقر صراف • قیمت اشتراك آن • داخله سالیانه ۲۵ قران شش ماهه ۱۳ قران و خارجه ۳ دولار و ۲ دولار • تکشماره دهشاهی • قیمت اعلانات بغیر از صفحه اول سطری سه قران است •

شعار مجله که روی جلد آن چاپ شده تصویر خرابه های طاق کسری ودر بالای آن اسم روزنامه (طهران مصور) و درطرف راست کلمه « تاسیس » و درطرف چپ سال تاسیس « ۱۳۰۸ » طبع گردیده مندرجات مجله عبارت است از مقالات مختلف اجتماعی و تاریخی و فکاهی واخبار داخله و پاورقی مجله رمان (اسرار لاله زار)است. در شماره دوم سال اول مقاله بقلم آقای سعید نفیسی و نیز مقاله بقلم حبیب‌الله صحیحی بعنوان (هفته نسوان) درج است • مجله طهران مصور ازحیث طبع و کاغذ زیبا و مرغوب نیست ولی از حیث مندرجات مجله مفید و سودمندیست • طهران مصور بوضع مذکور مدتی منتشر میشده و بعدا تعطیل گردیده و مجددا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ بمدیری مرحوم (احمد ـ دهقان) بوضع مطلوبی منتشر شده است • ازدوره جدید طهران مصور : در ذیل کتاب تاریخ جراید ومجلات ایران بتفصیل گفتگو خواهیم کرد در اینجا همین قدر یاد آور میشویم که طهران مصور هنگامیکه بمدیری احمد دهقان منتشر میشد یکی از بهترین مجلات هفتگی طهران بود وازلحاظ مبارزه های شدیدی که مدیر آن با توده ایها میکرد آنرا در صف اول روزنامه های مبارز قرار داده بود • مقالات و داستانهای تاریخی واخبار زره بینی طهران مصور قابل استفاده برای عموم بود بقسمیکه تیراژ مجله بچند هزار میرسید • این وضع تا موقعیکه احمد دهقان بقتل رسید ادامه داشت و پس از آن هم بمدیری مهندس والا که قبلا مدیریت داخلی مجله را داشت باز منتشر میشد و تا حین تحریر این قسمت هنوز طهران مصور منتشر میگردد •

(حرف الظاء)

(۷۸٤) ظریف

روزنامه فکاهی ومصور ظریف درشیراز بمدیری آقای (حاج‌میرزااحمد کاشف) تاسیس ودرسال ۱۳۰٤ شمسی منتشر شده است‌شورایعالی فرهنك امتیازظریف‌رابمدیری «حاج میرزااحمدکاشف‌شیرازی)درتاریخ۱٤ دیماه۱۳۰٤ تصویب نموده وبنابراین انتشار روزنامه‌دراواخرسال‌مذکور بوده‌است• شماره ٥٤سال پنجم‌روزنامه در چهار صفحه‌بقطع بزرك درمطبعه سنگی « سعادت » طبع و در تاریخ نهم آذر ماه ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۳۰ جمادی الثانی ۱۳٤۹ قمری انتشار یافته • در شماره های نمونه اسمی ازطرز انتشار روزنامه نیست ومعلوم میشود ظریف غیر مرتب منتشر ولی در هر شماره نمره مسلسل روزنامه چاپ شده است • نمره مسلسل شماره ٥٤ سال پنجم ۲۷۱ است وازاین رو معلوم میگردد که روزنامه درطول مدت پنج سال بیش از ۲۷۱ شماره منتشر نشده است وحکایت از مرتب نبودن انتشار روزنامه مینماید •

محل اداره : شیراز • خیابان زند • عمارت موقانی گارا ژ سر بی • قیمت

اشتراك روزنامه بدینقرار است : داخله ۳۵ قران • خارجه ٤٠ قران • بمعلمین ومحصلین وکسبه بی بضاعت یکتومان تخفیف داده میشود • تکشماره شش شاهی • سر لوحه روزنامه تصویر مردقطوروبزرگیست که روی صندلی نشسته وصفحه ای که روی آن «ظریف» نوشته در دست دارد ظریف در ابتدای تاسیس روزنامه بذله سرا وکمیك بوده و از این جهت در فارس خیلی خواننده داشته است • روزنامه حریف چاپ شیراز در شماره اول سال اول خود مورخ ۱۳ تیرماه ۱۳۰٦ درسرمقاله خود تحت عنوان « یکی بود و یکی نبود » راجع بظریف اینطور مینویسد : « ظریفی بود که باچهره خندان و لبان متبسم وشادان وقیافه محبوب وشوخ وبخصوص با آن دماغ قلمی قشنك برای تنبه خائنین و راهنمای مردمان گمراه و بیسواد تازیانه ظریف ولطیفی را بدست گرفته یکسال ونیم قبل قدم بمیدان گذاشت وبلباس شوخی و مزاح ولطیفه گوئی برای خدمت گذاری مردم بازاری وارد صحنه شد • گفت آنچه گفت وکرد آنچه کرد • حقیقتاخوب گفت وخوب کرد •••• خدماتیکه ظریف بساکنین دوردست وبدبخت قصبجات ودهات فارس نموده هیچ عاملی ازاوایل مشروطیت تا بحال ننموده است دراینصورت کیست که بتواند این حقایق را تصدیق ننموده وبخوبی و مفید بودن این جریده مهم فارس اذعان نکند • کیست که منکر نورآفتاب بشود •••» روزنامه ظریف باوصف مذکور پس از مدتی تبدیل بیك روزنامه خشك خبری شده ومنجمله مندرجات شماره ۹ آذر ماه ۱۳۰۹ شمسی آن عبارت است ازیك سرمقاله بعنوان « نمایش کودکستان » یك غزل از آثار انجمن ادبی فارس • تاسیس کلاس اکابر زنانه درمحلات ، قانون میزی، مقاله اصلاحات صحی وبلدی «ترجمه» وچند اعلان • وباینجا جلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خاتمه پیدا کرده و امید است عن قریب جلد چهارم که آخرین مجلد کتاب است در دسترس علاقه مندان قرار بگیرد •

پایان جلد سوم

انتشارات کمال، اصفهان ـ خیابان خاقانی، تلفن ۴۲۶۰۷
تاریخ جرائد و مطبوعات ایران (جلد سوم)
تألیف محمد ـ صدر هاشمی
چاپ اول: ۱۳۲۹
چاپ دوم: ۱۳۶۴
تیراژ: چهار هزار جلد
لیتوگرافی: پیچاز
چاپ: رنگارنگ
همهٔ حقوق محفوظ است.

انتشارات کال

کتابستان
@ketabestaneman